

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

نشریه علمی - ترویجی

دانشگاه جامع امام حسین (ع)

دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

معاونت پژوهش

سال دهم، شماره ۶۷، تابستان و پاییز ۱۳۹۰

درجه علمی فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی،
براساس مجوز شماره ۳/۲۳۳۳۹۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ کمیسیون
بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - ترویجی،
مورد تأیید قرار گرفته است.

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

نشریه معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین^(ع) دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

مدیر مسئول: عباس نیلفروشان

سر دبیر: دکتر محمد باقر بابائی طلائی

دبیر تحریریه: غلامحسین سجادی فر

مدیر اجرایی: رضا رخصت طلب

اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر محمدباقر بابائی دانشیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)
دکتر محمد بیگلری استادیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)
دکتر محمد رضا خراشادی زاده استادیار دانشگاه دفاع ملی
دکتر محمد جواد سبحانی فر دانشیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)
دکتر عباسعلی سلمانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)
دکتر محمد رضا شمس دولت آبادی استادیار دانشگاه دفاع ملی
دکتر اسماعیل کاوسی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر قدیر نظامی استادیار دانشگاه دفاع ملی

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

محمدباقر بابائی، محمد بیگلری، رضا رخصت طلب، محمدجواد سبحانی فر
غلامحسین سجادی فر، مجتبی شربتی، داود علمایی، سعید کافی، اکبر علی بابایی، سعید علی مدد

ویراستار: رضا رخصت طلب

حروفچین و صفحه‌آرا: حسن سلیمانی

طراح جلد: میثم دشتی

ناظر چاپ: جلال زرنگ‌ثانی

چاپ: چاپخانه سپاه

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

دفتر فصلنامه: تلفن ۷۷۱۰۵۷۵۸ دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۳۲ صندوق پستی: ۶۷۳ - ۱۶۵۳۵

نشانی: تهران، بزرگراه شهیدبابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین^(ع) - ساختمان شهید همت - دانشکده و پژوهشکده دفاعی - معاونت پژوهش

<http://www.rdef.ihu.ac.ir>

E-Mail: babae@ihu.ac.ir

کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی برای معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده دفاعی محفوظ است.

مطالب مندرج در فصلنامه به منظور اطلاع‌رسانی به دانش‌جویان و دانش‌پژوهان گرامی تهیه می‌شود و لزوماً منعکس‌کننده‌ی دیدگاه‌های دانشکده و پژوهشکده دفاعی نیست.

شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی و پژوهشی برای چاپ در فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

- ۱ - مقاله باید دستاورد پژوهش علمی نگارنده و برخوردار از مختصات روش‌شناختی و سامان‌یافته، در ارائه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
- ۲ - پذیرش مقاله برای چاپ به عهده‌ی هیأت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن خواهد بود. در عین حال، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی در ویرایش مندرجات مقاله آزاد است.
- ۳ - مقاله حداکثر در **۲۵ صفحه‌ی چاپی** و بر یک **روی کاغذ A4** با لوح فشرده در **نرم‌افزار Word نسخه‌ی ۲۰۰۳ به بعد**، همراه اصل مقاله ارسال گردد.
- ۴ - مقاله ارسالی باید دارای ساختار مقالات علمی - ترویجی و با رعایت شرایط ذیل باشد:
 - ۴-۱ - مقاله ارسالی باید دارای عنوان، چکیده (حداکثر ده سطر)، کلیدواژگان (سه الی پنج کلید واژه)، مقدمه، متن، نتیجه‌گیری، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع طبق راهنمای نحوه‌ی ارائه‌ی مقاله‌های علمی در انتهای توضیحات زیر، باشد.
 - ۴-۲ - مقاله باید برخوردار از عنوان دقیق علمی متناسب با محتوا، رسا و مختصر باشد.
 - ۴-۳ - مقدمه‌ی مقاله محل طرح و بیان نظری موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد موضوع مسأله مورد پژوهش و بیان منظور پژوهشگر از طرح و انتشار آن است.
 - ۴-۴ - نتیجه‌گیری: در پایان مقاله، می‌بایست نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه، که روش‌نگر بحث و نتیجه‌گیری باشد، ارائه گردد.
 - ۴-۵ - منابع مورد استفاده: تمام منابع مورد استفاده در متن، بایستی در فهرست منابع پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا آورده شود. در نگارش ارجاعات مربوط به منابع در داخل متن، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه‌ی مورد استفاده بدین شکل (اسمیت، ۲۰۰۱، ص ۲۲) یا (Smith, 2001, p. 22) نگاشته می‌شود.
- در مواردی که تعداد نویسنده بیش‌تر از یک نفر باشد، ذکر منبع بدین صورت خواهد بود (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۲۲) و یا (Smith, et.al, 2001, p. 22). برای ارجاع به منابع اینترنتی

بدین شکل (www.smith,2001) نگاشته می‌شود. در نگارش متن، معادل لاتین اسامی افراد یا اصطلاحات و واژه‌های ضروری با شماره ارجاع در پاورقی هر صفحه آورده می‌شود.

۴-۶ - ترتیب شناسه‌های کتاب‌شناختی در صفحه‌ی فهرست در مورد مقاله، کتاب، گزارش و سایر مراجع به شرح ذیل است:

- مقاله‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره و صفحات مقاله.
 - کتاب‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح. محل انتشار: نام ناشر.
 - منابع اینترنتی: نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان متن، نام سایت یا صفحه‌ی اینترنتی >نشانی دسترسی<، (تاریخ مشاهده).

۴-۷ - خلاصه‌ی انگلیسی (۲۰-۱۵ سطر) باید همراه مقاله با مشخصات کامل نویسنده

عنوان	نوع قلم	عنوان	نوع قلم
عنوان مقاله با (تیترا ۱)	B Titr 16 Bold	متن چکیده و کلید واژگان	B Lotus 11 Italic
عنوان چکیده، کلید واژگان، مقدمه و نتیجه‌گیری با (تیترا ۲)	B Zar 12 Bold	متن پانویس فارسی	B Lotus 10
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۲ با (تیترا ۳)	B Zar 11 Bold	متن پانویس انگلیسی	Roman 9
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۳ با (تیترا ۴)	B Lotus 11 Bold	متن مقاله	B Lotus 13
تیترا جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیترا جدول و نمودارها باید بالای آنها در وسط ذکر شود).	B Lotus 11 Bold	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی	B Lotus 10
		ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی	Roman 9

جدول ۱: مشخصات قلم‌های مورد استفاده در نگارش مقاله

سخن سردبیر

جنگ از پدیده‌های نامیمون زندگی بشری است که عوامل متعددی در خیزش، تداوم و پیروزی آن اثرگذار می‌باشد. عدم پایبندی به اصول انسانی و رعایت قوانین و مقررات برخاسته از فطرت پاک بشری از مهمترین و شاید اصلی‌ترین عامل خیزش وقایع دل‌خراش جنگ‌ها و پیامدهای ناشی از آن می‌باشد. که موجبات تعجب فرشتگان در انتخاب انسان به جانشینی و استخلاف در زمین گردید. (قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰) صحنه گردان اصلی این عرصه شیطان می‌باشد او مهمترین وسوسه‌گر خیزش و شکل‌گیری جنگ‌ها است که در ادوار مختلف با تجمیع نیروها و تحریک پیروان به انحراف و درگیری انسان‌ها دامن می‌زند و تاریخ زندگی او را مملو از سختی، خشونت، ناراحتی و ظلم و تعدی به حقوق دیگران کرده است. واقعاً جای تعجب است که چرا انسان به گفتار و توصیه‌های خالق خویش توجه نکرده ولی تابع دشمن دیرینه خود شده و او را مقتدای خویش می‌سازد؟!

پیروزی بر دشمن دیرینه در عرصه‌های سخت و نرم نیازمند شناخت طرح‌های او و پیش‌دستی در عملیات‌ها و آفند با صبغه و حیانی و انسانی است. آشنایی با سبک فرماندهی فرماندهانی که در این میدان به پیروزی رسیده‌اند و یا شکست خورده‌اند با تحلیل ایجابی و سلبی از آنها می‌تواند ره آورد آموزه‌ها و راهبردهایی باشد که او را در مبارزه کمک نماید. در کنار تحلیل نظری توجه به تحلیل‌های وضعیتی و موقعیتی و درک صحیح نقاط قوت و ضعف و بهره‌گیری از نقاط قوت و فرصت‌های پیش آمده زمینه‌های پیروزی را فراهم می‌کند. این الگو با مطالعه موردی و تحلیل‌های منطقه‌ای از سیاست‌های فصلنامه می‌باشد.

بیداری اسلامی در جهان اسلام و تغییر نظام حکومتی کشورهای مصر، لیبی، تونس بی‌شک نمی‌تواند خالی از توطئه دشمنانی باشد که تا دیروز این کشورها را عرصه تاخت و تاز قدرت‌های دست نشانده قرار داده و منافع بی‌شمار مردم را چپاول کرده و به جیب افراد معدود واریز می‌کرد. حوادث و رخداد‌های ایجاد شده در این کشورها از نشانه‌های این دسیسه‌ها می‌باشد. کشور سوریه که امروزه مورد تهدید بعضی کشورهای عربی و غربی واقع شده و اجلاس‌های مختلف برای تحریک مخالفین و تروریست‌ها

می‌کنند و دلارهای زیادی برای حمایت از آنها تخصیص می‌دهند، نشان از فتنه دیگری است که در جبهه حزب الله و فلسطین و تزلزل در خط مقاومت صورت می‌گیرد. دشمن که در رویارویی با آنها به بن‌بست رسیده است درصدد وارد کردن ضربه از ناحیه پشتیبان است، خط مقاومت و پشتیبانی از ایران اسلامی شروع و به کرانه باختری ختم می‌شود و شامل کشورهای مختلفی می‌شود. نقش سوریه در خط مقاومت از اهمیت خاصی برخوردار است و به خوبی دشمن به این اهمیت پی برده است و تلاش دارد با ایجاد تزلزل در حاکمیت سوریه و ایجاد تغییرات در آن خط مقاومت را قطع و یا حداقل متزلزل نمایند. مطالعه نظری و تحلیل ایجابی و سلبی موارد مشابه گویایی این است که می‌توان با بهره‌گیری از موارد زیر به نتایج مورد نظر دست یافت:

- ۱- اتحاد مردم حول محور رهبری و اتفاق در مشروعیت نظام؛
- ۲- حمایت از مردم و توجه به خواسته های قانونی آنها؛
- ۳- ایجاد فضایی لازم برای مشارکت عمومی در طرح‌های دولتی؛
- ۴- عدم توجه به تبلیغات دشمنان و اهتمام به سرمایه اجتماعی و باورهای داخلی؛
- ۵- حمایت جدی کشورهای خط مقدم از سوریه؛
- ۶- فشار سیاسی و بین الملل به کشورهای مخالف خط مقاومت مانند تحریم خرید محصولات آنها؛

دکتر محمد باقر بابائی

فهرست

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی، سال دهم، شماره ۶۷، تابستان و پاییز ۱۳۹۰

- | | | |
|-----|-----------------------------------|---|
| ۱ | دکتر محمدباقر بابائی (طلاتپه) | * تحلیلی بر خاستگاه سبک فرماندهی در فرهنگ علوی |
| ۴۱ | ابوالفضل امیری | * بررسی میزان اثربخشی عملکرد بسیجیان شمال تهران در مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر مردم و بسیجیان |
| ۸۱ | محمد رضا نیل‌ه‌چی / محسن کریمی | * نقش عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان |
| ۱۰۳ | علی رضا نوری / علی مولوی حقیقی | * بررسی نقش اهل سنت تا بیاد در برقراری امنیت این شهرستان و ارائه راه کار مناسب (از دیدگاه مدیران مربوطه) |
| ۱۲۷ | محسن گودرزی | * بررسی و شناخت روش‌های کشف و مقابله با موشک راهبردی کروژ تام هاوک |
| ۱۵۹ | اسماعیل خان احمدی / احسان کبیریان | * بررسی ابعاد جنگ اطلاعات در عصر اطلاعات |
| ۱۹۳ | محمد رضا بشارتی / مهدی چهارپاشلو | * بررسی اندیشه دفاعی دوران صدر اسلام با تأکید بر اندیشه دفاعی پیامبر اعظم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) |
| 1-7 | داوود علمایی کوپایی | * ترجمه چکیده مقالات به انگلیسی |

تحلیلی بر خاستگاه سبک فرماندهی در فرهنگ علوی

دکتر محمدباقر بابائی (طلا تپه)^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۲

چکیده

سبک فرماندهی به دو عامل فکری و ارزشی فرهنگی فرماندهان برمی‌گردد و برای شناخت سبک فرماندهی به روش مهندسی معکوس این دو عامل و عناصر اثرگذار آن مورد مطالعه قرار گرفته و مدل و سبک مورد نظر بعد از تحلیل، استخراج و ارائه می‌گردد. خاستگاه اندیشه‌ای و فکری و ارزشی امام‌علی^(ع) از دو عامل جامعه متأثر بودند:

۱- وضعیت فرهنگی و اجتماعی آن دوره ظرفی است که افکار و اندیشه‌های امام^(ع) در آن به نمایش گذاشته شد، و به طور طبیعی شرایط محیط فرهنگی و اجتماعی در بروز و تداعی آن اثرگذار بوده‌اند.

۲- عرصه سخت و نرم: حوزه‌های سخت و نرم به طبع خصوصیات و ویژگی‌هایی که دارد رفتارهای خاصی را می‌طلبد که به طور طبیعی فهم تفاوت این حوزه‌ها و عناصر و ویژگی‌های آن در فهم سبک فرماندهی امام^(ع) در حوزه‌ها و عرصه‌های تهدیدات سخت و نرم موثر خواهد بود. در این مقاله این دو خاستگاه بازکاوی شده است تا بستر لازم برای ارائه سبک فرماندهی تهدیدات سخت و نرم در فرهنگ علوی فراهم شود که در شماره‌های بعد ارائه خواهد شد.

کلید واژه‌ها: فرهنگ علوی، فرماندهی، تهدیدات نرم، قدرت نرم، تهدیدات سخت

۱ - دانش‌یار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)

مقدمه

اولین و شاید مهم‌ترین عامل اثرگذار در سطح فکر و ارزش‌های افراد فضا، محیط و افرادی است که در شکل‌گیری شخصیت اثرگذار بوده‌اند. به یقین مطالعه همه جانبه این عوامل سخت و شاید محال باشد، چراکه تصویر فضای گذشته در حال خیلی سخت و در حد محال است به‌خصوص در مورد افرادی چون امیرالمؤمنین^(ع) که از یک روح وسیع و همه جانبه و چند بعدی برخوردار بوده و همواره به این خصلت ستایش شده‌اند. چرا که او زمامداری است عادل، عابدی است شب زنده‌دار، در محراب عبادت گریان و در میدان نبرد خندان است، سربازی است خشن و سرپرستی است مهربان و رقیق‌القلب، حکیمی است ژرف‌اندیش، فرماندهی است لایق. او، هم معلم است و هم خطیب و هم قاضی و هم مفتی و هم کشاورز و هم نویسنده. او انسان کامل است و بر همه دنیا‌های روحی بشریت محیط است. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۷۴)

با این حال برای درک بهتر سبک فرماندهی ایشان چاره‌ای جز مراجعه به تاریخ زندگی و بررسی وضعیت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی ایشان نداریم.

وضعیت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی زندگانی امیرالمؤمنین^(ع)

این موقعیت و وضعیت را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد:

دوره‌ی تولد امام^(ع) تا وفات پیامبر^(ص)

این دوره روشن‌تر از آن است که نیاز به گفتن داشته باشد. به همین اندازه اشاره می‌کنیم که، امام^(ع) در دامن حضرت رسول^(ص) بزرگ شدند. پیامبر^(ص) ایشان را در اتاق خویش می‌نشاند و در آغوش می‌گرفت و در بستر مخصوص خود می‌خوابانید، بدنش را به بدن ایشان می‌چسباند و گاهی غذایی را لقمه‌لقمه کرده و در دهان ایشان قرار می‌داد. امام^(ع) همچون فرزندی که همراه مادر است، همواره با پیامبر^(ص) بود. پیامبر^(ص) هر روز نشانه‌ی تازه از اخلاق نیکو برای ایشان آشکار می‌نمود و به ایشان می‌فرمود که به حضرت^(ص) اقتدا کند. مدتی که پیامبر^(ص) در غار حرا بسر می‌برد، کسی جز ایشان پیامبر را نمی‌دید و اولین مردی بود که به پیامبر^(ص) ایمان آورد. ایشان بوی نبوت را استشمام می‌کرد و هنگام وحی بر پیامبر^(ص) بر ایشان حاضر، ناله‌ی شیطان را می‌شنید،

به طوری که حضرت^(ص) به دنبال سؤال ایشان فرمود: «أَنْتَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، أَلَا أَنْتَ كَسْتَبَيْبِي وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَأَنْتَ لَعَلِي خَيْرٌ.» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲)

از این رو در حقانیت خویش می فرمود:

«هیچ کس پیش از من در پذیرش دعوت حق شتاب نداشت.» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۶)
در طول مبارزات پیامبر^(ص) با مشرکین، در رکاب پیامبر^(ص) بود و در این مدت علی رغم مبارزه با خویشان، سستی در ایمانش ایجاد نشد، بلکه همواره بر ایمان و تسلیم ایشان افزوده شد و در جاده‌ی وسیع حق، صبر و بردباری در برابر ناگواری‌ها و جهاد علیه دشمن ثابت قدم ماند. تا آنجاکه فرمود:

«خداوند خواری و ذلت را بر دشمنان ما نازل و پیروزی را به ما عنایت فرمود، تا آنجا که اسلام استحکام یافته، فراگیر شد و در سرزمین‌های پهناور نفوذ کرد.» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۶) «... و در این مدت به خدا سوگند من از پیشنان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تارومار شد و من هرگز ناتوان نشدم و نترسیدم.» (نهج البلاغه، خطبه

۳۳)

با وجود علاقه و توجه بی‌شائبه پیامبر^(ص) به امیرالمؤمنین^(ع) در خانه پیامبر کسی بود که کینه و دشمنی عجیبی در تاریخ از او به امیرالمؤمنین علی^(ع) نقل شده و به ثبت رسیده است و حوادث ناگواری در تاریخ از خود به جا گذاشته است. شاید بتوان گفت کینه عایشه به حضرت زهرا^(س) و امیرالمؤمنین^(ع) که بعد از ازدواج و تولد امام حسن^(ع) به اوج خود رسید از بارزترین صحنه‌های مخالفت اندرونی خانواده پیامبر^(ص) با ایشان می‌باشد چرا که به اقرار خودش که در شب اول ازدواج در منزل سوده از زنان پیامبر^(ص) صورت گرفته است با نیت پیشوایی و قدرت بر شرق و غرب از ناحیه فرزندی بود که حاصل این ازدواج خواهد بود، که نشد، تن به ازدواج با پیامبر داده بود. (علامه حائری، ۱۳۷۷، ص ۷۰) شدت این کینه و حقد را می‌توان در عرصه‌های مختلف دید. برای نمونه وقتی شنید پیامبر^(ص) از میان مردم با علی^(ع) پیوند برادری بسته است گفت:

«اگر آسمان به زمین فرود آید نمی‌گذارم که بیعت مردم با علی^(ع) به فرجام برسد.» (همان، ۶۸) عایشه در فکر فرمانروایی و برنامه‌ریزی برای تحقق آن بود و همیشه طوری

رفتار می‌کرد که اگر صاحب پسری شد از احترام لازم برخوردار باشد و مهاجر و انصار و بزرگان قبایل عرب حسابی جدا از حساب سایر زنان پیامبر برایش باز کنند و تحت جاذبه‌ی نیروی معنوی او باشند، و وقتی دانست که نمی‌تواند صاحب فرزند شود، به شدت دشمنی با امیرالمؤمنین^(ع) افزود. (عسکری، ۱۳۷۱، ص ۹۹) همواره بر این اندیشه بود که بعد از رحلت رسول خدا^(ص) زمینه‌ای فراهم کند تا از مردان خاندان او کسی به جانشینی پیامبر^(ص) برگزیده شود، و در نهایت با هم کاری پنهان حفصه دختر خلیفه دوم، زمینه‌ی خلافت پدرش را قبل از وفات پیامبر^(ص) با طرح نماز خواندن ابوبکر و عمر به جای پیامبر^(ص) شروع کرد. در نخستین شب رحلت رسول خدا^(ص) سران اوس و خزرج را در سقیفه بنی‌ساعده جمع کرد و ابوبکر را لشکر اسامه فراخواند و به همراه عمر راهی آنجا ساخت و مردان بنی‌هاشم را مشغول تغسیل و تکفین پیامبر^(ص) نمود و عمر به همراه یارانش و برنامه‌ریزی عایشه مقدمات استیلای ابوبکر را برای خلافت فراهم ساخت. (همان، ص ۱۰۰)

دوره‌ی وفات پیامبر^(ص) تا زمام‌داری امام‌علی^(ع)

این دوره با وفات پیامبر^(ص) و ماجرای سقیفه و برنامه‌ریزی عایشه ام‌المؤمنین برای خلافت پدرش و عمر آغاز می‌شود و با جعل احادیثی که موجبات استحکام خلافت خلیفه اول و دوم را به همراه داشت، ادامه می‌یابد. برای نمونه در صحیح مسلم به نقل از او آمده است که رسول خدا^(ص) در بستر بیماری از عایشه می‌خواهد که پدر و برادرش را فراخواند تا وصیتی در شایستگی ابوبکر برای خلافت بعد از خودش بنویسد تا موجبات طمع و اختلاف دیگران نشود. (حائری، ص ۷۶) این وضعیت در محیط مدینه با خود محیطی خفقان‌زا و تاریکی را ایجاد کرده بود و مردم را از اخلاق، سنت نبوی و تربیت دینی فاصله انداخته و موجبات پذیرش تمدن سرمایه‌داری و طبقاتی عثمانی را به عنوان مکتب و شیوه جدید فراهم کرده بود. (علامه، همان، ص ۲۶) و تا زمانی که عثمان حرمت و احترام عایشه را پاس می‌داشت، و از خلافت به او می‌رسید، عایشه از دستگاه خلافت به توصیه عمر حمایت می‌کرد تا این که اختلافی بین آنها ایجاد شد و عایشه به هر بهانه‌ای شده، مردم را بر علیه او می‌شوراند و به‌طور علنی می‌گفت: «خدا عثمان را بکشد.» (عسکری، همان، ص ۱۰۵) و در نهایت بعد از این که مردم را بر علیه عثمان شوراند،

برای دور شدن از صحنه شورش و با نیت این که دوباره خلافت را از بنی‌امیه به خاندان تمیم برگرداند. از این رو پسر عموی خود طلحه را پیشاپیش نامزد خلافت کرد و به مکه رفت ولی وقتی بیعت مردم با علی^(ع) را شنید بی اختیار فریاد زد:

«ای دریغ بر عثمان! ... عثمان مظلوم کشته شده است!!» (همان)

از بازگشت به مدینه صرف نظر کرد و به مکه رفت و در کنار کعبه مردم را بر علیه امیرالمؤمنین^(ع) شوراند و ادعا کرد به خون خواهی عثمان پباخاسته و جنگ جمل را بر علیه امیرالمؤمنین^(ع) فرماندهی نمود.

امیرالمؤمنین^(ع) در چند خطبه وضعیت این دوره را توصیف می‌کند که به اختصار به بخش‌هایی از آنها اشاره می‌گردد:

«لباس خلافت را خلیفه‌ی اول برتن نمود؛ با این که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب به سنگ آسیاب است که به دور آن می‌چرخد. او می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار علی^(ع) جاری است، و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من نمی‌توانند پرواز کنند. پس من ردای خلافت رها کرده و دامن جمع نموده از آن کنارگیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق به پا خیزم؟ یا در این محیط خفقان‌زا و تاریک، صبر و بردباری را پیشه‌ی خودسازم؛ صبری که پیران را فرسوده، جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می‌دارد.» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳)

لذا امام علی‌رغم حقانیت خود عرصه را به خاطر مصالح مسلمین برای دیگران در خلافت خالی می‌کند تا این که وضعیت مسلمانان روبه‌راه شده و از هم نپاشد. (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۷۴) می‌فرماید:

«به اطرافم نگریستم دیدم که نه یآوری دارم و نه کسی از من دفاع و حمایت می‌کند، جز خانواده‌ام که مایل نبودم جانشان به خطر بیفتد، پس خار در چشم فرورفته، دیده بر هم نهادم، و با گلوی استخوان در آن گیر کرده، جام تلخ را جرعه جرعه

۱ - جهت مطالعه به کتاب الغدیر علام امینی و تفسیر آیات «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک...» (قرآن کریم، مائده، آیه‌ی ۶۷) و «الیوم اکملت لکم دینکم...» (همان، آیه‌ی ۳) مراجعه نمایید.

نوشیدیم، و در فرو خوردن خشم در امری که تلخ‌تر از گیاه «حَنْظَلَه» و دردناک‌تر از فرو رفتن تیزی شمشیر در دل بود، شکیبایی کردم. (نهج‌البلاغه خطبه ۱۲۷)

و وقتی بعد از سقیفه عده‌ای پیشنهاد خلافت دادند تا جبهه و حزبی دیگر در مقابل خلافت ایجاد نمایند و با حاکمیت مخالفت کنند. فرمود:

«ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتی نجات - اشاره به حدیث پیامبر (ص) که مثل اهل بیت من مانند کشتی نجات است - درهم شکنید، و از راه اختلاف و پراکندگی به پرهیزید، و تاج‌های فخر و برتری‌جویی را بر زمین نهدید.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۵)

مخالفین با تبلیغات و جنگ نرم عرصه را چنان تنگ کرده بودند که فرمود:

«در شرایطی قرار دارم که اگر سخن بگویم، می‌گویند بر حکومت حریص است و اگر خاموش باشم می‌گویند: از مرگ می‌ترسد!... در حالی که سکوت را به خاطر علم و آگاهی از مسائلی در پیش گرفتم که اگر آنها را آشکار می‌کردم باعث تزلزل و اضطراب آنها می‌شد.» (همان، خطبه ۵)

از زمانی که امیرالمؤمنین^(ع) را از خلافت باز داشتند تا پایان خلافت عثمان حدود ۲۴ سال طول کشید در این مدت حضرت در هیچ جنگ و امارتی شرکت نداشت و تنها در اموری که مصلحت همه مسلمانان در آن بود، اظهارنظر می‌کرد و به ارشاد مردم و تعلیم آنها می‌پرداخت و در امور غامضی که صحابه در حل آن دچار اشتباه شده و یا به او رجاع می‌شد فتوی می‌داد و بیشتر به کار کشاورزی و حفر چاه و قنات می‌پرداخت و بعد از آبادانی آنها را وقف می‌کرد. (امین، ۱۳۷۶، ص ۴۰۹)

ابوبکر با اینکه بارها می‌گفت: «قیلونی فکست بخیرکم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)، هنگام مرگ خلافت را به عقد دیگری (عمر) درآورد؛ فردی که مجموعه‌ای از خشونت، سخت‌گیری، اشتباه و پوزش طلب بود. در این مدت مردم در سختی و عذاب بودند و امام^(ع) چاره‌ای جز صبر و بردباری نداشت، تا این‌که خلیفه‌ی دوم نیز بر سبک و سیاق خود، حکومت را به جایی برد که می‌خواست، و در نهایت، خلافت را به دست کسی سپرد که شورای شش نفره تعیین کرد. امام^(ع) با وجود مقام شامخ امامت و کمال وجودی و علوی که داشتند، به خاطر مصالح اسلام و مسلمین کوتاه آمده و با اعضای شورا هماهنگ شدند. (همان، خطبه ۳)

در موقع رأی‌گیری، سعدبن‌ابی وقاص به خاطر کینه‌ای که با امام^(ع) داشت به نفع

امام^(ع) رأی نداد، و عبدالرحمن بن عوف، شوهر خواهر عثمان، به خاطر «حق و تویی» که داشت از سوی خلیفه دوم تعیین شده بود. (امینی، جلد ۳، ص ۹۷) به علت تساوی آرا بین عثمان و علی^(ع) حاضر شد به شرط عمل کردن امام^(ع) به سنت و رویه‌ی خلفای اول و دوم، به نفع امام^(ع) رأی دهد، که علی^(ع) فرمود:

«به خدا سوگند من نخستین کسی هستم که پیامبر^(ص) را تصدیق کردم و هرگز اول کسی نخواهم بود که او را تکذیب کنم، در کار خود اندیشیدم دیدم پیش از بیعت، پیمان اطاعت و پیروی از سفارش رسول خدا^(ص) بر عهده دارم که از من برای دیگران پیمان بیعت گرفت.» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲)

دوره‌ی زمام‌داری امام^(ع)

با کشته شدن عثمان، مردم برای بیعت گرفتن، همسان موهای پر پشت گردن کفتار و گله‌های گوسفند در اطراف امام^(ع) گرد هم آمدند، که نزدیک بود امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) لگدمال شوند. بالاخره امام علی^(ع) با اکراه فراوان و اجبار مردم، با حضور مردم و اعلام آمادگی به پذیرش سنت رسول خدا^(ص) و احکام الهی، خلافت را به سال ۳۵ هجری پذیرفتند.

حضرت در حالی حکومت را پذیرفت که بدعت‌هایی در دین ایجاد شده بود و احکام دین به تعطیلی کشانده شده بود و خلاصه رهبری جامعه به قول فاطمه زهرا^(س) به دست کسانی افتاده بود که خود احتیاج به راهنمایی داشتند. (موسوی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹) ولی فرصتی پیش آمده بود که دوباره چهره واقعی اسلام به نسل‌های جدید نشان داده شود و تقوا مبنای کرامت و عزت شده و تبعیضات طبقاتی سیاه و سفید، فقیر و غنی، عرب و عجم و... ملغی شود.

در این دوره مردم به تبع خواص به چند گروه تقسیم شدند:

- ۱- جمعی پیمان شکستند و به رهبری طلحه و زبیر و با همراهی «عایشه» جنگ جمل را به راه انداختند. این گروه از خواص زیاده خواهی و انتظاراتی از حاکمیت داشتند که با حاکمیت امیرالمؤمنین^(ع) امکان دستیابی به آنها برای‌شان ممکن نمی‌شد.
- ۲- گروهی از اطاعت امام سرباز زده و از دین خارج شده و به رهبری

حرقوص پسر زهیر معروف به ذوالثدیه جنگ نهران و غائله‌ی خوارج را به وجود آوردند. اشکال عمده این گروه از خواص نداشتن تحلیل و بصیرت درست از وقایع و ظاهربینی بود.

۳- برخی از اطاعت امام سرباز زدند و به رهبری معاویه جنگ صفین را بر امام^(ع) تحمیل نمودند. (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۸ و ۱۰۸)

۴- گروهی از خواص جزء متوقفین شدند؛ حوادث عصر علوی و نبوی را با هم مقایسه کرده و توان درک درست حوادث را نداشتند. مانند ابوموسی اشعری، عبدالله بن عوف و ... که به علت نداشتن بصیرت لازم با تصمیم‌های که گرفتند ضربات جبران ناپذیری بر اسلام وارد کردند.

۵- گروهی از خواص به دنبال منافع شده و از هر دو بهره می‌بردند مانند ابوهریره که نماز جماعت را پشت سر امام می‌خواند و نهار را در کنار سفره معاویه می‌خورد.

۶- گروه اندکی پیرو حقیقی امام^(ع) باقی ماندند و در تمام صحنه‌ها همراه و یاور ایشان گردیدند مانند عمار.

در این دوره امیرالمؤمنین^(ع) با مشکلات زیادی روبه‌رو بود که می‌توان به صورت زیر دسته بندی نمود:

۱- دگرگونی فرهنگ اسلام و جایگزینی پایه‌های شرک آلود جاهلیت و الگوهای رفتاری آنها به جای فرهنگ ناب رسول خدا^(ص) و آموزه‌های دینی

۲- ایجاد تبعیضات اجتماعی و اقتصادی و تقسیم مردم به عرب و عجم، فقیر و غنی، سیاه و سفید و دریافت وجوهات دولتی بر پایه آن در سراسر حکومت و القای مفاهیم آن به نام اسلام

۳- تبعیضات سیاسی و حاکمیت افراد نالایق در بخش‌های عمده حکومت اسلامی

۴- فراموشی سنت رسول خدا^(ص) و آموزه‌های قرآن در تأسیس حکومت اسلامی

۵- سست شدن پیوندهای دینی و علقه‌های مذهبی و جایگزینی آنها با

رسومات جاهلی و اموی

۶ - بی تفاوتی فراگیر نسبت به سنت‌های اسلامی و نداشتن حمیت به آموزه‌های قرآن

۷ - حاکمیت فکری و ارزش‌های بنی امیه و استقرار خلافت معاویه در شامات (موسوی، همان، ص ۱۳۷)

۸ - ضعف ایمان و بصیرت دینی در یاران نزدیک پیامبر^(ص) مانند طلحه و زبیر

۹ - همراهی همسر پیامبر^(ص) با مخالفان

۱۰ - ظهور باطل در لباس حق و شبه‌افکنی‌های فراوان نسبت به اهل بیت پیامبر^(ص)

بنابراین در این دوره مردم به دو گروه عمده مخالفین و موافقین اصلاحات و برنامه‌های امیرالمؤمنین^(ع) تقسیم شدند که به اختصار به تناسب مقاله به بخش‌های از آن اشاره می‌گردد تا بتوان درک بهتر و روشن‌تری از سبک فرماندهی ایشان ارائه نمود.

موافقین اصلاحات و برنامه‌های امیرالمؤمنین^(ع)

کارهای خلفای بعد از رحلت رسول خدا^(ص) باعث شده بود که اکثر شهرها نسبت به خاندان وحی^(ع) بی تفاوت باشند، به طوری که حضرت می فرماید: « ماهی الا الکوفه اقبضتها و ابسطها؛ اکنون جز شهر کوفه در دست من باقی نمانده است که آن را بگشایم یا ببندم. » (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۵) از این رو عمده موافقان اصلاحات امیرالمؤمنین^(ع) در کوفه جمع شده بودند که خود به چند گروه تقسیم می شدند گروهی یاوران و شیعیان واقعی ایشان بودند که بعد از رحلت رسول خدا^(ص) همواره با ایشان بودند و دستورات ایشان را به جان می خریدند و گروه دیگر کسانی بودند که از ناحیه خلفا مورد تظلم واقع شده و حقوقی از آنها پایمال شده بود و به این تصور بودند که با خلافت حضرت به حقوق از دست رفته خویش خواهند رسید و گروه سوم کسانی بودند که از ظلم و ستم‌های خلفا خصوصاً خلیفه سوم به تنگ آمده و رویه او را در خلافت نمی پسندیدند که در نهایت به کشته شدن او رضایت دادند.

بنابراین عمده موافقین اصلاحات در کوفه، مرکز حکومت امام^(ع) جمع شده بودند

چنان که مخالفین امام در شام جمع شده بودند. شایان ذکر است که کوفه در سال ۱۷ یا ۱۸ هجری در دوره خلافت عمر بن خطاب بنا شد و هدف عمده از تأسیس آن ایجاد شهرک نظامی برای مقابله با طغیان‌های منطقه‌ای بود و چون بیشتر جهادگران یمنی و از هواداران امام^(ع) بودند از این رو امام^(ع) نفوذ زیادی در آن جا داشتند و به همین دلیل بود که امام^(ع) پایتخت و مرکز خلافت خود را از مدینه به کوفه منتقل کرد. (قائدان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۸) با این وجود مردم کوفه گاهی چنان به راه بودند و حکومت را هم‌راهی می‌کردند که مورد تمجید و تمحید حضرت واقع می‌شدند؛ وقتی مردم کوفه به سال ۳۶ هجری به یاری لشکر اسلام آمده و شورشیان بصره را سرکوب کردند امام طی نامه‌ای فرمود:

«خداوند شما مردم کوفه را از سوی اهل بیت پیامبر^(ص) پاداش نیکو دهد... زیرا شما دعوت ما را شنیدند و اطاعت کردید، به جنگ فراخوانده شدید و بسیج گشتید.» (نهج‌البلاغه، نامه ۲)

ولی در برهه‌های دیگری از تاریخ، به فرموده‌ی امام^(ع)، سست ایمان و دنیاپرست شدند و دارای افکاری پراکنده بودند و شعارهای تند سر می‌دادند، ولی در عمل، وجهی به فرامین امام^(ع) نمی‌کردند، (همان، خطبه‌ی ۲۷) به‌طوری که امام^(ع) در توصیف آنها می‌فرمود:

«وقتی شما را برای یاری برادرانتان می‌خوانم، مانند شتری که از درد بنالد، ناله و فریاد سر می‌دهید، و یا همانند حیوانی که پشت آن زخم باشد، حرکتی نمی‌کنید و تنها گروه اندکی به سوی من می‌آمد، که آنها نیز مضطرب و ناتوان بودند؛ گویا آنها را به سوی مرگ می‌کشاند، و مرگ را با چشمانشان می‌نگرند. (همان، خطبه ۳۹) «دیده‌ی دشمن برای حمله به شما خواب ندارد، ولی شما در بی‌خبری و بی‌اعتنائی و فراموش‌کاری به سر می‌برید. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴) و از نادانی و جهالت مردم به درگاه الهی شکایت می‌کند «الی الله اشکو من معشر یعیشون جهالاً». (همان، خطبه‌ی ۱۷)

و این نافرمانی به حدی شدید می‌شود که موجبات ناراحتی حضرت شده و اظهار می‌دارد:

«خداایا، من این مردم را با بند و تذکرها می‌مداوم خسته کردم و آنها نیز مرا خسته نموده‌اند، آنها از من به ستوه آمده، و من از آنان به ستوه آمده، دل شکسته‌ام، به جای

آنان افرادی بهتر به من مرحمت فرما، و به جای من بدتر از من بر آنها مسلط کن.»
و آرزو می‌دارد که به جای آنان هزار سوار از بنی فراس بن غنم می‌داشت که مطیع و پا به رکاب بودند. (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۵)

مخالفین اصلاحات و برنامه‌های امیرالمؤمنین^(ع)

اولین مخالفین امام^(ع) کسانی بودند که غائله جنگ جمل را به‌پا کردند. تاریخ‌گویای این واقعه تلخ است که رؤسای این غائله از اصحاب رسول خدا^(ص) بودند که با هدف دست‌یابی به موقعیت‌های اجتماعی و حکومتی با امام^(ع) بیعت کردند به‌طوری که نخستین کسی که با امام^(ع) بیعت کرد طلحه و نفر دوم زبیر بود، که هرکدام پس از بیعت گفتند: «تحت فشار با علی^(ع) بیعت کردیم» (جرج جرداق، ۱۳۷۵، ص ۲۶۵) این سخن بعد از بیعت چه معنایی می‌توانست داشته باشد؟ جز این که آن‌ها به دنبال هدف خاصی از بیعت بودند که وقتی در دست‌یابی به آن خود را ناکام دیدند، درصدد مخالفت با امام^(ع) برآمدند و شروع به توجیه بیعت خود نمودند. جرج جرداق این تغییر رویه را چنین به تصویر کشیده‌اند:

«اینان با علی^(ع) به خاطر حسادت یا به انتقام نرسیدن به حکومت و نیز نفوذ و مقامی که به آن علاقه‌مند بودند و به آن دست‌رسی نداشتند، دشمنی می‌ورزیدند.» شدیدترین مخالفین علی^(ع) و طعم‌کارترین آنها نسبت به حکومت، طلحه و زبیر بودند. این دو، ذره‌ای از صفات زمام‌داری که هدف انقلاب بود، برخوردار نبودند. اخلاق طلحه و زبیر بیش‌تر به اخلاق درباریان عثمان، شباهت داشت؛ اخلاق و روشی که مردم مستمند و محروم علیه آن قیام کرده بودند. طلحه و زبیر علاقه‌مند به حکومت، مال و مقام بودند. (همان، ص ۲۶۷) این دو به خاطر این که مورد اتهام خون‌خواهی عثمان قرار نگیرند، با بهانه قراردادن خون‌خواهی عثمان و همراه ساختن عایشه، غائله‌ی جنگ جمل را به وجود آوردند. (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۵۴)

امیرالمؤمنین^(ع) در باره چگونگی برخورد با توطئه طلحه، زبیر و عایشه می‌فرماید: «و چون من ظاهر و باطن این امر را زیرورو کردم به حدی که مرا از خواب بازداشت، پس چاره‌ای ندیدم جز جنگیدن با ایشان یا انکار آنچه پیامبر^(ص) آورده است پس علاج جنگیدن بر من آسان‌تر بود از عذاب الهی و مرگ‌های دنیا بر من آسان‌تر است از

مرگ‌های قیامت. (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۳) و لذا ابتدا محمدبن ابی‌بکر و محمدبن جعفر را برای بسیج نیرو به کوفه فرستاد که به علت مخالفت ابوموسی اشعری موفق نشدند. (صحیح ترمذی، ج ۹، ص ۴۸) از این رو فرزندش امام حسن^(ع) را به همراه نامه‌ای به کوفه فرستاد، و مالک اشتر مأمور عزل ابوموسی اشعری و نصب قرظه بن کعب به جای او شد. (قائدان، همان، ص ۲۷) که بعد از کناره‌گیری اشعری، امام حسن^(ع) نامه علی^(ع) را قرائت و خطبه‌ای نیز ایراد نمودند و سپس عمار یاسر نیز سخن گفتند و با بسیج ۱۲ هزار مرد جنگی در ذی‌قار به امام^(ع) ملحق شدند. (مسعودی، ج ۲، ص ۳۶۱)

امام^(ع) تلاش زیادی کرد که با سخن و گفتگو منحرفین را متوجه اشتباه خود نماید و عده‌ای زیادی نیز برگشتند که زیر نیز از جمله آنها بود که بعد از انصراف از جنگ در وادی سباع به دست عمرو بن جرموز کشته شد و شمشیر و سرش را برای امام^(ع) آورد، که امام^(ع) با دیدن آن متغیر شد و تأسف خورد و شمشیر زید را گرفت و حرکت داد و گفت: «این شمشیر چه قدر غبار کدورت از روی رسول خدا^(ص) زدود». (موسوی، همان، ص ۱۳۷)

بعد از صحبت‌های عمار و کشتن و مثله کردن تعدادی از یاران امام^(ع) درگیری شروع شد و با اسارت عایشه و کشته شدن طلحه جنگ پایان یافت که در آن ۱۷۰۰۰ نفر از جملیان و ۱۰۷۰ نفر از یاران امام^(ع) کشته شدند.

مهم‌ترین نکته عبرت آموز این جنگ را می‌توان در کلامی یافت که امام^(ع) در جواب سؤال "حارث بن حوط الیثی" می‌دهد که در تشخیص جبهه حق به شک افتاده بود و در دشمن شناسی و حق شناسی دچار تزلزل اساسی شده بود، چرا که در یک طرف علی^(ع) و یارانش قرار داشت و در طرف دیگر عایشه همسر پیامبر^(ص) و طلحه و زبیر بودند که همه به ظاهر به حق و منتسب به پیامبر^(ص) بودند که امام فرمود: «با قدر و منزلت افراد نمی‌توان حق را شناخت بلکه باید حق و باطل را بشناسی تا اهلش را بشناسی». (مجلسی، ج ۲۷، ص ۱۳۵)

نکات قابل توجه در این نبرد:

۱ - دعوت دشمن به صلح قبل از درگیری: امام تا آنجا که ممکن بود طلحه، زبیر و عایشه را به صلح و عدم درگیری دعوت می‌کرد تا غائله بدون خونریزی تمام شود. (ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۲۹)

۲ - عدم آغاز جنگ: امام می فرمود که: «لا ترموا بسهم ولا تطعنوا برمح ولا تضربوا بسیف، اعدو؛ تیری نیندازید و نیزه‌ای نزنید و شمشیری از نیام در نیاورید، اتمام حجت کنید.» (فائدان، همان، ص ۱۷۲) و لذا وقتی چند نفر از یاران امام^(ع) را شهید کردند و نصیحت کارگر نشد دستور حمله داد و در نامه‌ای به کوفه یادآور این امر شد که «فَاعَذَرْتُ بِاللُّعَا وَ قُمتُ بِالْحَجَّةِ وَ أَقَلَّتِ الْعَثْرَةُ وَ الزَّلَّةُ مِنْ اهل الرده.. و نخست به وسیله خواندن و دعوت کردن آنان از جنگ پوزش خواستم و با حجت و برهان پیا خواستم و از لغزش و خطای گذشته آنان که سست شده و از دین بیرون رفته بودند.» (شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۵۳)

۳- رعایت اصول انسانی بعد از جنگ: «ایها الناس اذا اهزمتموهم فلا تجهزوا علی جریح ولا تقتلوا اسیرا ولا تتبعوا مولیا ولا تطلبوا مدبرا ولا تکتشفوا عوره ولا تمثلوا بقتیل ولا تهتكوا ستر؛ ای مردم! هنگامی که آنها را شکست دادید بر مجروحان نتازید، اسیران را نکشید، غلامان را تعقیب نکنید از پشت آنان را مورد حمله قرار ندهید عورت‌ها و بدن‌های آنان را آشکار نکنید و کشتگان را مثله نکنید و آنان را هتک حرمت ننمایید.» (همان)

۴ - رویارویی و درگیری قبایل: امام^(ع) در این نبرد قبایل را جداگانه مورد خطاب قرار می‌داد و فرماندهان را از بین خودشان انتخاب می‌کرد تا اسباب تحریک و تهییج آنها را فراهم نماید. لذا دستور داد که افراد قبایل یمن و ربیعه در سپاه با قبایل یمن و ربیعه در سپاه بصره مقابله کنند.

۵ - شناسایی نقطه تمرکز دشمن: بعد از مقاومت مردم بصره در اطراف شتر عایشه دستور پی‌کردن آن را صادر کرد و با آن موجبات فرار و هزیمت دشمن را فراهم کرد.

۶ - حضور فرماندهی کل در مرکز و صحنه عملیات: امام^(ع) به همراه فرزندان در تمام صحنه‌ها حضور داشتند و حتی وقتی هدف خاصی مانند پی‌کردن شتر را صادر می‌کنند خود به همراه یاران به آن حمله می‌برد. (همان، ص ۱۷۵)

خانله و جنگ صفین

دومین گروهی که عمده مخالفین اعتقادی و خط مشی امام^(ع) را تشکیل می‌داد،

بنی‌امیه به رهبری معاویه در شام گرد آمده بودند که غائله و جنگ صفین را بپا داشتند، گروهی که بعد از وفات رسول الله^(ص) به شدت به مبارزه جدی و پنهان با اسلام و آموزه‌های آن و سنت رسول خدا^(ص) و جنگ نرم بر علیه حضرت پرداختند. معاویه فرزند ابوسفیان، اخلاق و خصلت‌های اموی را به دقیق‌ترین وجه تجسم می‌بخشید. اولین موردی که از صفات معاویه به هنگام بررسی دقیق منش او به دست می‌آوریم این است که در وجودش چیزی از انسانیت اسلام و اخلاق مسلمانان در آن دوران درخشان بشری، نبود. (همان، ص ۱۷۵)

بعد از این که معاویه پیراهن خونین عثمان را به همراه انگشتان دست نائله همسر وی که توسط "نعمان بن بشیر" به دمشق برده شده بود، دریافت کرد، و اطلاع یافت که به جای طلحه مردم با امیرالمؤمنین^(ع) بیعت کردند، فرصت مناسب در اختیار معاویه قرار گرفت تا با مستمسک قرار دادن خون‌خواهی عثمان از بیعت با امیرالمؤمنین^(ع) سرباز زند و طی خطابه‌ای در مسجد شام به مردم گفت:

« شما می‌دانید که من جانشین عمر بن خطابم و هم‌چنین جانشین و نماینده عثمان بن عفان بر شمایم و می‌دانید که هرگز هیچ یک از شما را به کار زشتی و نداشتن‌ام، و می‌دانید که من ولی خون عثمانم که بی‌گناه کشته شده است و خداوند می‌فرماید: «و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا ...»

به دنبال آن مردم بلند شدند و با او بیعت کردند و به او اطمینان دادند، برای گرفتن انتقام خون با او با جان و دل همراهی خواهند کرد. (مقبری، ۱۳۶۶، ص ۵۳). او طی نامه‌ای خطاب به حضرت علی^(ع) نوشت که توسط "قبصه عیسی" برده شد:

«من شصت هزار پیرمرد را در دمشق پشت سر گذاشته‌ام که پیراهن خونین عثمان را بر روی منبر مسجد انداخته و کنار آن گریه می‌کنند.»

امام^(ع) برای خاموش کردن فتنه معاویه و دیگران در کوفه مستقر گردید و مجبور شد پایتخت را به آن جا انتقال دهد. (ابن‌الحدید، ج ۱۷ ص ۳۶۵) و طی نامه‌ای بعد از کشته شدن عثمان به معاویه نوشت:

« تو عذرهای مرا می‌دانی و می‌دانی که من از برخورد با شماها کناره‌گیری می‌کردم تا آن که شد آن چه از آن چاره‌ای نبود. اکنون گذشته‌ها گذشته، تو از اهل شام برای من بیعت بگیر و با جمعی از همراهانت به سوی من بیا» (صفائی حائری، ۱۳۷۹، ج

دوم، ص ۲۰۸)

و در جواب معاویه نوشت:

«آیا خون عثمان را از من مطالبه می‌کنی؟ آیا من بیش از همه طالب خون عثمان نیستم؟ بار خدایا به تو بی گناهی خودم را نسبت به خون عثمان اعلام می‌کنم.» (قائدان، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲)

و این نامه‌نگاری چندین بار تکرار شد؛ ابتدا جریر بن عبدالله را به همراه نامه‌ای فرستاد که معاویه در جواب طفره می‌رفت تا این که به حکم ولایت مصر با عمروعاص برای جنگ با امیرالمؤمنین^(ع) هم‌دست شد. (منقری، ۱۳۶۶، ص ۶۲) و امام نیز به دنبال تأخیر جریر طی نامه‌ای به او نوشت و فرمود:

«اما بعد چون این نامه به دست تو رسید، معاویه را به روشن‌گویی وادار و او را قاطعانه به حجت گیر و سپس میان جنگی ویران‌گر یا صلحی سعادت آور مخیرش گردان، اگر جنگ را برگزید به پیمان شکنی هشدارش ده و اگر صلح را اختیار کرد بیعتش را بگیر.» (نهج البلاغه، نامه ۸)

معاویه در جواب در منزل جریر گفت به امام گوید:

«شام را به او سپارد و مصر را خراج‌گزار او قرار دهد و وقتی اجلس در رسید بیعت کسی را برگردن من ننهد و من نیز کار را به او وا می‌گذارم و خلافت کلی را کتباً می‌پذیرم.»

امام^(ع) طی نامه‌ای به جریر نوشت که معاویه به دنبال وقت کشی و ارزیابی مردم شام است و قبلاً مغیره بن شعبه با من این سخن را گفته بود ولی زنهار که خداوند ببیند که من گمراهان را دستیار خود قرار داده‌ام. اگر این مرد به وسیله تو بیعت سپرد چه نکوتر و گرنه بازگرد (منقری، ۱۳۶۶، ص ۸۱)

رفت و آمد و نامه‌نگاری فایده نبخشید و طلیعه‌داران سپاه معاویه به فرماندهی ابوعمور سلمی زودتر حرکت کرده بر شریعه فرات حاکم می‌شوند و اجازه استفاده به سپاه امام^(ع) نمی‌دهند که به تشجیع آنها و فرماندهی مالک اشتر شریعه از تصرف آنها خارج می‌کنند. ولی منعی قائل نمی‌شوند که دشمن از آن استفاده نکنند. بعد از چند روز امام قرآنی را به وسیله "سعید بن قیس" به طرف معاویه می‌فرستد تا بین آنها حاکم شده و قضاوت نماید ولی آنها نپذیرفته و پیک امام را شهید می‌کنند. (امین، ۱۳۷۶،

ص ۶۰۲)

درگیری شروع می‌شود و وقتی معاویه، امام^(ع) و یاران او را بعد از چند روز درگیری در کنار خود می‌بیند که با لشکر او در هم شده‌اند و یقین به شکست خود مییابد به پیشنهاد عمروعاص قرآن‌ها را بر سر نیزه زده و فریاد برمی‌آورند: قرآن در میان ما و شما داور باشد! (همان، ص ۳۵۴) در صورتی که سفیر قرآنی امام^(ع) را شهید و پیشنهاد امام^(ع) را رد کرده بودند ولی چاره‌ای نداشت برای نجات به پیشنهاد و حيله عمروعاص عمل کند و از ساده‌گی و غفلت نیروهای امام^(ع) استفاده نماید لذا با وجود اینکه امام^(ع) فرمود: «قرآن دست نوشته‌ای است که بین دو جلد قرار گرفته است و این انسان‌ها هستند که در باره‌ی آن سخن می‌گویند.» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۵) افراد ضعیف‌الایمان، سست باور و فرصت طلب‌هایی مثل "اشعث بن قیس"، امام^(ع) را وادار کردند که از پیروزی چند قدمی بر دشمن دست بردارد و با حکمیت همراهی کند و با وجود اصرار امام^(ع) بر حکم قرار دادن مالک بن اشتر یا عبدالله بن عباس، به ناچار تن به حکم شدن ابوموسی اشعری داد. (نهج البلاغه، خطبه‌های ۱۲۷، ۲۳۸ و ۱۷۷) در حالی که شامیان برای حکمیت فردی را انتخاب نمودند که به معاویه از همه نزدیک‌تر بود و در تمام امور معاویه را مشورت می‌داد و به حيله‌گری معروف بود و این فرد جز عمرو عاص نبود. با قرار گرفتن اشعری ساده لوح در کنار عمرو عاص حيله‌گر، حکمیت به عزل امام^(ع) و نصب معاویه منجر شد. (جرداق، ۱۳۷۵، ص ۳۶۰)

نکات قابل توجه در این نبرد:

۱ - پرهیز امام^(ع) از درگیری تا جای که بتوان با صلح و گفتگو مسائل را حل کرد و برای هر تأخیر می‌فرمود: «قسم به خدا من یک روز جنگ را را عقب نمی‌اندازم مگر آن که امیدوارم عده ای به من ملحق شوند و هدایت گردند.» (ابن‌الحدید، همان، ج ۴ ص ۱۴) و این که جنگ امام برای مقام و کشور گشایی نبود این جنگ برای هدایت و حاکمیت الهی و اجرایی سنت پیامبر^(ص) اتفاق افتاده بود که هدایت شرط اساسی آن بود که به شرط حیات و زندگی ممکن می‌شد و لذا امام^(ع) تا آنجا که شرایط اجازه می‌داد

۱ - البته رأی حکمیت از سوی امام^(ع) پذیرفته نشد و ایشان تا زمان شهادت، بر خلافت باقی ماندند.

کشتار را به تأخیر می‌انداخت.

۲ - عدم مقابله به مثل امام^(ع) پس از تصرف شریعه فرات بعد از دوبار نماینده‌ای پیش معاویه در تصرف دوم فرستاد و پیام داد که عمل زشت شما را تلافی نمی‌کنیم، و از برداشتن آب ممانعت نمی‌نماییم و راه شریعه به روی لشکر شام باز است و می‌توانند آزادانه از آن آب بردارند. (موسوی کاشانی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۴)

۳ - منع سپاه از دشنام‌گویی به لشکر شام و فرمود:

«أَنْتِ أَكْرَهَ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ... مَنْ نَمِيَ بِنَمِيٍّ مِنْكُمْ أَنْتِ لَكُمُ الْغَدِيرُ وَ لِيَكُنْ أَكْرَهَ كَرْدَارِ أَنْهَا رَا بِيَان كَرْدَه حَالْشَان رَا يَادُورِي كَنِيد در گفتار بهتر و در مقام عذر بلیغ‌تر و رساتر است.» (بحار الانوار ج ۳۳ ص ۵۶۱ و ابن الحدید، ج ۱۱، ص ۲۱)

۴ - خدعه و عملیات روانی و استفاده معاویه از سادگی و ظاهرینبی لشکر امام^(ع) و تحمیل حکمیت بر ایشان به طوری که دیگر سخنان امام^(ع) کارگر نمی‌افتاد و فرمود: «لَا رَأَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ» (الکافی، ج ۵، ص ۴ و ابن الحدید، ج ۲، ص ۷۴) و وقتی امیرالمؤمنین^(ع) خود را امیر غیر مطاع یافت ناچار به پذیرش حکمیت شد.

۵ - توجه امام به پیمان و پرهیز از عهد شکنی، با این که امام^(ع) به دنبال هدایت مردم بود و شرایط او را به جنگ و داشت و در سایه بی‌خردی و کم‌توجهی و ظاهر بینی لشکرش تابع حکمیت شد، ولی امام^(ع) بعد از امضای حکمیت از آن پیمان شکنی نکرد با وجود مخالفت عده‌ای که شعار "لا حکم الا الله" را می‌دادند و نطفه خوارج را کاشتند. (مقری، ۱۳۶۶، ص ۵۰۸)

۶ - مردم به جای این که علی^(ع) را محور و مبنای حرکت و رفتار خود قرار دهند به عمار توجه داشتند مردم سخن پیامبر^(ص) مبنی بر این که «من كنت مولاه فهذا علي مولاه، علي مع الحق و الحق مع علي» را فراموش کردند ولی سخن ایشان مبنی بر این که عمار به دست قوم طاغی کشته خواهد شد. (بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۱۹ و ابن الحدید، ج ۸ ص ۱۰) را مبنای داوری خود قرار دادند تا این که عمار شهید شد و عمر و عاص برای رهایی معاویه از این فضاخت در بین مردم پخش کرد که عمار را شامیان نکشتند بلکه سپاه علی^(ع) کشته است، چرا که آنها عمار را به میدان آوردند و مردم از درک این نکته نیز عاجز ماندند که اگر این سخن درست باشد در آن صورت حمزه سیدالشهداء و خیلی از صحابه را رسول خدا^(ص) کشته باشد که به میدان آورده بود.

۷ - تبعیت تحسین برانگیز مالک اشتر از امام^(ع) از نکات برجسته این نبرد بود که در شروع جنگ و خاتمه آن تابع ایشان بودند و به حکمیت با وجود مخالفت شدید نیز به رضایت امام^(ع) راضی شد. لذا امام^(ع) فرمود این که می گویند مالک اشتر از فرمان من سرپیچی کرده او از آنها نیست که من از ترمرد و عصیان او بترسم، ای کاش دو مرد مانند او پیدا می شد ای کاش میان شما مانند او یک تن می بود که هرچه من در دشمن می بینم او می دید. (امین، همان، ص ۶۷۰، ابن الحدید، همان، ج ۴، ابن اثیر، همان، ص ۳۲۲)

گروه سوم مارقین و خوارج

سومین گروه مخالفین امام^(ع) جهال و کم‌اندیشانی بودند که تنها ظاهر را دیده و بر پایه‌ی آن قضاوت می کردند. جنگ نهروان را بر امام^(ع) تحمیل کردند، کسانی که در صفین حکمیت را ابتدا بر امام^(ع) تحمیل کردند و پس از رای حکمیت مخالف حکمیت شدند و با طرح شعار «لا حکم الا لله» دشمنی خود را با امام^(ع) آشکارتر کردند و از ایشان خواستند که به اشتباه خود در همراهی با حکمیت اعتراف نموده و بر این کفر، توبه نمایند.

امام^(ع) در مقابل خواست آنها فرمود:

«آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی اینها می‌گویند زمام‌داری جز برای خدا نیست درحالی‌که مردم به زمامدار نیک یا بد نیازمند هستند ... و ای مردمی که شما را نیرنگ زدند و نیرنگ را پذیرفتید و حيله‌گری حيله‌کاران را شناختید و باز در پیروی از هوای نفس پافشاری نمودید و در آشوب و اشتباه‌کاری آن قدم برداشتید و از حق آشکار روی برگردانید و از طریق مستقیم منحرف شدید، به آن خدایی که دانه را شکافت و بشر را می‌آفریند، سوگند یاد می‌کنم که اگر دانش را از معدن آن آموخته بودید، راه‌ها برای شما روشن می‌شد، نشانه‌ها برایتان آشکار می‌گردید و هیچ یک نیازمند نمی‌شدید و به هیچ یک از شما مسلمانان و یا هم‌پیمانان ظلمی روا نمی‌شد.» (همان، ص ۳۶۱)

این گروه تا زمانی که در کوفه بودند و دست به شمشیر نبرده بودند و اقدام عملی بر علیه حکومت انجام نداده بودند از حمایت حاکمیت برخوردار بودند به طوری که امام^(ع) فرمود: «انَّ لَكُمْ عِنْدَنَا ثَلَاثًا لَا تَمْنَعُكُمْ .. شما در نزد ما سه حق دارید: ۱- ما شما را

از نماز خواندن در این مسجد باز نمی‌داریم ۲- حقوق شما را از بیت المال قطع نمی‌کنیم ۳- تا شما بر روی ما شمشیر نکشید و آغاز جنگ نکنید ما هرگز به جنگ شما اقدام نخواهیم کرد.» (موسوی کاشانی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱)

بالاخره این گروه از صف یاران امام^(ع) جدا شده و در روستای «خُروراء» جمع شدند و علی‌رغم تلاش امام^(ع) بر اصلاح رفتارهای آنها، جنگ نهروان پیش آمد و در آخر نیز به دست یکی از بازمانده‌های این جنگ به فیض شهادت در محراب عبادت نایل گردید.

نکات قابل توجه در این جنگ:

۱ - عدم توجه به ظاهر افراد: ظاهر افراد دلیل هدایت آنان نیست، پیشانی خوارچ پینه بسته و شبانه روز ذکر خدا می‌گفتند و قرآن تلاوت می‌کردند ولی از دین و قرآن جزء پوسته آن متوجه نشدند. (همان، ص ۲۳۱)

۲ - سختی شناسایی افراد ظاهرالصلاح: شناسایی افراد ظاهرالصلاح دشوار و سخت می‌باشد و لذا امام^(ع) فرمود:

«لا تقاتلوا الخوارج بعدی، فلیس من طلب الحق فاخطاه کمن طلب الباطل فادرکه (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۶۱) بعد از من با خوارج جنگ نکنید چراکه فردی که به دنبال حق می‌رود ولی دچار خطا می‌شود با کسی که به دنبال باطل می‌رود و به آن می‌رسد یکسان نیستند.»

۳ - امام^(ع) تلاش زیادی کرد تا با این گروه درگیر نشوند ولی تنها دو هزار نفر برگشتند و دوازده هزار نفر بر عناد و تعصبات خشک خود پافشاری کردند و می‌گفتند تنها در صورتی برمی‌گردند که امام^(ع) توبه کند چرا که پذیرش داور در حکم خدا کافر است در صورتی که خود این‌ها حکمیت را بر امام^(ع) تحمیل کرده بودند و از این نکته غافل بودند که پذیرش سخن آنان و توبه کردن به معنای این می‌باشد که امام^(ع) اشتباه کرده است در صورتی که ایشان معصوم از اشتباه بودند و از طرفی شکستن پیمان بعد از انعقاد خود گناه دیگری است که خدا اجازه آن را نداده است. «وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ الرَّعْدِ (قرآن کریم، آیه‌ی ۲۵ و سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۷)

۴ - در گفتگو و دیپلماسی باید از کلماتی استفاده کرد که امکان تفسیر آن برای

طرف مقابل فراهم نشود؛ وقتی حضرت^(ع) عبدالله بن عباس را برای گفتگو پیش خوارج فرستاد فرمود:

«لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۷۷) با ایشان با قرآن مناظره نکنید زیرا قرآن احتمالات و وجوه مختلف دارد و می‌گویی و می‌گویند بلکه با آنان به سنت گفتگو کن و دلیل بیاور و راه فرار را بر آنان ببند.»

۵ - امام^(ع) در این جنگ شیوه‌ای که انتخاب کردند همه خوارج محاصره شدند به طوری که امکان فرار برای آنها ممکن نباشد و به اصطلاح امروزی از عملیات گزائبری و عملیات احاطه‌ای استفاده کردند و در نتیجه همه به غیر از هفت یا ده نفر زنده ماندند و به همان تعداد از لشکر امام^(ع) شهید شده بودند. (قائدان، همان، ص ۲۲۰، ابن اثیر همان ص ۳۴۶) و برخورد شدید با این گروه بیانگر خطر مهمی است که از ناحیه این گروه بر اسلام وارد شده بود و می‌شد.

عرصه سخت و نرم دومین خاستگاه سبک فرماندهی امیرالمؤمنین^(ع)

نقش بسزایی که فرهنگ در قدرت ایجاد می‌کند باعث شده است به فرهنگ همانند تجهیزات جنگی اهمیت قائل شده و آن را از عوامل قدرت زا برشماری کنند و قدرت را به قدرت نرم و قدرت سخت تقسیم کنند و از آنجایی که تهدید به دنبال به کارگیری قدرت بر علیه رقبا و دشمن ایجاد می‌شود از این رو تهدیدات را به مثابه قدرت به تهدیدات سخت و نرم تقسیم می‌کنند.

قدرت

در فرماندهی و مدیریت قدرت به چیزی گفته می‌شود که به کمک آن بتوان در دیگران نفوذ کرد و اراده خود را به آنها تحمیل کرد. در عریان‌ترین شکل خود به اعمال نفوذ در دیگران به وسیله‌ی ابزارها و عوامل مختلف یا استفاده از تجهیزات، خشونت و ثروت و دانایی برای واداشتن مردم به انجام کاری خاص اطلاق می‌شود. نوع ابزار و عوامل، تعیین کننده‌ی مضاف‌الیه قدرت می‌باشد، مثلاً، اگر از عوامل اقتصادی برای اعمال نفوذ استفاده کنیم به آن قدرت اقتصادی گوئیم، و اگر از عوامل سیاسی مثل دیپلماسی و... برای اعمال نفوذ استفاده شود قدرت حاصله از نوع قدرت سیاسی

خواهد بود و به همین منوال اگر در اعمال نفوذ در دیگران از ابزار و تجهیزات نظامی استفاده شود در این حالت، قدرت، از نوع قدرت نظامی خواهد بود. به همراه قدرت و با به‌کارگیری آن در جامعه هدف تهدید متناسب با آن ایجاد می‌شود یعنی قدرت نرم با خود تهدیدات نرم و در نهایت جنگ نرم به همراه دارد و قدرت سخت به همراه خود تهدید سخت و جنگ سخت به همراه دارد بنابراین تفاوت‌های تهدیدات، در به‌کارگیری روش‌ها، ابزارها و... است. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سرزمین، نابودی و کشتن انسان‌ها و ویران نمودن مراکز اقتصادی) اجرا شود و یا می‌تواند با تکیه بر روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و با به‌کارگیری قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام گیرد. (افتخاری، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳). و اگر قدرت سخت با تجهیزات و ادوات نظامی پشتوانه تهدید سخت به حساب آید، قدرت نرم پشتوانه اصلی تهدید نرم است. (سازمان صدا، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

قدرت سخت یا نظامی

قدرت سخت همان قدرت نظامی است که با به‌کارگیری تجهیزات نظامی برای تحمیل اراده یا تصرف سرزمینی استفاده می‌شود در تعریف آن نظرات متعددی وجود دارد. گروهی، قدرت سخت را "قابلیت‌های فعلی و آتی یا توان نیروهای مسلح یک یا چند کشور متحد در مقایسه با قابلیت‌های فعلی و آتی دشمنان حال و آینده" تعریف کرده‌اند.

بعضی دیگر آن را "مجموع نیروهای مسلح یک کشور، توأم با سایر عناصر قدرت ملی و توانایی زمامداران کشور در به‌کارگیری این نیرو جهت پشتیبانی از سیاست‌های ملی" توصیف کرده‌اند. گروهی دیگر معتقدند که قدرت نظامی هرملتی عبارت است از: نیروی نظامی تجهیز شده و امکانات ملت برای افزایش قدرت. (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۷۸، ص ۹۱).

به عقیده‌ی "دبلیو گاتریچ" قدرت نظامی، آن نمادی از حیثیت ملی است که هیچ کشوری، در صورتی که برای حیثیت خود احترام قایل باشد، نمی‌تواند بدون آن به سر برد. ارتش به همراه پرچم، سرود ملی و سایر نمادها، در پاره‌ای از موارد به همراه

نیروهای هوایی و دریایی به منزله‌ی سمبل استقلال و پیشرفت یک کشور محسوب می‌شود. (Gutteride, 1964, pp. 40-47)

بسیاری عقیده دارند که قدرت سخت نه یک وسیله برای بهبود وضعیت اقتصادی بلکه جانشینی برای آن است. از این دیدگاه، ژاپن نمونه‌ی کشوری است که بعد از جنگ جهانی با هدف رشد اقتصادی توانسته است، بدون داشتن قدرت نظامی به رفاه اقتصادی دست یابد. (سنجایی، ۱۳۷۵ ص ۱۲۶)

بی شک نوع سلاح و تعداد نفرات در سبک فرماندهی نقش آفرین است و در تصمیم‌گیری‌های امیرالمؤمنین^(ع) بی تاثیر نبوده است خصوصاً دوره‌ای که ارتش رسمی در کشور نیست و در مواقع نیاز باید به سراغ افراد جامعه رفت و آنها را برای جنگ تحریک و تهیج نمود. ولی در عین حال در طراحی و هدایت جنگ به عوامل نظامی و تجهیزات دشمن و منطقه حضور آنها تأکید می‌ورزیدند و حتی برای دست‌یابی به یک نقطه استراتژیک درگیرهای قبل از نبرد اصلی اتفاق می‌افتاد و از عوامل پیروزی شمرده می‌شد چنان که در جنگ احد سربازان با رها کردن پست نگهبانی دره و رفتن به طرف غنایم پیروزی را به شکست تبدیل ساختند و یا در جنگ صفین برای تصرف سریع فرات دوبار درگیری اتفاق افتاد.

این امیرالمؤمنین^(ع) است که از نافرمانی کوفیان و اطرافیان به تنگ آمده و اظهار می‌دارند که:

«صبح کردم در حالی که چشم طمع به یاری شما ندارم و گفتارتان را تصدیق نمی‌کنم خدا میان ما و شما تفرقه برقرار سازد و بهتر از شما را روزی من فرماید و بدتر از من را بر شما مسلط نماید، امام شما کسی است که از خدا اطاعت می‌کند و شما برخلاف انتظار از او پیروی نمی‌نمایید و پیشوای شامیان موجودیست که از خدا سرپیچی می‌نماید و مردمش از او تبعیت می‌کنند. سوگند به خدا دوست داشتم معاویه مردم خودش را با پیروان من عوض می‌کرد همان‌طوری که دینار را با درهم عوض می‌کنند یعنی ده نفر شما را از من می‌گرفت و یکی از آنها را به من می‌داد. سوگند به خدا می‌خواستم من شما را شناسم و شما مرا شناسید زیرا این گونه شناسایی موجب پشیمانی است شما سینه مرا پرکینه کردید و کار مرا به خواری منجر نمودید تا به‌جایی که مردم قریش گفتند علی^(ع) مرد دلاوریست لکن از کار پیکار سررشته ندارد سوگند به

خدا آیا این گونه ادعا صحیح است، و آیا در میان ایشان یکی مانند من پیدا می‌شود که تا این اندازه در جنگ ممارست داشته باشد با آن که من هنوز بیست سالگی نرسیده بودم قدم در میدان کارزار نهادم و اینک که از سن شصت سالگی تجاوز کرده‌ام هم‌چنان به تدبیر نظامی و رزمی آشنایی کامل دارم لیکن چه دستوری بدهد کسی که حرفش خریداری ندارد لا رأی لمن لا یتطاع» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۶)

عناصر قدرت سخت و نظامی

عناصر تشکیل دهنده قدرت نظامی اعم از سلاح‌ها و تجهیزات نظامی، کمیت و کیفیت افراد نظامی، رهبری، بودجه‌ی نظامی، پایگاه‌ها، فنون نظامی، تحرک نیروها و امکانات تدارکاتی و لجستیکی است که نقش موثری در میزان اثرگذاری این قدرت در اعمال نفوذ دارند. مسلماً در این اثرگذاری نباید عوامل اثرگذار خارجی مثل عوامل ایدئولوژیک، اقتصادی، روانی و ژئوپلیتیک را نادیده گرفت. برای مثال، به رغم برخورداری ایالات متحده آمریکا از امکانات و تجهیزات پیشرفته‌ی نظامی که مبین ابرقدرت بودن آن به شمار می‌رود، این دولت نتوانست در مقابل نیروهای ویتنامی به اهداف سیاسی خارجی خود برسد، و سرانجام پس از شکست‌های پی‌درپی مجبور به فراخوانی نیروهای خود از آسیای جنوب شرقی شد. (قوم، ۱۳۷۲ ص ۹۲).

«کلدوس نور» نویسنده‌ی کتاب «استعداد جنگی ملل»، زیرساخت‌های قدرت نظامی را به سه دسته: ظرفیت اقتصادی؛ شامل: مقدار و ترکیب جمعیت، وسعت خاک، منابع زیرزمینی، قدرت تولیدی اقتصادی، درجه‌ی توسعه یافتگی، تکنولوژی و لیاقت ملت در به کار بردن و استفاده از منابع، شایستگی اداری؛ شامل: مهارت حکومت در استفاده از نیروی انسانی، سازمان‌ها و تولیدات نظامی و غیرنظامی؛ و عوامل محرکه؛ شامل: آمادگی برای شرکت در جنگ و قبول محرومیت اعم از داوطلبانه یا اجباری تقسیم می‌کند. (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۷۸، ص ۹۴).

پرفسور «هانس. جی. مورگنتا» پیشرو و رهبر مکتب اصالت قدرت در سیاست، هشت عامل را مبنا و زمینه‌ساز تحقق قدرت ملی می‌داند و آنها را عبارت از: موقعیت جغرافیایی، وجود منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، وضعیت آمادگی نظامی، جمعیت، خصوصیات ملی، روحیه ملی و کیفیت دیپلماسی می‌داند. یکی دیگر از صاحب

نظران در قدرت "رودولف اشتاین متسز" می‌باشد. وی نیز عوامل هشت‌گانه‌ی جمعیت، وسعت سرزمین، ثروت، تأسیسات سیاسی، وحدت ملی و همبستگی، حفظ حرمت و دوستی با قدرت‌های خارجی، کیفیت اخلاقی و کیفیت فرماندهی را عوامل و زیرساختارهای قدرت نظامی معرفی می‌کند. (کاظمی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵)

اگر به طور کلی به عوامل و زیرساخت‌های قدرت نظامی در دیدگاه‌های مختلف نگاه کنیم آنها را به دو دسته‌ی عمومی می‌توان تقسیم نمود:

۱- عوامل طبیعی؛

۲- عوامل انسانی؛

عوامل طبیعی آنهایی هستند که انسان در ایجاد آنها نقشی ندارد؛ مانند: جغرافیا، منابع طبیعی و... ولی در ادراک صحیح موقعیت آنها و نوع اثرگذاری و کیفیت استفاده از آنها مؤثر می‌باشد.

عوامل انسانی، آنها هستند که یا ساخته شده‌ی انسان در قالب تکنولوژی، و یا روحيات و حالات انسانی در قالب شجاعت، همگرایی، وحدت و... می‌باشند.

هر دو عامل طبیعی و انسانی در اثرگذاری خود، متأثر از اندیشه‌ها و ارزش‌ها و باورهای حاکم بر آدمی است. این اندیشه‌ها و باورهای بشری است که او را به طرف استفاده بهینه و یا نامناسب از منابع طبیعی و ساخت تکنولوژی از جهت کیفیت و کمیت و نوع تعلیم و تربیت برای تقویت استعدادهای رفتاری، هدایت می‌کند.

اندیشه‌ها و باورها حتی در رزم سرباز و فرماندهی جنگ تأثیر دارند. در خلال جنگ جهانی دوم دریافتند که جامع‌نگری و ارتباط نقش فرد به موقعیت‌های دیگر، تأثیر عمده‌ای در نحوه‌ی رزم او دارد. هنگامی که فردی وظایف معین خود را بر اساس هدف‌های کلی‌تر واحدهای وسیع ارتش بفهمد، نه فقط دارای روحیه‌ای قوی‌تر می‌شود، بلکه رفتارش هوشمندانه‌تر می‌گردد. فرد دارای ذهن منطقی و صاحب اندیشه‌ی جامع به طور ویژه‌ای خود را در میان تصویر بزرگی می‌بیند که ارتباط تنگاتنگ بین اجزای آن برقرار است و تلاش می‌کند تا زمینه‌ی ادراک‌های خود را وسیع‌تر نماید. در خلال حمله‌ای از دشمن به موضعی دفاعی، سربازی که تا ۱۰۰ متری محل استقرار مسلسل خودی نفوذ کرده خیلی بیشتر اهمیت دارد تا صدها سرباز دشمنی که در فاصله‌ی ۱۰۰ متری توسط آتش مسلسل‌ها و تجهیزات دیگر زمین‌گیر

می‌شوند. برای مسلسل‌چی که اهمیت موضع دفاعی را در کل تلاش جنگی نمی‌فهمد و درک درستی از موقعیت ندارد، خیلی سخت است تا از وظیفه‌ای که برایش در نظر گرفته‌اند منحرف شده و به سوی آن یک نفر تیراندازی نماید. این تغییر رفتار و شیوه‌ی عمل، ارتباط مستقیم با اندیشه و ارزش‌های آن دارد. (اسمیت، ۱۳۷۴ ص ۷۲).

در طول هشت سال دفاع مقدس نیز این امر بارها به اثبات رسید که رزمنده و فرمانده‌ای که در کنار هوشمندی و ادراک موقعیت، از روحیه‌ی بالا و ارزش‌ها و باورهای متعالی برخوردار بوده، به همان اندازه در رزم او تأثیر داشته است. این معنی را به خوبی می‌توان در آیات زیر مشاهده نمود:

« *ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائین و ان یکن منکم مائه یغلبوا الفاً من الدین کفروا بانهم قوم لا یفقهون، الان خفف الله عنکم و علم ان فیکم ضعفا، فان یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین، و ان یکن منکم الف، یغلبوا الفین باذن الله و الله مع الصابرين؛ اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهید شد و اگر صد نفر بوده بر هزار نفر کافران غلبه خواهد کرد زیرا آنها گروهی بی‌دانش هستند و شما با دین و دانش هستید لذا بر آنها غالب می‌شوید. اکنون خدا بر شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعف ایمان راه یافته پس اگر صد نفر صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از کافران و اگر هزار نفر بر دو هزار نفر از آنان به اذن الهی غالب خواهید شد. (یعنی با وجود ضعف ایمان باز یک نفر مؤمن بر دو نفر کافر غلبه خواهد کرد) و خدا با صابران (اهل ایمان و یار و یاور) است.» (قرآن کریم، سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۵)*

خداوند در آیه‌ی شریفه، استقامت و پایداری مؤمنان را به نادانی دشمن (لایفقهون) و ارتقاء و ضعف ایمان و دانش مؤمنان مرتبط می‌داند و این دو، یعنی دانش و ایمان، همان پایه‌های رفتاری انسانی است که فرهنگ و شیوه‌ی عمل نامیده می‌شود.

قدرت نرم

در قدرت نرم توجه به افکار و اندیشه و حوزه‌های ایمانی افراد می‌شود که قدرت محرکه انسان را شکل می‌دهد به عبارت دیگر در قدرت نرم عوامل محرکه داخلی انسان تقویت می‌شود که به دو بخش عمده‌ی انگیزشی و فکری تقسیم می‌شوند،

بخش‌های که موتور محرکه تمام رفتارهای انسان را شکل داده و آنها را ایجاد می‌کند. و برای این که بتوان قوای متحرکه انسان اعم از لایه‌های اندیشه‌ای یا انگیزشی را تحت تأثیر قرار داد باید از شیوه انجذاب و اقناع و متقاعدسازی استفاده کرد. تا انسان نسبت به مطلبی جاذبه پیدا نکند و قانع نشود، پذیرای خواسته‌های جدید نخواهند شد چنانکه وقتی امیرالمؤمنین^(ع) در منبر بود و به مردم گفت: «أَيُّهَا النَّاسُ سَأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» در منبر بود و به مردم گفت: «أَيُّهَا النَّاسُ سَأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»

دهم. من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشناتر هستم.»
عرب یهودی از گوشه مجلس بلند شد و با خشونت و بی ادبی گفت: «أَيُّهَا الْمُتَّعِبِي قَالَا يَعْلم؛ اى آدم پر مدعى چيزى را نمى‌دانى ادعا نکن؟ اين حرف‌ها چيست که مى‌گويى؟ از همه چيز بپرسيد من جواب مى‌دهم و شروع به فحاشى کرد.»
اصحاب یک مرتبه بلند شدند و در صدد حمله به او برآمدند که حضرت جلو آنها را گرفت و فرمود:

«فَإِنَّ الطَّيْشَ لَا تَقُومُ بِهٖ حُجَجُ اللَّهِ وَلَا بِهٖ تَطَهَّرُ بَرَاهِينُ اللَّهِ؛ با فشار حجج الهی و براهین او را نمی‌توان اقامه کرد.»

و سپس فرمود هرچه سؤال دارید بکنید که ایشان چندین سؤال کردند و امام^(ع) جواب می‌دادند و او قانع می‌شد. (بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۲۳۱)
در هنگامه جنگ جمل فردی از امام^(ع) سؤال از توحید می‌کند و مردم به او هجوم می‌برند و به او می‌گویند مگر نمی‌بینی که ایشان در چه وضعیتی است و دلش متوجه چند قسمت است، وقت این سؤال است؟ حضرت^(ع) فرمود: «او را واگذارید مقصد این مرد عرب همان است که ما از این قوم مخالف درخواست داریم و برای آن می‌جنگیم.» (موسوی کاشانی، همان، ص ۲۸۹)

و گذشت زمان دولت‌ها را به این نتیجه رسانده است که باید هزینه‌های عملیات و استقرار فیزیکی در حوزه بیگانه را کاهش داد، لذا بر روی تقویت و فعال نمودن الگوهای رفتاری و فرهنگی متمرکز شده و در آن وادی قدم گذاشته‌اند و به جای این که سربازان و نیروهای نظامی خود را به مناطق دیگر گسیل نمایند با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای، تولید دانش و تأثیرگذاری در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تغییر هنجارها و الگوهای رفتاری نفوذ خود را محقق نموده و در مواردی با سرمایه

انسانی و مادی کشورها به نتیجه مطلوب که تسلط بر آن کشور است دست می‌یابند. (افتخاری، ۱۳۸۰، ص ۲۰)

عناصر قدرت نرم

فرهنگ و عناصر آن مهم‌ترین فاکتور اثرگذار در قدرت نرم و تهدیدات نرم می‌باشد به طوری که فرهنگ هر جامعه تعیین کننده‌ی استراتژی کلی نظام، و در نتیجه، استراتژی نظامی یک کشور می‌شناسند. چراکه بر پایه‌ی استراتژی کلی یک کشور، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی و اجرایی تدوین و به اجرا گذاشته می‌شود. و حتی تفاوت عمده‌ای که در به‌کارگیری و رشد تجهیزات از نظر کیفی و کمی دیده می‌شود به تفاوت فرهنگی آنها بر می‌گردد؛ چه این‌که، کشورهای مختلف از نظر خصوصیات ملی و باورهای اجتماعی با هم تفاوت دارند و این خصوصیات در ارزیابی قدرت نظامی و نقش آن تأثیر می‌گذارد. (جان جی، ۱۳۶۷، ص ۱۹)

عامل موثر دیگر در قدرت نرم، اندیشه و لایه‌های اندیشه‌ای قدرتمندان، رهبران و مردم یک کشور است چراکه رویکرد رهبران و مردم در پیشبرد مقاصد نقش مهمی دارند. به طوری که تعلیم و تعلم، برخورداری از بینش علمی و سیاسی مردم یک کشور در تشخیص صحیح موقعیت ژئوپولیتیکی و درک درست منافع ملی خود بسیار مهم و موثر است. امروزه در اکثر کشورها اهمیت این مساله درک شده است و سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در جهت توسعه‌ی بینش و آگاهی مردم در زمینه‌های آموزشی و تربیتی صورت می‌گیرد. (تهامی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲)

امروزه زور و ثروت به میزان حیرت‌انگیزی به دانایی و دانش وابسته شده است، به نحوی که فرانسیس بیکن آن را معادل دانایی می‌داند. (تافلر، ۱۳۷۷، ص ۳۲) و در فرهنگ فارسی نیز به این امر اهتمام شده است که «توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود». نیروهای نظامی تا دیروز پیرو اصل گسترش نیروی مشت بدون استفاده از مغز بودند، ولی امروزه تقریباً به مغز و اندیشه وابسته شده‌اند؛ تکنولوژی‌های تسلیحاتی و مراقبتی مدرن، همه از عناصر الکترونیکی غنی اطلاعاتی ترکیب یافته‌اند و هواپیماهای جنگنده امروزی کامپیوترهای پرنده هستند و حتی کوچک‌ترین وسایل نظامی به کمک کامپیوترهای فوق‌العاده هوشمند ساخته می‌شود. امروز منابع نظامی به

دنبال دست‌یابی به تراشه‌های استنتاج چند میلیونی در هر ثانیه هستند، لذا با قاطعیت می‌توان گفت منطق، استنتاج، معرفت‌شناسی و به‌سخن کوتاه، کار مغزی و فکری انسان و ماشین، امروزه پیش شرط قدرت نظامی است. بنابراین می‌توان گفت فرهنگ و اندیشه از عناصر مهم قدرت برشماری می‌شود و تأثیرات متنوعی بر آن دارند مانند:

- ۱- اندیشه و ارزش‌ها جهت‌دهنده‌ی آرمان‌ها و اهداف کلی کشور می‌باشد.
 - ۲- از عوامل موثر در استراتژی کلان کشور، فرهنگ، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، باورهای رهبری و فرهنگ جمعی است.
 - ۳- استراتژی نظامی در راستای سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و استراتژی کلان کشوری تدوین می‌گردد که تأثیر عمده در تهیه ارقام نظامی دارند.
 - ۴- اندیشه‌ها و ارزش‌ها تأثیر مستقیم در روحیات و رفتارهای فرماندهی و سرباز دارند. (آریک آنت، ۱۳۷۹، ص ۲۱)
 - ۵- عوامل و عناصر قدرت ملی در دو بُعد طبیعی و انسانی، ارتباط مستقیم با ادراک صحیح و ارزش‌های حاکم بر انسان دارند.
 - ۶- بهترین نوع قدرت، از کاربرد دانایی حاصل می‌شود، یعنی با به کارگیری دانایی و دانش با کم‌ترین مقدار منابع قدرت، به اهداف مورد نظر دست می‌یابد. (تافلر، ۱۳۷۷، ص ۳۲)
 - ۷- اگر آموزش‌های نیروهای مسلح در زمان صلح از روی اندیشه و دانایی، هدفمند و برنامه‌ریزی شده و متناسب با شرایط آتی و فرهنگ بومی و حاکم نباشد، نمی‌توان در شرایط بحرانی از نیروهای مسلح در راستای اهداف سیاسی - استراتژیک استفاده‌ی بهینه نمود. (کالین، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲).
- بنابراین می‌توان گفت: فرهنگ با دو پایه‌ی دانایی و ارزش، سازنده و جهت‌دهنده‌ی تمام فعالیت‌های فیزیکی و روانی نیروهای مسلح می‌باشد. بدون برنامه‌ریزی استراتژیک نمی‌توان به توان و آمادگی رزمی مناسب و کارآمد دست یافت؛ برنامه‌ای که مهم‌ترین جزء آن را شناخت محیط داخلی و بیرونی، برای دست‌یابی به نقاط قوت و ضعف درونی و بیرونی در دو بُعد شناختی و ارزشی تشکیل می‌دهد (بایانی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰).

ویژگی های قدرت نرم

قدرت نرم وقتی خود را نشان می‌دهد و از حالت قوه به فعلیت می‌رسد در بخش خودی ایجاد توانمندی کرده و در بخش دشمن و غیر خودی ایجاد تهدید نرم می‌کند به عبارت دیگر نگاه به قدرت از دو سو دو صفت متناقض به آن می‌دهد اگر از ناحیه دشمن باشد به آن تهدید می‌گوییم و اگر از ناحیه خودی نگاه کنیم به آن توانمندی گویند و اگر دشمن از قدرت استفاده کرده و تخریب ذهنی و رفتاری ایجاد کند و تلفات بگیرد در آن صورت به جنگ نرم تغییر هویت می‌دهد به عبارت دیگر جنگ نرم از تهدید نرم و تهدید نرم از قدرت نرم دشمن به وجود می‌آید البته بحران را می‌توان به این فرآیند اضافه نمود و در بین تهدید و جنگ قرار داد. یعنی دشمن با به-کارگیری قابلیت‌های خود در عرصه‌های نرم ایجاد بحران هویتی و اجتماعی کرده و آسیب‌های اجتماعی و رفتاری برجا می‌گذارد و حرکت عادی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. همین فرآیند در بخش خودی نسبت به دشمن نیز طی می‌شود.

قدرت نرم ← تهدید نرم ← بحران اجتماعی و هویتی ← جنگ نرم
دشمن وقتی از قدرت نرم برای تخریب و تهدید جامعه هدف استفاده می‌کند تلاش اصلی خود را در مدیریت ادراکات و احساسات می‌گذارد تا یقین افراد جامعه هدف را به شک و حبّ و دوستی آنها را به بغض و کینه تبدیل نماید و به پلورالیزم فرهنگی، سیاسی، دینی و هژمونی نسبیت اخلاقی، اباحه‌گری مذهبی و در نهایت سکولاریزم تأکید ورزند.

کار اصلی معاویه بر روی شامیان از این نوع بود معاویه توانست با مدیریت ادراکات و احساسات شامیان و به‌کارگیری ترفندهای دروغین مانند خون خواهی عثمان و عَلم کردن پیراهن خونین او و انگشتان همسرش توانست مردم شام را متقاعد کرده و مزید خود سازد و در این عرصه تا جای پیش رفته بود که مردم شام لعن بر علی (ع) را در نمازها واجب می‌شمردند و در صورت فراموشی آن قضای نماز بجا آورده و برای فراموشی کفاره می‌دادند. (بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۶۵۴)

برای باز شناسی قدرت نرم و به طبع آن تهدید و جنگ نرم از وجوه دیگر قدرت

می‌توان ویژگی‌های زیر را برشماری کرد:

- ۱- مبارزه‌ای غیر خشونت آمیز است و از شیوه‌ها و روش‌های نرم افزارانه استفاده می‌کند. مانند خون‌خواهی معاویه با به‌کارگیری آیات قرآن؛
- ۲- تلاش اصلی بر ایجاد تردید در مبانی و زیر ساخت‌های فرهنگی نظام سیاسی مستقر متمرکز می‌شود و نیروی مهاجم به دنبال بحران‌سازی برای رژیم سیاسی مستقر و مشروعیت‌زدایی از آن است. مانند طرح این نکته از طرف معاویه مبنی بر صلاحیت او بر جانشینی عثمان به جهت قرابت با او؛
- ۳- تغییرات حاصل از تهدید نرم، ماهوی، آرام، ذهنی و تدریجی است.
- ۴- مبارزه در تهدید نرم بسیار پیچیده است.
- ۵- محاسبه و اندازه‌گیری در تهدید نرم کاری بسیار دشوار است.
- ۶- عواطف، احساسات و اندیشه‌ها از سوی نیروی مهاجم نشانه روی می‌شود.
- ۷- هنگام شروع احساس نمی‌شود.
- ۸- قائل به حد و مرز معین و مشخصی نیست.
- ۹- بر پایه تکنولوژی و تکنیک استوار است.
- ۱۰- مانند تهدیدات سخت و نیمه سخت کشتار و خونریزی ندارد.
- ۱۱- از قواعد خاص خود پیروی می‌کند.
- ۱۲- این تهدید زمانی احساس می‌شود که اثرات زیان‌بار آن در جامعه نمایان گردد.

۱۳- بیشترین تلفات را از قشر جوان و نوجوان می‌گیرد. (عبدالله خانی ۱۳۸۳، ص ۱۱۲)
بنابراین برای شناسایی عرصه فعالیت دشمن در حوزه‌های نرم می‌توان از شاخص‌های زیر استفاده کرد:

- ۱- متکی به روش‌های نرم افزارانه؛
- ۲- ایجاد تردید در مبانی و زیر ساخت‌های فکری و ارزشی؛
- ۳- نامحسوس، غیر عینی و نامریی؛
- ۴- تدریجی و پیچیده؛
- ۵- بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه؛ (الهی، ۱۳۸۸)
- ۷- استفاده از روش‌های اقناعی و انجذاب و مدیریت ادراک؛

۸- بحران در الگوهای رفتاری جامعه؛

۹- متکی به منابع قدرت نرم حریف و دشمن؛

۱۰- عمل در شکل و بستر قانونی (استوارت، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲)

نگاهی کوتاه به روش‌ها و تاکتیک‌های جنگ نرم مخالفین امیرالمؤمنین (ع)

۱- امتزاج حق به باطل: همواره در طول تاریخ این حق بوده است که مردم را به حرکت واداشته و تحولاتی را در جوامع ایجاد کرده است، چرا که اگر باطل از امتزاج و آمیختگی با حق جدا باشد و با حق مخلوط نباشد، مردم حق جو منحرف نمی‌شوند. «فلو ان الباطل خلص من مزاج الحق لم یخف علی المرتدین» چون اغلب مردم، حق‌گرا هستند، ولی می‌آیند حق را با باطل مخلوط و ممزوج می‌کنند و امر بر مردم مشتبه می‌شود؛ یعنی مردم حق را با باطل اشتباه می‌گیرند و باطل را با مارک حق می‌خرند. اگر باطل از حق جدا شود و با آن در نیامیزد بر طالبان حق مخفی نمی‌ماند، و اکثریت مردم طالب حق هستند نه طالب باطل «و لو ان الحق خلص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندین».

سرگذشت معاویه بیان‌گر این حقیقت است. چه شد که معاویه توانست پست خلافت را اشغال کند؟ با نیروی حق، با نیروی مردم مرتد، حق طلب، حنیف و حقیقت‌جو که تازه با اسلام آشنا شده بودند و دلشان برای اسلام می‌پیید. وقتی عثمان بر اثر انحراف‌هایش در خطر کشته شدن بود، معاویه هیچ کمکی برای او نفرستاد، برای اینکه او با عثمان کار نداشت، او دنبال ریاست خودش بود. فکرهاش را کرد، دید اگر عثمان کشته بشود مرده عثمان بیشتر به نفع اوست تا زنده او؛ لذا جاسوس‌هایش را فرستاد تا لباس خون آلودی، انگشت بریده‌ای از عثمان برای او ببرند. وقتی اینها را آوردند فوری پیراهن عثمان را بر سر دروازه شام یا مسجد جامع دمشق آویزان کرد و رفت بالای منبر شروع کرد به اشک تمساح ریختن که ایها الناس خلیفه مظلوم پیامبر را کشتند، این هم پیراهن خون آلود او. صدای غریو گریه مردم بلند شد. معاویه روزها از این مردم اشک گرفت و از مظلومیت خلیفه پیامبر سخن گفت و این آیه را می‌خواند (مطهری، ج ۳، ص ۴۴۶): « وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰناً فَلَا يُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ اِنَّهُ كَانَ مَنصُوراً. » (قرآن کریم، سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۳) و کسی که مظلوم کشته شود ما برای ولی او حق قصاص قرار دادیم، اما نباید در کشتار زیاده‌روی کند و همانا او پیروز

است

- ۲- فریب‌کاری، فریب مردم با کارهای که واقعیت نداشته و محق جلوه دادن باطلان، «خدعتهم بغیک» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۲)
- ۳- صحنه‌سازی: فضای جامعه را با کارهای که انجام می‌دادند چنان آلوده می‌کردند که مردم همان را فکر می‌کردند که حاکمیت می‌خواست «القیتم فی موج بحرک و تغشاهم الظلمات» (همان)
- ۴- شبه‌افکنی: ایجاد فضای مسموم و ایجاد شک و شبهه در باورها و سنت‌ها و آموزه‌های دینی «تلاطم بهم الشبهات» (همان)
- ۵- توسعه و تعمیق نادانی مردم: مردم جیره‌خوار و نادان بودند و معاویه هم جیره‌ی آنها را می‌داد و می‌کوشید که همچنان در نادانی خود بمانند، (جرج جرداق، ۱۳۷۵، ص ۳۱۶)
- ۶- استفاده از ضعف ایمان و ساده‌انگاری و ظاهرینی مردم: در جنگ صفین با این که سبک امیرالمؤمنین^(ع) این بود که در تمام جنگ‌ها ابتدا قرآن را با فرستاده‌ای به عنوان واسط می‌فرستاد که در هر سه جنگ نیز شهید شدند، در جنگ صفین ابتدا که شامیان پیک امام^(ع) و واسط شدن قرآن را نپذیرفتند ولی وقتی معاویه، امام^(ع) و یاران او را بعد از چند روز درگیری در کنار خود دید که با لشکر او درهم شده‌اند و یقین به شکست خود کرد به پیشنهاد عمروعاص قرآن‌ها را بر سر نیزه زده و فریاد برآوردند: قرآن در میان ما و شما داور باشد! (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۵) با اینکه امام^(ع) فرمود: «قرآن دست نوشته‌ای است که بین دو جلد قرار گرفته است و این انسان‌ها هستند که در باره‌ی آن سخن می‌گویند»، (همان) افراد ضعیف‌الایمان، سست باور و فرصت طلب‌هایی مثل اشعث بن قیس، امام^(ع) را وادار کردند که از پیروزی چند قدمی بر دشمن دست بردارد و با حکمیت همراهی کند و با وجود اصرار امام^(ع) بر حکم قرار دادن مالک بن اشتر یا عبدالله بن عباس، به‌ناچار تن به حکم شدن ابوموسی اشعری داد (نهج البلاغه، خطبه‌های ۱۲۷، ۲۳۸ و ۱۷۷)، در حالی که شامیان برای حکمیت فردی را انتخاب نمودند که به معاویه از همه نزدیک‌تر بود و در تمام امور معاویه را مشورت می‌داد و به حيله‌گری معروف بود و این فرد جز عمروعاص نبود.
- ۶- جهالت و نادانی مردم: جهال و کم‌اندیشانی که تنها ظاهر را دیده و بر پایه‌ی

آن قضاوت می‌کردند؛ کسانی که در صفین حکمیت را ابتدا بر امام^(ع) تحمیل کردند و پس از رای حکمیت مخالف حکمیت شدند و با طرح شعار «لا حکم الا لله» دشمنی خود را با امام^(ع) آشکارتر کردند و از ایشان خواستند که به اشتباه خود در همراهی با حکمیت اعتراف نموده و بر این کفر، توبه نماید. امام^(ع) در مقابل خواست آنها فرمود: «آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی اینها می‌گویند زمام‌داری جز برای خدا نیست درحالی‌که مردم به زمامدار نیک یا بد نیازمند هستند. و ای مردمی که شما را نیرنگ زدند و نیرنگ را پذیرفتید و حيله‌گری حيله‌کاران را شناختید و باز در پیروی از هوای نفس پافشاری نمودید و در آشوب و اشتباه‌کاری آن قدم برداشتید و از حق آشکار روی برگردانید و از طریق مستقیم منحرف شدید، به آن خدایی که دانه را شکافت و بشر را می‌آفریند، سوگند یاد می‌کنم که اگر دانش را از معدن آن آموخته بودید، راه‌ها برای شما روشن می‌شد، نشانه‌ها برایتان آشکار می‌گردید و هیچ یک نیازمند نمی‌شدید و به هیچ یک از شما مسلمانان و یا هم‌پیمانان ظلمی روا نمی‌شد.» (همان، ص ۳۶۱)

۷- به گفته ابن‌الحدید عامل همه خرابی‌هایی که در زمان خلافت علی^(ع) روی داد، اشعث بود و اگر او چنان نمی‌کرد، جنگ نهروان برپا نمی‌شد. زیرا علی^(ع) با آنان از راه کنایی سخن گفت و کلامی به آنان گفت که همه انبیاء و معصومین آنان را گفته‌اند. خوارج نیز با شنیدن آن راضی شده بودند. اما اشعث کاری کرد تا آن حضرت را به سخن گفتن با صراحت واداشت. زیرا به گونه‌ای از حضرت سؤال کرد که حضرت راهی جز جواب آشکار نداشت و بدین سان تدابیر علی^(ع) کارساز نشد. (موسوی کاشانی، همان، ص ۷۰۴)

۸- منع حدیث‌نویسی و سوزاندن احادیث: شاید کاراترین شگردی بود که مخالفین برای از بین بردن سنت رسول خدا^(ص) انجام دادند، منع از نوشتن احادیثی بود که در سینه مردم از رسول خدا^(ص) می‌دانستند؛ ابوبکر اولین فردی است که در دوره خلافت دستور سوزاندن پانصد حدیث را می‌دهد و خلیفه دوم نیز در دوره خلافت، نوشتن حدیث را منع کردند که به روایتی این منع تا زمان عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت (علامه حائری، ۱۳۷۷، ص ۶۲)

رابطه استعمار فرانکو و تهدیدات نرم

چارچوب نظری که مقام معظم رهبری در ۱۰ سال گذشته برای بحث قدرت و جنگ نرم تعریف می‌کنند روی استعمار است. ایشان می‌گویند:

«در عصر استعمار سنتی می‌آمدند سرزمین شما را می‌گرفتند به‌طور مستقیم حکومت می‌کردند مثل کاری که انگلیسی‌ها کردند و رفتند هند را گرفتند. به این می‌گویند استعمار سنتی. اما در استعمار نو که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت دیگر نمی‌آمدند سرزمین شما را بگیرند، دولت دست‌نشانده با کودتا در کشور شما تشکیل می‌دادند، آن دولت هم برای آنها حکومت می‌کرد. مثل دولت پهلوی که با کودتا هر دو تای آنها سرکار آمدند، و به جای اینکه آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها حضور داشته باشند به جای آنها حکومت می‌کرد. کاری که الان در مصر و عربستان می‌بینید.»

سال ۱۳۸۲ بحثی را ایشان مطرح کردند، به نام "استعمار فرانکو": «این استعمار نوع سوم است. در این استعمار، دیگر نمی‌آیند زمین و کشور شما را بگیرند، دیگر با کودتا دولت شما را نمی‌گیرند، در این شیوه استعمار، می‌آیند و شخص شما را می‌گیرند، بعد باور شما را تغییر می‌دهند. شما می‌روید حکومتی را تشکیل می‌دهید که آنها می‌خواهند و شما می‌روید سرزمین‌تان را دودستی تقدیم آنها می‌کنید. این یعنی قدرت نرم. توان و اراده خود را این‌گونه تحمیل می‌کنند. اینجا پس نه سرزمین مثل قدرت سخت و نه بازار اقتصاد و سیاست مثل قدرت نیمه سخت بر شما تحمیل می‌شود در قدرت نرم انسان‌ها تصرف می‌شوند. برای تصرف شما قلب و ذهن‌تان را باید بگیرند. اصطلاحاً می‌گویند نبرد قلب‌ها و ذهن‌ها، کسی که می‌خواهد اراده خود را تحمیل کند وقتی به قلب شما حکومت کند بر ذهن شما حکومت کند اراده خود را تحمیل کرده است همان کاری که او می‌خواهد انجام می‌دهید. تصرف قلب هرکسی با حب و بغض انجام می‌شود و تصرف ذهن هرکسی با شک و یقین.»

عرصه‌های قدرت در فرهنگ علوی

در منطق امیرالمؤمنین^(ع) قدرت ابزاری است که برای تأمین و حفظ منافع ملی، گروهی و یا حتی شخصی به کار می‌رود و به تنهایی هویت‌زا و ارزش‌زا نمی‌باشد. و

به همین دلیل در زمان پیامبر اعظم (ص) و امام (ع) نیروی مسلح به اصطلاح امروزی نبود بلکه هر موقع به کیان کشور و حقوق مردم تجاوز و تعدی صورت می‌گرفت یا انحرافی در دین مشاهده می‌کرد مردم را برای دفاع از کشور بسیج می‌کردند.

از این رو اقناع و متقاعد ساختن مردم نقش اساسی در بسیج نیروها داشت که امروز از آن به قدرت نرم یاد می‌شود و تلاش می‌شد افرادی به جمع‌آوری و بسیج نیروها فرستاده شود که از قدرت اقناع‌سازی بیشتری برخوردار باشد؛ وقتی امام (ع) مطلع شدند طلحه، زبیر و عایشه "پیمان شکنان" در بصره جمع شده‌اند. امام (ع) اقدام به بسیج نیروها کردند و برای این کار ابتدا «محمد بن ابی‌بکر» و «محمد بن جعفر» را روانی کوفه کرد ولی با مخالفت حاکم شهر یعنی ابوموسی اشعری مواجه شدند و مانع بسیج مردم برای جنگ شدند از این رو امام فرزندش امام حسن (ع) و عمار بن یاسر (شیخ مفید، ص ۶۵) و به نقل دیگر مالک اشتر را به همراه نامه‌ای به کوفه فرستاد. (فائدان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹) و برای او نوشت: «من حسن (ع) و عمار را فرستادم تا از مردم کمک بخواهند و قرظ بن کعب را نیز به عنوان والی کوفه فرستادم. اعمال تو نکوهیده و مطرود است از کار ما کناره بگیر و اگر نرفتی به او دستور داده‌ام تا با تو آشکارا مبارزه کند و بر تو چیره شود.» با کنار رفتن ابوموسی امام حسن (ع) و عمار توانستند مردم را برای جنگ بسیج نمایند

اگر بخواهیم در یک جمله به صورت شفاف رویکرد امام (ع) نسبت به قدرت سخت را بدانیم می‌توان آن را در نامه ۵۳ نهج البلاغه یافت که می‌فرماید:

«فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاءِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ كَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ؛ نیروی نظامی به امر خداوند و اذن او پناهگاه مردم، عامل زینت و برتری حاکمان، مایه عزت دین و تأمین کننده امنیت عمومی و پایداری ملت‌ها هستند.»

و مطالعه تحلیلی محتوای نهج البلاغه و خطب و نامه‌های به جا مانده از حضرت گویای این واقعیت است که حضرت به نیروی سخت به‌عنوان آخرین حربه و ابزار نگاه می‌کردند که برای ایجاد امنیت اجتماعی و بستر لازم برای سعادت انسان‌ها می‌دیدند از این رو در هیچ جنگی دیده نشد که حضرت شروع کننده آن باشد؛ عرصه‌های ناکتین، قاسطین و مارقین (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲) مهمترین صحنه‌های عملیاتی امام (ع) در طول زمامداری بودند که به گواه تاریخ در هیچ کدام شروع کننده جنگ نبودند

چرا که منطق امام (ع) در جنگ کشتن انسان‌ها نیست او به دنبال رهایی انسان‌ها از بندهای اسارت نفسانی و بندگی طاغوتیان می‌باشد. او با نگاه واقع‌نگری، حق‌مداری و کمال‌خواهی که به انسان‌ها و طبیعت و جهان می‌کرد دشمن را معنای دیگری می‌کرد. چپستی و فلسفه‌ی قدرت‌سخت را در امر دیگری می‌دید و این ندای رسای اوست که اعلام می‌دارد:

«سوگند به خدا برای من فرقی ندارد، من به آغوش مرگ وارد شوم یا مرگ سوی من درآید ... سوگند به خدا من هیچ روزی جنگ را به تأخیر نینداختم، مگر این‌که آرزو داشتم در این مدت گروهی بر من ملحق گردند و به وسیله‌ی من هدایت شوند و با بینش و بصیرت و دید ضعیفی هم که دارند به سوی نور من راه پیدا کنند. چنین نتیجه‌ای برای من محبوب‌تر است از این‌که آنها را بکشم، گرچه سرانجام آنها به لغزش‌ها و گناهانشان باز خواهند گشت.» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۵۴)

دشمن‌شناسی امیرالمؤمنین (ع)

در قدرت سخت مهم‌ترین شاخص شکل‌گیری و ارزیابی توان سخت، شناخت دشمن و توانمندی‌های آن می‌باشد. و نوع نگاه و تصویری که از دشمن به تصویر کشیده می‌شود، مستمسکی برای تهیه‌ی عده و غده سخت می‌گردد؛ امریکا برای فروش تسلیحات سخت به شیوخ منطقه از این منطق بهره می‌جوید؛ او ضمن دشمن‌انگاری ایران به بزرگ‌نمایی آن همت می‌گذارد و به مقصود خود نیز تا به حال دست یافته است. ولی اصولاً چه کسی مخالف و دشمن است؟ به چه کسانی اجازه‌ی درگیری و جنگ داده می‌شود؟ معیار و ملاک دوستی و دشمنی چیست؟ و یا جبهه‌گیری ما بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟

هدف، معیاری است که بر اساس آن، انسان‌ها راه و ابزار لازم برای رسیدن به آن را انتخاب و تهیه می‌کنند. در حقیقت، بدون هدف، رفتارهای انسان مفهوم و معنای خود را از دست می‌دهد. در سایه‌ی هدف است که رفتارها ماهیت گرفته و مورد قبول و یا رد واقع می‌شوند. انسانی که رسیدن به مکان فیزیکی مثل الف را هدف قرار می‌دهد، به طور طبیعی مسیر و وسیله‌ای را انتخاب خواهد نمود که او را به راحت‌ترین وضعیت ممکن به مقصد برساند. در این تکاپو، هر آنچه او را در این مسیر

یاری نماید دوست و در غیر این صورت، دشمن یا بی طرف خواهد شمرد. پس از آن که یک موضوع معین مورد هدف قرار گرفت و جستجوی موضوعی پیرامون وسایل رسیدن به آن آغاز شد، همراه با این کاوش، مقایسه و سنجش قانع کننده میان ارزش هدف و وسیله نیز آغاز می گردد تا در روشنایی نتایجی که از مقایسه میان این دو ارزش به دست می آید، تکلیف وسیله برای دستیابی به آن هدف روشن گردد.

به هر حال، این ارزیابی، چه پیش از تعیین موضوع وسایل هدف و یا در جریان جستجو از وسایل و چه پس از همه‌ی این مراحل بوده باشد، بالاخره هدفی که در راه وصول به آن، بایستی موضوعاتی را به عنوان وسایل انتخاب کرد، به طور حتم باید از وسایل برتر و ارزشمندتر باشد. بنابراین، سخن ماکیاوول - هدف وسیله را توجیه می کند- نیز درست و اصولی نمی باشد، چون ماکیاوول در ذهن خود سیاستمدار را به مرتبه‌ای از ارزش رسانیده است که هرگونه اصول و آرمان و حتی جان‌های آدمیان را هم وسیله‌ای برای وصول به خواسته‌ی خود تلقی کرده است. اشتباهی که وی مرتکب شده، درباره‌ی تفسیر خود هدف است. خواسته‌ی سیاستمدار، اگر مربوط به اشباع خودخواهی‌هایش بوده باشد، هیچ عاقل و خردمندی نمی تواند حتی کمترین ارزش‌ها و خواسته‌های افراد جامعه را قربانی این هدف کند و اگر مربوط به مدیریت شئون انسانی جامعه بوده و بایستی بعضی از آنها قربانی بعضی دیگر بوده باشد، لازم است که آن قسمت از شئون انسانی وسیله و قربانی تلقی شود که با وصول جامعه به شئون دیگر، که دارای اهمیت هدفی است، آنچه را که از دست داده است، با ارزش بالاتری بیابد. یعنی هدف حتماً باید بتواند جبران کننده‌ی وسیله‌ای باشد که از دست رفته است، به اضافه‌ی امتیازی که بتواند تکاپو و اقدام و جرأت به از دست دادن وسیله و اشباع خواسته‌ی معقول جامعه بوده باشد. (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۵۵)

بر این اساس است که یک قاعده‌ی ثابت، در افکار عمومی جوامع بشری در همه‌ی دوران‌ها، وجود دارد، که بدون کمترین تردید مورد پذیرش علمی و عملی عموم آنها قرار گرفته است و آن برتری هدف بر وسیله است. به گفته‌ی مرحوم علامه جعفری: «روان معتدل و عقل سلیم، این قاعده را آن چنان می پذیرد که تنفس را برای زنده ماندن» (همان، ص ۵۱)

مسلم است که در این فرآیند، تشخیص هدف و ارزش‌هایی که هدف را توصیف نموده و بدان هویت و معنی می‌بخشد، امری است که موجب تفاوت‌های انگیزشی و رفتاری می‌گردد. در این میان، جهان بشریت باید در صف انتظار نشسته و نظاره‌گر اهدافی باشد که علی^(ع) در جنگ و جهاد و ارزیابی دوست و دشمن داشته است، و بنگرد که اصول انسانی در چه افق‌هایی سیر می‌کند؛ افق‌هایی که انسان ظاهرنگر آنها را به سخریه گرفته و پایمال می‌کند.

با این‌که خلافت در روز غدیر از طرف خدا و پیامبرش حق مسلم علی^(ع) شناخته شد، او با غاصبین آن به مبارزه نپرداخت. آیا او ضعیف شده و قوای خود را از دست داده بود؟ و یا این‌که ایشان مأمور به امری بود که خلافت، وسیله‌ای برای دست‌یابی به آن محسوب می‌شد و این مقام ظاهری در نزد ایشان اعتبار و هویت ارزشی خود را از آن به دست می‌آورد؟ او اعتبار و ارزش خلافت را کمتر از آب بینی بز می‌دانست، مگر این‌که بتواند از طریق آن احقاق حقی کرده و ارزشی را زنده سازد. (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲) او می‌فرمود: «حق را بشناسید و آن را معیار شناخت دوست و دشمن خود قرار دهید، چرا که حق به مردان شناخته نشود بلکه مردان را با حق می‌شناسند». (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲)

او این چنین بود که ساعتی پس از رحلت رسول خدا (ص)، عباس بن‌ابی‌طالب و ابوسفیان بعد از جریان سقیفه پیشنهاد بیعت با او درامر خلافت را نمودند، و او فرمود: «ای مردم، امواج فتنه را با کشتی‌های نجات بشکافید و از راه نفرت و کینه خود را کنار کشیده و تاج تفاخر و فخرفروشی را به زمین گذارید». (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳) این امر ناشی از واقع‌بینی حضرت علی^(ع) بود، زیرا او به درستی می‌دید که امثال ابوسفیان به دنبال چه مقاصد و اهدافی هستند. امام^(ع) عقیده داشت وقتی فتنه‌ای رخ می‌دهد، انسان باید تا روشن شدن حقیقت آن صبر نماید چرا که حقیقت فتنه از آغاز، واضح و روشن نیست. در تاریکی قدم برداشتن، هنر مردان خاصی است که از بصیرت و بینشی خاص برخوردارند.

«در غبار شبهه و در کجی‌های فتنه و هنگام پیدا شدن جنین آن و پیدا شدن پنهانگاه آن و هنگام راست شدن مدار آسیای آن، درنگ کنید. فتنه، در راه‌های پنهان آغاز می‌شود و به زشتی‌های آشکار باز می‌گردد». (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳)

منابع و ماخذ

- ۱ - ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳
- ۲ - اریک، آرنٹ (۱۳۷۹). ظرفیت نظامی مترجم میرابوطالبی و دیگران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
- ۳ - استوارت، آرکلیگ (۱۳۷۹). چارچوب‌های قدرت؛ ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۴ - افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- ۵ - افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). ناامنی جهانی، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۶ - امین، محسن (۱۳۷۶). سیره معصومین، ترجمه: علی حجتی کرمانی، جلد ۳، تهران: نشر سروش،
- ۷ - امینی، الغدیر
- ۸ - بابائی، محمد باقر (۱۳۸۴). مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی^(ع)، دانشگاه امام حسین^(ع)،
- ۹ - تاریخ یعقوبی، ج ۲
- ۱۰ - تافلر، الوین (۱۳۷۷). جابه‌جایی قدرت، مترجم خوارزمی، تهران: نشر سیمرخ
- ۱۱ - تهامی، مجتبی (۱۳۸۰). امنیت ملی، تهران: دانشگاه دفاع ملی
- ۱۲ - جان جی ژیاک (۱۳۶۷). برداشت‌های شوروی از آیین و قدرت نظامی، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۱۳ - جرج جرداق (۱۳۷۵). صدای عدالت انسانی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، ج ۵، تهران: نشر خرم
- ۱۴ - جعفری، محمد تقی (۱۳۸۷). جهاد در اسلام، تهران: نشر فرهنگ اسلامی
- ۱۵ - حائری، علی (۱۳۷۷). زندگانی سیاسی امام علی^(ع)، تهران: نشر رامین
- ۱۶ - سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲). فصلنامه پژوهش و سنجش؛ تهران: سال دهم، شماره ۳۴،
- ۱۷ - سنجابی علیرضا (۱۳۷۵). استراتژی و قدرت نظامی، تهران: پیام
- ۱۸ - شیخ مفید، الارشاد، ج ۱
- ۱۹ - صفائی حائری، عباس (۱۳۷۹). تاریخ امیرالمؤمنین^(ع)، ج ۲، قم: مسجد جمکران

- ۲۰ - عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- ۲۱ - عسکری، مرتضی (۱۳۷۹). نقش عایشه در تاریخ اسلام، عطاء محمد سردارنیا و دیگران، تهران: نشر مجمع علمی اسلامی
- ۲۲ - دانشگاه عالی دفاع (۱۳۷۸). فصلنامه دفاع استراتژیک، ملی، شماره ۱
- ۲۳ - فیلیپ جی، اسمیت (۱۳۷۴). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزش، تهران: انتشارات کمال
- ۲۴ - قائدان اصغر (۱۳۷۵). سیاست‌های نظامی امام علی (ع)، تهران: نشر فروزان
- ۲۵ - قرآن مجید
- ۲۶ - قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲). اصول سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت
- ۲۷ - کلینی، اصول کافی، ج ۵
- ۲۸ - کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۸). روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، نشر قومس
- ۲۹ - کالین، گری (۱۳۷۸). سلاح جنگ افروز نیست، مترجم احمد علیخانی، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
- ۳۰ - مسعودی، مروج الذهب ج ۲
- ۳۱ - منقری نصرین مزاحم (۱۳۶۶). پیکار صفین، پرویز اتابکی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- ۳۲ - موسوی کاشانی، محمدحسن (۱۳۷۹). برامیرالمؤمنین (ع) چه گذشت؟، قم: دارالکتاب اسلامیة
- ۳۳ - نهج البلاغه
- ۳۴ - وسائل الشیعه. ج ۲۷
- ۳۵ - الهی، منصور (۱۳۸۸). تهدید نرم و فرآیند شکل‌گیری؛ وبلاگ شخصی
- 36 - www.qazvin.gov.ir/Download/.../634002761278125000_991486_tahdid.doc
- 37 - W. Gutteride. Military Institutions And Power In The States , london : Pall Mall Press, 1964

بررسی میزان اثربخشی عملکرد بسیجیان شمال تهران در مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر مردم و بسیجیان

ابوالفضل امیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۳

چکیده

با توجه به نقش مهم و سرنوشت‌ساز بسیج در صحنه‌های مختلف دفاع از ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی و ضرورت حضور فعال و حساب شده بسیجیان جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، این پژوهش با هدف دستیابی به سنجش میزان اثربخشی به‌کارگیری بسیجیان شمال تهران در مقابله با تهاجم فرهنگی صورت گرفت. به همین منظور با مراجعه به منابع و اسناد، مطالعات نظری و گفتگو با تعدادی از مسئولان، مؤلفه‌های مربوط به به‌کارگیری و اثربخشی فعالیت بسیجیان استخراج و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، حجم نمونه‌ای به تعداد ۶۲۰ نفر (مردم و بسیجیان) انتخاب گردید.

در این تحقیق از یک مقیاس ۳۸ ماده‌ای مربوط به پارامترهای فرضیات و سنجش میزان اثربخشی فعالیت‌ها، که از پایایی بسیار بالایی ($r=94$) برخوردار بود، استفاده شده است. در ادامه کار، میزان اثربخشی هر یک از متغیرهای مستقل در مقابله با تهاجم فرهنگی، از دیدگاه مردم و بسیجیان از طریق پرسشنامه، مورد آزمون قرار گرفت. سپس، داده‌هایی که با استفاده از مقیاس اندازه‌گیری، جمع‌آوری شده بود، کدگذاری گردید و با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آن‌گاه، میانگین‌های دو گروه پیرامون میزان اثربخشی

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

پنج متغیر، یعنی معرفی بسیجیان به عنوان الگو، فعالیت‌های فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر، اردوهای رزمی فرهنگی و حضور بسیجیان در اماکن تفریحی، با استفاده از آزمون t مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که بین t محاسبه شده و t استاندارد در سطح $P < 0/01$ تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی بین نظرات دو گروه، پیرامون به‌کارگیری بسیجیان، جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، تفاوت معنادار آماری می‌باشد. یعنی بسیجیان معتقدند که فعالیت‌های آنها می‌تواند باعث مقابله با تهاجم فرهنگی شود. در حالی که مردم به این اندازه اعتقاد ندارند. در نتیجه فرضیات تحقیق تایید می‌شود.

کلید واژه‌ها: بسیجی، تهاجم فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی، الگوی موفق

مقدمه

از دهه‌ی هفتاد تاکنون، استکبار جهانی برای مقابله با اسلام و از هم‌پاشی حکومت دینی در کشور، با برنامه‌ریزی و استفاده از پیشرفته‌ترین ابزار جنگ روانی و ارتباط جمعی، اقدام به تهاجم و تخریب فرهنگی ملت ما نموده، تا بلکه بتواند عقاید و باورهای دینی مردم را سست و ملت ما را نسبت به حفظ و پاسداری از مبانی و اصول انقلاب اسلامی، بی‌تفاوت نماید. با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد تاثیرگذاری برنامه‌های ضدارزشی ماهواره‌ها و رسانه‌های غربی و مدپرستی و خودباختگی روزافزون برخی جوانان و سقوط ارزش‌های انقلابی و معنوی در جامعه اسلامی هستیم. در این برهه کشور ما بیش از هر زمان دیگر احتیاج به یک جهاد فرهنگی توأم با تحول اقتصادی و اجتماعی دارد. پیش‌گیری از آسیب‌های فرهنگی و مقابله با تهدید نرم یک وظیفه‌ی همگانی است. تجربه بیانگر این است که با استفاده از نیروهای متعهد مردمی و بسیج امکانات فرهنگی و بهره‌مندی از روش‌های نوین و جذاب، می‌تواند گام‌های مؤثری در راستای مقابله با این پدیده‌ی نرم و خطرناک باشد. بنابراین وظیفه همه، به‌ویژه مسئولین است که با حمایت جدی از بسیجیان و فعالیت‌های فرهنگی آنان در عرصه‌ی مقابله با تهاجم فرهنگی و تهدید نرم بیگانگان، از این قشر عظیم و کارآمد، استفاده مطلوب‌تری به عمل آورده و با میدان دادن به بسیجیان همیشه در صحنه، ایران اسلامی، به ویژه تهران را که به منزله‌ی قلب کشور و أم‌القرای

جهان اسلام است، تا حدودی در برابر تهدیدات فرهنگی دشمن، بیمه نمایند.

بیان مسأله

به موازات طرح مسأله‌ی «تهاجم فرهنگی غرب» از سوی دیده‌بان بیدار انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری و جلب توجه دست اندرکاران نظام اسلامی و مردم حاضر در صحنه به اهمیت فرهنگ و لزوم صیانت و حراست از ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی، مسأله‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» نیز مقارن با آن و با همان اهمیت و ضرورت از سوی معظم‌له مطرح گردید. یقیناً طرح مسأله‌ی تهاجم و شیخون فرهنگی در جریان صف‌آرایی فرهنگی دشمنان علیه فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، تصادفی نیست. دشمن پس از شکست در جنگ هشت ساله، امید به رواج فرهنگ مبتذل خود بست تا با اشاعه‌ی آن بتواند عقبه‌ی انقلاب اسلامی، یعنی نوجوانان و جوانان را بمباران فرهنگی نماید و در واقع «تفکر» و «تشکل» بسیج را عقیم سازد. (مؤسسه‌ی قدر ولایت، ۱۳۷۶). که متأسفانه در چند سال اخیر علی‌رغم بیانات مکرر و حکیمانه‌ی مقام معظم رهبری، مبنی بر بودن خطر تهاجم فرهنگی و ضرورت مقابله‌ی جدی با این پدیده‌ی شوم، به لحاظ روحیه‌ی تسامح و تساهل بعضی از مسئولین دست اندرکار و عدم چاره اندیشی اساسی برای برخورد با آن، روز به روز شاهد گسترش ناهنجاری‌های فرهنگی در جامعه هستیم و یکی از مهمترین مسائلی که آرامش واقعی و امنیت جامعه‌ی اسلامی ما را تهدید می‌کند، همین مسأله‌ی تهاجم فرهنگی است. امروزه یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای کنونی استفاده از نیروهای مردمی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توسط دولت‌ها و حکومت‌های مشروع می‌باشد. چرا که وجود افراد جامعه در صحنه‌های مختلف می‌تواند عامل بسیار مهمی در مشروعیت یک نظام محسوب شوند و آن کشور را در صحنه‌های داخلی و خارجی با پشتوانه‌ی قوی روبه‌رو سازد و از نظر سیاسی و نظامی و فرهنگی، اهمی جهت جلوگیری از تجاوز بیگانگان باشد.

نقش حساس و تعیین کننده‌ی نیروهای مخلص سرافراز بسیجی در ختنی سازی توطئه‌های گوناگون استکبار جهانی و دشمنان قسم خورده‌ی اسلام ناب محمدی (ص)، از سوی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)

و سایر مسئولین دلسوز انقلاب و نظام اسلامی مان، همواره مورد تأکید و عنایت ویژه بوده، که در این راستا، ولی امر مسلمین جهان در روز دوشنبه مورخ ۱۳۷۱/۰۴/۲۲، مصادف با ۱۲ محرم الحرام، در دیدار با فرماندهان و بسیجیان جان برکف با معظم له، طی بیانات مبسوطی، ضمن بر شمردن تهدیداتی که از سوی دشمنان انقلاب اسلامی طرح ریزی شده است، به خطرات ناشی از تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی اشاره فرمودند و با تعیین ضرورت و اهمیت توجه جدی به مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر در عرصه‌ی مقابله با هجوم و قتل عام فرهنگی دشمنان دین خدا، بسیجیان را عاملین اصلی و محوری تحقق این فرضیه‌ی مقدس دانستند و فرمودند که: «آنچه که جامعه‌ی ما را فاسد می‌کند، غرق شدن در شهوات و از دست دادن روح تقوا و فداکاری است. بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلت‌های اصلی انقلاب، زنده بماند.»

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط فساد و فحشاء سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند، نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱).

در این برهه‌ی تاریخی، پیش‌گیری و مقابله با تهدید نرم، از اولویت‌های مهم و حیاتی است و ضرورت دارد، با مطالعه‌ی پیشینه، ابعاد و اهداف دشمن در دوران «استعمار فرانسه»، وضعیت فرهنگی جامعه مورد بررسی قرار گیرد (امیری، ۱۳۸۹). بنابراین با توجه به اهمیت مسأله‌ی مقابله با تهاجم فرهنگی، این تحقیق در پی آن است که بررسی نماید، آیا مردم و بسیجیان در رابطه با به‌کارگیری بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی، نظر مساعدی دارند یا نه؟ میزان اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان در این رابطه، چه قدر می‌باشد؟

تعریف مفاهیم

فرهنگ: فرایندی از آداب و رسوم، خوی‌ها و خصلت‌ها و چگونگی روابط حاکم بر مجموعه‌ها و گروه‌های انسانی است. ضمن آنکه خود زاینده‌ی زندگی اجتماعی انسان‌هاست. تاثیر شگرف و غیر قابل تردیدی بر چگونگی ادامه حیات

اجتماعی و ملی ملت‌ها نیز دارد (مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۸)

تهاجم فرهنگی: تهاجم فرهنگی حرکتی است مرموزانه، حساب شده، همراه با برنامه‌ریزی دقیق که استفاده از شیوه‌های متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها، تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصل اخلاقی حاکم بر یک جامعه انجام می‌گیرد. (عقیدتی سیاسی وزارت دفاع ۱۳۷۶)

در این تحقیق، مراد از تهاجم فرهنگی، تلاش‌های تعمدانه فرهنگی - اجتماعی متولیان فرهنگ غرب، برای تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی است.

بسیج: بسیج در لغت به معنی «اسباب، سامان، ساز و سامان جنگ، آمادگی نیروهای نظامی و به معنی قصد و اراده نیز گفته‌اند.» (عمید، ۱۳۶۴، ص ۴۱۹). در این تحقیق منظور از بسیج، نهادی است که در سال ۱۳۵۸ به فرمان حضرت امام خمینی (ره) و زیر نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تشکیل و از سال ۱۳۶۶ به عنوان نیروی مقاومت از سال ۱۳۸۸ به سازمان بسیج مستضعفین، تغییر نام یافت.

بسیجی: به کسانی اطلاق می‌شود که به عضویت نیروی مقاومت بسیج درآمده و در یکی از عضویت‌های عادی، فعال یا ویژه، فعالیت می‌کنند.

الگوی موفق: الگو در لغت یعنی مدل، سرمشق، اسوه، نمونه (دهخدا، جلد ۸، ص ۷۷). منظور مقصدی از اهداف بسیج است که وظیفه‌ی ارائه‌ی نمونه‌ی آرمانی را به مسلمانان بر عهده دارد. قرآن می‌فرماید: «برای شما در زندگی رسول خدا، سرمشق و الگوی نیکویی بود.» (قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۲۱)

منظور از الگوهای موفق در این تحقیق، برجسته و شاخص بودن بسیجیان در زمینه‌های علمی، معنوی، ورزشی و ... و اجتناب جوانان و نوجوانان از مدل‌های غربی و گرایش به الگوهای مذهبی و ملی کشور خودی است.

فعالیت‌های فرهنگی: به مجموعه اقداماتی که موجب افزایش سطح دانش، بینش، همبستگی و انسجام مردم می‌شود و نیاز به پرورش جسمانی و روانی آنان را برآورده سازد، فعالیت‌های فرهنگی گفته می‌شود.

مبانی نظری و تجربی

صاحب نظران، رویکرد اشاعه‌ی فرهنگی را به سه دسته تقسیم می‌کنند: مکتب اشاعه‌ی انگلیس، مکتب اشاعه‌ی آلمان و مکتب اشاعه‌ی آمریکا.

مکتب اشاعه‌ی انگلیس

الیوت، از جمله بانیان مکتب اشاعه‌ی انگلیس است. او با مطالعه‌ی فرهنگ انگلستان پیرامون آن «نظر ولز و ایرلند»، فرهنگ‌ها را به دو دسته‌ی قومی و اقماری تقسیم می‌کند. الیوت اسمیت در پی تحقیقات و کاوش‌هایی که در مصر انجام داد، در این نظریه اظهار داشت: تمامی تمدن جهان از یک سلسله ابداعات و ابتکارات تمدن و فرهنگ دره‌ی نیل پدیدار شده است. مصر گهواره‌ی فرهنگ جهانی و مادر هنر، اسلحه‌سازی و قانون گذاری است و تمام اقوام دیگر، فرهنگ و تمدن خود را از مصر گرفته‌اند. مثل مناسک پرستش خورشید و اقسام مختلف آن در مکزیک، آمریکا و اروپا و سایر نقاط، ریشه‌ی مصری دارد. این نظریات به عنوان «مکتب اشاعه‌ی انگلیس» معروف است و پیروان این مکتب، مصر را «در درجه‌ی اول» و یونان را «در درجه‌ی دوم»، سرچشمه و مهد اشاعه‌ی فرهنگ و تمدن همه‌ی کشورها می‌دانند (روح‌الامینی، ۱۳۶۸).

مکتب اشاعه‌ی آلمان

صاحبان این مکتب، چون گربنر و شمیت و کوپرس، معتقدند که برش‌ها و قسمت‌های مختلفی که فرهنگ یک جامعه را می‌سازد، ترکیبی است که از فرهنگ‌های متفاوت گرفته شده است و هر یک از این برش‌ها به طور مستقل در مجموعه‌ی ترکیبی فرهنگ، مشخص است. مثلاً به نظر گربنر، فرهنگ اقیانوسیه از شش برش از فرهنگ‌های تاسمانی، استرالیایی قدیم، توتمی، جامعه‌داری دو طبقه، ملانزی و پلی‌نزی، ترکیب یافت. این مکتب به نام «فرهنگ ترکیبی» و «فرهنگ تاریخی» نیز نامیده می‌شود. این مکتب با مرگ صاحب نظرانش به دست فراموشی سپرده شد. (همان).

مکتب اشاعه‌ی آمریکا

این مکتب که به «فرهنگ تاریخی» یا «تغییر فرهنگی» معروف است، تفاوت

اندکی با مکتب اشاعه‌ی آلمان دارد. بدین معنی که برخلاف مکتب آلمان که معتقد به مستقل و محفوظ ماندن برش‌های فرهنگ اول، در ترکیب فرهنگ جدید است. پیروان مکتب اشاعه‌ی آمریکا بر این نظرند که قسمت‌های مختلف گرفته شده از فرهنگ‌های دیگر، روابط و اثرات مستحکم و متقابلی با یک‌دیگر دارند و در واقع این ترکیب فرهنگی، مجموعه‌ای از اجزاء و برش‌هایی است پیرامون یک مرکز معین تشکیل یافته و در مجموع فعالیت‌های مشخص دارند. (نجفی، ۱۳۷۹).

و نقش این اجزاء و برش‌ها را نمی‌توان به طور مجرد در نظر گرفت. مثلاً در نهادهای فرهنگی، دینی یا قضایی « به خصوص در آمریکا» اجزاء مختلف و مجموعه‌ی ترکیبی را ملاحظه می‌کنیم که با فرهنگ مناطق اشاعه دهنده و نیز فرهنگ قبلی جامعه‌ی اصلی متفاوت است.

بواس با تکیه بر تحقیق درباره‌ی علل توسعه‌ی جامعه‌ای که پدیده‌ی فرهنگی از آن گرفته شده است، عقیده دارد که مطالعه‌ی توصیفی و محدود پدیده‌هایی که اشاعه یافته، مرحله‌ای مقدماتی و الزامی برای مطالعه‌ی تغییر فرهنگی یا فرهنگ پذیری یک جامعه است. وی بدین ترتیب برای اشاعه، اهمیتی منطقی و روالی تقریباً طبیعی «که برای تکاملیون هیچگاه مطرح نبوده» قائل می‌شود.

صاحب نظران مکتب اشاعه‌ی آمریکا، فرهنگی-تاریخی یا تغییر فرهنگی فراوانند. مطالعات فرهنگی دانشگاه‌های آمریکا، تقریباً همه بر این نظریه‌اند و از جمله می‌توان از: بواس، باستیان، ساپیر، هرلکوتیس، کروبه‌رو رالف لین تن نام برد. (روح‌الامینی، ۱۳۶۸).

تهاجم فرهنگی به طور عموم به جریان‌اتی اطلاق می‌شود که در آن فرهنگ بومی و اصلی یک جامعه و یا یک کشور، چه از طریق داخلی و چه از طریق خارجی، مورد حمله و تسلط نظام فرهنگی دیگری قرار گیرد. یا به تعبیر دیگر، تهاجم فرهنگی یعنی تهي کردن جامعه از فرهنگ خودی و جایگزینی فرهنگ مورد نظر دشمن (مولانا، ۱۳۷۰).

هدف از تهاجم فرهنگی، کنترل فرآیند تصمیم‌گیری و شیوه‌ی اطلاع‌رسانی و تغییر در نظام ارزش‌هاست که منجر به استیلا‌ی سیاسی و اقتصادی آنها می‌شود. بدین ترتیب که «مهاجم فرهنگی» سعی می‌کند با استفاده از برتری اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فن‌آوری، به میانی اندیشه و رفتار یک ملت هجوم آورد و با تهدید، تضعیف، تحریف و احیاناً نفی و طرد آنها، زمینه‌ی حاکمیت اندیشه، ارزش‌ها و

رفتارهای مطلوب خویش را فراهم آورد (شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۹).

سابقه و پیشینه

به تعبیر قرآن، بشر از آغاز تاکنون، دو مرحله‌ی اساسی و عمده را پشت سر گذاشته است که عبارتند از: مرحله‌ی وحدت «أمة واحدة» و مرحله‌ی اختلاف یا عدم وحدت «فاختلفوا». در اجتماع اولیه‌ی بشری، نوعی همزیستی مسالمت آمیز که همواره مبتنی بر وحدت فکری است و از گرایش‌های گوناگون سلیقه‌ای و چند گونه‌نگری به دور است، حکم فرما می‌باشد. مبنای اندیشه را در چنین اجتماعی «وحدت» تشکیل می‌دهد (جمشیدی، ۱۳۷۴).

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در فراز دوم و سوم از خطبه‌ی ۲۳۳ نهج البلاغه، درباره‌ی اوضاع نابسامان عصر خود سخن می‌گوید و از منظر آسیب‌شناسانه به نقد عالمانه تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی دینی می‌پردازد و ده نشانه جامعه‌ی دینی آفت زده را بر می‌شمارد که هر یک محک روشن و کارآمدی برای همه‌ی دلسوزان و مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌باشد تا به ارزیابی واقعی وضع موجود جامعه‌ی دینی خود بپردازند (عابدینی، ۱۳۷۹).

از بررسی تاریخ گذشته، به این نتیجه می‌رسیم که مبادلات فرهنگی، همیشه بین اقوام و ملل وجود داشته است و ایران با داشتن موقعیت سوق‌الجیشی و قرار گرفتن بین دو جهان غرب و شرق، هیچ‌گاه در صدد تسلط فرهنگی بر کشورهای دیگر بر نیامد. اما سیاست غربیان بر تهاجم فرهنگی استوار بوده است و حمله‌ی اسکندر و یونانیان، قبل از آنکه تهاجم نظامی باشد، ترویج فرهنگ هلنیسم بود. اسکندر در جهت ایجاد امپراطوری جهانی و گسترش فرهنگ هلن، دست به اقدامات وسیعی زد. از جمله اخراج ده هزار ایرانی با ده هزار سرباز یونانی بود و برای تمامی سرداران و سربازان خود، همسران ایرانی انتخاب کرد. در دوره‌ی اشکانیان، مقابله با تهاجم فرهنگی هلنیسم و یونان آغاز شد و با تکیه بر فرهنگ ملی و استقلال فرهنگی، پس از ۷۰ سال، دوباره فرهنگ ایرانی را احیاء نماید (سازمان تحقیقات بسیج، ۱۳۷۹).

در هر حال اوج خودباختگی را می‌توان در ایران از زمان فتحعلی خان قاجار دانست. یکی از اقدامات استعمار، بحث انهدام اسلام توسط افراد دست‌نشانده و تربیت

شده‌ی آنها بود. که از آن جمله می‌توان به فتحعلی آخوندزاده اشاره نمود. او مروج افکاری چون مانیتست، ماتریالیسم، لیبرالیسم، مشروطه‌خواهی و خواهان تغییر خط فارسی و ادبیات اسلامی بود (مرکز مطالعات ارتش ۲۰ م، ۱۳۷۳).

از سال ۱۳۷۰ به بعد، یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری، مسأله‌ی تهاجم فرهنگی و تهدیدات نرم علیه اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده و هست. ایشان در دیداری که با مردم سمنان داشتند در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۵ فرمودند: «...حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این بسیار چیز خطرناکی است، البته حالا هم نیست. سال‌هاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی رسانه‌های گوناگون که حالا اینترنت هم داخلش شده است، ماهواره‌ها، تلویزیون‌ها و رادیوها، در جهت مشخصی حرکت می‌کنند، تا سر رشته‌ی تحولات جوامع را به عهده بگیرند.»

راه‌ها و روش‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

صاحب نظران و پژوهشگران مسائل فرهنگی، برای مقابله با تهدید نرم و تهاجم فرهنگی، روش‌های مختلفی را ارائه نمودند که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

الف: ایمن سازی

برای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب، باید راه‌های نفوذ آنها را شناخته و مسدود نمود و برای جلوگیری از آن اقداماتی به شرح زیر می‌تواند اثر بخش باشد:

۱- ارتقای سطح آگاهی و تقویت بنیه‌ی فرهنگی مردم جامعه

مهمترین عامل حرکت صحیح و مقاومت در آیین مسیر، داشتن شناخت صحیح و آگاهی لازم از اعتقادات دینی و باورهای ملی و مذهبی است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْمُتَعَبِدُ بَعْدَ بَعْدِ عِلْمٍ كَمَا الطَّاحُونَةُ يَذُورُ وَلَا يَبْرَحُ مِنْ مَكَانِهِ» عابد بی علم، هم چون خر آسیاب است که همواره در یک جا می‌چرخد و گامی پیش نمی‌رود. (سادات، ۱۳۷۳).

مهمترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی، شناخت صحیح اسلام و بازگشت به فرهنگ غنی آن است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).

بی تردید، شناسایی دشمن و برآورد اهداف و توان او، از الفبای مبارزه به شمار می‌آید. برای رویارویی با یورش فرهنگی، باید فرهنگ دشمن و ویژگی‌های آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد (مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۸).

در این رابطه، لازم است عناصر و دست‌اندرکاران نظام فرهنگی، با روش‌های نوین به مردم مبانی اعتقادی، فرهنگی و سیاسی لازم را آموزش داده و با بالا بردن سطح آگاهی مردم، تأثیرات تهاجم فرهنگی را کاهش دهند.

۲- غنی سازی اوقات فراغت

اوقات فراغت، موجب افزایش استفاده از ابزارهای مبتذل تهاجم فرهنگی می‌شود (الیاسی، ۱۳۷۸). به همین سبب، متولیان فرهنگی باید بخش متنابهی از فعالیت‌های فرهنگی خویش را معطوف بر کردن اوقات فراغت مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان سازند. لیکن به نظر می‌رسد که آنان در دستیابی به این اهداف ناموفق مانده‌اند. مثلاً برنامه‌ریزان تلویزیون، مدعی‌اند با افزایش تعداد شبکه‌های تلویزیونی و افزایش حجم برنامه‌های خود، توانسته‌اند بخش زیادی از اوقات نوجوانان و جوانان را پر سازند. اما، ادعای برنامه‌ریزان تلویزیون با برخی یافته‌های تحقیقاتی مغایرت دارد. برای مثال (شاهدین، ۱۳۷۴). در نظر سنجی از نوجوانان دریافت که بیش از نیمی از آنان تلاش تلویزیون را برای پر کردن اوقات فراغت و برآوردن نیازهای خود ناکارآمد ارزیابی می‌کنند.

۳- استفاده از همه‌ی ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیله‌ی ممکن، چنگ می‌زند، ما نیز باید به حکم دستور قرآنی « وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ » از هر وسیله‌ی مشروع، سلاحی بسازیم و از فرهنگ خویش پاسداری کنیم. در این راه باید از یک سو امکانات فرهنگی، هنری و ورزشی توسعه یابد، تا جوانان به تفریح سالم روی آورند و از سوی دیگر، باید همه‌ی کوشش‌های فرهنگی و ... در دفاع از ارزش‌های الهی هدایت شود (مرکز تحقیقات سپاه، ۱۳۷۸).

۴- احیای عزت نفس

از جمله راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، احیای روحیه‌ی عزت نفس در بین اقشار مختلف جامعه می‌باشد. بنابراین لازم است با تقویت این روحیه و زدودن احساس خود کم‌بینی مردم، جامعه‌ی اسلامی را از تقلید کورکورانه، از روش‌های بیگانگان بازداشت (مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۸).

۵- رعایت بهداشت فرهنگی

رعایت بهداشت فرهنگی، هم اشاعه‌ی فرهنگ غرب را غیر ممکن می‌سازد و هم نوآوری و آفرینندگی فرهنگی مردم جامعه را افزایش می‌دهد. از همین رو، روش‌های آن باید بازشناخته شود. تقویت ایمان مذهبی، ترویج عبارات دینی، اشاعه‌ی اخلاق و آداب اسلامی و مبارزه علمی با فساد و منکرات در جامعه، روش‌های مؤثر بهداشت فرهنگی جامعه‌ی ایران هستند. (نجفی ۷۹).

۶- اشباع نیازهای طبیعی انسان از راه‌های مشروع

انسان مجموعه‌ای در هم پیچیده از غرایز گوناگون است. غرایزی که پیوسته او را به جنبش در زندگی فرا می‌خواند. با توجه به این حقیقت، برآورده نشدن این غرایز در حد معقول یا زیاده‌روی در کامروایی غریزی، می‌تواند خطر ساز باشد. رها ساختن نامعقول مردم در بهره‌گیری هر چه بیشتر و به هر شکل ممکن از این نیروهای مقدس، آنان را از تلاش در سازندگی خویش و جامعه، باز می‌دارد و جلوگیری از ارضای غرایز از حد مشروع، یا ناتوانی در برآوردن نیازهای طبیعی، نیز زمینه را برای روی آوردن همه جانبه به سوی برنامه‌های مخرب دشمن فراهم می‌آورد (مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۸).

۷- پیش‌گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

عناصر خود فروخته‌ی فرهنگی، مطبوعات و مجله‌های گمراه کننده، فیلم‌های مبتذل و...، نمونه‌هایی از عوامل فرهنگی دشمن به شمار می‌آیند (مرکز تحقیقات سپاه، ۱۳۷۸).

۸- مقابله با فن‌آوری غرب

غرب در تهاجم خود از فن‌آوری پیشرفته‌ی ماهواره و فن‌آوری کامپیوتری و نظایر آن استفاده می‌کند. ایران و سایر جوامع آماج تهاجم فرهنگی، نیز تنها زمانی می‌توانند به صورت کاملاً اثر بخش با آن تهاجم به مقابله برخیزند که از فن‌آوری مشابه برخوردار باشند. اما تا آن زمان باید وسیله‌ی ارسال پیام غرب را محدود ساخت و فرستنده «غرب» را در ذهن مردم بی اعتبار نموده (صداقت، ۱۳۷۴). اصلی‌ترین راه مبارزه آن است که با استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژی مدرن، ارزش‌های اسلامی خود را در قالب هنرمندانه‌ترین فیلم‌ها، نمایشنامه‌ها، کتاب‌ها، رمان‌ها و در قالب آثار هنری، عرصه‌ی سینما و دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم (مصباح یزدی، ۱۳۷۸).

۹- ممانعت از ورود ابزارهای تهاجم فرهنگی

غرب هر ساله به کمک عوامل داخلی، انواع متعددی از ابزارهای مبتذل فرهنگی خویش را به شهرهای ما گسیل می‌دارد. این ابزار نقش مهمی در سوق دادن نوجوانان و جوانان به ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی و دوری آنان از ارزش‌های دینی بر عهده دارند (احدی، ۱۳۷۳). به همین سبب نیروهای انتظامی امنیتی و بسیج باید از ورود این ابزارها به داخل کشور ممانعت به عمل آورند.

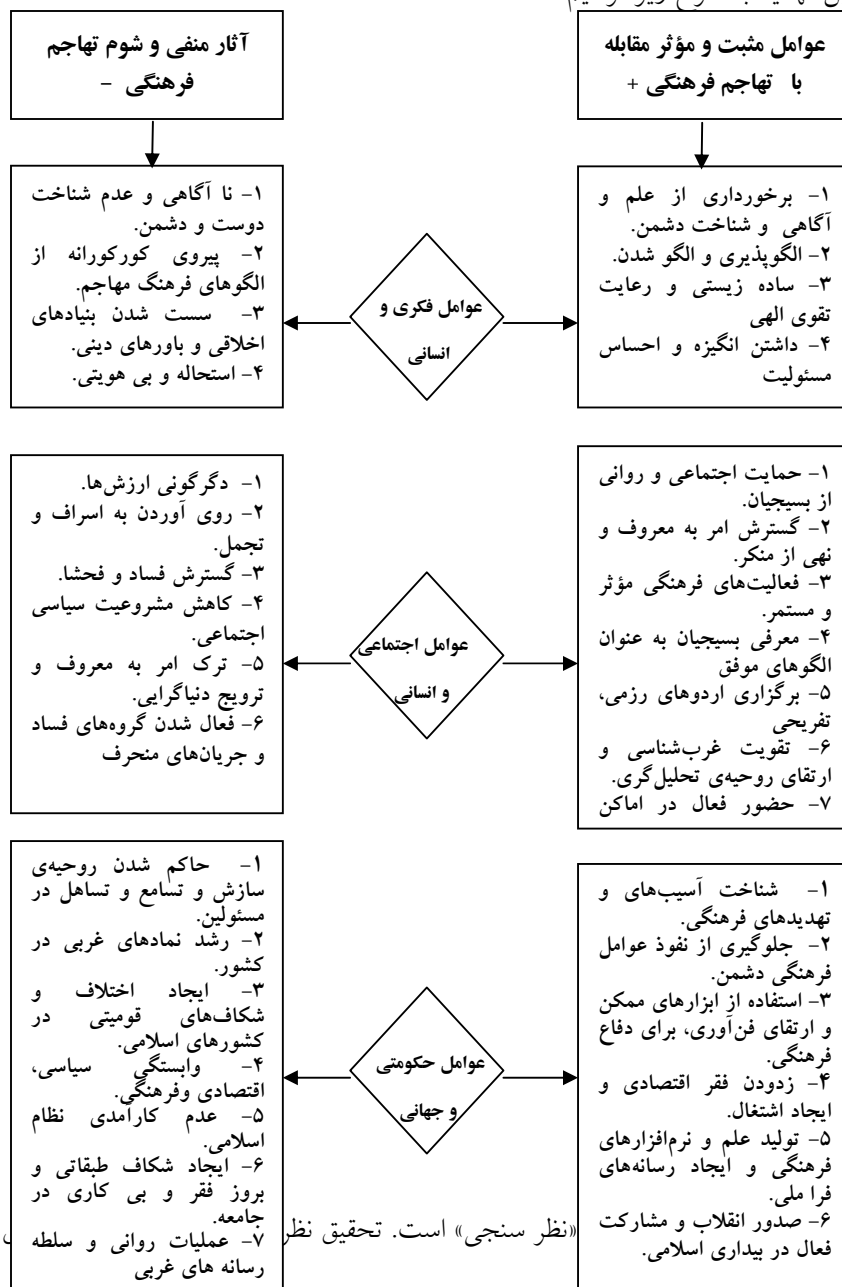
۱۰- ترویج و اشاعه‌ی اندیشه‌های نو

دنیای غرب می‌کوشد تا وانمود کند که غرب مهد علم و تمدن است، و همه‌ی اندیشه‌های سرنوشت‌ساز از آن دیار طلوع کرده‌اند. متأسفانه، روشنفکران صاحب‌اندیشه‌های کشورمان کمتر توانسته‌اند بطلان این ادعای غرب را آشکار سازند (رفیع، ۱۳۷۳). بنابراین، در شرایط کنونی که تهاجم فرهنگی دارای ابعاد مختلفی گشته است، اندیشمندان جامعه‌ی ما برای مقابله با آن، ناگزیر از ارائه‌ی نظریه‌ها و اندیشه‌های نوینی، به ویژه در حیطه‌ی فرهنگ و تغییرات فرهنگی هستند (الیاسی، ۱۳۷۸).

چارچوب نظری تحقیق

با بررسی نظرات کارشناسان و دست‌اندرکاران فرهنگی بسیج، کنکاش روی ادبیات موضوع و کارهای تحقیقاتی عوامل موثر در مقابله با تهاجم فرهنگی و آثار منفی

این تهدید به شرح زیر ترسیم شده است.



«زمینه‌یابی» است. چه نظرات و دیدگاه‌های افراد، پیرامون یک یا چند موضوع مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این تحقیق، مردم و بسیجیان ساکن شمال تهران می‌باشند. با توجه به اینکه جامعه‌ی آماری این تحقیق، مردم و بسیجیان سنین ۱۵ تا ۴۰ سال بوده، لذا بر اساس آماری که از اداره‌ی آمار به دست آمده، کلیه‌ی مردم و بسیجیان در این حد فاصله‌ی سنی (۱۵ الی ۴۰) حدود ۶۰۰ هزار نفر برآورد شده‌اند.

حجم نمونه

حجم نمونه‌ی غیر بسیجیان (مردم)، بر اساس جدول تاکمن و در سطح خطای ۵٪ و بر اساس فرمول $n = \frac{Z^2 \cdot q \cdot p}{D^2}$ ، سیصد و ده نفر و همچنین از بین بسیجیان، نمونه‌ای با همان حجم انتخاب شد. بدین ترتیب حجم دو نمونه ۶۲۰ نفر برآورد گردید.

روش نمونه‌گیری

برای انتخاب از دو گروه نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. برای این منظور نخست از بین مناطق ۱، ۳ و ۴ شهرداری شمال تهران، ۶ محله (تهران‌پارس، لویزان، نیاوران، تجریش، مجیدیه و دروس) به صورت تصادفی تعیین گردیدند و در هر محله از طریق نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۵۰ نفر انتخاب شدند که در مجموع، تعداد سیصد نفر به عنوان افراد نمونه‌ی مردمی معین شدند. آن‌گاه از بین حوزه‌های مقاومت بسیج شمال تهران نیز که در محلات مذکور هستند، سه حوزه‌ی مقاومت (حوزه‌ی ۴ رمضان، ۹ بدر و ۱۲ عاشورا) و از هر حوزه تعداد ۲ پایگاه مشخص شدند که به منظور انتخاب افراد نمونه، در هر پایگاه، از طریق نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۵۰ نفر انتخاب شدند که تعداد حجم نمونه‌ی بسیجیان نیز سیصد نفر و بدین ترتیب حجم هر دو نمونه ۶۰۰ نفر برآورد گردید.

ابزار تحقیق

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از یک مقیاس ۳۸ ماده‌ای استفاده شده است. این مقیاس بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرات «از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم (۲۱ ماده)» مربوط به پارامترهای فرضیات و ۱۱ ماده آن از «خیلی زیاد تا خیلی کم و نمی‌دانم» مربوط به میزان اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان و ۶ ماده‌ی آن در ارتباط با مشخصات آزمودنی‌ها تهیه شده است. مقیاس سنجش اثربخشی بر اساس پارامترهای زیر تهیه گردیده است.

الگو بودن، موفقیت‌های علمی و معنوی، ساده زیستی، رفتار بسیجیان، نمایشگاه‌های فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی، یادواره‌ی شهدا، مقابله با تهاجم فرهنگی، آگاهی و شناخت فرهنگ ما، آموزش‌های هنری، تذکرات بسیجیان، بی‌هویتی، انگیزه‌ی بسیجیان، عوامل فرهنگی، اردوهای رزمی فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر، غنی‌سازی اوقات فراغت، اشاعه‌ی فرهنگی، ترویج ارزش‌های اسلامی، نفوذ فرهنگی، پیش‌گیری از تهاجم، دفاع فرهنگی

برای تعیین اعتبار صوری، این مقیاس در اختیار چند صاحب‌نظر قرار گرفت و مواردی که بر سر آن اختلاف وجود داشت حذف گردید. هم‌چنین برای تعیین میزان پایایی، مقیاس تهیه شده بر روی ۳۰ نفر اجرا شد. پس از همبستگی نمرات در مواد زوج با نمرات آنان در مواد فرد، «روش دو نیمه کردن»، محاسبه شد. آن‌گاه ضریب پایایی با استفاده از فرمول کورد-ریچاردسون محاسبه شد. نتیجه نشان داد که میزان پایایی مقیاس، ۹۴٪ است. بنابراین مقیاس از پایایی و اعتبار لازم برخوردار است.

روش جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، از پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه‌ها به تعداد ۶۵۰ عدد تهیه و با نظارت محقق و توجیه اهداف پژوهش، طی چند هفته در محل سکونت مردم و بسیجیان شمال تهران و ایجاد ارتباط با آنها بین آزمودنی‌ها توزیع و ۳۰ الی ۴۵ دقیقه طول کشید تا به سوالات مندرج در هر پرسشنامه پاسخ داده شود. اطلاعات حاصل از طریق پرسشنامه‌های باقی‌مانده مورد تحلیل آماری قرار گرفتند.

نمره‌گذاری و کدگذاری، بر اساس جدول کد انجام گرفت. سپس هر پرسشنامه به خزانه‌ی کامپیوتر وارد شده و نهایتاً از راه نرم‌افزار آماری مربوط به علوم انسانی Spss، کلیه‌ی داده‌های مربوطه، مورد تحلیل قرار گرفتند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌های تحقیق که با استفاده از مقیاس اندازه‌گیری، جمع‌آوری شده بودند، نخست کدگذاری گردید. آن‌گاه با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری Spss، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این فصل به ترتیب فرضیات گزارش می‌شوند.

۱- معرفی بسیجیان به عنوان الگوهای موفق مقابله با تهاجم فرهنگی

کاملاً مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		کاملاً موافقم		میزان موافقت شماره گویه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵/۳	۱۸	۱۶/۷	۵۷	۳۱/۴	۱۰۷	۳۲/۸	۱۱۲	۱۳/۸	۴۷	۱
۴/۴	۱۵	۲۵/۸	۸۸	۴۰/۸	۱۳۹	۲۶/۱	۸۹	۲/۹	۱۰	۲
۲/۳	۸	۲۵/۲	۸۶	۴۰/۵	۱۳۸	۲۸/۲	۹۶	۳/۸	۱۳	۳
۵/۹	۲۰	۱۶/۶	۵۶	۳۹/۵	۱۳۵	۳۹/۹	۱۱۵	۳/۶	۱۲	۲۰
۵	۱۷	۲۵/۶	۸۷	۴۰/۹	۱۳۹	۴۰/۹	۸۱	۴/۷	۱۶	۲۱

جدول ۱-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌ها به مواد فرضیه‌ی اول

«گروه غیر بسیجی»

پرسی میزان اثربخشی عملکرد بسیجیان شمال تهران در مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر مردم و بسیجیان

میزان موافقت		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
شماره گویه		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱		۳۶/۳	۹۴	۴۴	۱۱۴	۳۰	۱۱/۶	۱۵	۵/۸	۶	۲/۳
۲		۱۶/۷	۵۱	۳۹/۴	۱۰۲	۶۱	۲۳/۶	۳۷	۱۴/۳	۸	۳/۱
۳		۲۷/۴	۷۱	۴۲/۱	۱۰۹	۵۳	۲۰/۵	۲۰	۷/۷	۶	۲/۳
۲۰		۲۵/۴	۶۵	۴۳	۱۱۰	۵۲	۲۰/۳	۲۵	۹/۸	۴	۱/۶
۲۱		۲۱/۷	۶۶	۴۱/۵	۱۰۷	۶۱	۲۳/۶	۲۶	۱۱/۲	۵	۱/۹

جدول ۲-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌ها به مواد مربوط به فرضیه‌ی اول

« گروه بسیجی »

آزمون فرضیه‌ی اول

برای آزمون فرضیه‌ی اول تحقیق که ادعا می‌کرد «بین نظرات مردم و بسیجیان، پیرامون معرفی بسیج به عنوان الگوهای موفق جهت مقابله با تهاجم فرهنگی تفاوت وجود دارد». ابتدا میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه، محاسبه و در جدول ۳-۱ درج گردید.

گروه	تعداد n	میانگین x	انحراف معیار s
بسیجی	۲۶۲	۱۸/۷۲	۴/۱۶
غیر بسیجی	۳۴۷	۱۵/۱۶	۳/۴۳
جمع	۶۰۹		

جدول ۳-۱: میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه‌ی اول

آن‌گاه میانگین‌های دو گروه با استفاده از آزمون آماری t، مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان داد که بین t محاسبه شده ($t=11/53$) و t استاندارد ($t=2/57$) در سطح $P < 0/01$ تفاوت معناداری وجود دارد. در رابطه با گویه‌های فرضیه، معرفی بسیجیان به عنوان الگوهای موفق جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، حدود ۸۰

درصد از آزمودنی‌های بسیجی اعتقاد دارند، معرفی بسیجیان به عنوان الگوهای موفق می‌تواند در مقابله با تهاجم فرهنگی، مؤثر باشد.

در حالی که تنها ۳۷ درصد از غیر بسیجیان نسبت به معرفی بسیجیان به عنوان الگوهای موفق جواب مثبت داده‌اند. پاسخ‌گویان مردم می‌گویند موفقیت‌های علمی، ورزشی و .. بسیجیان برجسته نیست.

در پاسخ به گویه‌ی ساده زیستی و پرهیز از تجملات به عنوان عامل مؤثر در مقابله با تهاجم فرهنگی، ۶۷ درصد از بسیجیان و ۳۷ درصد از مردم، جواب مثبت داده‌اند. لذا هر دو گروه معتقدند که الگو بودن و معرفی خوب بسیجیان می‌تواند در مقابله با تهاجم فرهنگی، اثر بخش باشد. ولی تفاوت معناداری بین نظرات مردم و بسیجیان دیده می‌شود.

۲- اثر بخش فعالیت فرهنگی بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی

فرضیه‌ی دوم تحقیق، با استفاده از مواد ۴، ۵ و ۶ پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. در این قسمت ابتدا داده‌های حاصل از این مواد به تفکیک ۲ گروه توصیفی، آنگاه با استفاده از آزمون آماری t فرضیه‌ی مذکور، آزمون می‌شود.

فراوانی و درصد موافقت آزمودنی‌های دو گروه (بسیجیان و مردم) با هر یک از مواد مربوط به فرضیه‌ی دوم در جدول ۴-۱ و ۵-۱ درج شده است.

میزان موافقت		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
شماره‌ی گویه		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۴	۱۷	۵	۷۳	۲۱/۵	۱۴۷	۲۷/۶	۹۴	۲۷/۶	۹	۲/۶	
۵	۸	۲/۴	۶۵	۱۹/۱	۱۴۷	۲۹/۷	۱۰۱	۲۹/۷	۱۹	۵/۶	
۶	۳۶	۱۰/۵	۱۰۶	۳۰/۹	۱۰۹	۲۰/۴	۷۰	۲۰/۴	۲۲	۴/۶	
جمع	۶۱	۱۷/۹	۲۴۴	۷۱/۵	۴۰۳	۷۷/۷	۲۶۵	۷۷/۷	۵۰	۱۴/۶	

جدول ۴-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌ها به مواد مربوط به فرضیه‌ی دوم

«گروه غیر بسیجی»

میزان موافقت		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
شماره‌ی گویه		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۴		۳۰/۱	۱۰۱	۳۹	۵۰	۱۹/۳	۲۴	۹/۳	۶	۲/۳	۶
۵		۲۸/۲	۸۶	۳۳/۲	۵۱	۱۹/۷	۳۷	۱۴/۳	۱۲	۲/۶	۱۲
۶		۲۸/۴	۱۳	۴۳/۳	۴۴	۱۶/۹	۲۰	۷/۷	۱۰	۳/۸	۱۰
جمع		۸۶/۷	۳۰۰	۱۱۵/۵	۱۴۵	۵۵/۹	۸۱	۳۱/۳	۲۸	۱۰/۷	۲۸

جدول ۵-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌ها به مواد مربوط به فرضیه‌ی دوم «گروه بسیجی»

آزمون فرضیه‌ی دوم

برای آزمون فرضیه‌ی دوم که ادعا می‌کرد «بین نظرات مردم و بسیجیان پیرامون اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی تفاوت وجود دارد.» ابتدا میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه محاسبه و در جدول ۶-۱ درج گردید.

گروه	تعداد n	میانگین x	انحراف معیار s
بسیجی	۲۶۲	۱۱/۲۵	۲/۷۶
غیر بسیجی	۳۴۷	۸/۸	۲/۲۶
جمع	۶۰۹	۲۹/۳۳	۵/۰۲

جدول ۶-۱: میانگین انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه‌ی دوم

آنگاه میانگین‌های دو گروه با استفاده از آزمون‌های t مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان داد که بین t محاسبه شده ($t=۱۱/۷۴$) و t استاندارد ($t=۲/۵۶$) در سطح $P<۰/۰۱$ تفاوت معناداری وجود دارد. ۶۹ درصد از پاسخ‌گویان بسیجی معتقدند با شرکت آنها در فعالیت‌های مهم

فرهنگی، فرهنگ ما از تهاجم بیگانگان مصون می‌ماند. در این رابطه ۲۶ درصد آزمودنی‌های غیر بسیجی نیز جواب مثبت داده‌اند. در رابطه با سپردن مسئولیت‌های فرهنگی به بسیجیان ۶۱٪ از بسیجیان و ۲۱ درصد از مردم نظر موافق دارند. و در رابطه با اینکه فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان می‌تواند تأثیر زیادی در حفظ فرهنگ اسلامی داشته باشد، حدود ۷۱٪ از بسیجیان و ۴۰٪ از مردم نظر مثبت دارند. لذا در میزان اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان بین نظرات مردم و بسیجیان، فاصله است.

۳- اثربخشی امر به معروف و نهی از منکر

فرضیه سوم تحقیق، با استفاده از مواد ۷، ۸ و ۹ پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. در این بخش ابتدا داده‌های حاصل از این مواد به تفکیک ۲ گروه توصیف، آنگاه با استفاده از آزمون آماری t فرضیه مذکور آزمایش شد. فراوانی و درصد موافقت آزمودنی‌های دو گروه (بسیجیان) با هر یک از موارد مربوط به فرضیه دوم در جداول ۱-۷ و ۱-۸ درج شده است.

میزان موافقت		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
شماره‌ی گویه		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۷	۱۴	۴/۱	۸۵	۲۴/۸	۱۳۱	۳۸/۲	۶۱	۲۹/۵	۲۲	۶/۴	
۸	۱۳	۳/۸	۸۹	۲۵/۹	۱۴۶	۴۲/۶	۷۹	۲۳	۱۶	۴/۷	
۹	۲۰	۵/۸	۸۹	۲۶	۱۲۱	۳۵/۴	۶۴	۲۷/۵	۱۸	۵/۳	
جمع	۴۷	۱۳/۷	۲۶۳	۷۷/۷	۳۹۸	۱۱۶/۲	۲۰۴	۷۷	۵۶	۱۶/۴	

جدول ۱-۷: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌های مربوط به فرضیه سوم

«گروه غیر بسیجیان»

پروسی میزان اثربخشی عملکرد بسیجیان شمال تهران در مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر مردم و بسیجیان

میزان موافقت		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
شماره‌ی گویه		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۷		۱۴/۹	۳۹	۴۵/۲	۱۱۸	۵۷	۲۱/۸	۳۸	۱۴/۶	۹	۳/۴
۸		۲۵/۳	۶۶	۴۴/۱	۱۱۵	۴۵	۱۷/۲	۲۹	۱۱/۱	۶	۲/۳
۹		۳۲/۸	۸۶	۳۴/۷	۹۱	۶۰	۲۲/۹	۲۱	۸	۴	۱/۵
جمع		۷۳	۱۹۱	۳۲۴	۳۲۴	۱۲۴	۱۶۲	۶۱/۹	۸۸	۳۳/۷	۱۹

جدول ۸-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌های مواد مربوط به فرضیه‌ی سوم

«گروه بسیجیان»

آزمون فرضیه‌ی سوم

برای آزمون فرضیه‌ی سوم که ادعا می‌کرد «بین نظرات مردم و بسیجیان پیرامون اثربخشی فعالیت‌های امر به معروف و نهی از منکر بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی تفاوت معنا داری است»، ابتدا میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه محاسبه و در جدول ۹-۱ درج گردید.

گروه	تعداد n	میانگین x	انحراف معیار s
بسیجی	۲۶۲	۱۰/۸۲	۲/۷۵
	۳۴۷	۸/۷۵	۲/۴۷
جمع	۶۰۹	۱۹/۵۷	۵/۲۲

جدول ۹-۱: میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه‌ی سوم

میانگین‌های دو گروه با استفاده از آزمون آماری t مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان داد که بین t محاسبه شده ($t=9/57$) و t استاندارد ($t=2/57$) در سطح $P < 0/01$ تفاوت معناداری وجود دارد. ۵۹ درصد از بسیجیان و ۲۸ درصد از مردم نسبت به تذکرات بسیجیان پیرامون امر به معروف و نهی از منکر نظر مثبت دارند و ۳۲ درصد نظر مخالف دارند. ۶۹ درصد از بسیجیان و ۲۸ درصد از مردم، عقیده دارند، امر

به معروف بسیجیان در کاهش رفتارهای غیر اخلاقی موثر بوده و ۲۷ درصد از مردم نظر مخالف و ۴۲ درصد نظری نداشتند.

۶۶ درصد از بسیجیان و ۳۱ درصد از مردم می‌گویند: جهت مقابله با رفتارهای غربی لازم است حمایت بیشتری از بسیجیان در امر به معروف بشود. ضمن اینکه بین نظرات مردم و بسیجیان در این رابطه فاصله می‌باشد. در مجموع درصد نظرات مردم و بسیجیان پیرامون شیوه‌ی فعلی امر به معروف خیلی خوب نمی‌باشد.

۴- تاثیر اردوهای رزمی و فرهنگی بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی

فرضیه‌ی چهارم تحقیق، با استفاده از مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. داده‌های حاصل به تفکیک دو گروه توصیف، آنگاه با استفاده از آزمون آماری t فرضیه‌ی مذکور آزمایش شد.

فراوانی و درصد فراوانی موافقت آزمودنی‌های دو گروه بسیجیان و مردم با هر یک از مواد مربوط به فرضیه‌ی دوم در جدول ۱۰-۴ و ۱۱-۴ درج گردیده است

کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالفم		کاملاً مخالفم		میزان موافقت
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۲۶	۷/۶	۷۴	۲۱/۷	۱۳۲	۳۸/۷	۹۵	۲۷/۹	۹۴	۴/۱	۱۰
۸	۲/۳	۶۱	۱۷/۷	۱۳۲	۳۷/۴	۱۱۱	۳۲/۳	۳۲	۹/۳	۱۱
۳۴	۹/۹	۱۱۸	۳۴/۵	۱۲۷	۳۷/۱	۴۴	۱۲/۹	۱۹	۵/۶	۱۲
۱۶	۴/۷	۴۹	۱۳	۱۴۴	۴۲	۹۲	۲۶/۸	۱۲	۳/۵	۱۳
۱۷	۵	۱۱۶	۳۳/۸	۱۳۰	۳۷/۹	۶۳	۱۸/۴	۱۷	۵	۱۴
جمع										

جدول ۱۰-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی به مواد مربوط به فرضیه‌ی چهارم

«گروه غیر بسیجی»

میزان موافقت		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
شماره‌ی گویه		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۰		۳۲/۴	۹۷	۳۷	۹۷	۴۸	۱۸/۳	۴۸	۸/۸	۹	۳/۴
۱۱		۱۹/۵	۱۰۳	۳۹/۳	۱۰۳	۶۲	۲۳/۷	۶۲	۱۳/۴	۱۱	۴/۲
۱۲		۲۸/۸	۱۱۲	۴۳/۱	۱۱۲	۴۲	۱۶/۲	۴۲	۸/۵	۹	۳/۵
۱۳		۲۶/۵	۱۱۲	۴۳/۱	۱۱۲	۴۳	۱۶/۵	۴۳	۱۰/۸	۸	۳/۱
۱۴		۲۱/۷	۱۰۸	۴۱/۹	۱۰۸	۶۲	۲۳/۶	۶۱	۹/۷	۸	۳/۱
جمع		۱۲۸/۹	۳۳۶								

جدول ۱۱-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌ها به مواد مربوط به فرضیه‌ی چهارم

«گروه بسیجی»

آزمون فرضیه‌ی چهارم

برای آزمون فرضیه‌ی چهارم تحقیق ادعا می‌شد « بین نظرات مردم و بسیجیان پیرامون برگزاری اردوهای رزمی، فرهنگی بسیجیان جهت مقابله با تهاجم فرهنگی تفاوت وجود دارد». ابتدا میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه محاسبه و در جدول ۱۲-۱ درج گردید.

گروه	تعداد n	میانگین x	انحراف معیار s
بسیجی	۲۶۲	۱۸/۸۲	۴
غیر بسیجی	۳۴۷	۱۴/۷۸	۳/۲
جمع	۶۰۹	۳۳/۶۰	۷/۲

جدول ۱۲-۱: میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه‌ی چهارم

نتایج ارائه شده در جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمرات بسیجیان ۱۸/۸۲ و

مردم ۱۴/۷۸ می‌باشد. آزمون این فرضیه بیانگر این مطلب است که مردم و بسیجیان اعتقاد دارند که برگزاری اردوهای رزمی فرهنگی باعث می‌شود عده‌ای از جوانان دست از رفتارهای خلافشان بردارند و بسیج با برگزاری چنین اردوهایی، باعث جذب جوانان و کاهش تهاجم فرهنگی می‌شود. در عین حال ۶۷ درصد از بسیجیان و ۳۲ درصد آزمودنی‌های مردم در رابطه با اثربخش بودن اردوهای رزمی و فرهنگی در مقابله با تهاجم فرهنگی نظر مثبت داشته‌اند و مقایسه بین داده‌های مربوط به پنج گویه در فرضیه‌ی چهارم بیانگر تفاوت معنی‌دار، بین نظرات مردم و بسیجیان است.

۵- تأثیر حضور بسیجیان در اماکن تفریحی و عمومی در مقابله با تهاجم فرهنگی

فرضیه‌ی پنجم تحقیق با استفاده از مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹، پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. در این قسمت ابتدا داده‌های حاصل از این مواد به تفکیک ۲ گروه توصیف، آنگاه با استفاده از آزمون t فرضیه‌ی مذکور، آزمایش می‌شود فراوانی و درصد موافقت آزمودنی‌های دو گروه (بسیجیان و مردم) با هر یک از مواد مربوط به فرضیه‌ی پنجم در جداول ۱۳-۱ و ۱۴-۱ درج گردیده است.

میزان موافقت		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
شماره‌ی گویه		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۵	۹۲	۳۵/۲	۱۰۰	۳۸/۳	۴۲	۱۶/۱	۲۲	۸/۴	۵	۱/۹	۵
۱۶	۸۵	۳۲/۸	۱۰۴	۴۰/۲	۴۳	۱۶/۶	۲۳	۸/۹	۴	۱/۵	۴
۱۷	۶۷	۲۵/۸	۱۱۴	۴۳/۸	۵۹	۲۲/۷	۱۷	۶/۵	۳	۱/۲	۳
۱۸	۵۸	۲۲/۵	۹۴	۳۶/۴	۵۰	۱۹/۴	۳۹	۱۵/۱	۱۷	۶/۶	۱۷
۱۹	۸۹	۳۴/۶	۱۰۰	۳۸/۹	۵۱	۱۹/۸	۱۲	۴/۷	۵	۱/۹	۵
جمع	۳۹۱	۱۵۰/۹	۵۱۲	۱۹۷/۶	۲۴۵	۲۹۹	۱۱۳	۴۳/۶	۳۴	۱۳/۱	۳۴

جدول ۱۳-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌ها به مواد مربوط به فرضیه‌ی پنجم

«گروه بسیجیان»

میزان موافقت		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
شماره‌ی گویه		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۵	۲۳	۶/۸	۹۴	۲۷/۸	۱۳۹	۴۱/۱	۶۹	۲۰/۴	۱۳	۳/۸	۱۳
۱۶	۲۳	۶/۷	۱۰۹	۳۲	۱۲۱	۳۵/۵	۷۱	۲۰/۸	۱۷	۵	۱۷
۱۷	۲۵	۷/۳	۸۱	۲۳/۷	۱۳۷	۴۰/۱	۸۰	۲۳/۴	۱۶	۵/۶	۱۶
۱۸	۲۲	۶/۵	۱۲۹	۳۸/۹	۹۷	۲۸/۵	۶۵	۱۹/۱	۲۷	۷/۹	۲۷
۱۹	۱۷	۵	۹۶	۲۸/۴	۱۳۴	۳۹/۶	۸۰	۲۳/۷	۱۱	۳/۳	۱۱
جمع	۱۱۰	۶۴/۳۶	۵۰۹	۱۵۰/۸	۶۲۸	۱۸۴/۸	۳۶۵	۱۰۷/۴	۸۴	۲۵/۶	۸۴

جدول ۱۴-۱: فراوانی و درصد پاسخ‌های آزمودنی‌ها به مواد مربوط به فرضیه‌ی پنجم

«گروه غیر بسیجیان»

آزمون فرضیه‌ی پنجم

برای آزمون فرضیه‌ی پنجم تحقیق که ادعا نمود «بین نظرات مردم و بسیجیان پیرامون حضور بسیجیان در اماکن تفریحی و عمومی جهت مقابله با تهاجم فرهنگی تفاوت وجود دارد، ابتدا میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه، محاسبه و در جدول ۱۵-۱ درج گردید.

گروه	تعداد n	میانگین x	انحراف معیار s
بسیجی	۲۶۲	۱۹	۳/۹۳
غیر بسیجی	۳۴۷	۱۵/۲	۳/۶۳
جمع	۶۰۹	۳۴/۲	۷/۵۶

جدول ۱۵-۱: میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مواد مربوط به فرضیه‌ی پنجم

آنگاه میانگین‌های دو گروه و با استفاده از آزمون آماری t مورد مقایسه قرار

گرفتند. نتایج حاصل نشان داد که بین t محاسبه شده ($t=12/44$) و t استاندارد ($t=2/57$) در سطح $P<0/01$ تفاوت وجود دارد و آن بدان معناست که نسبت به حضور بسیجیان در پارک‌ها و اماکن عمومی به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی آزمودنی‌های بسیجی حدود ۷۲٪ نظر مثبت دادند در حالی که تنها ۳۴٪ مردم نظر مساعدی دارند.

میزان اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان

در رابطه‌ی میزان اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان شمال تهران که با توجه به مواد ۲۳ تا ۲۸ پرسشنامه، درج شده در جداول ۱۷-۱ و ۱۸-۱، بیانگر این مطلب است که بین نظرات مردم و بسیجیان، فاصله‌ی نسبتاً قابل توجهی می‌باشد. ضمن آنکه در اولویت قرار دادن بعضی برنامه‌ها و تاثیرگذاری آنها، یک نوع هماهنگی بین دو گروه را می‌رساند.

هر دو گروه بالاترین امتیاز را برای نمایشگاه‌های فرهنگی و یادواره‌های شهدای والامقام قائل شدند. ۸۰ درصد از بسیجیان به اثربخشی این دو برنامه پاسخ عالی، خوب و متوسط دادند و حدود ۵۶ درصد از مردم نیز همین نظر را داشتند.

بسیجیان به ترتیب اولویت، پس از نمایشگاه‌ها و یادواره‌های شهدا، حضور در اماکن تفریحی، برگزاری مانورهای فرهنگی رزمی، جلسات عقیدتی، سیاسی را در مقابله با تهاجم فرهنگی مؤثر دانستند و آزمودنی‌های مردمی نیز به ترتیب پس از نمایشگاه‌ها و یادواره شهداء، بزرگداشت مناسبت‌ها، حضور در اماکن تفریحی، کوه‌ها و فعالیت‌های گروه‌های سرود بسیج را مؤثر دانستند. حدود ۲۵٪ از پاسخ‌گویان مردمی و درصد محدودی از بسیجیان، نسبت به اثربخشی فعالیت‌های برگزاری اردوهای رزمی، فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر، کاروانهای به سوی نور و ... اظهار بی‌اطلاعی نمودند.

نتیجه‌گیری از داده‌ها

سطح معنی دار	میزان t	گروه دوم (مردم)			گروه اول (بسیجیان)			شماره‌ی فرضیه
		S	X	n	S	X	n	
<0/01	11/53	3/43	15/16	347	4/16	18/72	262	اول
<0/01	11/74	2/29	8/84	347	2/76	11/25	262	دوم
<0/01	9/57	2/47	8/78	347	2/75	10/82	262	سوم
<0/01	13/64	3/25	14/78	347	4	18/82	262	چهارم
<0/01	12/44	3/63	15/23	347	3/93	19/07	262	پنجم

خلاصه‌ی نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق در جدول (۱۶-۱)

نتایج ارائه شده در جدول فوق (۱۶-۴)، نشان می‌دهد که هر دو گروه (مردم و بسیجیان) اعتقاد به اثر بخش بودن فعالیت‌ها دارند. ولی میانگین نمرات بسیجیان بالاتر از مردم است و به ترتیب میزان اثربخشی ۱- حضور بسیجیان در اماکن تفریحی، ۲- معرفی بسیجیان به عنوان الگو ۳- حضور در اردوهای رزمی، فرهنگی، بیشترین اثربخشی را در مقابله با تهاجم فرهنگی داشته و فعالیت‌های امر به معروف و نهی از منکر بسیجیان از کارایی کمتری برخوردار بوده است. در مجموع داده‌های مربوط به پنج فرضیه، بیانگر تفاوت معنی‌دار $P < 0/01$ بین نظرات مردم و بسیجیان می‌باشد و فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق به منظور سنجش و مقایسه‌ی نظرات مردم و بسیجیان پیرامون میزان اثربخشی استفاده از بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی، انجام شد. برای این منظور یک مقیاس ۳۸ ماده‌ای، دارای اعتبار و پایایی کافی بر روی آزمودنی‌هایی که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند اجرا شد. داده‌های جمع‌آوری شده کدگذاری گردیده و با استفاده از آزمون آماری t و از طریق نرم‌افزار کامپیوتری Spss

مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل، بیانگر تفاوت معنی‌دار بین نظرات مردم و بسیجیان، در تمامی مؤلفه‌های موجود بررسی بود. به همین سبب، در این فصل، ابتدا یافته‌های حاصل به ترتیب فرضیات پنج‌گانه تحقیق، مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنگاه، پیشنهادهای برای مسئولین و محققان ارائه می‌شود.

۱- معرفی بسیجیان به عنوان الگوهای موفق

همانگونه که داده‌های مندرج در جداول ۱-۱، ۱-۲ و ۱-۳ نشان داد، بین نظرات مردم و بسیجیان پیرامون «نقش معرفی بسیجیان به عنوان الگو در مقابله با تهاجم فرهنگی» تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. چه اغلب بسیجیان معتقدند که اگر بسیجیان به عنوان الگو معرفی شوند، جوانان جامعه به جای پیروی از الگوهای غربی، از آنان پیروی می‌کنند، درحالی‌که اکثر مردم مخالف چنین نظری بودند. چه ۶۳ درصد از آزمودنی‌های غیر بسیجی با چنین اقدامی مخالف بودند. دلایل مختلفی را برای این تفاوت دیدگاه مردم و بسیجیان می‌توان بر شمرد. یکی از آن دلایل، شاید عدم پایبندی قلبی از بسیجیان به فرامین اسلامی باشد. مردم، این گروه قلیل را به عنوان سمبل و مصداق بسیجیان در نظر می‌گیرند و بر آن اساس نگرش منفی به کل بسیجیان پیدا می‌کنند. یکی دیگر از دلایل تفاوت دیدگاه مردم و بسیجیان، شاید در بی‌توجهی مسئولان در معرفی بسیجیان به عنوان الگو باشد. چه آنان نتوانسته در حیطه‌های مختلف علمی، ورزشی، هنری، فرهنگی و حتی اجتماعی و اقتصادی، بسیجیان برجسته و نمونه را شناسایی و به عنوان الگو به جامعه معرفی کنند. از طرفی اشاعه‌ی فرهنگ غربی در رفتار عده‌ای از مردم به ویژه جوانان شمال تهران عامل مهم دیگری است که نگرش آنها را نسبت به الگوهای اسلامی تغییر داده و در مواردی آنها بیشتر به الگوهای غربی گرایش دارند. لذا به همین دلایل، مردم شمال تهران بر این باورند که اساساً در میان بسیجیان، نمی‌توان کسانی را به عنوان الگو یافت و نمونه را شناسایی و به جامعه معرفی کنند. از طرفی اشاعه‌ی فرهنگ غربی در رفتار عده‌ای از مردم به ویژه جوانان شمال تهران عامل مهم دیگری است که نگرش آنها را نسبت به الگوهای اسلامی تغییر داده و در مواردی آنها الگو و مدل ایده‌آل خود را در چیزهای دیگری، غیر از رفتار و فرهنگ بسیجی می‌یابند، بلکه الگوهای غربی در ذهن بعضی از آنها متبادر شده، لذا به

این دلایل، کثیری از مردم شمال تهران بر این باورند که اساساً بسیجیان نمی‌توانند، الگوهای دلخواه آنان باشند...

۲- فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان

در فرضیه‌ی دوم تحقیق ادعا شده بود، «بین نظرات مردم و بسیجیان، پیرامون اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی، تفاهم نمی‌باشد.» نتایج حاصل از آزمون این فرضیه، بیانگر تفاوت مردم و بسیجیان بود. چه آزمودنی‌های بسیجی عقیده داشتند که فعالیت‌های فرهنگی آنها، تاثیر زیادی در حفظ فرهنگ اسلامی داشته و در مقابله با تهاجم فرهنگی مؤثر بوده است. در حالی که آزمودنی‌های غیر بسیجی، معتقد بودند که تاثیر فعالیت‌های فرهنگی بسیج در مقابله با تهاجم فرهنگی، اثر چندانی نگذاشته است. لذا به نظر می‌رسد برنامه‌های فرهنگی رده‌های بسیج، بیشتر مختص بسیجیان بوده، نه اقشار مختلف دیگر. دلایل چندی را می‌توان برای اثربخشی ناچیز فعالیت‌های فرهنگی بسیجیان بر شمرد:

- پایین بودن سطح کمیت و کیفیت برنامه‌ها و بهره‌گیری بسیجیان از روش‌های تکراری و سنتی.

- عدم نوآوری و ابتکار در برنامه‌های فرهنگی بسیجیان.
- کمبود نیروی کاردان و کارشناس مسائل فرهنگی، به دلیل کمبود واقعی نیروهای متخصص و توانمند.
- عدم برخورداری لازم عناصر و متولیان فرهنگی بسیج از حمایت‌های مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی لازم.
- کم اطلاعی مردم و جوانان از برنامه‌های فرهنگی بسیجیان و فراهم نبودن زمینه‌های حضور این اقشار در برنامه‌های فرهنگی بسیج.

لذا، اقشار مختلف به خصوص جوانان و نوجوانان غیر بسیجی که عموماً در معرض خطر تهاجم فرهنگی دشمن قرار دارند، از برنامه‌های فرهنگی بسیج، بهره‌ی ناچیزی می‌برند و از طرفی کارهای فرهنگی دشمنان روی نسل امروز تاثیر گذاشته و گرایش جوانان و نوجوانانی که بایستی با بسیج و ارتش ۲۰ میلیونی در ارتباط باشند، با بسیج بیگانه بوده و سرگرم استفاده از برنامه‌های مضر و غیر اخلاقی بیگانگان

می‌باشند که به طور طبیعی در نگرش‌ها و گرایش آنان نسبت به بسیجیان و میزان اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیج، فاصله ایجاد می‌نماید.

۳- فعالیت‌های امر به معروف و نهی از منکر بسیجیان

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم ادعا می‌کرد: «بین نظرات مردم و بسیجیان پیرامون تاثیر فعالیت‌های امر به معروف و نهی از منکر بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی، تفاوت معناداری می‌باشد.»

بیانگر تفاوت معنی‌داری بین نظرات و مردم و بسیجیان بود. یعنی مردم اقدامات امر به معروف و نهی از منکر بسیجیان را در مقابله با تهاجم فرهنگی ناکارآمد می‌دانند. در حالی‌که خود بسیجیان چنین اعتقادی ندارند. این تفاوت دیدگاه مردم و بسیجیان، ناشی از چه عواملی است؟ در پاسخ به این سوال لازم است نخست فرآزی از دیدگاه امام خمینی^(ره) پیرامون این مؤلفه ذکر شود. از نظر امام: «باب امر به معروف و نهی از منکر از وجه رحیمیه است. پس بر امر به معروف و ناهی از منکر لازم است که به قلب خود از رحمت رحیمیه بچشاند و نظرش در امر و نهی، خودنمایی و خود فروشی و تحمیل امر و نهی نباشد». چنین پدیده‌است که برخی از بسیجیان در فعالیت امر به معروف، کمتر به این خواسته‌ی حضرت امام، جامه‌ی عمل پوشانده‌اند. لذا یکی از دلایل نظر نامساعد مردم برخی فعالیت‌های امر به معروف بسیجیان، شاید عدم رعایت موازین اسلامی توسط برخی بسیجیان باشد. از آن گذشته، برخی بسیجیان فعالیت خود را به جای پرداختن به اقامه‌ی معروفات، پیش‌گیری از منکرات، به سمت برخورد با جرایم سوق دادند و متأسفانه از اصل مأموریت امر به معروف، غافل شدند. علاوه بر آن، به دلیل پایین بودن سطح آموزش و عدم آگاهی و شناخت بسیجیان نسبت به مبانی اسلام و شیوه‌های صحیح امر به معروف، زمینه‌ی بدبینی بعضی از اقشار را نسبت به بسیج و امر به معروف فراهم کردند. لذا وجود اختلاف نظر بین دو گروه آزمودنی‌های بسیجی و مردمی، شاید نتیجه‌ی عملکرد چندساله‌ی گروهی از بسیجیان در این رابطه است.

۴- برگزاری اردوهای رزمی، فرهنگی

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی چهارم نشان داد که بر خلاف بسیجیان،

آزمودنی‌های غیر بسیجی بر این باورند که برگزاری اردوهای رزمی - فرهنگی بسیجیان، تاثیری در خنثی سازی تهاجم فرهنگی ندارد. شاید یکی از دلایل این نگرش مردم، آن باشد که هدف و محتوای اردوهای رزمی، فرهنگی، برای آنان تبیین نشده است. چون چنین برنامه‌هایی عموماً در بیرون از شهر برگزار می‌گردد و عده‌ای از مردم یا از برگزاری آنها مطلع نمی‌شوند و یا فکر می‌کنند، اردوها صرفاً هدف نظامی را تعقیب می‌کند. علاوه بر آن، به دلیل ضعف انعکاس رسانه‌های به خصوص از طریق صدا و سیما یا پخش مستقیم قسمتی از برنامه‌های اردو، مردم ذهنیت صحیحی از میزان اثربخشی اردوها در مقابله با تهاجم فرهنگی ندارند.

۵- حضور در اماکن تفریحی و عمومی

در فرضیه‌ی پنجم تحقیق، ادعا شده بود: «بین نظرات مردم و بسیجیان پیرامون اثربخشی حضور بسیجیان در اماکن تفریحی و عمومی به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی، تفاوت معناداری وجود دارد». همانگونه که اطلاعات مندرج در جداول شماره ۱۳-۴، ۱۴-۴ و ۱۵-۴ نشان می‌دهد، تحلیل آماری داده‌ها، ضمن تایید فرضیه، نشان داد بین نظرات مردم و بسیجیان، پیرامون حضور بسیجیان در اماکن تفریحی و عمومی، جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی، در حالی که بسیجیان حضور خود را در اماکن تفریحی و گردش، برای مقابله با تهاجم فرهنگی اثر بخش می‌دانند، مردم چنین نظری ندارند. در توضیح این تفاوت‌ها لازم است خاطر نشان شود، افرادی که به اماکن تفریحی از قبیل پارک‌ها و کوه‌های شمال تهران می‌روند، دو دسته‌اند: عده‌ای مقید به رعایت شئونات جامعه‌ی اسلامی هستند و به صورت خانوادگی می‌آیند. اینان از حضور بسیجیان در این اماکن احساس آرامش و امنیت می‌کنند. ولی گروهی از جوانان و افرادی که برای آزادی‌های غیر مشروع و کارهای ناپسند به این اماکن روی می‌آورند، عموماً از حضور بسیج احساس نارضایتی و ناامنی نموده و به تعبیری اعتقاد به تهاجم فرهنگی نداشته، بلکه آن را عین فرهنگ خود می‌پندارند. این‌ها خود به خود، عامل اشاعه‌ی فرهنگ بیگانه هستند. لذا با توجه به اینکه این عناصر هم جزء آزمودنی‌های مردمی‌اند، حضور بسیج را در پاسخگویی، غیر مؤثر بلکه مزاحم تلقی نموده‌اند، لذا به منظور بالابردن سطح اثربخشی به‌کارگیری

بسیجیان در مقابله با تهاجم فرهنگی، نکات زیر ارائه می‌گردد.

پیشنهادها

۱- باور به هجوم و تهدید فرهنگی

مقدمه و پیش‌نیاز مقابله با تهاجم و ناتوی فرهنگی دشمن، باور و اعتقاد به وجود این تهدید و ضرورت پیش‌گیری و برخورد با آن است. «این مسأله‌ی تهاجم فرهنگی که بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشن است و با انکار آن نمی‌توانیم، اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد. وجود دارد ... ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است. این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی در تهدید دشمنان است... ما نباید چیزی که روشن و واضح است، انکار کنیم. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰).

شاید برخی بگویند: در این جنگ نابرابر رسانه‌های و فرهنگی، کاری از دست ما ساخته نیست. در این که این فضا نابرابر است، شکی نیست. اما غربی‌ها با وجود پیشرفت در بعد سخت‌افزاری، در بعد نرم‌افزاری هنوز هم با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند. این که امروز، روزنامه‌ی لندن «تایمز» می‌نویسد: «اکثر مسلمانان اروپایی، علت گرایش خود به دین اسلام را، کامل بودن قوانین آن ذکر کرده‌اند.» خود به خوبی از قدرت نرم‌افزاری جهان اسلام و انقلاب اسلامی حکایت می‌کند.

پس در مرحله‌ی اول، ضروری است، باور و اعتقاد و اشتراک نظر در سطوح نخبگان و مدیران فرهنگ در عرصه‌ی مقابله با این تهاجم خاموش ولی خطرناک، ایجاد گردد و مقوله‌ی ناتوی فرهنگی را به عنوان یک توطئه‌ی شوم در حوزه‌ای گسترده‌تر از کشور اسلامی ایران، بلکه جهان اسلام بدانند و از طرفی با شناخت ارزش‌های مشترک، در دو حوزه‌ی ملی و اسلامی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالقوه و بالفعل، گام‌های اساسی را در ایجاد خودباروری و مبارزه فراگیر در جهت کاهش و خنثی نمودن تهدیدهای فرهنگی برداریم و از این طریق روحیه‌ی عزت نفس را بین مسئولین و اقشار مختلف جامعه، احیا و تقویت، و احساس خود کم‌بینی و تقلید کورکورانه از برنامه‌های بیگانگان را از بین ببریم.

۲- مهندسی فرهنگی

لازمه‌ی مهندسی فرهنگی، این است که همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی با هم هماهنگ شوند. در خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های مردمی، خیلی نمی‌شود دخالت نمود ولی در حوزه‌ی فرهنگی نهادهای دولتی لازم است، مهندسی فرهنگی انجام پذیرد. امروز مردم مهندسی فرهنگی را از حاکمیت می‌خواهند و انتظار دارند با آن انسجام داده شود. اگر ما در رفتار و کردار افراد جامعه اختلافی می‌بینیم، این است که فرهنگ ما مهندسی نشده است.

مهندسی فرهنگ کشور بدین مفهوم است که: با یک بصیرت و یک فکر کلان و نگاه برتر و بالاتر، همه‌ی جریان‌های فرهنگی داخلی کشور دیده شود، فرهنگ موجود کشور شناخته گردد و مشخص شود که عناصر با چه کیفیتی باید باشند و حقیقت فرهنگ باید به کدام سمت برود. اگر در آن ضعف‌هایی وجود دارد، آن را اصلاح کرد و اگر در آن نفوذی هست، راه نفوذ بسته شود. مقام معظم رهبری فرمودند: «این حرکت به سمت مطلوب باید هدایت و مراقبت شود. هدایت و مراقبت به سمت مطلوب، با مهندسی فرهنگی کشور انجام می‌پذیرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱)

۳- ایمن سازی

برای پیش‌گیری و ایجاد مصونیت در برابر تهدید نرم، برنامه‌های زیر از اولویت بیشتری برخوردارند.

۳-۱- ارتقای سطح آگاهی، شناخت و بصیرت مسئولین و مردم:

مهمترین عامل حرکت صحیح و مقاومت در این مسیر، داشتن شناخت صحیح و آگاهی لازم از اعتقادات دینی و باورهای مذهبی است. حضرت علی^(ع) می‌فرمایند: «وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ. آگاه باشید که پرچم دین را به دوش نمی‌کشد، مگر آنکه اهل بصیرت و استقامت باشد (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳).

«مهمترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی، شناخت صحیح اسلام و بازگشت به فرهنگ غنی آن است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).

۲-۳- رعایت بهداشت فرهنگی:

رعایت بهداشت فرهنگی، هم اشاعه‌ی فرهنگ غرب را غیر ممکن می‌سازد و هم نو آوری و آفرینندگی فرهنگی مردم جامعه را افزایش می‌دهد. از همین رو، روش‌های آن باید باز شناخته و به کار بسته شود. تقویت ایمان مذهبی، ترویج عبادات دینی، اشاعه‌ی اخلاق و آداب اسلامی و مبارزه علمی با فساد و منکرات در جامعه، روش‌های مؤثر بهداشت فرهنگی جامعه‌ی ایران هستند.

۳-۳- نماز و خانه‌ی امن:

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام می‌فرماید:
اذا نزلت العاهات و الافات عوفی اهل المساجد. «آنگاه که آفت‌ها و تباهی‌ها بر جامعه فرو بارد، تنها اهل مساجد در سلامت و عافیت باشند.» (مستدرک الوسائل، ج ۳)

۴-۳- تولید علم و جنبش نرم‌افزاری:

غرب در این تهاجم آرام و فراگیر، از فن‌آوری پیشرفته‌ی ماهواره، سایت‌ها و فن‌آوری رایانه‌ای و نظایر آن استفاده می‌کند. ایران و سایر جوامع آماج تهاجم فرهنگی، نیز تنها زمانی می‌توانند به صورت اثربخش با این تهاجم به مقابله برخیزند که از فن‌آوری مشابه و تولید نرم‌افزار برخوردار باشند و از طرفی باید به وسیله‌ای ارسال پیام غرب را محدود ساخت و فرستنده‌ی «غرب» را در ذهن مردم بی‌اعتبار نمود. (صداقت، ۱۳۷۴). اصلی‌ترین راه مبارزه، آن است که با استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژی مدرن، ارزش‌های اسلامی خود را در قالب هنرمندانه‌ترین فیلم‌ها، سریال‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، نمایش‌نامه‌ها، رمان‌ها و در قالب آثار هنری، عرصه‌ی سینما و جامعه را تحت تأثیر قرار دهیم (مصباح یزدی، ۱۳۷۸).

۴- عمق‌بخشی فرهنگی

یکی از راه‌های ماندگاری و اثربخشی پیام در ذهن و رفتار مخاطب این است که از حجم فعالیت‌های صوری کم کنیم و به یک سری برنامه‌های محتوایی که از فرایند عمق‌بخشی بیشتری برخوردارند، از قبیل موارد زیر توجه نماییم:

- تهیه و تدوین نظام جامع تربیت خانواده، با استفاده از مبانی اخلاقی و تربیتی اسلام و کاربردی نمودن آن و مشارکت رسانه‌ها، مربیان و ... در تقویت بنیان خانواده و کاهش شکاف بین نسل‌ها؛
- افزایش مطالعات فرهنگی و انجام پژوهش‌های ضروری و کاربردی؛
- برگزاری دوره‌های آموزشی، علمی و معرفتی، ویژه‌ی مسئولین و عناصر فرهنگی، به صورت حضوری، مجازی و غیر حضوری؛
- تقویت نگرش فرهنگی مسئولان و مدیران نسبت به مسائل فرهنگی جامعه و ضرورت مقابله با تهدید نرم؛
- افزایش اثربخشی برنامه‌ها، حرکت در جهت افزایش کیفیت برنامه‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی و مبارزه‌ی مدام و مستدل با افکار مادی‌گرایی غربی، توسط گویندگان، وعاظ و به خصوص رسانه‌ی ملی «صدا و سیما»؛
- هشدار نسبت به خطر تهدیدات فرهنگی و پی‌آمدهای آن از قبیل بی‌فکری، بی‌هویتی، لابلایگری و سرگرم شدن به لذت‌های زودگذر، از نکات مهمی است که باید بیشتر به آن پرداخته شود.
- تولید نرم‌افزار و حمایت از برنامه‌های فرهنگی ابتکاری، خودجوش و مردمی؛
- ایجاد نوآوری، خلاقیت و استفاده از روش‌های جدید و نو در فعالیت‌های فرهنگی؛
- گرامی‌داشت مناسبت‌ها و حماسه‌های ملی و مذهبی و تجلیل از ایثارگران عرصه‌های مقاومت و پایداری؛
- الگوسازی و ارائه‌ی الگوهای ارزشی در عرصه‌های مختلف ایثارگری، علمی، هنری، ورزشی و...؛
- غنی‌سازی اوغات فراغت. چرا که اوقات فراغت موجب افزایش استفاده از ابزارهای مبتذل تهاجم فرهنگی می‌شود. به همین جهت، متولیان فرهنگی باید بخش متناهی از فعالیت‌های خویش را معطوف غنی‌سازی اوقات فراغت مردم، به خصوص جوانان و نوجوانان نمایند.

- حضور جمعی، فعال و مستمر گروه‌های اثرگذار در کوه‌ها و پارک‌ها، همراه با اجرای برنامه‌های فرهنگی و معنوی؛
- راه‌اندازی و تقویت کانون‌ها و مجامع فرهنگی، هنری، ورزشی و هیأت مذهبی؛
- حمایت حقوقی و اجتماعی مناسب از عناصر فرهنگی، هنری و تربیتی خلاق و مبتکر؛
- برگزاری اردوهای رزمی، فرهنگی و تفریحی، همراه با برنامه‌های متنوع و آموزنده؛
- تهیه و تولید بازی‌های رایانه‌ای و سریال‌های تربیتی با استفاده از متون اسلام؛

۵- امر به معروف و نهی از منکر

- از آنجایی که فریضه‌ی مقدس امر به معروف و نهی از منکر، استراتژیی مقابله با فرهنگ غرب می‌باشد، رعایت نکات زیر، ما را در انجام این تکلیف الهی، یاری خواهد نمود:
- ارتقای آگاهی و آموزش‌های اعتقادی و تخصصی آمرین به معروف و ناهیان از منکر؛
 - برنامه‌ریزی جهت هدایت متولیان و مجریان امر به معروف و نهی از منکر به رویکرد فرهنگی- تربیتی، اشاعه‌ی معروفات و پیش‌گیری از منکرات، به جای برخورد با جرایم و...؛
 - گسترش تذکر لسانی و شیوه‌های ارشادی، تربیتی و ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای؛
 - فراهم نمودن زمینه‌ی اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر از طریق مسئولین، رسانه‌ها و فضا سازی مناسب اجتماعی، با تولید و پخش برنامه‌های آموزنده و داستانی، شبیه برنامه‌ی تلویزیونی «کلید اسرار» و تولید بازی‌های رایانه‌ای و انیمیشن و پخش از صدا و سیمای جمهوری

- اسلامی، با رویکرد آموزشی، تربیتی و جذاب؛
 - تعمیق و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، در بین آحاد مردم و مسئولین و پیگیری تحقق اصل هشتم قانون اساسی؛
 - ترویج فرهنگ حجاب و پوشش اسلامی و تشریح فلسفه‌ی حجاب، از طریق رسانه‌ها و بیان آثار سوء بدحجابی و زیان‌های روانی و بهداشتی آرایش و خودنمایی در ملاء عام؛
 - ارشاد محبت‌آمیز و دوستانه‌ی جوانان و افراد خاطی در اماکن عمومی.
- بهترین شیوه برای «مصون» داشتن یک فرهنگ از تهاجم فرهنگی، این است که حامیان و حاملان آن فرهنگ، از طریق ارتقای و گسترش سطح شناخت و بصیرت، تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، ارتقای سواد رسانه‌های، آگاه کردن مردم از اهداف فرهنگ‌سازان غربی «واکسینه» فرهنگی شوند و روحیه‌ی تحلیل‌گری مردم نسبت به بمبارانهای اطلاعاتی و تبلیغاتی دشمن با قابلیت تشخیص، ارتقاء یابد؛

منابع و ماخذ

- ۱- اداره‌ی سیاسی سپاه (۱۳۷۹). کوثر ولایت، سخنان مقام معظم رهبری در جمع یک‌صد هزار نوجوان و جوان در مصلا‌ی تهران.
- ۲- امیری، ابوالفضل (۱۳۸۹)، تهدید نرم، تهران: انتشارات پگاه.
- ۳- الیاسی، محمد حسین (۱۳۷۸)، راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، تهران: سازمان تحقیقاتی بسیج.
- ۴- بران، صدیقه (۱۳۸۱). ماهواره‌ها، جهانی شدن فرهنگ و بحران هویت، فصلنامه‌ی پژوهشی صدا و سیما، ۳۱
- ۵- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۳ و ۴)، تهاجم فرهنگی، مجله‌ی علمی پژوهشی سازمان تحقیقات بسیج، ۹-۱.
- ۶- خامنه‌ای، علی (۱۳۷۳). فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، قم: از انتشارات سازمان مدارک فرهنگی چاپ الهادی
- ۷- خامنه‌ای، علی (۱۳۷۸)، سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان رسانه‌ها، تهران: روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۰۵/۲۳
- ۸- خرم، مسعود (۱۳۷۶)، هویت، تهران: انتشارات: مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی حیان، چاپ نقش جهان.
- ۹- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸) صحیفه‌ی نور (مجموعه سخنان، بیانات و نوشته‌های امام خمینی)، تهران: انتشارات: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۱۰- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، تهران. مؤسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر
- ۱۱- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۴)، لغت‌نامه ج ۳۳، تهران: انتشاران: امیرکبیر
- ۱۲- راهبرد، فصلنامه‌ی پژوهشی فرهنگی یاس، ش ۶، تهران تابستان ۱۳۸۵.
- ۱۳- سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج (۱۳۷۹)، تهاجم فرهنگی از دیدگاه سیاسی و تاریخی ۲ جلد، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی آیه
- ۱۴- سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع (۱۳۷۶)، سیری در اندیشه‌های دفاعی حضرت امام (ره)، دفتر اول تا سوم، تهران: انتشارات: سازمان عقیدتی وزارت دفاع
- ۱۵- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۹)، راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، مصوبات جلسات ۴۴۴ تا

- ۴۵۹، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۱۶- علی اکبری، حسن (۱۳۷۵)، تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات، روایات و فقه، تهران: انتشارات: سازمان تحقیقاتی بسیج.
- ۱۷- عمید، حسن (۱۳۶۴)، فرهنگ عمید، چاپ ششم، ج اول، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۸- فرانسیس استونر ساندرس (۱۳۸۲)، جنگ سرد فرهنگی، تهران: بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی
- ۱۹- فرهادی و مرادیان (۱۳۸۶). ماهنامه‌ی اطلاع‌رسانی علمی پژوهشی، دانشکده ارتش ۲۰ میلیونی، ۴۴-۲۰- قرآن مجید.
- ۲۱- محسنی، منوچهر (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات: کتابخانه طهوری
- ۲۲- مرکز تحقیقات اسلامی سپاه (۱۳۷۸)، تهاجم فرهنگی، تهران: انتشارات: مرکز فرهنگی سپاه
- ۲۳- مرکز مطالعات ارتش ۲۰ میلیونی (۱۳۷۳)، پروژه‌ی تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن، تهران: سازمان بسیج
- ۲۴- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸)، تهاجم فرهنگی، قم: انتشارات: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۲۵- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، نهضت‌های صدساله‌ی اخیر، تهران: انتشارات: صدرا
- ۲۶- منطقی، مرتضی (۱۳۸۰)، بررسی پیامدهای ویدیویی و رایانه، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگ و دانش
- ۲۷- مؤسسه‌ی قدر ولایت (۱۳۷۶)، حکایت‌های امر به معروف و نهی از منکر، تهران: مؤسسه قدر ولایت
- ۲۸- نهج‌البلاغه (۱۳۷۵) ترجمه‌ی دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

نقش عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان

محمد رضا نیله‌چی^۱

محسن کریمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۸

چکیده

اگرچه امروزه مطالعه علمی علوم راهبردی دفاعی ایران، نه تنها به بررسی جنگ‌های کلاسیک و نقش آنان در دفاع از کشور را مورد بازنگری جدی و عمیق قرار داده، بلکه نقش دفاعی بسیاری از اقشار اجتماعی ملت ایران نیز در پیروزی‌های رزمندگان اسلام در دوران هشت سال دفاع مقدس توسط پژوهش‌گران این رشته مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد، ولی در باب عشایر و نقش نظامی آنان در جنگ‌های نامنظم و دفاع از حدود و ثغور کشور ایران به ویژه در دوران هشت ساله دفاع مقدس در نواحی مرزی استان ایلام آن طور که باید و شاید تحقیق و تفحص علمی و جدی صورت نگرفته است.

این تحقیق به نقش عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزهای استان می‌پردازد و هدف کلی در قالب یک سؤال اصلی که «آیا عشایر استان در دفاع مقدس و امنیت مرزی نقش داشته اند؟» مطرح شده است.

تحقیق حاضر از نظر نوع کاربردی، و از نظر روش توصیفی، تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. در این تحقیق جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته و هم‌چنین جمع‌آوری در روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار مطالعه اسناد و مدارک،

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

۲- دانش آموخته رشته کارشناسی ارشد مدیریت علوم دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی

فیش‌برداری، بررسی نقشه‌ها و تصاویر صورت گرفته است و در روش میدانی با استفاده از ابزار مصاحبه، پرسشنامه و مشاهده انجام گرفته است.

در این تحقیق با دعوت از فرماندهان، بزرگان طوایف و افراد مؤثر در سازماندهی و حضور عشایر بصورت تیمی در قالب سؤالات مشخص، انجام شده است و بعد از آن جهت روایی و تأیید تحلیلی تحقیق، پرسشنامه‌ای تهیه و بین جامعه آماری توزیع و نتایج جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که تأییدکننده حضور عشایر در روزهای اولیه تهاجم دشمن، تشکیل پایگاه‌ها با انجام پشتیبانی مردمی و گنبد نمودن حرکت دشمن، و در ادامه حضور فعال خود، در قالب تشکیلات سازمان رزم، گردان‌ها، تیپ و لشکر سازمانی ادامه یافته است. در نهایت نتیجه گرفته شده است که نقش عشایر استان ایلام به موقع، مهم، مثبت و اثرگذار در امنیت مرزی استان و دفاع مقدس بوده است.

کلید واژه‌ها: عشایرایلام، جنگ ایران و عراق، امنیت مرزی، مرزها

مقدمه

هدف کلی و اساسی این تحقیق شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حضور عشایر استان ایلام در امنیت مرزها و دفاع مقدس می‌باشد.

اگرچه امروز مطالعه علمی علوم راهبردی دفاعی ایران، نه تنها به بررسی جنگ‌های کلاسیک و نقش آنان در دفاع از کشور را مورد بازنگری جدی و عمیق قرار داده، بلکه نقش دفاعی بسیاری از اقشار اجتماعی ملت ایران نیز در پیروزی‌های رزمندگان اسلام در دوران هشت سال دفاع مقدس توسط پژوهشگران این رشته مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته، ولی در باب عشایر و نقش نظامی آنان در جنگ‌های نامنظم و دفاع از حدود و ثغور کشور ایران به ویژه در دوران هشت ساله دفاع مقدس در نواحی مرزی استان ایلام آن‌طور که باید و شاید تحقیق و تفحص علمی و جدی صورت نگرفته است. هر چند بسیاری از منابع به‌طور کلی به آن اشاراتی داشته‌اند و در مورد سهم و نقش دفاعی عشایر از مرزهای استان، به‌طور جسته و گریخته مطالبی عنوان نموده‌اند، اما به زاویه‌های نقش آفرینی این قشر از جامعه و تأثیر آن در امنیت مرزی استان و پیروزی هشت سال دفاع مقدس کمتر توجه شده است.

به هر حال عشایر به‌عنوان یکی از اقشار ملت ایران از دوران تاریخی تا به حال نقش مؤثری در تحولات سیاسی، نظامی ایران بازی کرده‌اند، و به دلیل داشتن روحیه

سلحشوری و مردانگی، یکی از عوامل بازدارنده تهاجم دشمنان به نواحی مرزی ایران در دوره حکومت‌های گذشته به شمار می‌رفته‌اند. به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با دست یافتن به فرهنگ و آمیزه‌های دینی و انقلابی به‌ویژه فرهنگ جهاد و شهادت توسط پیر فرزانه انقلاب، امام خمینی^(ره) به صورت مرزدارانی متعهد و شکست ناپذیر در قالب نیروهای نامنظم در مقابل هر تهدید نظامی و کلاسیک عرض اندام کرده‌اند. رساله حاضر تلاش دارد تا اهمیت و نقش عشایر استان ایلام در دوران هشت ساله دفاع مقدس و امنیت مرزهای استان را با کنکاش و تحلیل علمی، مورد ارزیابی قرار دهد.

بیان مسأله

جستجوی امنیت از مهمترین کوشش‌ها و انگیزه‌های انسانی است. این کوشش با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد. حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین نیازهای انسان است، انسان‌ها در پس برآوردن نیازهای زیستی با یک‌دیگر وارد مناسبات گوناگون شده و تشکیل جامعه می‌دهند. مهم‌ترین نیاز هر جامعه خواه یک طایفه یا قبیله و چه یک قوم یا کشور تأمین امنیت آن جامعه و افراد آن است و از زمان تشکیل دولت‌های ملی و کشورها به‌جای حکومت‌های پراکنده ملوک الطوایفی و امپراطوری‌های بزرگ اصطلاح امنیت بر سر زبان دولت مردان و رهبران نظامی افتاد. استان ایلام با ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق همیشه با همسایه خود اختلافات مرزی داشته که باعث تعرض‌های مکرر در طول چند دهه گذشته بوده است. مردم استان ایلام که بخشی از جمعیت آن در قالب عشایر در مناطق مرزی در محل مراتع و چراگاه‌های خود حضور دارند. عشایر استان با ۱۰۰۰۰ خانوار، با متوسط ۶ یا بیشتر از ۶ نفر جمعیت. هر خانوار عشایری اگر یک مرد آماده داشته باشد که دارد و همیشه هم که مسلح می‌باشد، نتیجه‌اش آن می‌شود که ما یک لشکر ۱۰ هزار نفری آماده داریم که هر روز هر یک از آنها به‌طور طبیعی ده، تا پانزده کیلومتر کوه‌پیمایی می‌کنند. از آمادگی جسمانی بالا برخوردار است، زمین و طبیعت منطقه را به‌خوبی می‌شناسد و تفنگش هم روی دوش و دامداریش را می‌کند و همواره مسلح و آماده است. این استعداد را باید هر چه بیشتر به‌سمت به‌فعلیت در آوردن برد. از ایلات باید

لشکرها ساخت. از طوایف باید گردان‌ها و تیپ‌ها ساخت که اگر یک روز همین دشمن که بیخ گوشمان هست، طمع کرد به این نظام، علاوه بر سپاه، ارتش، بسیج و نیروهای مسلح رسمی مملکت یک ارتش غیر رسمی، هم در کشور مدافع نظام باشد. جمعیت عشایر ایلام، با حکومت همگرا بوده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مراقبت از امنیت مرزها و حضور فعال در هشت سال دفاع مقدس از نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت آن دفاع کرده و دارای توانمندی‌هایی به شرح زیر می‌باشد:

۱ - انجام مراقبت‌های مرزی و کارهای اطلاعاتی مرز و کمک به نیروهای مرزبانی کشور

۲ - با توجه به شناخت طبیعت و زمین منطقه، به‌عنوان راهنما برای شناسایی و هدایت یگان‌های نظامی و انتظامی در جهت انسداد مسیر ورود گروه‌های مخالف نظام و قاچاقچیان به‌داخل کشور ایفای نقش می‌نمایند.

۳ - توانمندی شرکت در عملیات‌های چریکی و برون مرزی

۴ - کمک و پشتیبانی به پاسگاه‌های مرزی در شرایط بحران تا رسیدن عمده قوا
لذا محقق به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا عشایر استان ایلام نقش مؤثر و مثبتی در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان داشته‌اند؟

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

اهمیت و ضرورت این تحقیق شناخت میزان مشارکت و تأثیر عشایر استان ایلام در امنیت مرزها و دفاع مقدس می‌باشد تا بر مبنای نتایج این تحقیق نقش و کارکرد و توانمندی‌های قشر از جامعه در آینده به نحو مؤثرتری مورد استفاده قرار گیرد.

روش تحقیق و نحوه گردآوری داده‌ها

این پژوهش از نظر نوع و هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی و تحلیلی و پیمایشی است.

در این تحقیق جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته و هم‌چنین جمع‌آوری در روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار مطالعه اسناد و مدارک، فیش‌برداری، بررسی نقشه‌ها و تصاویر صورت گرفته است و در روش میدانی با

استفاده از ابزار مصاحبه، پرسشنامه و مشاهده انجام گرفته است.

جامعه آماری و حجم نمونه

در این تحقیق جامعه آماری محقق عبارتند از تمام فرماندهان و مسئولین سازمانهای نظامی و انتظامی وقت، فرماندهان، مسئولین، بزرگان ایلها و طایفهها و رزمندگان عشایر که دارای توانایی بیان و اطلاعات مفید در این زمینه بودهاند انتخاب شده و هم‌چنین از سازمانهای پشتیبانی و دخیل در امور عشایر مانند استانداری، فرمانداریها و امور عشایر استان استفاده شده است که تعداد حجم نمونه جامعه آماری ۷۵ نفر می باشد که به شیوه نمونه‌گیری تمام شماری انجام شده است.

به‌منظور بررسی اعتبار سؤالات، پرسشنامه‌ای تهیه شد و ابتدا یک آزمون مقدماتی (آزمون - پس آزمون) انجام گرفت و بعد از آن بین تعداد ۱۰ نفر از جامعه آماری توزیع و پاسخ آنها جمع‌آوری گردید. سؤالات مطرح شده بعد از مدت یک‌ماه مجدداً بین جامعه آماری توزیع و پاسخها، جمع‌آوری گردید که پس از مقایسه پاسخهای اخذ شده نظراتی که تا بالای ۷۰٪ مشابه بودند انتخاب و در نهایت پرسشنامه در قالب ۲۹ سؤال تنظیم شد. سؤالات پرسشنامه به‌عنوان سؤالات بسته طرح گردید.

در پایان با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی پرسشنامه $\alpha = ۰.۸۵$ محاسبه شد که نتایج به‌دست آمده نشان داد سؤالات طرح شده از هم‌سانی و ثبات درونی و نیز از اعتبار خوبی برخوردار می‌باشند.

تشریح روایی و اعتبار پایایی

ابتدا نیازمندی‌های اطلاعات که نیاز به پاسخ داشت در رابطه با نقش عشایر در قالب سؤالات تنظیم و مورد ارزیابی قرار گرفته و لیست فرماندهان و افراد مؤثر که در سازماندهی عشایر نقش داشتند تهیه گردید.

از کلیه افراد مشخص شده دعوت به‌عمل آمد و ضمن توجیه آنان، سؤالات مورد نظر جهت مصاحبه طرح و در اختیار جامعه آماری قرار گرفت.

افراد و فرماندهان در قالب گروه‌های ۳ تا ۵ نفر سازماندهی شدند و زمان مصاحبه و مکان آن برای افراد مشخص و طی چندین جلسه مصاحبه انجام شد و بعد

از آن، پیاده‌سازی انجام گردید.

نتایج حاصله از مصاحبه‌ها و اطلاعات جمع‌بندی شده با مستندات سازمان‌های نظامی و اسناد کتابخانه‌ای و پاسخ پرسشنامه‌ها، مورد مقایسه قرار گرفت که جمع‌بندی ارائه شده حاصل ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده در طی مدت تحقیق می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

روند شکل‌گیری دفاع عشایر استان ایلام در روزهای اولیه جنگ

از آنجایی که استان ایلام با ۴۲۵ کیلومتر بیشترین مرز خاکی را با کشور عراق داراست بدیهی است قبل از دیگر نقاط کشور مورد هجوم وحشیانه قرار گرفت، به طوری که در ۲۹ شهریور ۵۹، مهران، چنگوله، دهلران، موسیان و دیگر روستاهای مرزی در حالی که به زندگی روزمره خویش مشغول بودند مورد هجوم وحشیانه سربازان عراقی قرار گرفتند. فرود گلوله‌های توپ و خمپاره و صدای شنی تانک‌ها آنها را متوجه تجاوز دشمن ساخت. مردم که از قبل آمادگی خروج از شهرها را نداشته و کاملاً غافلگیر شده بودند، به ناچار توشه‌ای ناچیز از دارایی و مایملک سال‌ها رنج و مشقت زندگی خویش را برداشته و به همراه کودکان و پیران، زن و مرد در آن گرمای سوزان از طریق راه‌های صعب‌العبور ارتفاعات شمالی به سمت مناطق شمالی استان رفته و به امید نجات از آن معرکه خود را به دیگر روستاها و شهرها رساندند. مردم هم با آغوش گرم از آنها استقبال و در خانه‌های خویش اسکان دادند. تجاوز ددمنشانه‌ی رژیم بعثی عراق، غیرت و حمیت مردان و جوانان عشایر را برانگیخت و با لبیک به ندای پیامبرگونه‌ی امام راحل، با بستن قطارهای کهنه و تفنگ‌های قدیمی، به استقبال متجاوزین شتافته و در قالب ایل و طوایف سازماندهی و در پنج محور عملیاتی در مناطق سرزمینی خود به دفاع از آب و خاک خویش پرداختند. با سد نمودن دشمن، عزم خود را برای نبردی طولانی جزم کردند. در این میان نقش محوری آیت الله حیدری روحانی مبارزی که مورد تأیید امام و مورد احترام و علاقه مردم استان بود با فراخوانی مردم و سران قبایل و بزرگان طوایف و تقویت عقاید و افکار و آگاهی دادن به مردم و ترغیب آنها به امر دفاع، جهاد و شهادت پرداخت. تصمیم این عالم بزرگ با لباس روحانیت و بستن قطار نظامی و سلاح برنو و حضور در مناطق عملیاتی در کنار

رزمندگان عشایر موجب حضور پرنشاط عشایر و مردم استان در مناطق مرزی گردیدند. هم‌چنین نقش سپاه پاسداران استان ایلام در امر سازماندهی و تسلیح و فرماندهی و نقش استانداری در امر فراخوانی و پشتیبانی و نقش ژاندارمری و ارتش در امر آموزش را می‌توان برشمرد. (جزوه یادمان هشت سال دفاع مقدس لشکر ۱۱، ۱۳۷۵، ص ۷ و ۸)

محورهای دفاعی و عملیاتی

محور یکم: دهلران و مناطق دشت عباس، موسیان، پتک، ابوقریب و چاه‌های نفتی که این مناطق را جوانان و دلیرمردان دهلرانی که خاطره سنگر نادر را فراموش نکرده بودند به‌همراه تنی چند از فرزندان واقعی یعنی پاسداران که تعدادشان انگشت‌شمار بود و به مقاومت ادامه داده بودند و به دهلران به عنوان پاره‌ای از ایران اسلامی عشق می‌ورزیدند به دفاع پرداختند که کم‌کم از آبدانان، دره‌شهر و بدره و دیگر نقاط گروه گروه دسته‌های مقاومت خودجوش تشکیل و به آنها پیوستند.

محور دوم: این جبهه که از تنگه کنجان‌چم شروع و ارتفاعات گردل- ترشابه و تا پاسگاه فصیل ادامه داشت محل زندگی ایل‌های ملکشاهی و شوهان که در شجاعت و سلحشوری معروفیت دارند بود و شهید چمران با شنیدن اوصاف آنان به میانشان شتافت و آنان را در قالب جنگ‌های چریکی و نامنظم سازماندهی و تحت فرماندهی یکی از چریک‌های خود درآورد.

محور سوم: گلان- این محور که جبهه میانی استان را تشکیل می‌داد حفاظت از دهانه کنجان‌چم و جناح غربی زیل و ارتفاعات کانی‌سخت و زالوآب عهده‌دار بود متشکل از جوانان و شیرمردان شهرستان ایلام و بخش‌های تابعه بود که بیشتر دست نوازشگر پیر فرزانه حضرت آیت الله حیدری در این جبهه به یاری مردم شتافته بود.

محور چهارم: سرنی (میمک، شورشیرین و بیچار)- میمک را عرب‌ها بعد از فتح ایران سیف‌سعد (شمشیر برنده) نام نهاده بودند. که محل زندگی ایل دلاور خزل و ارکوازی و دیگر عشایر چون ده بالایی و پنج‌ستونی بود که مردم این دیار چون سیف‌سعد واقعاً شمشیرهای از نیام کشیده و برنده‌ای بودند که لبه تیز این تیغه تصور هرگونه تجاوز و پیشروی را از دشمن سلب نمود و حماسه فتح میمک به دست همین سلحشوران رقم خورد.

محور پنجم: این محور که در جنوب غربی استان ایلام در مناطقی چون تنگه چهل زری، کوشک و سومار عرصه را بر متجاوزان تنگ کرده بودند توسط جوانان و مردان غیور ایوان و ایل کلهر اداره می‌شد.

به دنبال این دفاع اولیه بود که خیل عظیم بسیجیان و جوانان عاشق از دیگر نقاط استان یعنی شهرستان ایوان، شیروان، چرداول، دره شهر و آبدانان و دیگر نقاط کشور به سوی مناطق مرزی سرازیر شده و در کنار پاسداران جان برکف سازماندهی شدند. با توجه به اینکه مناطق گرمسیری عشایر ایران در نوار مرزی واقع شده است این مناطق در طول سالیان دراز در بین عشایر بر حسب موقعیت جغرافیایی و جمعیت تقسیم شده است. عشایر با توجه به این تقسیم‌بندی تاریخی در اوایل جنگ با نظم و ترتیب خاصی روانه مناطق مرزی اشغال شده خود شدند. که این خود دارای حسن‌های زیادی بود از طرفی نیروهای عشایر به خاطر حب به خاک و زمین‌های غصب شده خود انگیزه بالایی برای باز پس گیری آن داشتند و در این میان رقابت و غیرت ایلی را نیز باید بدان اضافه کرد و از طرفی دیگر آگاهی و تسلط بیشتر به زمین و موقعیت نظامی آن باعث موفقیت در دفاع نظامی گردید.

خیل عظیم رزمندگان به حدی بود که محورهای عملیاتی دیگر رنگ قبيله و عشیره خاص را از دست داده بود و همه بسیج شده بودند و عزم‌ها را جزم کرده بودند که نه اینکه از کیان اسلام دفاع کنند بلکه متجاوزان را تنبیه و سر جای خود نشانند این همبستگی و این شور و علاقه نسبت به دفاع از انقلاب مستلزم سازماندهی بزرگی بود که منجر به تشکیل تیپ ۱۱۴ امیرالمؤمنین^(ع) و بعداً لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین^(ع) گردید که علاوه بر دفاع قاطع از سرزمین‌های استان ایلام حماسه‌های بزرگی را در مرزهای کشور در قالب عملیات‌های بزرگ آفریده و شهدای گران‌قدری تقدیم انقلاب نموده‌اند. (لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین، ۱۳۷۵، صص ۹ و ۱۰)

کارکردها و نقش‌های عشایر و مردم استان در دفاع مقدس

نقش عملیاتی عشایر

شرکت مستقیم در عملیات رزمی و وارد شدن در عرصه جنگ و کارزار یکی دیگر از کارکردهای امنیتی عشایر استان می‌باشد که در طول هشت سال دفاع مقدس به

آن اهتمام ورزیدند. گرچه در ابتدای جنگ تحمیلی این حضور به صورت غیرکلاسیک و با استفاده از سلاح و مهمات خود عشایر آنهم به صورت دسته‌ها و پایگاه‌های جنگ نامنظم و چریکی صورت می‌گرفت، و عشایر استان هر کدام در مناطق عرفی و به صورت خود جوش وارد عمل شدند، اما به تدریج هر چه از زمان جنگ می‌گذشت و دوران دفاع مقدس طولانی‌تر می‌گردید این حضور خود به خود جنبه کلاسیک‌تر به خود گرفته و منظم می‌شد تا اینکه به صورت گروهان، گردان، تیپ و لشکر و ... نمایان گردید.

نقش اطلاعاتی عشایر

دستیابی به اطلاعات نظامی و جمع‌آوری اخبار و گزارشات در بعد نظامی از مهم‌ترین اهداف دستگاه‌های جاسوسی و عوامل اطلاعاتی است. اطلاعات نظامی دارای ابعاد مختلفی است. از تعداد نیروهای انسانی در یک سیستم نظامی و آمار ادوات و نوع سلاح‌ها تا قدرت پوشش پدافندی و توان ساخت سلاح، همه و همه اطلاعاتی است که هر کشور درصدد دستیابی به آن می‌باشد.

همان‌طور که در مبحث قبلی اشاره گردید عشایر به دلیل حضور همیشگی خود در جوار مرز و مراودات قبل از انقلاب و نیز آشنایی کامل به مناطق حوزه سرزمینی خود و حتی کشور همسایه، خود به خود منابع اطلاعاتی خوبی بوده‌اند که در طول هشت سال جنگ تحمیلی از آنها استفاده گردید. عموماً یگان‌های اطلاعات و عملیات ارتش و سپاه پاسداران از چهره‌های شاخص عشایر استان در شناسایی‌های درون مرزی و برون مرزی استفاده می‌کردند. چرا که عموماً کسب اطلاعات از مواضع دشمن مستلزم آشنایی کامل با منطقه مورد شناسایی، جغرافیایی منطقه (عوارض طبیعی، گذرگاه‌ها، راه‌های نفوذ و...) است که می‌بایستی با کمترین خطر از لحاظ حفاظتی صورت پذیرد. این امر با حضور تلاشگران عشایر منطقه به خوبی میسر بوده است به طوری که نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی در واحدهای تحت فرماندهی سپاه پاسداران استان را در واقع همان نیروهای عشایری تشکیل می‌دادند که مؤثرترین عامل در شناسایی‌ها بودند.

نقش تدارکاتی و پشتیبانی عشایر

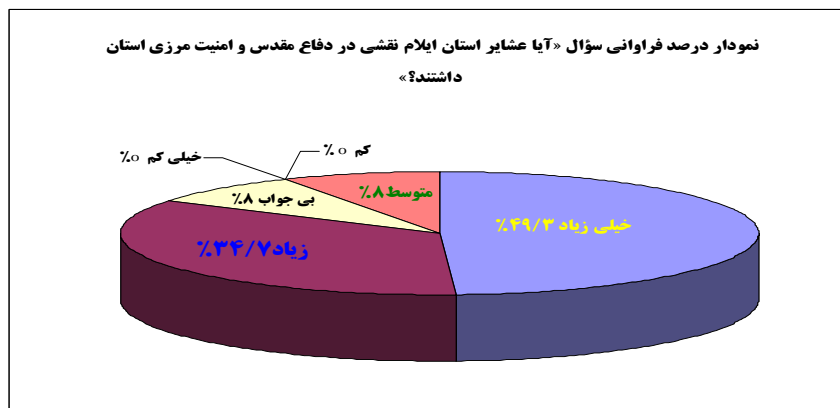
عشایر در استان ایلام همانند خیل عظیم مردم کشور در جهت کمک‌رسانی مالی و جنسی به جبهه‌های جنگ حضور موفقی داشتند به طوری که این روحیه پشتیبانی به یک حالت رقابت در بین ایلات و طوایف مبدل گردید. ستادهای پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی در سراسر کشور با هماهنگی ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی طی یک برنامه‌ریزی منسجم مسئولیت جمع‌آوری کمک‌های مردمی را برعهده گرفتند. ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان ایلام نیز با دعوت از سران ایلات و طوایف در راستای جمع‌آوری کمک‌های عشایر کار جمع‌آوری کمک‌های مردم روستایی و عشایری در استان را آغاز نمود. با توجه به پراکندگی عشایر در سراسر استان مشابه چنین ستادهایی در جهاد شهرستان‌های تابعه تشکیل گردید. این ستادها با توجه به گستردگی ساختار تشکیلاتی جهاد سازندگی تا درون بخش‌ها و دهستان‌ها، مسئولین جهاد دهستان‌های تابعه یک ارتباط تنگاتنگ با رؤسای ایل‌ها و طایفه‌ها جهت پرداختن به جمع‌آوری کمک‌های مردمی برقرار نمودند. بدین صورت که پیگیری امور جمع‌آوری در داخل هر ایل و طایفه را برعهده بزرگ ایل و طایفه گذاشتند. تا ضمن جمع‌آوری در فرصت‌های زمانی خاص به ستادهای پشتیبانی مستقر در شهرستان‌ها تحویل دهند. ستادهای پشتیبانی شهرستان‌ها نیز این کمک‌ها را به ستاد استان و از آن طریق روانه جبهه‌های جنگ می‌نمودند. ادارات کل عشایری استان نیز هرازگاهی مستقیم اقدام به جمع‌آوری کمک‌های عشایر می‌نمودند و با هماهنگی اتحادیه و تعاونی‌های عشایر این امر را ممکن می‌ساختند و به ستادهای پشتیبانی و یا مستقیم به قرارگاه‌های نظامی مستقر در مناطق تحویل می‌دادند. (مصاحبه فرماندهان عشایر استان در تیرماه

۸۹)

یافته‌های پژوهش بر اساس پرسشنامه

آیا عشایر استان ایلام نقشی در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان داشتند؟
۸۴٪ از پاسخ‌گویان (فرماندهان بسیج) به طرز معناداری در حد زیاد و خیلی زیاد معتقدند که عشایر استان ایلام نقش مهمی در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان دارند.

نقش عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان



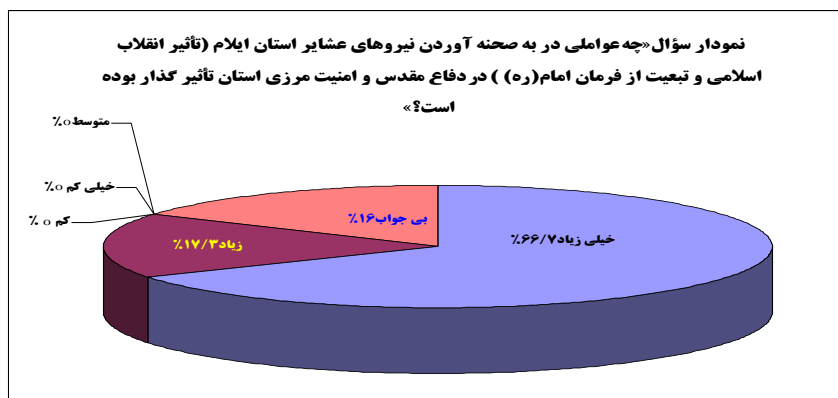
گزینه	مقدار خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون	Chi-square	df	sig
آزمون خی دو تک متغیره	۲۱/۴۷۸	۲	۰/۰۰۰

جدول ۱- آزمون خی دو تک متغیره

آزمون خی دو تک متغیره با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می دهد که پاسخگویان به طرز کاملاً معناداری معتقدند عشایر استان ایلام نقش خیلی زیاد در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان دارند.

چه عواملی در به صحنه آوردن نیروهای عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان تأثیر گذار بوده است؟

۸۴٪ از پاسخگویان به طرز معناداری معتقدند که تأثیر انقلاب اسلامی و تبعیت از فرمان امام(ره) در به صحنه آوردن نیروهای عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان در حد خیلی زیاد و زیاد تأثیر داشته است.

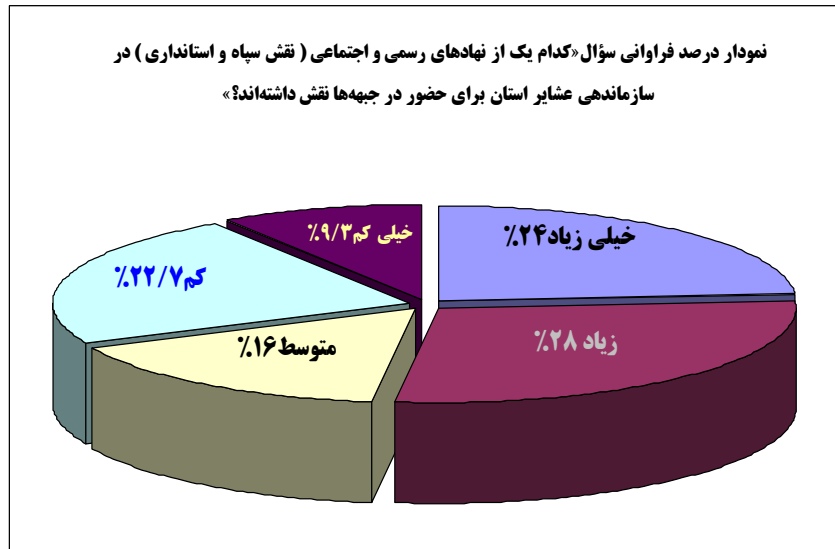


گزینه	مقدار خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری sig
آزمون	Chi-square	df	
آزمون خی دو تک متغیره	۳۴/۶۸۰	۱	۰/۰۰۰

جدول-۲ آزمون خی دو تک متغیره (تأثیر انقلاب اسلامی و تبعیت از فرمان امام^(ره))

آزمون خی دو تک متغیره با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می دهد که پاسخ گویان به طرز کاملاً معناداری معتقدند که تأثیر انقلاب اسلامی و تبعیت از فرمان امام(ره) در به صحنه آوردن نیروهای عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزی استان در حد خیلی زیاد و زیاد مؤثر بوده است.

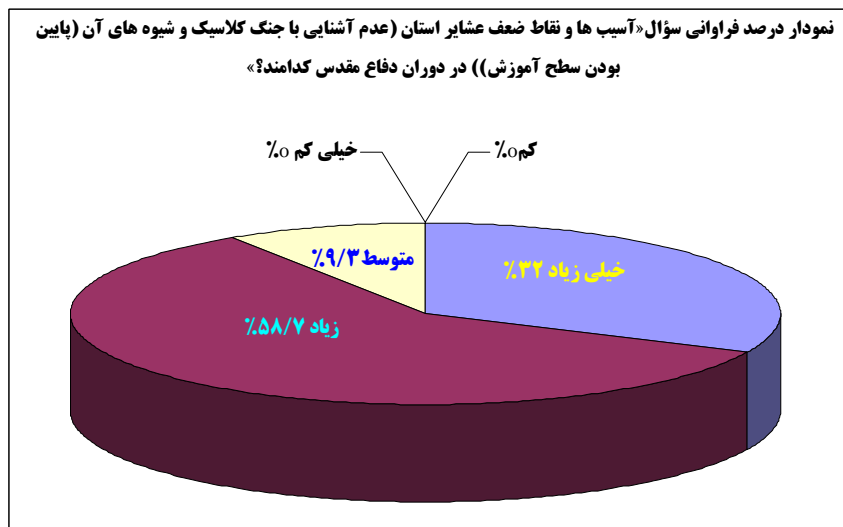
کدام یک از نهادهای رسمی و اجتماعی در سازماندهی عشایر استان برای حضور در جبهه‌ها نقش داشته‌اند؟



گزینه	مقدار خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون	Chi-square	df	sig
آزمون خی دو تک متغیره	۳۴/۶۸۰	۱	۰/۰۰۰

جدول-۳ آزمون خی دو تک متغیره (نقش سپاه و استانداری)

آزمون خی دو تک متغیره با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می دهد که پاسخ‌گویان به طرز کاملاً معناداری معتقدند که نقش سپاه و بسیج استانداری در سازماندهی عشایر استان برای حضور در جبهه‌ها مؤثر بوده است. آسیب‌ها و نقاط ضعف عشایر استان در دوران دفاع مقدس کدامند؟



گزینه	مقدار خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون	Chi-square	df	sig
آزمون خی دو تک متغیره	۳۴/۶۸۰	۱	۰/۰۰۰

جدول ۴- آزمون خی دو تک متغیره (عدم آشنایی با جنگ کلاسیک و شیوه‌های آن) پایین بودن سطح آموزش»

آزمون خی دو تک متغیره با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان به طرز کاملاً معناداری معتقدند عدم آشنایی با جنگ کلاسیک و شیوه‌های آن و تلاش کشورهمسایه و نفوذ در صفوف عشایر از آسیب‌ها و نقاط ضعف عشایر استان در دوران دفاع مقدس و امنیت مرزی بوده است.

ارزیابی فرضیه تحقیق

با توجه به موارد پیش گفته در پاسخ به سؤالات تحقیق و یافتن نقش‌های مؤثر عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزی در زمینه‌های اطلاعاتی، عملیاتی، پشتیبانی و تشکیل سازمان رزم فرضیه تحقیق مورد اثبات قرار گرفته است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که عشایر استان ایلام در دفاع مقدس و امنیت مرزی نقش مهم، مؤثر، مثبت و اثرگذاری داشته‌اند.

خلاصه نتایج توصیفی تحقیق

همه پاسخ‌دهندگان (۱۰۰ درصد) کند کردن پیشروی دشمن تا رسیدن عمده قوای خودی جزء دستاوردهای عشایر دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۷۲ درصد) انجام عملیات‌های ایزدایی، مین‌گذاری و اجرای کمین که باعث زمین‌گیر شدن دشمن و گسترش اجباری در خطوط مرزی جزء دستاوردهای عشایر دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۸۵/۴ درصد) نقش گروه‌های شناسایی در توجیه، راهنمایی و هدایت یگان‌های خودی جهت انجام عملیات‌های بزرگ را جزء دستاوردهای عشایر دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۹۰/۷ درصد) تشکیل گروه‌های چریکی و رزمی جهت نفوذ به عقبه دشمن و انجام عملیات‌های کمین، مین‌گذاری را جزء دستاوردهای عشایر دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۷۷/۳ درصد) به‌عنوان شبکه اطلاعاتی مردمی و رهگیری تیم‌های نفاق، را جزء دستاوردهای عشایر دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۹۲ درصد) کمک و پشتیبانی مردمی در قالب جمع‌آوری آذوقه، حمل و نقل مهمات و مجروحین، به‌وسیله اسب و استر در ماه‌های اولیه جنگ را جزء دستاوردهای عشایر دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۶۴ درصد) تشکیل سازمان رزم کلاسیک در قالب گردان، تیپ و لشکر و انجام عملیات‌های گسترده را جزء دستاوردهای عشایر دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۸۴ درصد) به وجود آمدن وحدت ایلی و طایفه‌ای در استان را جزء دستاوردهای عشایر دانستند.

همه پاسخ‌دهندگان (۱۰۰ درصد) تأثیر انقلاب اسلامی و تبعیت از فرمان امام (ره) را به‌عنوان عامل اصلی در به‌صحنه آوردن نیروهای عشایر تأیید نمودند.

همه پاسخ‌دهندگان (۱۰۰ درصد) تأثیر آموزه‌های دین اسلام و مذهب تشیع، فرهنگ جهاد و شهادت را به‌عنوان عامل اصلی در به‌صحنه آوردن نیروهای عشایر تأیید نمودند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۹۰/۷ درصد) تأثیر حب وطن دوستی و دفاع از ناموس و خاک کشور را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در به‌صحنه آوردن نیروهای عشایر تأیید نمودند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۶۰ درصد) تأثیر رقابت‌های درون ایلی و رقابت با ایلات دیگر را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در به‌صحنه آوردن نیروهای عشایر تأیید نمودند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۹۶ درصد) تأثیر تهاجم دشمن به سرزمین ایلات و تصرف آن را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در به‌صحنه آوردن نیروهای عشایر تأیید نمودند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۵۲ درصد) تأثیر نقش رسانه‌ها (صدا و سیما، مطبوعات، اطلاعیه‌ها و ...) را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در به‌صحنه آوردن نیروهای عشایر تأیید نمودند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۶۵/۳ درصد) انگیزه به‌دست آوردن غنائم جنگی به‌عنوان عامل مؤثر در حضور عشایر در دفاع مقدس را تأیید نکردند.

همه پاسخ‌دهندگان (۱۰۰ درصد) نقش سپاه و استانداری را به‌عنوان عامل اصلی مؤثر در سازماندهی نیروهای عشایر تأیید نمودند.

پاسخ‌دهندگان (۳۸/۷ درصد) نیروهای نظامی (ارتش و ژاندارمری) را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در سازماندهی نیروهای عشایر تأیید نمودند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۹۲ درصد) نقش اقشار صاحب نفوذ (روحانیون، انقلابیون و حزب الهی‌ها) را به‌عنوان عامل اصلی مؤثر در سازماندهی نیروهای عشایر تأیید نمودند.

پاسخ‌دهندگان (۴۲/۷ درصد) نقش شبکه ایلی و قدرت آن (کدخداها، تشمال‌ها، ریش سفیدان، بزرگان خانواده، شورای محل و ...) را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در

سازماندهی نیروهای عشایر تأیید نمودند.

همه پاسخ‌دهندگان (۱۰۰ درصد) وفاداری به انقلاب و امام (ره)، وحدت دینی و مذهبی و حس وطن دوستی و میهن‌پرستی را به‌عنوان عامل اصلی موفقیت عشایر در دفاع مقدس امنیت مرزها دانستند.

همه پاسخ‌دهندگان (۱۰۰ درصد) آشنایی با مناطق جنگی و شناخت کامل زمین و عارضه‌های طبیعی آن را به‌عنوان عامل اصلی موفقیت عشایر در دفاع مقدس امنیت مرزها دانستند.

همه پاسخ‌دهندگان (۱۰۰ درصد) شجاعت، ورزیدگی و آمادگی جسمانی بالا را به‌عنوان عامل اصلی موفقیت عشایر در دفاع مقدس و امنیت مرزها دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۶۸ درصد) تعصب ایلی و گرایش بیشتر به منطقه و سرزمین ایل خود را به‌عنوان عامل اصلی موفقیت عشایر در دفاع مقدس و امنیت مرزها دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۸۴ درصد) آشنایی با سلاح و مهارت لازم در تیراندازی را به‌عنوان عامل اصلی موفقیت عشایر در دفاع مقدس و امنیت مرزها دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۹۰/۷ درصد) عدم آشنایی با جنگ کلاسیک و شیوه‌های آن (پائین بودن سطح آموزش) را به‌عنوان اصلی‌ترین نقطه ضعف عشایر در دفاع مقدس دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۷۶ درصد) فصلی بودن حضور عشایر در جبهه با توجه به شغل دامداری و کشاورزی (ریزش نیرو) را به‌عنوان یکی از آسیب‌های عشایر دانستند.

پاسخ‌دهندگان (۳۳/۳ درصد) تأثیر پذیر بودن عشایر از پدیده شهرنشینی و کاهش جمعیت عشایر و مهاجرت به نقاط روستایی و شهری را به‌عنوان یکی از آسیب‌های عشایر دانستند.

اکثر پاسخ‌دهندگان (۷۶ درصد) تلاش کشور همسایه و نفوذ در صفوف عشایر جهت استفاده از آنها، نقل و انتقال سلاح و مهمات به داخل کشور، به‌کارگیری به‌عنوان نیروهای معارض و نفوذی را به‌عنوان یکی از آسیب‌های عشایر دانستند.

پاسخ‌دهندگان (۱۶ درصد) درگیری‌های طایفه‌ای و ایلی را به‌عنوان یکی از آسیب‌های عشایر دانستند که در نهایت این عامل مورد تأیید قرار نگرفت.

نتیجه‌گیری

عشایر استان ایلام یک ارتش طبیعی غیر منظم هستند که در سرتاسر مرزهای استان پراکنده می‌باشند و همیشه از استقلال این کشور و بالاخص در نظام جمهوری اسلامی از عزت و حاکمیت آن حمایت کرده‌اند، و لذا نیازمند توجه اساسی دولت‌مردان با ارائه خدمات مختلف به آنها می‌باشد چرا که بررسی واقعیت امر این مهم را مورد تأیید قرار می‌دهد. اگر با دورنگری به اهمیت موضوع پردازیم باید گفت نقش امنیتی عشایر همیشه مؤثر و اساسی بوده است. ما ۱۰۰۰۰ خانوار عشایر داریم با متوسط ۶ یا بیشتر از ۶ نفر جمعیت، هر خانوار عشایری اگر یک مرد آماده داشته باشد که دارد و همیشه هم که مسلح، نتیجه‌اش آن می‌شود که ما یک لشکر ۱۰ هزار نفری همیشه داریم که هر روز هر یک از آنها به‌طور طبیعی ده، تا پانزده کیلومتر کوه‌پیمایی می‌کنند. از آمادگی جسمانی بالا برخوردار است، زمین و طبیعت منطقه را به‌خوبی می‌شناسد و تفنگش هم روی دوشش و دامداریش را می‌کند و همواره مسلح و آماده است. این استعداد را باید هر چه بیشتر به سمت به فعلیت در آوردن برد. از ایل‌ها باید لشکرها ساخت. از طایفه‌ها باید گردان‌ها و تیپ‌ها ساخت که اگر یک روز همین دشمن که بیخ گوشمان است، طمع کرد به این نظام، علاوه بر سپاه، ارتش، بسیج و نیروهای مسلح رسمی مملکت یک ارتش غیر رسمی، هم در کشور مدافع نظام باشد.

عشایر استان ایلام حدود ۱۰ هزار خانوار با جمعیت بیش از ۷۳ هزار نفر می‌باشند. از این تعداد اگر ۵۰ درصد آنها را مردان تشکیل دهد، معادل ۳۶ هزار و ۵۰۰ نفر مرد می‌باشد. اگر افراد زیر ۱۸ سال و کهن سال هم معادل ۵۰ درصد در نظر بگیریم، ۱۸ هزار و ۲۵۰ نفر مرد آماده وجود دارد. اگر از این تعداد ۵۰ درصد افراد مسلح شوند معادل ۹ هزار نفر مرد مسلح و تفنگ به‌دست در عشایر استان وجود دارد.

در پژوهش حاضر که با هدف بررسی نقش امنیتی عشایر صورت گرفته و با طرح سوال‌ها و با پیش فرض‌هایی به جمع‌آوری اطلاعات و بررسی‌های لازم در این خصوص انجام شده است.

در مقام نتیجه‌گیری این بحث باید گفت ثبات و آرامش و به‌عبارتی امنیت یک کشور زمینه‌ساز توسعه و بهبود وضع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... می‌باشد. لذا پرداختن به این موضوع و بررسی جوانب آن می‌تواند از بسیاری جهات حائز اهمیت

باشد. در حفظ امنیت کشور نیروها و تشکلهای مختلفی سهم دارند. بنابراین نقش عشایر در امنیت مرزها که همیشه صحنه تاخت و تاز و یورش بیگانگان بوده و آخرین مورد آن حمله عراق علیه ایران و تحمیل جنگ ۸ ساله بوده حائز اهمیت است. نقشی که در دورانهای مختلف حکام، به تناسب موقعیت و جایگاه عشایر متفاوت بوده ولی هیچگاه بی تأثیر نبوده، از حکومت‌های زندیه و صفویه و قاجاریه گرفته تا حکومت رضاخان پهلوی که در آن لطمات زیادی به عشایر وارد شد این قشر همیشه راهبرد خود را در برابر حکام وقت حفظ کرده است. بنابراین در این تحقیق سعی بر آن بوده که به بررسی نقش امنیتی و دفاعی پرداخته شود. تبعیت یکپارچه از امام خمینی (ره) و مشارکت و حضور فعال در صحنه‌های مختلف انقلاب اسلامی و بویژه جنگ تحمیلی، همه گویای حضور عشایر در صحنه‌های مختلف و دفاع از تمامیت و استقلال کشور بوده است. کما اینکه تاریخ مدون کشور ما در تمام دوران نشان دهنده این موضوع است که ایل‌ها و طایفه‌ها هر منطقه‌ای از ایران تحت تأثیر تربیت قومی- میهنی ذاتاً وطن خواه بوده و از نظر حیثیت قومی و موقعیت اجتماعی به مسئولیت خود در قبال دولت و میهنشان آگاه و به حفظ آن پایبند بوده‌اند و مکرراً در وقایع و پیش‌آمدهای کشور که در آنها بیم تحرک بیگانگان و خدشه در استقلال و تمامیت ارضی کشور می‌رفت، رؤسا و سران ایلات و طوایف اختلاف بین خود و یا با دولت را کنار نهاده و برای دفاع و استقلال کشور قد علم کرده و به مبارزه برخاسته‌اند. هم‌چنین مقاومت عشایر استان، در کنار سایر اقشار ملت در برابر حملات رژیم عراق در اولین روزهای جنگ که توانسته‌اند جلوی پیشروی آنها را در بعضی مناطق استراتژیک همانند ارتفاعات میمک، پشمین، کولک، کنجان‌چم، چنگوله، دهلران و ... را بگیرند. حضور به موقع نیروهای مردمی در ۶ ماهه اول جنگ و تشکیل ۶۰ پایگاه و گسترش در مرز ۴۲۵ کیلومتری استان، دفع حملات دشمن و توقف پیشروی‌های آن، در ادامه جنگ با تشکیل یک تیپ سازمانی و توسعه آن به لشکر، با شرکت در تعدادی از عملیات‌های مهم آفندی و پدافندی، در آزاد سازی مناطق اشغال شده نقش آفرینی کرده، نتیجه می‌گیریم که عشایر استان در تحفظ و تأمین امنیت مرزها نقشی به‌موقع، محسوس و تأثیر گذار داشته‌اند.

پیشنهادات

- تسلیح عشایر به سلاح نیمه خودکار و دادن مهمات به موقع جهت حفاظت از خود و احشام؛
- ایجاد پایگاه‌های مقاومت فعال عشایری در مناطق مرزی و انجام آموزش و توجیه امنیتی و نظامی؛
- برگزاری رزمایش عشایر و یادآوری حماسه‌های دفاع مقدس و نقش عشایر در آن و به‌حداقل رساندن آسیب‌پذیری آنها در مقابل اقدامات جاسوسی کشور هم‌جوار؛
- برنامه‌ریزی و حل مشکل آموزش و پرورش، بهداشت و درمان عشایر؛
- تمدید پروانه چرای مراتع و احیاء آن و واگذاری بلندمدت مراتع به عشایر؛
- ارائه خدمات بیشتر به عشایر در موقع زمانی کوچ به منطقه قشلاقی مرزی از قبیل جاده‌های دسترسی، تأمین آب تانکری در مناطق کم آب، به لحاظ محدودیت منطقه امنیتی؛
- فراهم نمودن تسهیلات رفاهی و توسعه امورات عمرانی، راه‌های دسترسی، آبرسانی و احیای چشمه‌ها و استفاده از انرژی خورشیدی؛
- آموزش‌های کاربردی عشایر در زمینه آشنایی و نحوه برخورد با اشیاء بازممانده از جنگ و دیگر مواد منفجره و عدم دستکاری آنها؛
- پاک‌سازی مراتع عشایر که آلوده به مین و مواد منفجره و دیگر ضایعات جنگی هستند.
- اقدامات حمایتی در شرایط بحرانی مثل خشک‌سالی و سیل؛
- با اجرای سیاست‌های اصولی و برنامه‌ریزی مدون از مهاجرت عشایر به روستاها و شهرها جلوگیری شود.
- هم‌کاری و هماهنگی نیروهای نظامی و انتظامی منطقه با عشایر؛
- حفاظت، اصلاح، احیاء و بهره‌برداری مطلوب از مراتع با مشارکت و مدیریت فعال عشایر از طریق ممیزی صحیح و بهره‌گیری از روش‌های سنتی و کاربرد شیوه‌ها و تکنولوژی نوین؛
- شناسایی استعداد موجود در مناطق و قلمرو کوچ عشایر و کمک و تأمین

امکانات برنامه‌ریزی شده برای آن‌دسته از عشایر که ناچار و یا علاقه‌مند به اسکان می‌باشند.

- عدم واگذاری مراتع عشایری (در قشلاق) به روستاییان به منظور زراعت و کشاورزی؛

- برای خانوارهایی که تمایل به ادامه کوچ نشینی دارند باید برنامه مناسبی در ارتباط با مسائل کوچ، علوفه، خرید دام‌ها، آبرسانی سیار و ... طرح‌ریزی کرد. (رحیم زاده، ۱۳۸۰، ص ۸۶)

منابع و ماخذ

۱. اداره کل امور عشایری استان ایلام (۱۳۸۹). گزارشی پیرامون وضعیت اجتماعی - اقتصادی عشایر (کوچرو و نیمه کوچرو)، ایلام: انتشارات امورعشایری ایلام
۲. رحیم زاده، حجت الله (۱۳۸۰). بررسی نقش عشایر استان ایلام در امنیت ملی، ایلام
۳. رزاق‌زاده، امیر (۱۳۸۰). ایلام در جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه
۴. صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۴). عشایر مرکزی ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر
۵. فهری (۱۳۸۵). مجموعه مقالات
۶. لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (۱۳۷۵). جزوه یادمان هشت سال دفاع مقدس، ایلام: لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین

بررسی نقش اهل سنت تایباد در برقراری امنیت این شهرستان و ارائه راه‌کار مناسب (از دیدگاه مدیران مربوطه)

علی‌رضا نوری^۱

علی مولوی حقیقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۷

چکیده

وجود امنیت امری حیاتی تلقی گردیده و در شکل کلاسیک آن شامل امنیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است، از سوی دیگر و مشارکت ملی - مردمی، یکی از مباحث اصلی در طرح امنیت ملی است. مشارکت مردمی در عرصه‌های مختلف جامعه باید از حالت انفعالی به حالت فعال و از حالت ابزاری به مشارکت آگاهانه، مستقل و مبتکرانه تبدیل شود. موقعیت جغرافیایی شهرستان تایباد با داشتن ۷۹ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان و هم‌چنین ترکیب جمعیتی این شهرستان که شامل ۶۰٪ اهل سنت می‌باشد، ما را برآن داشت که برای سنجش میزان ارتباط بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت و مؤلفه‌های آن در این شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه، پژوهشی انجام دهیم در این تحقیق آسیب‌های امنیت و مؤلفه‌های آن شناسایی شد و هم‌چنین نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت و مؤلفه‌های آن در این شهرستان با اطمینان بالایی رابطه معنی‌دار وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهایی برای بالا

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع)

۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع)

کلید واژه‌ها: اهل سنت، تائید، امنیت اجتماعی، مشارکت مردمی

مقدمه

امنیت از نیازهای ضروری و آغازین بشر است که با آفرینش او همراه بوده و پاسخ‌گویی به دیگر نیازها، در سایه هستی آن تحقق می‌یابد. می‌توان گفت رفع کامل نیازهای فیزیکی مانند نیاز به آب و غذا نیز با استمداد از امنیت صورت می‌گیرد، انسان در زندگی خود باید پاسخ‌گوی مجموعه‌ای از نیازها باشد. همراه بودن نیاز به امنیت با آفرینش انسان و توجه شدید وی به این نیاز، آن را در ردیف نیازهای فطری بشر درآورده است.

در خصوص امنیت چنین نیز می‌توان گفت که مفهوم امنیت، مرکب از چندین ارزش ملی است. این ارزش‌ها عبارتند از: پاسداری از بقای سیاسی و سرزمینی کشور، تضمین بقای ارگانیک، جلوگیری از آسیب‌ها، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی، تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور (ایمانی و طیب، ۱۳۷۷، ۱۸).

نکته مشترکی که در همه تعاریف وجود دارد، کسب امنیت از طریق همکاری است. در امنیت جامع باید به مسایلی مانند: عدم توسعه اقتصادی، اختلافات تجاری، افزایش ناموزون جمعیت، نابودی محیط زیست، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و نقض حقوق بشر نیز توجه کافی مبذول داشت و تحقق امنیت، عبارت است از همکاری با دیگران، نه بسیج شدن علیه دیگران (سمیر، ۱۳۷۶، ص ۳۶۲).

این تعریف هم در نوع تهدیدات و هم در انتخاب راه‌ها و مکانیزم‌های حفظ و تأمین امنیت ملی مؤثر بوده است.

به اعتقاد برخی صاحب نظران، نگاه ما باید به امنیت کشور؛ یعنی استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور باشد و از طرف دیگر، امنیت اجتماعی شهروندان، حفظ حریم خصوصی زندگی آنها، دفاع از حقوق و آزادی‌هایشان که از وظایف اصلی دولت و حکومت است، تأمین شود. ما باید یک نقطه بهینه برای این دو مورد پیدا کنیم، نه این که فقط امنیت دولت را امنیت جامعه تلقی کرده و نه صرفاً بدون

توجه به این مطلب که در سطح کلان در منطقه و جهان چه می گذرد، امنیت شهروندان با دیدگاهی روشنگرانه مدنظرمان باشد. (رادمند، ۱۳۸۰، ص ۲). با توجه به ویژگی های اعتقادی اهل سنت در شهرستان تایباد در این مقاله تلاش شده است نقش اهل سنت این شهرستان در برقراری امنیت مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسأله

در گذشته چالش های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می شد به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی های مرزی و بی ثباتی های موقت تا حملات و جنگ های طولانی مدت نظامی را در برمی گرفت. اکنون نیز این مسأله در قالب ها و مؤلفه های مختلفی تجلی یافته است.

دولت های ضعیف و شکننده در عراق، افغانستان و پاکستان باعث گسترش تروریسم و افراط گرایی شده و علاوه بر این زمینه تداوم حضور قدرت های فرامنطقه ای را نیز فراهم می سازد. تروریسم و افراط گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال های اخیر افزایش یافته است و این امر نظم و ثبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد. وهابیت و سلفی گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش های مذهبی می باشد و این ایدئولوژی به واسطه آشفتگی کلی منطقه ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذینفع فضای گسترده تری برای انتشار و تأثیر گذاری پیدا کرده است و ثبات و امنیت منطقه ای را به شدت خطرناک نموده است. (درویشی، ۱۳۸۷، ص ۲).

موضوع مشارکت مردم در سازمان ها، احزاب و نهادها و گروه های ذی نفوذ از مباحثی نیست که صرفاً جدلی باشد. بحثی است که می توان در پرتو آن، اجماع ملی را فراهم آورد و تفاهم ملی ایجاد کرد. این امر نشان می دهد اختلافات ما کجا است و چگونه می توانیم با این اختلافات مواجه شویم. این مباحث هر قدر شفاف تر و علنی تر باشد، در نهایت منطقی تر خواهد شد و جمع بندی ها راعقلانی تر می کنند. و هر قدر پشت پرده باشد، احیاناً دچار ضعف ها و کاستی هایی خواهد بود و از جمله مشکلات آن، این است که نتوانسته است از نقطه نظرات بسیاری از اندیشمندان بهره مند شود. (رادمند، ۱۳۸۰، ص ۲)

نظر به عدم تجانس فرهنگی و مذهبی اکثریت مرزنشینان با مرکز (حافظ نیا،

۱۳۸۶ص ۲۱۰) از یک سو و اینکه بیشتر این مرزنشینان اهل سنت می‌باشند، و با کشورهای همسایه که سنی مذهب هستند اشتراکات فرهنگی زیادی دارند از سوی دیگر، و با توجه به مطالب ارائه شده، بررسی نقش ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت در امنیت کشور ضروری به نظر می‌رسد و با توجه به محدودیت محقق، شهرستان تایباد، به دلیل ۶۰٪ اهل سنت، وصلت برخی از اهالی این شهرستان با افغان‌ها و هم‌چنین اشتراکات نسبتاً زیاد فرهنگی بین مردم این شهرستان با افغان‌ها نقش ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد در برقراری امنیت این شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه مورد بررسی قرار گرفت.

سوال تحقیق

در این مقاله تلاش شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود آیا بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت شهرستان تایباد با برقراری امنیت از دیدگاه مدیران مربوطه در این منطقه رابطه معنی داری وجود دارد یا خیر؟
برای پاسخ به این سؤال اصلی امنیت را به مؤلفه‌های پنج گانه، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی تقسیم کرده و وجود رابطه معنی‌داری را بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد را با هر یک از این مؤلفه‌های پنج‌گانه بررسی نموده‌ایم.

اهداف تحقیق

- ۱ - شناخت ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد؛
- ۲ - شناخت تاثیر ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت بر عوامل و مؤلفه‌های امنیت؛
- ۳ - شناخت میزان تاثیر اهل سنت در امنیت تایباد؛

روش‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات پایه و تئوری از روش مطالعه کتابخانه‌ای و برای گردآوری اطلاعات در خصوص مؤلفه‌های مورد بررسی از روش میدانی و اجرای پرسشنامه تحقیق ساخته استفاده شده است.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی

بین ویژگی های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت شهرستان از دیدگاه مدیران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

۱ - بین ویژگی های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت اقتصادی از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی داری وجود دارد.

۲ - بین ویژگی های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت اجتماعی از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی داری وجود دارد.

۳ - بین ویژگی های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت سیاسی از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی داری وجود دارد.

۴ - بین ویژگی های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت نظامی از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی داری وجود دارد.

۵ - بین ویژگی های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت فرهنگی از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی داری وجود دارد.

متغیرهای تحقیق

دراین پژوهش پیمایش نقش ویژگی های اعتقادی اهل سنت تایباد متغیر مستقل و امنیت این شهرستان با مؤلفه های آن متغیر وابسته از طریق پرسشنامه محقق ساخته برای هر کدام از متغیرها مورد بررسی قرار گرفته است. در ضمن نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی پیمایشی می باشد.

جامعه آماری و برآورد حجم نمونه

کلیه مسئولین سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهرستان تایباد به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شده اند که تعداد ۱۱۰ نفر می باشند. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک نمونه مقدماتی ۱۵ نفری از مسئولین به صورت کاملاً

تصادفی انتخاب شدند و مقدار واریانس نظرات آنها در ارتباط با رابطه بین نقش ویژگی‌های اعتقادی و امنیت برآورد گردید، که برابر $S^2 = 0/152$ می‌باشد. اگر بخواهیم میانگین واقعی نظرات آنها در ارتباط با رابطه نقش ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت این شهرستان با کران خطای برابر $(d=4)$ برآورد کنیم براساس فرمول‌های نمونه‌گیری تصادفی نیاز به حجم نمونه ای برابر ۲۸ نفر می‌باشد. که برای اطمینان بیشتر پرسشنامه بین ۶۰ نفر از مدیران به صورت تصادفی توزیع گردید که ۵۰ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند.

مفهوم امنیت

امنیت یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نیازهای اجتماعی است که بدون آن بهبود وضعیت اجتماع امکان‌پذیر نیست، به عبارتی دیگر در جوامع امروزی، پایه و اساس توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، امنیت می‌باشد. به همین دلیل در سال‌های اخیر تحقیقات و پژوهش‌های زیادی راجع به امنیت صورت گرفته است که هدف آنها بررسی سطح امنیت در جامعه بوده است.

متفکرین و صاحب‌نظرانی همانند هگل، کوروش، ساموئل هانتینگتون، فوکویاما، فرید زکریا و... تعاریف متفاوتی از امنیت نموده‌اند. برداشت متفکران سیاسی از امنیت همواره با تحولات نظام جهانی، متحول و سیال بوده است. صرف‌نظر از این‌که در مورد مفهوم امنیت یک تعریف قابل قبول برای همگان وجود ندارد، تا جایی که به نظر برخی از صاحب‌نظران می‌توان گفت؛ هیچ تعریفی درباره امنیت وجود ندارد که در آن اتفاق نظر باشد، و در واقع ماهیت امنیت با پذیرش یک تعریف جامع و مانع در تعارض است. (بوزان، ۱۹۹۱، ص ۱۲) در مورد عناصر و مؤلفه‌های آن، دامنه تفاوت آرا گسترده‌تر به نظر می‌رسد که در این مقاله به اختصار برای هر کدام یک تعریف ارائه شده است.

امنیت فرهنگی

پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه امنیت در هر کشور، امنیت فرهنگی است. برای یک کشور که هویت فرهنگی آن، مؤلفه اصلی امنیت تلقی می‌شود، این امر اهمیت بیشتری خواهد داشت و هرچه این حکومت، مبانی فکری و اعتقادی و الگوهای رفتاری

دیگران را به چالش بیشتری کشانده باشد، از تهدیدات بیشتری برخوردار خواهد بود. تهدیدات فرهنگی که از آن به تهاجم فرهنگی و یا تهدید نرم یاد می شود، به دنبال ایجاد انواع بحران های فرهنگی - سیاسی در جامعه برای دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی است. هدف اصلی از این نوع تهدید، حذف باورمندی جامعه و سلب اراده و روحیه مقاومت و در مجموع استحاله فرهنگی - سیاسی است. در این نوع تهدید تلاش می شود، ملتی دارای آرمان به ملت بی آرمان تبدیل شود و آن هم به دست خود، الگوهای رفتاری خود را در حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چالش اندازد. هدف از هر نوع تهدید تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف و اراده و سرانجام به تسلیم کشاندن حریف است. بنابراین نقطه مشترک همه تهدیدات، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت های تهدیدات، در به کارگیری روش ها، ابزارها و ... است. تهدید می تواند با تأکید بر توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سرزمین، نابودی و کشتن انسان ها و ویران نمودن مراکز اقتصادی) اجرا شود، و یا می تواند با تکیه بر روش های سیاسی، روانی و شیوه های غیرخشونت آمیز و با به کارگیری قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام گیرد. (نای، ۱۹۹۰، ص ۶) بی تردید اگر فکر، اراده و قدرت روحی حریف تسخیر شود، کاربرد قدرت سخت و لشکرکشی ضرورتی نخواهد داشت.

امنیت اجتماعی

یکی از ابعاد مهم امنیت که کمتر به آن پرداخته شده امنیت اجتماعی است. در تعریف امنیت اجتماعی دیدگاه های مختلفی وجود دارد. محققان تعاریف گوناگونی در این مورد ارائه می دهند، از جمله «مولار» خاطر نشان می سازد: «امنیت اجتماعی زمانی مطرح می شود که جامعه تهدیدی در باب مؤلفه های هویتی خود احساس کند. (محبوبی منش، ۱۳۷۶، ص ۳). «ویور» امنیت اجتماعی را توانایی های جامعه برای حفظ ویژگی های اساسی اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می کند، وی خاطر نشان می سازد که اعضای جامعه نمی توانند نسبت به چیزهایی که هویتشان را تهدید می کند، احساس مسئولیت نکنند و آنها را تنها به دولت واگذارند. امنیت اجتماعی یعنی عدم ترس، خطر و هراس در حفظ و نگهداری ویژگی های

مشترک گروه اجتماعی چون مذاهب، زبان و سبک زندگی است. (توینس، ۱۹۸۵، ص ۶). امنیت اجتماعی در واقع فرآیند حفظ الگوها و هنجارهای جامعه با توجه به نقش تعیین‌کننده گروه‌ها و نهادهای اجتماعی از جمله قبیله، سازمان‌های مذهبی و غیره است. هدفی که این بعد دنبال می‌کند حفظ ارزش‌های اجتماعی توسط گروه‌های اجتماعی است.

امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی این است که افراد جامعه بتوانند غذا و لباس مورد نیاز خود را به آسانی به دست آورند و با امنیت و آسایش نیازهای دیگر خود را بر طرف کرده و زندگی را در سلامت از امراض و آلودگی‌ها سپری کنند، و نیز ابزار کار مورد نیاز را در صنعت، تجارت، کشاورزی و دیگر پیشه‌ها در اختیار داشته باشند و سرمایه اقتصادی و اموال آنها مورد خطر و تهدید نباشد.

برقراری امنیت اقتصادی زمینه‌ساز توسعه اقتصادی است. توسعه اقتصادی عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌هایی فیزیکی، انسانی و اجتماعی، توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد که هر دوی آنها در راستای عدالت اجتماعی است.

۱ - افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر؛

۲ - ایجاد اشتغال؛

عوامل امنیت اقتصادی شامل موارد زیر است.

۱ - زیربنای تولید نظیر پس‌انداز ملی، سرمایه‌گذاری ملی، درجه تحرک سرمایه،

۲ - ظرفیت و ارزش تولید نظیر تولید صنعتی، تولید کشاورزی، تولید دامی،

خدمات فنی، ...

۳ - سطح تولید نظیر تولید ناخالص ملی، تولید سرانه، سطح خودکفایی، مازاد

تولید ملی،

۴ - مبادله تولید نظیر صادرات، واردات، موازنه تجاری و توریسم

۵ - ثروت و منابع مالی نظیر وام‌های اعطاء شده خارجی، ذخایر ارزی بین‌المللی،

امنیت سیاسی

تأمین امنیت ملی به مفهوم امنیت تمام افراد جامعه است. بنابراین این می توان گفت که دولت، کارخانه های است که محصول آن امنیت است و همه ابزارها، اختیارات و قدرتی که در اختیار نهاد دولت قرار دارد، به منظور حصول این هدف اصلی است. دولت های مختلف برای تأمین امنیت ملی براساس برداشت و تعریفی که از آن دارند سیاست ها و راهبردهای خاص را تدوین می کنند. بنابراین اتخاذ یک سیاست امنیتی، مبتنی بر پیش فرض ها و انتظاراتی است که، نخبگان سیاسی یک کشور در مورد امنیت ملی و موضوع و مصداق امنیت ملی مشخص می شود. به طور کلی ساخت نظام سیاسی حاکم، مهم ترین نقش را در سیاست امنیتی و تعریف امنیت و تفسیر تهدید ایفا می کند. نظام سیاسی، نظام اجرای شئون اجتماعی است. در این نظام، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و ارتباط آنها با حکومت تنظیم می شود و شهروندان نقش اساسی و تعیین کننده در اداره کشور و پاسخ گویی به نیاز آن و مشارکت در بالابردن شئون آن را درک می کنند.

عوامل امنیت سیاسی شامل ثبات سیاسی، کارایی سازمان دولت، رهبری، مدیریت سیاسی کشور، شکل دولت، امنیت داخلی سطح بورکراسی، رابطه و سطح همبستگی ملت و حکومت، مشارکت سیاسی مردم می باشد.

امنیت نظامی

در دیدگاه سیاستمداران غیر مسلمان، امنیت به معنای تحصیل قدرت و زورمندی بر دیگر ملت هاست و به دست آوردن قدرت، ابزار و اهداف امنیت را در سلطه خویش قرار می دهند. نتیجه این دیدگاه بر این قرار می گیرد که یک دولت با شرایط ویژه و یا چند دولت هم پیمان به کشمکش قدرت می افتند. برخی از متفکران بر این باورند که در حالت آشفتگی اوضاع، امنیت عالی ترین هدف است.

تا چند دهه پیش، مقوله امنیت دارای محدودیت هایی بود و مسائل امنیتی یک کشور معمولاً در چارچوب سخت افزار نظامی در نظر گرفته می شد. این تفکر باعث بروز جنگ ها، درگیری های مسلحانه و در نهایت، به خطر افتادن امنیت بخش های وسیعی از جهان شد. به فاصله یک نسل، دو جنگ جهانی رخ داد و هر چندگاه

مناقشات منطقه‌ای بسیاری به وقوع پیوست.

امنیت نظامی در فقه سیاسی شیعه با امنیت نظامی در سیاست غیر اسلامی تفاوت بسیار دارد امنیت نظامی در دیدگاه فقه شیعه به صورت جهاد دفاعی تبلور یافته، که این جهاد با هدفی مقدس، امنیت را در ملت اسلام عملی می‌نماید.

عوامل امنیت نظامی شامل کمیت و کیفیت نیروی انسانی، وسایل و تسلیحات، کیفیت فرماندهی (استراتژی، تاکتیک، هنرهای رزمی و...) کیفیت سازمان، پشتیبانی و لجستیک، ترکیب نیرو، تسلیحات استراتژیکی، نیروهای شبه نظامی، سهم بودجه نظامی در تولید ناخالص ملی، نسبت نیروهای نظامی به طول مرزها، نسبت بودجه دفاعی به مساحت و یا طول مرزهای کشور (حافظ نیا، ۱۳۸۶، ص ۸۱)

وضعیت سیاسی اهل سنت تایباد

اهل سنت به صورت محدود در امور اجتماعی، خدماتی، فرهنگی و مذهبی فعالیت دارند ضعف مشارکت اهل سنت به طور عمده ریشه در پدیده دولت‌محوری دارد. اهل سنت تایباد بر این باورند که دولت مسئول و متولی همه چیز است و اوست که حق تصمیم‌گیری، اجرا، واگذاری و انتقال قدرت به اشخاص را دارد.

به‌طور کلی در خصوص اهل سنت تایباد می‌توان به مسائل سیاسی ذیل اشاره نمود:
۱ - اهل سنت تایباد از حیث تجانس با بخش مرکزی ایران، وضعیت‌های متفاوتی دارند و رفتار سیاسی آنها نیز تا اندازه‌ای تابع نسبت تجانس آنها با بخش مرکزی و میزان مداخله نیروهای تحریک‌کننده خارجی بوده است .

۲ - رابطه‌ی بخش مرکزی و اهل سنت تایباد گویای نوعی تعارض میان آنها می‌باشد . یعنی بخش مرکزی نسبت به این افراد موضعی تمرکزگرا، کنترل‌کننده و ضد ناحیه‌گرایی داشته، در حالی که اهل سنت تایباد واکنش‌های ناحیه‌گرایانه، مرکزگریز و ضد تمرکزی دارند.

۳ - اهل سنت تایباد علی‌رغم میل مرکزگریزی و کسب خودمختاری، خود را جزئی از جغرافیایی سیاسی ایران می‌دانند و کمتر دنبال اندیشه جدایی‌طلبی و تأسیس دولت مستقل ملی هستند. (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸)

وضعیت امنیتی تایباد

این شهرستان کوچک از امنیت مناسبی برخوردار می باشد و اهل سنت و تشیع در سایه آرامش به خوبی و خوشی در کنار یکدیگر زندگی می کنند و حتی ازدواج‌هایی نیز در بین آنها نیز صورت گرفته است، متأسفانه به دلیل هم مرز بودن با افغانستان در برخی مواقع شاهد بروز ناامنی‌هایی همانند گروگان‌گیری، آدم‌ربایی و هم‌چنین سرقت از منازل، خودرو و دام و طیور توسط افغان‌های مسلح می باشد.

وضعیت فرهنگی تایباد

اهل سنت تایباد فرهنگ اصیل خویش را حفظ نموده، و کمتر از تهاجم فرهنگی آسیب دیده‌اند. ولی با توجه به دخالت‌های قدرت‌های استعمارگر در خصوص ایجاد تفرقه در بین ملت ایران برای سست نمودن و جلوگیری از پیشرفت علمی، تکنولوژی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و مشغول نمودن سیاست‌مداران و دولت‌مردان ایران به کشمکش‌ها و ناآرامی‌ها به‌خصوص در مرزها و ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی و گسترش تفکر "شیعه غالب و مطلق، سنی مغلوب و مظلوم" در ایران و ایجاد تفکر استقلال‌طلبی در مناطق سنی‌نشین مرزها با توجه به تجانس مذهب، زبان و قومیت با اهل سنت هم‌جوار در کشورهای همسایه و عدم تجانس لازم با بخش مرکزی، باعث بروز مشکلاتی در این شهرستان شده است.

نژاد، دین و مذهب مردم تایباد

مردم تایباد از نژاد آریایی‌ها ایرانی‌الصل هستند. مردم شهر تایباد مسلمان، ۴۰٪ شیعه جعفری و ۶۰٪ تسنن و حنفی مذهب می‌باشند. از جمله خصوصیات اعتقادی آنها، پایبندی به اعتقادات مذهبی و فرامین دینی می‌باشد. وجود ۵ مدرسه‌ی علمیه اهل سنت در شهر و ۶۲۵ طلبه‌ی مرد و ۷۴۰ طلبه‌ی زن که کار بحث و تحقیق و تفسیر فقه حنفی را دنبال می‌کنند در استحکام اعتقادات مذهبی و اسلامی اهل سنت این شهرستان موثر می‌باشد. مساجد قدیمی شهر که قدمت تاریخی دارند در ایام و مناسبت‌های مذهبی جهت اجرای مراسم مذهبی استفاده می‌شوند.

آداب و رسوم اهل سنت تایباد

با توجه به کوچک و بسته بودن محیط آداب و رسوم اهل سنت این شهر کمتر دچار تغییر شده و هنوز به سنت‌های اولیه خویش مانند: غذاهای محلی (گوسفند تنوری) بازی‌های محلی (کودی، خسو خسو، ...) طرز پوشش و لباس افراد محلی (لباس محلی شمال شرق خراسان)، روابط نزدیک والدین و فرزندان و هم‌چنین با دوستان و خویشاوندان، مهمان‌نوازی، آیین‌های خاص ازدواج (حنابندان، ساز و دهل، ...) عیادت، سوگواری، دید و بازدید، اعیاد و جشن‌ها و ... که جملگی از الگوهای رفتاری کهن می‌باشند، پایبند هستند. بسیاری از این رسوم و سنت‌های کهن ملی و مشترک می‌باشند. علاوه بر این قهرمانان افسانه‌های، اسطوره‌ها، مفاخر ملی مشترک در فرهنگ ایرانی هویت ملی را شکل داده، موجبات تفاهم، هم‌بستگی و هم‌دلی را فراهم می‌آورد. رشته‌های مودت و استحکام ملی را استحکام می‌بخشد و وحدت ملی را تضمین می‌کند، البته با تبلیغات و هابیون یک سری از خرافات و تعصبات جاهلی در بین برخی از اهل سنت این شهرستان رواج یافته است، برای برخورد با خرافات و تعصبات جاهلی و مبارزه با آن، باید سلسله‌ای از اصول را در نظر بگیریم و به اصطلاح، استراتژی و راهبردمان را تعیین کنیم تا به فتنه‌هایی بدتر و ضررهای بیشتر مبتلا نشویم.

مدل مفهومی تحقیق

در این مدل برای بررسی نقش اهل سنت تایباد در امنیت آن شهرستان دو عامل اصلی موثر در مسأله شامل:

۱ - امنیت شهرستان تایباد

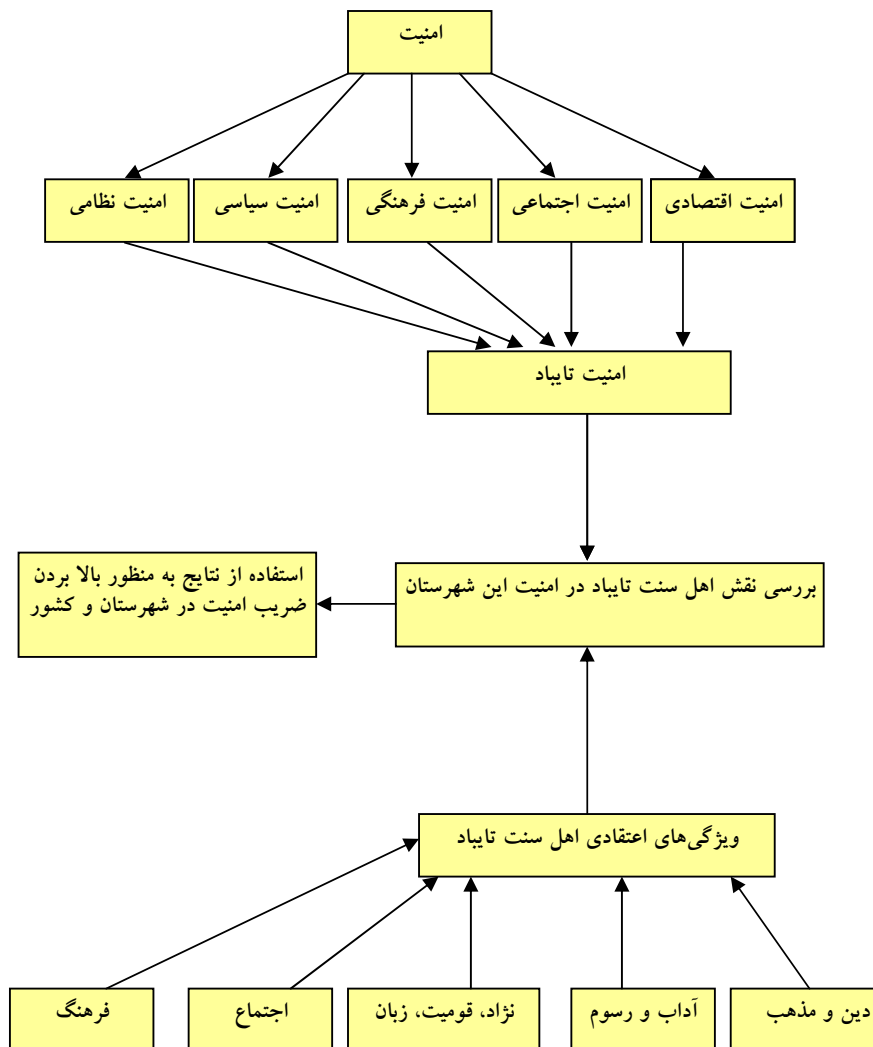
۲ - ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد مشخص شده است.

امنیت شهرستان تایباد با توجه به مؤلفه‌های امنیت یعنی امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی و ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت از منظر دین و مذهب، آداب و رسوم، نژاد، قومیت، زبان، اجتماع و فرهنگ مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است.

در نهایت با استفاده از نتایج به‌دست‌آمده پیشنهادهایی برای بالابردن ضریب امنیت

در شهرستان تایباد ارائه شده است که به عنوان یک مدل می توان در کشور نیز از آن بهره برداری نمود.

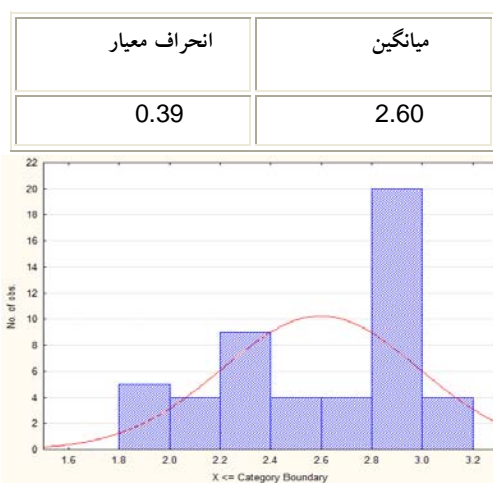
۳- مدل تحقیق



یافته های تحقیق

نمودار زیر نشان‌دهنده توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب ویژگی‌های اعتقادی می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی نمرات مربوط به نمرات بین ۲.۸ تا ۳ است.

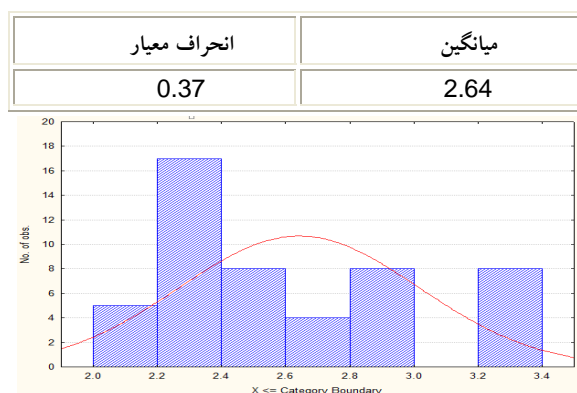
بر این اساس میانگین امتیاز ۲.۶۰ و انحراف معیار ۰.۳۹ است.



نمودار ۱- ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد

نمودار زیر نشان‌دهنده توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب امنیت اقتصادی می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی نمرات مربوط به نمرات بین ۲.۲ تا ۲.۴ است.

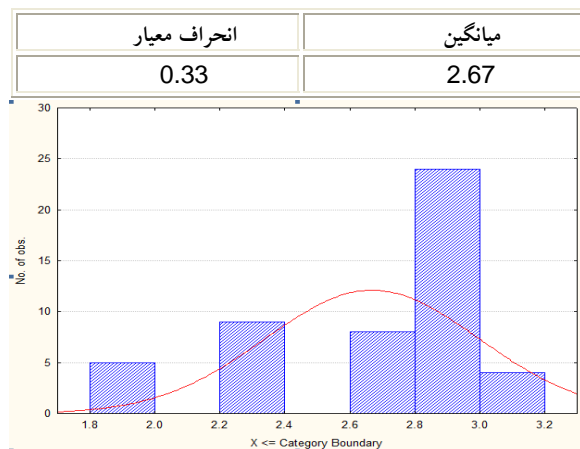
بر این اساس میانگین امتیاز ۲.۶۴ و انحراف معیار ۰.۳۷ است.



نمودار ۲- امنیت اقتصادی تا‌بیاد

نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب امنیت سیاسی می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی نمرات مربوط به نمرات بین ۲.۸ تا ۳ است.

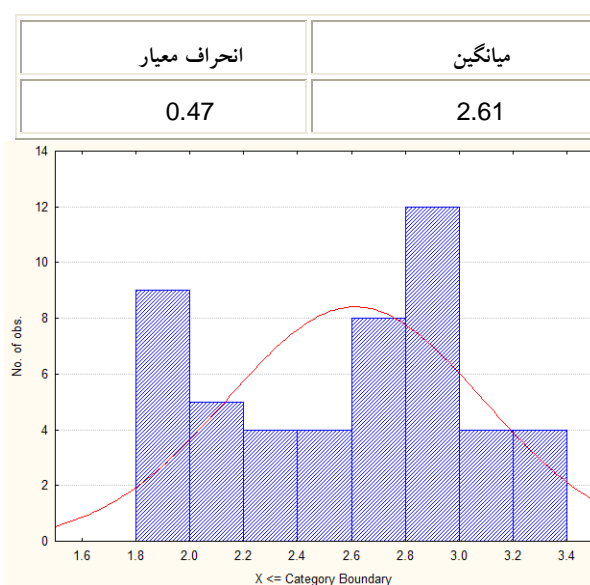
بر این اساس میانگین امتیاز ۲.۶۷ و انحراف معیار ۰.۳۳ است.



نمودار ۳- امنیت سیاسی تا‌بیاد

نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب امنیت اجتماعی می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی نمرات مربوط به نمرات بین ۲.۸ تا ۳ است.

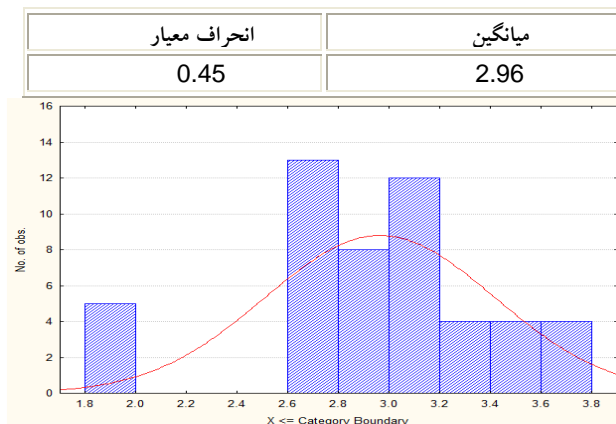
بر این اساس میانگین امتیاز ۲.۶۱ و انحراف معیار ۰.۴۷ است.



نمودار ۴- امنیت اجتماعی تایید

نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب امنیت فرهنگی می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی نمرات مربوط به نمرات بین ۲.۲ تا ۲.۴ است.

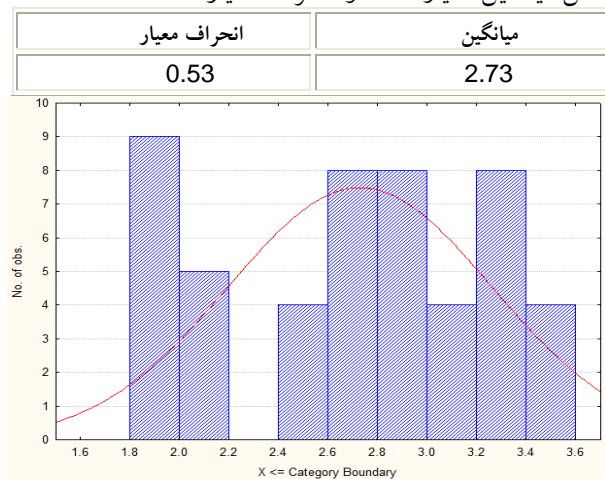
بر این اساس میانگین امتیاز ۲.۹۶ و انحراف معیار ۰.۴۵ است



نمودار-۵: امنیت فرهنگی تاباد

نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب امنیت اقتصادی می باشد. همان طور که ملاحظه می شود بیشترین فراوانی نمرات مربوط به نمرات بین ۱.۸ تا ۲ است.

بر این اساس میانگین امتیاز ۲.۷۳ و انحراف معیار ۰.۵۳ است

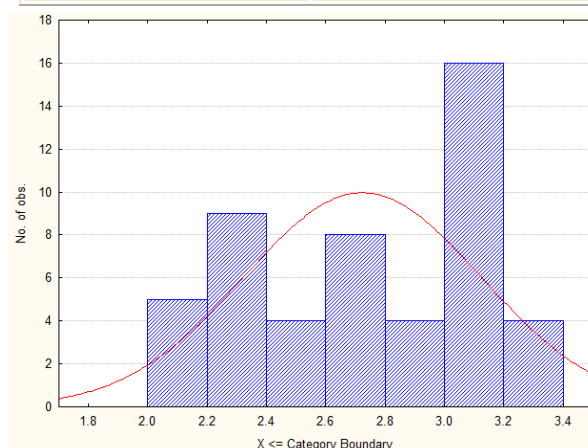


نمودار-۶: امنیت نظامی تاباد

نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب امنیت می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی نمرات مربوط به نمرات بین ۳ تا ۳.۲ است.

بر این اساس میانگین امتیاز ۲.۷۲ و انحراف معیار ۰.۴۰ است

میانگین	انحراف معیار
2.72	0.40



نمودار-۷: امنیت نظامی تایباد

تحلیل یافته‌ها

آیا بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت شهرستان تایباد با برقراری امنیت از دیدگاه مدیران امنیتی در این منطقه رابطه معنی داری وجود دارد؟
 برای بررسی این سؤال با استفاده از مقیاس عقیده‌سنج به اندازه‌گیری نمره امنیت و ویژگی‌های اعتقادی از دیدگاه مدیران مربوطه پرداخته‌ایم و بعد از آن در واقع از نظر آماری فرضیه فوق را با استفاده از آزمون همبستگی می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 & \text{پاسخ به سؤال تحقیق منفی است:} \\ H_1 : \rho \neq 0 & \text{پاسخ به سؤال تحقیق مثبت است:} \end{cases}$$

رابطه ویژگی‌های اعتقادی و امنیت

با توجه به مقدار احتمال و سطح آزمون ($\alpha=0/05$) می‌توان گفت که فرضیه صفر یا این فرض که " بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود ندارد " در سطح ۵ درصد رد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت: بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل سوال فرعی اول

آیا بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت اقتصادی از دیدگاه مدیران مربوطه این شهرستان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟ با توجه به مقدار احتمال و سطح آزمون ($\alpha=0/05$) می‌توان گفت که فرضیه صفر یا این فرض که " بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت اقتصادی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود ندارد " در سطح ۵ درصد رد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت: بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت اقتصادی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل سوال فرعی دوم

آیا بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت اجتماعی از دیدگاه مدیران امنیتی این شهرستان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟ با توجه به مقدار احتمال و سطح آزمون ($\alpha=0/05$) می‌توان گفت که فرضیه صفر یا این فرض که " بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت سیاسی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود ندارد " در سطح ۵ درصد رد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت: بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت سیاسی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل سوال فرعی سوم

آیا بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت سیاسی از دیدگاه مدیران امنیتی این شهرستان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟
با توجه به مقدار احتمال و سطح آزمون ($\alpha=0/05$) می‌توان گفت که فرضیه صفر یا این فرض که "بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت اجتماعی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود ندارد" در سطح ۵ درصد رد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت:
بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت اجتماعی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل سوال فرعی چهارم

آیا بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت نظامی از دیدگاه مدیران مربوطه این شهرستان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟
با توجه به مقدار احتمال و سطح آزمون ($\alpha=0/05$) می‌توان گفت که فرضیه صفر یا این فرض که "بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت فرهنگی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود ندارد" در سطح ۵ درصد رد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت:
بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت فرهنگی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل سوال فرعی پنجم

آیا بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت فرهنگی از دیدگاه مدیران مربوطه این شهرستان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟
با توجه به مقدار احتمال و سطح آزمون ($\alpha=0/05$) می‌توان گفت که فرضیه صفر یا این فرض که "بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت نظامی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی‌داری وجود ندارد" در سطح ۵ درصد رد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت:

بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت نظامی شهرستان از دیدگاه مدیران مربوطه رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج تحلیل فرضیه‌های تحقیق در یک نگاه

متغیرها	تعداد	ضرب همبستگی، پیرسون	مقدار احتمال	ضرب تعیین
ویژگی‌های اعتقادی و امنیت	۵۰	۰/۷۵۱	۰/۰۰۰	۰/۵۶۴
ویژگی‌های اعتقادی و امنیت اقتصادی	۵۰	۰/۶۸۸	۰/۰۰۰	۰/۴۷۴
ویژگی‌های اعتقادی و امنیت اجتماعی	۵۰	۰/۶۹۴	۰/۰۰۰	۰/۴۸۲
ویژگی‌های اعتقادی و امنیت سیاسی	۵۰	۰/۶۳۰	۰/۰۰۰	۰/۳۹۶
ویژگی‌های اعتقادی و امنیت فرهنگی	۵۰	۰/۶۴۳	۰/۰۰۰	۰/۴۱۳
ویژگی‌های اعتقادی و امنیت نظامی	۵۰	۰/۷۷۶	۰/۰۰۰	۰/۶۰۳

جدول-۱: رابطه ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد با امنیت و مؤلفه‌های آن از دیدگاه مدیران

مربوطه

نتیجه‌گیری

با توجه به تایید ارتباط ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد در امنیت این شهرستان، آیا می‌توان راهی برای ایجاد امنیت شهرستان تایباد بدون در نظر گرفتن اهل سنت و ویژگی‌های اعتقادی آنان دست یافت؟ در صورت عدم توجه به ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تایباد، دولت‌مردان باید هزینه‌های بسیار هنگفتی را برای امنیت این منطقه پرداخت نمایند. بدون شک با مشکلات عدیده‌ای نیز مواجه خواهند گردید. بنابراین مدیران ارشد استان با آموزش مدیران مربوطه در خصوص نحوه برخورد با اهل سنت و شناخت کافی ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت این منطقه توسط مدیران مربوطه، کمک شایانی به بالا رفتن سطح امنیت و مؤلفه‌های آن در این منطقه خواهند نمود. با توجه به موقعیت استراتژیک شهرستان تایباد و تایید رابطه بین ویژگی‌های اعتقادی آنان با برقراری امنیت در این شهرستان؛ این پیشنهادها ارائه می‌گردد:

پیشنهادها

- ۱ - با توجه به ارتباط بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تائید و امنیت این شهرستان پیشنهاد می‌شود مدیران مربوطه توجه بیشتری به ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت نمایند؛ این عمل در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری صحیح و کارآمد موثر خواهد بود و موجب بالا بردن سطح امنیت شهرستان خواهد گردید.
- ۲ - نظر به ارتباط بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تائید با امنیت اقتصادی، مدیران مربوطه با وضع قوانین مشوق و ایجاد ثبات در این قوانین سعی در جذب سرمایه به‌خصوص سرمایه اهل سنت این منطقه نمایند و با ایجاد اشتغال (با توجه به مساعد بودن شرایط کشاورزی در شهرستان تائید و بازار مشترک مرز دوغارون تجارت بین خراسان رضوی با افغانستان، پتانسیل لازم جهت اشتغال افراد را دارد) میزان نا امنی پایین خواهد آمد و در نتیجه کمک شایانی به ارتقاء امنیت خواهد شد.
- ۳ - با توجه به ارتباط بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تائید با امنیت اجتماعی، مشارکت دادن بیشتر اهل سنت شهرستان در امورات اجتماعی و دخیل کردن این افراد در سرنوشت شهر خود باعث تقویت امنیت و هم‌چنین وحدت در بین شیعه و سنی این شهرستان افزایش خواهد داد.
- ۴ - با توجه به ارتباط بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تائید با امنیت فرهنگی، در صورت توجه بیشتر به فرهنگ، آداب و رسوم، زبان و مذهب اهل سنت شهرستان، سطح امنیت در این منطقه در مقابل شیخون فرهنگی دشمنان ایران اسلامی در این منطقه کمتر آسیب خواهد دید.
- ۵ - با توجه به ارتباط بین ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت تائید با امنیت سیاسی، مدیران مربوطه با شناخت ویژگی‌های اعتقادی اهل سنت این شهرستان و باز نمودن فضای سیاسی سطح مشارکت اهل سنت شهرستان را بالا برده و در نتیجه سطح همبستگی ملی و انسجام اسلامی را افزایش دهند.

منابع و ماخذ

- ۱ - ایمان، مصطفی و طیب، علیرضا(۱۳۸۴). بازشناسی مقوله امنیت ملی در جهان اسلام
- ۲ - بوزان، باری(۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳ - تاج زاده، مصطفی(۱۳۷۸). سازمان‌دهی سیاسی، ضریب امنیت ملی را بالا می‌برد، روزنامه زن،
- ۴ - حافظ نیا، محمدرضا(۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت
- ۵ - حافظ نیا، محمدرضا(۱۳۸۶). قدرت و منافع ملی، تهران: انتخاب
- ۶ - درویشی سه تالانی، فرهاد(۱۳۸۷). امنیت ایران در عصر جهانی شدن چالش‌ها و سیاست‌ها، تهران:
- ۷ - رادمند، داود(۱۳۷۰). امنیت و آزادی، تهران
- ۸ - سمیر رضا(۱۳۷۶). صلح و امنیت جهانی در آستانه قرن ۲۱، مجله سیاست خارجی، سال ۱۱: ۲
- ۹ - طاهری، حسن، اهل سنت و تشیع . <http://www.noormags.com>
- ۱۰ - مجله پیام زن (۱۳۸۶) دوره ۶، شماره ۶۸ - بان ۸۶ <http://noormags.com>
- ۱۱ - معین، محمد(۱۳۷۱) فرهنگ فارس، سپهر، تهران
- 12 - Michael Kraiy Assesing Alternative Security Frame works for he Persian Gulf , Middle East Policy Council Vol 1 Fall 2004.
- 13 - <http://www.nsa.gov>\ About the National security Agency-Twins. Robert 2000

بررسی و شناخت روش‌های کشف و مقابله با موشک راهبردی کروز تام هاوک

محسن گودرزی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۲

چکیده

تجربیات حاصله از جنگ‌های اتفاق افتاده اخیر نشان می‌دهد که موشک‌های راهبردی پس از نیم قرن توسعه، هم‌اکنون جایگاه خاصی به عنوان سلاح مؤثر و تعیین‌کننده در برنامه‌های دفاعی کشورها پیدا کرده است. موشک‌های راهبردی و سایر جنگ‌افزارهای دور-ایستا با توجه به قدرت انهدام، دقت در انهدام اهداف مهم و حیاتی، به‌دور از خطر کشف و انهدام توسط سیستم‌های پدافند هوایی عامل، نقش بسیار مهم و ارزنده‌ای در تخریب و انهدام مراکز ثقل در ساعات اولیه نبرد، را ایفا می‌نمایند. این موشک با پرواز در ارتفاع کم، کم‌بودن سطح مقطع راداری از قدرت پنهان‌کاری بالایی برخوردار است. و سیستم‌های شناسایی پدافندی موجود برای رویارویی با این تهدید طراحی نشده‌اند، بدین منظور نیاز است تدبیر جدیدی برای شناسایی و مقابله با این سلاح مخرب اندیشیده شود. برای شناسایی و مقابله با این تهدید جلدی می‌توان از سیستم‌های پدافندی کنترل آتش (توپ‌های ضد‌هوایی) با کمک سیستم راداری فعال و یا پسیو(غیرفعال)، در برد و ارتفاع کم، اهدافی با سطح مقطع راداری کوچک را آشکار و منهدم ساخت و سپس سبب انحراف موشک از مسیر اصلی آن شد. که این امر در نهایت

۱- دانش‌آموخته رشته کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی

می‌تواند با برخورداری بهینه از جنگ الکترونیک اختلال در سیستم هدایت موشک^{۱۳} و همچنین استفاده از سیستم‌های پدافندی زمین به هوای ارتفاع پست به صورت انبوه و ارتفاع متوسط (تورام-یک) علیه این موشک پیشرفته استفاده، و مقابله نمود.

در این نوشتار محقق به دنبال ارزیابی، بررسی و شناخت روش‌های کشف و مقابله با موشک راهبردی کروز تام هاوک آمریکایی بوده و سپس درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال که: آیا امکان کشف و رهگیری و انهدام این سلاح مخرب وجود دارد و چنانچه پاسخ مثبت است در تحلیلی روش‌های کشف و مقابله با آن ارائه گردد. نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی است.

کلید واژه‌ها: موشک کروز، پدافند عامل، پدافند غیرعامل، توپ‌های ضد هوایی

بیان مسأله

موشک‌های کروز یا بالدار به دلیل ویژگی‌های خاص به عنوان یک سلاح مؤثر و تاثیرگذار در جنگ‌های امروزی بکار می‌روند، این موشک که نام خود را از تعریف پرواز کروز برای هواپیما گرفته است به موشکی گفته می‌شود که بیشتر مسیر خود را در حالت پایدار و نزدیک به زمین طی می‌کند. چنین موشکی توانایی بالایی در حمل سر جنگی‌های معمولی، خوشه‌ای، بیولوژیکی (شیمیایی) و هسته‌ای برای حمله به اهداف سطحی و ثقل از دور را داراست. این موشک یک موشک برد بلند، با توانایی پرواز در ارتفاع پایین که به‌طور معمول از پیش رانش جت برای پرواز استفاده کرده که این نیروی موشک را به صورت ممتد و دراز مدت پرواز می‌دهد. که از این نظر (تولید نیروی بر-آ) شباهت زیادی با هواپیما دارد، لذا آن را می‌توان یک هواپیمای بدون خلبان نامید. موشک‌های کروز تهدید خطرناک ویژه‌ای به شمار آمده و می‌توانند با کمک سامانه هدایت توانمند خود برای جلوگیری از کشف شدن به وسیله رادارها یا سیستم‌های موشکی سطح به هوا، از پوشش عوارض زمینی که در مسیر از پیش تعیین شده آنها وجود دارد، بهره گیرند. نمونه‌های دوربرد آن، برای بقاء پذیری می‌توانند مسیر پرواز خود را تغییر دهند. این نمونه‌ها برای انجام تقرب پایانی از یک راستای غیر منتظره «به

1 - Global Positioning System (GPS)

جای این‌که مستقیم به سمت هدف پرواز کنند.» بخش پایانی پرواز را به صورت مسیری شکسته می‌پیمایند یا حتی به پشت سر هدف خود پرواز می‌کنند.

با توجه به سطح مقطع راداری کم (۵/۰ - ۰۵/۱) سانتی متر مربع پرواز در ارتفاع پایین و عدم کشف و شناسایی توسط سیستم‌های پدافندی و راداری مرسوم برای شناسایی و مقابله با این موشک نیازمند به دو اقدام اساسی می‌باشد.

۱- آشکارسازی، ردگیری و آتش گشودن بر علیه آن و در نهایت انهدام به موقع که ضروری است از رادارهای رزونانسی که قابلیت ردیابی هدف از فاصله‌های دور را داراست استفاده کرد.

۲- با استفاده از (Eccm) ایجاد اختلال در سیستم GPS موشک، سبب انحراف آن از مسیر اصلی شد.

نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی، و روش مورد استفاده توصیفی - تحلیلی است. بر این مبنا که با شناخت ویژگی های موشک کروز تام هاوک و استفاده از آنها در جنگ های گذشته و آینده سعی بر آن است که با، پاسخ سوالات اصلی و فرعی و نتایج حاصله از آن بتوان ایده و الگوی مناسبی جهت استفاده متخصصان نظامی در صحنه نبرد ارائه داد.

سوالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق

مهم‌ترین عوامل طرح‌ریزی، راه‌های مقابله و کشف موشک کروز تام هاوک کدامند؟

سوالات فرعی

- ۱ - به نظر می‌رسد امکان کشف و ردگیری موشک کروز توسط سیستم‌های راداری و اعلام خبر وجود دارد.
- ۲ - به نظر می‌رسد تجهیزات جنگ الکترونیک امکان منحرف نمودن و انهدام موشک کروز را دارد.

۳ - به‌نظرمی‌رسد پدافند غیرعامل امکان جلوگیری و یا تقلیل آثار سوء حملات موشکی کروز را دارد.

اهمیت و ضرورت انتخاب موضوع

بررسی تاریخچه جنگ‌های اخیر آمریکا در خاورمیانه بیان‌گر استفاده گسترده و موثر آنها از موشک‌های کروز در ساعات اولیه درگیری می‌باشد. بنابراین افزایش قدرت و توانمندی‌های نیروهای مسلح در برابر تجهیزات پیشرفته آمریکا که موشک کروز یکی از آنها است، از مهم‌ترین اقدامات است. برای نیل به این منظور آشنایی کامل با این سلاح، نقاط قوت و ضعف آن و همچنین اطلاع از امکانات موجود و تاکتیک‌های موثر شناسایی و مقابله با این نوع موشک کروز بسیار ضروری می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

معرفی موشک کروز تام‌هاوک^۱

موشک کروز تام‌هاوک یک موشک برد بلند با قابلیت پرواز در ارتفاع پایین است که می‌توان از آن به عنوان یک موشک هدایت شونده که از سطوح بالابری مثل بال برای تولید نیروی بر-آ استفاده می‌کند نام برد. این گونه موشک‌ها به طور معمول از پیش‌رانه‌های جت برای پرواز استفاده می‌کنند که به موشک اجازه می‌دهد به صورت ممتد و در مدت زمان طولانی پرواز کند.

این موشک از نقطه نظر پیش‌رانه و مولد نیروی بر-آ شباهت زیادی با هواپیماها دارند و می‌توان آنها را هواپیمای بدون خلبان در نظر گرفت که هدف اصلی از طراحی و ساخت آنها حمل سرجنگی‌های معمولی و یا حتی هسته‌ای با قدرت تخریب بسیار بالا در فاصله خیلی زیاد است هم‌چنین با دقت بالایی می‌تواند هدف راهبردی خود را منهدم سازد. این موشک‌ها که از نوع پیشرفته می‌باشند، به طور معمول با سرعت مادون صوت بالا پرواز می‌کند. (مشابه پهپادها) و توانایی پرواز در ارتفاع پایین را دارند. همین

1 - TOMAHAK CRUISE MISSILESE

امر شناسایی و انهدام آنها را با رادار و سیستم‌های پدافندی موجود مشکل می‌سازد. هم‌چنین به دلیل کم بودن سطح مقطع راداری آن یکی از اصلی‌ترین خصوصیات که یک موشک کروز را از دیگر موشک‌ها متمایز کرده و قابلیت انهدام آن را به عنوان یک موشک چندین برابر می‌کند. این موشک از دو یا چند سیستم هدایت استفاده می‌کنند که برخی از آنها به طور هم‌زمان و برخی در مراحل مختلف پروازی موشک استفاده می‌شود. این سلاح به دلیل سایر ویژگی‌های منحصر به خودش در جنگ‌های اخیر به صورت گسترده از طرف آمریکا و کشورهای هم پیمان او همانند انگلیس مورد استفاده قرار گرفته است، این سلاح با هدایت بسیار دقیق توسط هواپیماهای **F 17** و **B 52** و زیر دریایی‌ها و ناوهای جنگی (شکل ۱) و سکوها پرتاب زمینی جهت انهدام اهداف راهبردی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱ (محرابیان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱) هم اکنون مدل‌های مختلفی از کروز طراحی و ساخته شده که از جمله موشک‌های کروز دریا پایه، کروز زمین پایه^۲ و کروز هوا پایه^۳ اشاره نمود که در هر مدل نمونه‌های با بردهایی از ۱۰۰ کیلومتر (برد کوتاه) تا ۳۰۰۰ کیلومتر (برد بلند) اشاره نمود. یکی از انواع موشک‌های کروز برد بلند موشک کروز تام هاوک مورد بحث و بررسی می‌باشد که در هر شرایطی از زمان و مکان پرتاب آن از سکوها مختلف همانند کشتی‌ها و زیر دریایی‌ها امکان پذیر است. بنابراین با چنین توانمندی بالایی موشک تام هاوک که از موشک‌های به روز کروز در دنیا می‌باشد به عنوان اولویت اول جهت انهدام مواضع ثقل، حیاتی و مستحکم دشمن بکار برده می‌شود.^۳

آمار منتشر شده از کاربرد این سلاح راهبردی به طور گسترده در جریان عملیات طوفان صحرا در ژانویه ۱۹۹۱ و ژوئن ۱۹۹۳ در عراق در سال ۱۹۹۹ در بالکان، در سال ۲۰۰۱ در افغانستان و در سال ۲۰۰۳ در جنگ آمریکا و انگلیس علیه عراق می‌توان نام برد.

1 - SEA LAUNCHED CRUISE MISSILESE(SLCM)

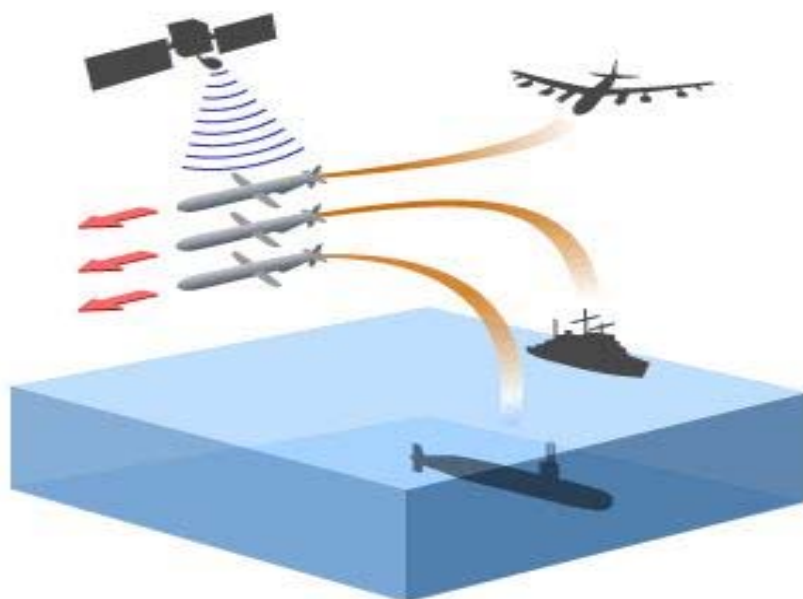
2 - GRUND LAUNCHED CRUISE MISSILESE(GLCM)

3 - AIR LAUNCHED CRUISE MISSILESE(ALCM)



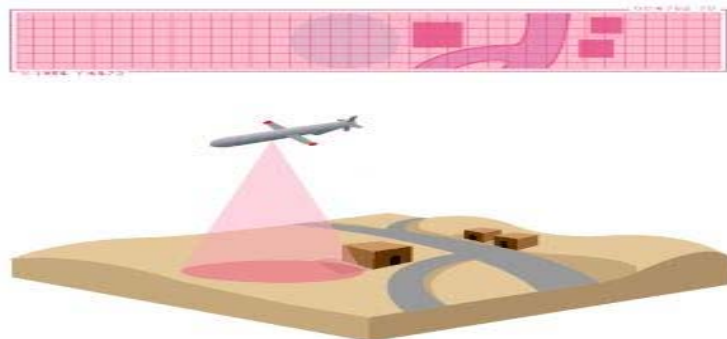
شکل ۱ - موشک کروز تام هاوک شلیک شده از زیر دریایی ها و ناوهای جنگی

به‌طور کلی کاربرد موثر و موفقیت آمیز این سلاح در جنگ‌های اخیر علاقه کشورهای مختلف را به دستیابی این سلاح هوشمند تحریک نموده به‌طوری‌که توسط کشور آمریکا، یکی از سازندگان غربی چیزی حدود ۷۰۰۰ فروند در سال ۲۰۱۵ تخمین زده شده است. موشک تام هاوک مجهز به سیستم موقعیت یاب جهانی است و می‌تواند اهداف را با دقت بیشتری مورد حمله قرار دهد. در برخی از این موشک‌ها استفاده از موتورهای بهینه‌سازی شده که مجهز به سیستم کنترل سوپاپ هستند موجب شده است ضمن مصرف سوخت کمتر امکان افزایش محدود قابل دسترسی و یا افزایش و کاهش دلخواه سرعت نیز فراهم شود. برخی دیگر از این موشک‌ها توانایی هدف قرار دادن اهداف متحرک را دارا می‌باشند. (عباسی، آرند، ۱۳۷۵، ص ۲۵۱) بزرگ‌ترین بهینه‌سازی صورت گرفته بر روی موشک تام هاوک افزودن یک مرکز فوق پیشرفته برای مبادله اطلاعات با سایر مراکز اطلاعاتی میدان جنگ مانند هواپیماهای آواکس، هواپیماهای بدون سرنشین، کشتی‌ها، ماهواره‌ها و حتی سربازان و تانک‌ها در میدان نبرد است که موشک را قادر می‌سازد، با این مراکز در تبادل اطلاعات باشد و در شناسایی و حمله به اهداف با دقت بیشتری عمل کنند. (شکل ۲). این موشک در کنار این تجهیزات پیشرفته به یک دوربین تلویزیونی هم مجهز است که با ارسال تصاویر به مرکز فرماندهی امکان مشاهده اهداف و انتخاب یکی از آنها را برای انهدام می‌دهد.



شکل ۲ - تبادل اطلاعات موشک با سایر تجهیزات پیشرفته در صحنه نبرد

سیستم موقعیت‌یاب جهانی این موشک قادر است مختصات ۱۶ هدف را در حافظه خود نگهداری کند که موقعیت‌یابی اهداف می‌تواند قبل از شلیک و یا بعد از شلیک توسط مرکز فرماندهی یا ماهواره‌ها و هواپیماهای بدون سرنشین و یا دیگر شبکه‌های اطلاعاتی پنتاگون در اختیار موشک قرار گیرد. از امکانات دیگر موشک تام هاوک امکان ارسال اطلاعات به مرکز فرماندهی است. (شکل ۳-۵) به طور مثال در صورت دستور از مرکز فرماندهی برای حمله به یک هدف، سیستم هوشمند موشک این فرمان را با توجه به اطلاعات خود تجزیه و تحلیل می‌کند و در صورتی که موشک سوخت کافی برای اجرای دستور نداشته باشد مرکز فرماندهی را مطلع می‌کند. (زینی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۵)



شکل ۳ - تجزیه و تحلیل اهداف و انتخاب هدف مناسب

بررسی انواع سیستم هدایت در موشک کروز تام هاوک

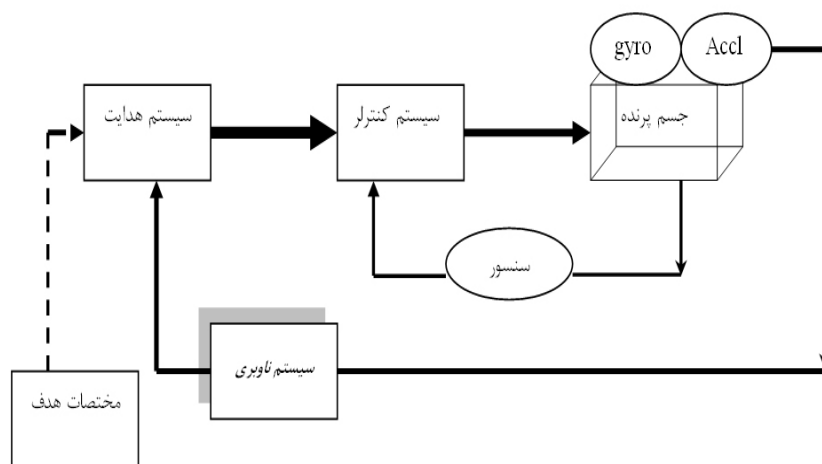
هدایت این موشک به طور معمول در سه فاز صورت می‌گیرد: فاز پرتاب، فاز میانی و فاز نهایی. در فاز پرتاب موشک تنها به وسیله سیستم ناوبری اینرسی هدایت می‌شود. در فاز میانی موشک از هدایت اینرسی و یک یا چند روش دیگر که با هدایت اینرسی در ارتباط هستند استفاده می‌کند و در فاز نهایی سیستم‌های متنوع تصویربرداری و انطباق تصویر مورد استفاده قرار می‌گیرد. موشک کروز تام هاوک به طور معمول از سیستم‌های زیر برای هدایت استفاده می‌کند:

۱ سیستم هدایت اینرسی،^۲ تطبیق خطوط عوارض زمین،^۳ سیستم آشکار سازی عبور،^۴ تطابق تصاویر دیجیتالی با هدف،^۵ سیستم مکان‌یابی جهانی،^۶ سیستم رادار دید رزونانس ترکیبی

- 1 - Inertial Navigation system (INS)
- 2 - Terrain Contour Matching (Trcom)
- 3 - Cross Detection System(CDS)
- 4 - Digital Scene Matching Area Correlation(DSMAC)
- 5 - Global Positioning System (GPS)
- 6 - synthetic aperture radar (SAR)

سیستم اینرسی هدایت

اصلی‌ترین سیستم هدایت و ناوبری موشک‌های کروز، سیستم هدایت اینرسیال است. در این سیستم با استفاده از شتاب سنج‌های نصب شده در موشک، شتاب لحظه‌ای موشک در مختصات سه بعدی محاسبه می‌شود. با داشتن شتاب لحظه‌ای، سرعت لحظه‌ای محاسبه می‌شود. اگر یک مختصات مرجع را در نظر بگیریم، موقعیت موشک در هر لحظه محاسبه می‌شود. امروزه استفاده از ژيروسکوپ‌ها برای محاسبه شتاب موشک‌ها، باعث شده است که سیستم‌های ناوبری اینرسیال، خطایی کمتر از ۰/۱ درجه بر ساعت پیدا کنند. (شکل ۴-۵) برای کالیبره نمودن و کاهش خطای سیستم اینرسیال، از سیستم GPS استفاده می‌شود با توجه به عدم وابستگی این سیستم به عوامل خارجی از قبیل ماهواره‌ها و امواج الکترومغناطیسی و هم چنین دخالت اپراتور در حین عملیات، امکان ایجاد اختلال و جمینگ در این سیستم وجود ندارد. (احمدی جعفری، ۱۳۹۰، ص ۵۶)



نمودار ۱ - بلوک دیاگرام سیستم هدایت اینرسی موشک

سیستم TERCOM

این سیستم بر اساس اطلاعات دقیق توپوگرافی از زمین و هدف استوار است. در این روش، محوطه‌ای از سطح زمین به طول ۱۰ کیلومتر و به عرض ۲ کیلومتر به مربع‌های یک صد متری تقسیم و ارتفاع متوسط در هر کدام از آنها را مشخص و به صورت ماتریکس عددی به حافظه کامپیوتر وارد می‌شود. موشک وقتی به محوطه مورد نظر رسید، ارقام اندازه‌گیری شده را با ارقام فرستاده از موشک مقایسه می‌کند. با توجه به نتیجه مقایسه، موقعیت محل شناسایی شده و دستور بعدی را از طریق دستگاه محاسبه، به سیستم کنترل اتوماتیک صادر می‌کند. بررسی‌های بعدی در زمانی که موشک به هدف نزدیک می‌شود، انجام می‌گیرد و سرانجام انتخاب مسیر می‌شود. برای دستیابی به چنین قابلیت موشک‌های دارای سیستم TERCOM از دو نوع آلتی متر راداری و بارومتری استفاده می‌کنند. ارتفاع سنج رادیویی ارتفاع موشک تا عوارض زمین را محاسبه کرده و ارتفاع سنج بارومتری ارتفاع از سطح دریا را به دست می‌آورد. بدین ترتیب با کم کردن ارتفاع موشک تا عوارض زمین از ارتفاع موشک تا سطح دریا، ارتفاع عوارض زمین که در زیر موشک هستند به دست می‌آید. کامپیوتر ناوبری نقشه مرجع دیجیتال با مقادیر ارتفاع عوارض زمین به عنوان تابعی از طول و عرض جغرافیایی را در حافظه دارد. ارتفاع عوارض زمین اندازه‌گیری شده با نقشه مرجع مقایسه شده و تطبیق بین موقعیت‌ها در نقشه تعیین می‌شود و کیفیت نتیجه به مقدار تغییرات ارتفاع عوارض زمین بستگی دارد. بسیاری از بخش‌های درون نقشه مرجع به طور عموم یک ارتفاع عوارض قابل مقایسه با مقدار اندازه‌گیری شده را داراست. برای تشخیص موقعیت صحیح از موقعیت غلط، نیاز است، که چندین اندازه‌گیری در طول مسیر پرواز انجام شود. پس از به دست آمدن میزان خطا توسط این روش مقدار خطای به وجود آمده تصحیح می‌شود. بدین ترتیب مشکل افزایش خطا که در سیستم ناوبری اینرسی به وجود می‌آید، برطرف خواهد شد. سیستم TERCOM بر اساس اختلاف عوارض زمین کار می‌کند و روی نواحی مسطح و دریا که عوارض زمینی دارای ویژگی مشخصی ندارند، دچار سردرگمی می‌شود و بعضاً مسیرهای مداری را به صورت رفت و برگشت طی می‌کند. (شکل ۵) استفاده از سیستم‌های راداری جهت سنجش ارتفاع که مستعد اختلال الکترونیکی می‌باشد، هم‌چنین زمانبر بودن و هزینه گزاف تهیه نقشه‌های

دیجیتالی از مسیر پرواز موشک از معایب این سیستم می‌باشد. موشک‌های موجود امکان ذخیره ۲۰ نقشه را در حافظه خود را دارند. این روش هدایت برای زمین‌هایی که از عوارض و ناهمواری‌های زیاد برخوردارند، مناسب می‌باشد. (Butowski, 1995, pp15-19)



شکل ۴ - سیستم Tercom

سیستم DSMAC

در این سیستم که نام آن «تطبیق ارتباط بین سطح دید دیجیتال» است، یک دوربین دیجیتال همواره در حال نمونه برداری نوری از سطح زمین در زیر موشک است. این تصاویر به صورت دو بعدی و سیاه و سفید اخذ شده و با تصویر دو بعدی سیاه سفید مرجع در حافظه مقایسه می‌شود. با استفاده از این مقایسه، موشک می‌تواند مسیر حرکت خود را اصلاح کند و سرانجام به فاصله ۱۰ متری هدف می‌رسد نکته مهم در این روش توان مقایسه تصاویری بی شمار با تصاویر حقیقی است.

مقایسه کننده‌های تصویری موشک قادرند تا ۱۰۰۰۰۰ پیکسل را در زمان یک ثانیه مورد مقایسه قرار دهند این نحوه ناوبری به موشک اجازه می‌دهد که در ارتفاع خیلی پایین پرواز کرده و بتواند در آن همچنان سرعت بالای خود را حفظ کند هم‌چنین سبب

می شود امکان رصد کردن آن پایین آمده و قابلیت عملکرد موشک افزایش یابد. به طور مشخص برای این نوع از ناوبری، موشک به پردازنده قوی برای انجام عملیات پردازش تصویر همزمان نیاز دارد و موفقیت آن منوط به اطلاعاتی است که به عنوان نقشه مرجع در اختیار آن قرار می گیرد. این اطلاعات هم به نوبه خود به شدت به شرایط آب هوایی و زمان عملکرد حساس است. (شکل ۵) در انواع پیشرفته‌تر یک دوربین ویدیویی تصاویر گرفته شده از طریق یک پیوند ویدیویی و شبکه مخابراتی ماهواره به مرکز فرماندهی و هدایت موشک می فرستند. وقتی که موشک به هدف نزدیک شد، یک کاربر ماهواره می‌تواند موشک را هدایت کرده و برای برخورد به هدف تصمیم‌گیری کند که موشک به هدف اصابت کند و یا اینکه از هدف عبور کرده و به سمت هدف برنامه‌ریزی شده بعدی حرکت کند. (برومندپناه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱)



شکل ۵ - سیستم DSMAC (دوربین دیجیتالی زیر موشک در حال نمونه برداری نوری از سطح زمین و تطبیق با تصاویر حافظه موشک)

سیستم (CDS)

استفاده از خاصیت انعکاس امواج راداری در سطح زمین و یکسان نبودن آن در نقاط مختلف، اساس این نوع هدایت را که تا چند سال پیش در دست بررسی بود تشکیل می‌دهد. در این روش، موشک علاوه بر رادار، مجهز به دستگاهی است که نوع امواج منعکس شده از زمین را تشخیص می‌دهد. موقعیت دقیق موشک نیز از طریق

مقایسه ارقام موجود در حافظه و ارقام مشخص، تعیین می‌شود. از مزایای این سیستم، امکان بهره‌گیری از آن در هر نقطه از سطح زمین می‌باشد، در حالی که روش TERCOM برای مناطقی که از عارضه زیاد برخوردارند، مناسب است. ضروری است که هیچ کدام از دو روش فوق برای مسیرهای دریایی مناسب نیستند. (صفری‌نژادیان، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱)

سیستم (GPS)

سیستم موقعیت‌یاب جهانی GPS سیستم جامعی است مشتمل بر ۲۷ ماهواره دور زمین که ۲۴ ماهواره آن عملیاتی و ۳ ماهواره رزرو می‌باشد. این ماهواره‌ها در مدارهای در حدود ۱۱۰۰۰ مایلی سطح زمین حرکت می‌کنند که هر گیرنده GPS باید حداقل ۴ ماهواره را ببیند تا بتواند موقعیت را محاسبه کند. این شبکه توسط بخش پدافند^۱ ایالات متحده ایجاد و مدیریت می‌شود. انگیزه اصلی ایجاد این شبکه ماهواره‌ای توسط DOD کاربردهای نظامی ناوبری می‌باشد. امروزه این شبکه خدمات زیادی در بخش تجاری انجام می‌دهد. برای محافظت ماهواره‌های GPS از سیستم‌های زمینی و همچنین ایجاد پوشش تمام وقت و سراسری GPS، این ماهواره‌ها در مداراتی به نسبت دور از زمین قرار داده شده‌اند. GPS اصلاح نشده دقتی در حدود ۱۰۰-۵۰ متر را فراهم می‌کند، اما با تکنیک‌های ویژه‌ای این دقت قابل بهبود می‌باشد. مثلاً با استفاده از تکنیک تفاضلی^۲ این دقت تا حدود ۵ متر قابل بهبود می‌باشد. پایه اصلی موقعیت‌یابی GPS براساس فاصله‌یابی می‌باشد. برای محاسبه این مسافت از روش اندازه‌گیری زمان طی شدن این مسافت توسط امواج رادیویی استفاده می‌شود. یعنی زمان رسیدن سیگنال از ماهواره تا گیرنده را محاسبه نموده و در سرعت نور ضرب می‌کنند. ماهواره‌ها در مسیرهای به‌طور کامل مشخصی حرکت می‌کنند و DOD قادر است که در هر لحظه موقعیت ماهواره را مشخص کند. مشخصات مسیر دقیق ماهواره‌ای در سیستمی به نام Almanac ذخیره می‌شود اطلاعات موجود در سیستم

1-Department Defense

2 - Differential GPS

Almanac در گیرنده‌های GPS ذخیره می‌شود و تغییرات اجرام آسمانی مانند ماه و خورشید که باعث انحراف کوچک ماهواره‌ها از مدار خود می‌شود، توسط DOD محاسبه شده و در کنار سیگنال‌های فاصله‌یاب اطلاعات نیز جهت اصلاح مقادیر قبلی ارسال می‌گردد.

ماهواره‌های GPS سیگنال‌هایی را ارسال می‌کنند که توسط گیرنده‌های GPS دریافت می‌شوند و موقعیت مکانی، سرعت و زمان شلیک کننده را در هر جای کره زمین و در هر موقع از روز یا شب و در هر شرایط آب و هوایی محاسبه می‌نماید. سیستم GPS یک منبع ملی و مورد استفاده بین‌المللی برای یافتن موقعیت محل، مسیریابی و زمان سنجی می‌باشد.

در جریان جنگ اول خلیج فارس برای اطمینان از انهدام هدف باید ۴ بمب لیزری از دو فروند هواپیما پرتاب می‌شد. از طرف دیگر، سلاح‌های هدایت لیزری که دقیق‌ترین سلاح‌های هواپرتاب معمول جهان بودند در آب و هوای بد (برف، باران، مه) دقت بالایی خود را از دست داده و به خطا می‌رفتند. ارتش آمریکا بعد از جنگ اول خلیج فارس نیازمند یک سلاح جدید بر مبنای یک سیستم هدایتی جدید شد، که بتوان آن را در ۲۴ ساعت شبانه روز و در هر آب و هوایی استفاده کرد.

در آن زمان، استفاده از سیستم هدایت GPS بر روی موشک‌های کروز برای هدایت این موشک‌ها تا منطقه هدف و نصب این سیستم بر روی نسل دوم موشک‌های کروز تام‌هاوک و کلکم در دست بررسی بود. به‌طور کلی امروزه این سیستم هدایت به‌عنوان هدایت‌کننده موشک‌های هواپرتاب، زمین پرتاب و دریا پرتاب دوربرد مورد استفاده قرار می‌گیرد و این موشک‌ها را تا فاصله‌ای نزدیک به هدف، هدایت می‌کند. (بهارلو، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴)

سیستم سامانه رادار دید روزنه‌ای ترکیبی (SAR)

از این سیستم به‌عنوان بهترین سیستم قابل استفاده در آب و هوای بد، نام برده می‌شود. از مهمترین قابلیت‌های این تکنولوژی که باعث قدرت آن می‌شود، استفاده از کامپیوتر و در اختیار قرار دادن تصاویری با دقت بالا در مسافت زیاد و در هر آب و هوایی است.



شکل ۶ - نمونه تصویر گرفته شده با SAR

تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت بکارگیری موشک کروز مورد استفاده در جنگ‌های اخیر		
ردیف	نقاط قوت	نقاط ضعف
۱	دقت موشک‌های کروز	هزینه بالای انجام عملیات توسط کروز
۲	قابلیت شلیک از سکوها‌های پرتاب متنوع و متحرک	عدم توانایی در اجرای عملیات گسترده هوایی
۳	توانایی به کارگیری سلاح در تمام شرایط آب و هوایی	ضعف در برابر فریب اطلاعاتی
۴	قابلیت حمل انواع مختلف از محموله سر جنگی	مسیرهای محدود مورد استفاده کروز
۵	قابلیت بکارگیری علیه اهدافی تحت حمایت شدید دفاع هوایی	طراحی حمله گسترده و پیچیده
۶	عدم ریسک ناشی از انهدام هواپیمای ضربتی و یا خدمه پروازی در هنگام اجرای عملیات	محدودیت نفوذ سر جنگی در سازه‌های مستحکم شده
۷	انجام عملیات بدون نیاز به حضور ناوگان هواپیمابر	عدم توانایی جهت حمله به اهداف متحرک و یا جابجا شونده
۸	عدم نیازمندی به ملحقات و حمایت جانبی همانند آنچه برای هواپیماهای ضربتی تاکتیکی وجود دارد.	عدم توانایی در مقابله با جنگ الکترونیک

بخش دوم: شناسایی و رهگیری

شناسایی و رهگیری موشک کروز تام هاوک

در جهت شناسایی و رهگیری این موشک، مهم‌ترین مرحله آشکارسازی آن است. زیرا افزون بر سطح مقطع کم راداری، بیشتر موشک‌های کروز که ساخته می‌شوند برای نیروی محرکه خود را از موتورهای جت توربوفن معمولی استفاده می‌کنند، که گرمای کمی تولید می‌کند. در نتیجه امکان آشکارسازی با استفاده از حسگرهای حرارتی بسیار کم است. حتی اگر در فاصله‌های کوتاه بتوان حرارت منتشرشده از موتور را با کمک حسگرهای فرو سرخ تشخیص داد، به دلیل سرعت موشک کروز در برد و ارتفاع کم امکان نشان دادن واکنش برای بسیاری از پایگاه‌های پدافندی وجود ندارد. برای آشکارسازی یک موشک کروز باید از سیستم‌های راداری ارتفاع بالا یا راداری که در ماورای افق در حال پرواز باشد. (هم‌چون هواپیماهای آواکس) استفاده کرد. (شکل ۱-۶) چنین راداری باید برد زیادی داشته باشد و بتواند موشک کروزی را که در ارتفاع کم پرواز می‌کند و در خط دید رادار زمینی نیست را شناسایی کرده و اطلاعات آن را به ایستگاه پدافند زمینی ارسال کند تا آمادگی لازم برای اقدامات پدافندی صورت گیرد. چنین راداری می‌تواند موشک‌های کروزی که سطح مقطع راداری پایینی رادار شناسایی کند. راداری که برای شناسایی موشک کروز مورد استفاده قرار می‌گیرد باید یک رادار رزونانس با باند فرکانس بالا باشد. رادار (VHF) که فرکانس آن بین ۳۰ تا ۳۰۰ مگا هرتز باشد.



شکل ۷- رادار VHF توان بالا با دهانه آنتن ۱۵۰ فوت جهت تشخیص اهداف با سطح مقطع راداری بسیار کم

روش‌های به کارگیری سامانه‌های مختلف راداری جهت شناسایی و رهگیری موشک

رادارهای سه بعدی چند پرتویی چابک (AMB)

ردگیری تهدیدهایی با سطح مقطع راداری کم، که این موشک نیز از این نوع سیستم‌ها می‌باشد، نیازمند تاباندن انرژی بیشتر روی هدف و داشتن گیرنده حساس‌تری برای کشف انرژی برگشتی از هدف می‌باشد. ولی هر دوی این تدابیر، دشواری‌های ویژه خود را دارند. توان بیش‌تری را می‌توان با به کارگیری آنتن راداری بزرگتر و فرستنده‌ای نیرومندتر به دست آورد؛ اما این کار اندازه، وزن و بهای رادار را افزایش و تحرک پذیری آن را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر با افزایش حساسیت گیرنده رادار، خروجی آن، امواج پس زمینه‌ای و اهداف دروغین بیش‌تری را در بر خواهد گرفت و به این ترتیب، بار بسیاری روی سخت افزارهای پردازش وارد می‌آید. پیش از یافتن پاسخی برای مساله کشف اهدافی چون موشک‌های کروز، طراحان رادار تلاش می‌کنند، روش‌های نوینی در راه‌اندازی و به کارگیری سامان‌های راداری بیابند. برای نمونه، کاوش سریع رادارهای مرکب کاونده الکترونیکی این امکان را فراهم می‌آورد که رادار، علائم ضعیفی را که نشان دهنده یک هدف آشکار نیست، علامت گذاری کند و پس از تکمیل کاوش، خود به بازنگری این علائم به‌پردازد. این تدبیری است که شرکت اریکسون مایکروویو سیستمز روی رادارهای سه بعدی چند پرتویی چابک (AMB) جیراف (زرافه) و سی جیراف خود به کار گرفته است. (شکل ۶) هنگامی که جیراف به همراه سامانه موشکی سطح به هوای RBS23 بامزی به کار می‌رود، از یک برنامه ردگیری اولویت‌دار بر ضد هدف‌های دشوار سود می‌جوید و می‌تواند یک هدف ۰/۱ مترمربعی را در حدود یک سوم برد معمولی یک رادار کشف نماید. (حیدری، ۱۳۸۵،

ص ۱۰۴)



شکل ۸ - نمونه رادارهای سه بعدی چند پرتویی چابک (AMB)

رادارهای بسامدهای پایین‌تر

یکی از راه‌های کاهش آثار فن‌آوری پنهان‌کاری در تهدیدهای موشک‌کروز تمام‌هاوک، به کارگیری رادارهایی است که در بسامدهای VHF و UHF کار می‌کنند. بیشتر رادارهای نظارت مراقبت دوربرد ساخت کشورهای غربی در باند (۱ تا ۲ گیگاهرتز) و یا باند (2 تا ۴ گیگاهرتز) کار می‌کنند، اما روس‌ها بیشتر ترجیح داده‌اند، باند (۵/۰ تا ۱ گیگاهرتز) را به کار برند. چنین بسامدهای پایینی در برخی رادارهای نظارت و مراقبت چینی نیز به کار می‌رود. (مهدی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۱۱)

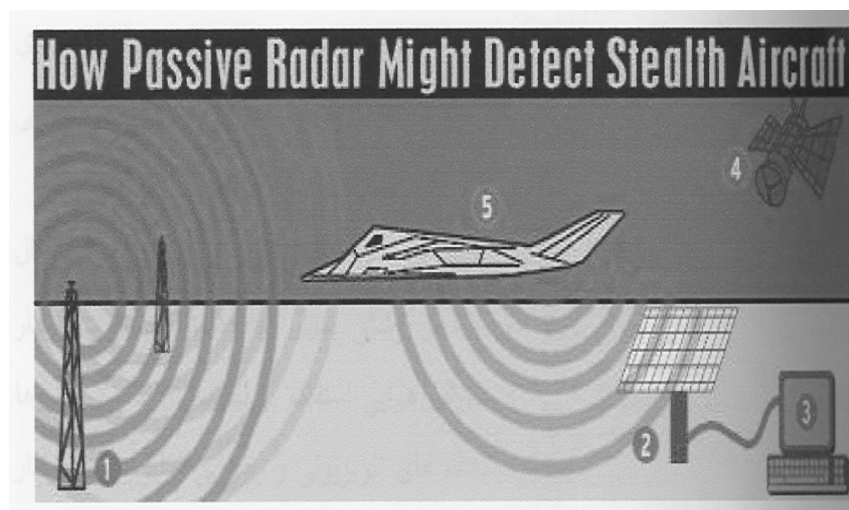
رادارهای غیرفعال

روش دیگری که جهت آشکارسازی و هشدار زودهنگام حملات کروز مورد استفاده قرار می‌گیرد، رادارهای غیرفعال می‌باشند. این رادارها سیگنال‌های ساطع شده از اهداف و سیستم‌های مخابراتی و تلویزیونی و یا سایر رادارهای موجود در منطقه را دریافت نموده، و از آنها جهت شناسایی و آشکارسازی کروز استفاده می‌کنند. (شکل ۷) اصولاً سیستم رادارهای غیرفعال را به بخش‌های مونواستاتیک، و مالتی استاتیک تقسیم می‌نمایند. در سیستم‌های مونواستاتیک هیچ گونه فرستندگی وجود ندارد و تشعشعات ساطع شده از هدف مورد استفاده قرار گرفته و مشخصات آن استخراج می‌گردد. در واقع سیستم رادار مونواستاتیک یک گیرنده‌ای است که سیگنال‌های ارسالی از طرف هدف را شنود می‌کند. امروزه بیشتر طرح‌های راداری به سوی رادارهای پسیو ختم می‌شود و هر روز نیز به متقاضیان این نوع رادارها افزوده می‌شود. عمده دلایل آن هم عدم شناسایی توسط دشمن و جلوگیری از انهدام و کور شدن رادار می‌باشد. با توجه به اهمیت و کاربری که انواع رادارهای غیرفعال به‌ویژه رادار بای استاتیک در آشکار-سازی کروز دارند (بهارلو، ۱۳۸۵، ص ۹۱)

پرسی و شناخت روش‌های کشف و مقابله با موشک راهبردی کروز تام هاوک



شکل ۹ - رادار غیر فعال تلویزیونی با برد ۲۴۰ کیلومتر وزاویه پوشش سمت ۶۰ درجه و ارتفاع ۵۰ درجه



شکل ۱۰ - شمایی از آشکار سازی اهداف نامرئی از جمله هواپیمای استیلث توسط رادارهای غیر فعال بای استاتیک، که منبع تولید سیگنال در این شکل، فرستنده تلویزیونی و منابع محلی است.

رادارهای بای استاتیک

در حال حاضر اکثر رادارهای مرسوم از نوع رادارهای فعال می‌باشد. در این گونه

رادارها با ارسال یک موج یا سیگنال و اندازه‌گیری مشخصات گوناگون سیگنال منعکس شده، کار آشکارسازی و ردیابی هدف انجام می‌شود. در مقابل، رادارهای غیرفعال وجود دارد که با بهره‌گیری از سیگنال‌های راداری دیگر، فرستنده‌های در دسترس، (فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی و یا فرستنده خود سیستم که در فاصله دورتری از گیرنده راداری قرار دارد و انعکاس آنها از روی اهداف، صورت می‌گیرد). اقدام به آشکارسازی و ردیابی اهداف می‌کند. در صورتی که رادار از فرستنده‌های دیگر استفاده کند، دارای هیچ گونه سیگنال ارسالی نیست لذا به صورت غیرفعال کار می‌کند. رادارهای غیرفعال دارای مزیت مخفی شدن از دست‌رسی تجهیزات شنود راداری و موشک‌های ضد تشعشع راداری هستند که، آنها را برای کاربردهای نظامی متمایز ساخته است. یکی از مشکلات این رادارها آشکارسازی سیگنال‌هایی است که مورد نظر نیستند. عملکرد رادارهای غیرفعال بر شناسایی و آنالیز سیگنال‌های راداری دریافت شده و تعیین محل و کلاسه کردن منابع سیگنال است که از نیازمندی‌های ضروری برای آگاهی از وضعیت اطراف محسوب می‌گردد. (شکل ۶) رادار بای استاتیک نمی‌تواند محل ایستگاه گیرنده رادار را تعیین کند چون گیرنده دارای هیچ تشعشعی نیست و ممکن است قادر به تعیین منبع سیگنال‌های ارسالی مرتبط با سیستم هم نباشد. در رادارهای بای استاتیک می‌توان از چندین گیرنده برای انجام مکان‌یابی استفاده کرد، بدین ترتیب که گیرنده‌ها با استفاده از سیستم موقعیت‌یاب جهانی GPS سنکرون می‌گردد و اطلاعات هدف را به‌طور همزمان دریافت می‌کند، این اطلاعات در یک مرکز پردازش و موقعیت هدف مشخص می‌شود. گیرنده رادار بای استاتیک، پسیو و دارای بیم وسیع می‌باشد و فرستنده آن می‌تواند از نوع داپلر اسکن کننده سریع، موج پیوسته، فرستنده‌های تلویزیونی، رادیویی FM و راداری دیگر به‌عنوان منبع سیگنال استفاده کند. (سهرابی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲)

کشف الکترواپتیکی

روش‌هایی همانند حائل قرار گرفتن مستقیم، خنک‌سازی فعال و روش‌های غیر فعال سطحی شامل رنگ‌آمیزی و پوشش‌های ویژه، از علایم فرسرخ هواپیما و موشک‌های پنهان‌کار می‌کاهد؛ اما نه به اندازه‌ای که علایم رادیویی کاهش داده شده‌اند.

بنابراین ردگیری علایم فروسرخ می تواند روشی کارآمد در کشف تهدیدها باشد. هدف بلندمدت مهندسان فناری پنهان کاری، باید کاستن از احتمال کشف شدن در باندهای ۳ تا ۵ و ۸ تا ۱۲ میکرون باشد، تا جایی که بتوان حس گرهای فروسرخ را، از دیدگاه برد کشف، به همان اندازه همتایان بسامد رادیویی خود کم اثر نمود. اما ممکن است تا دست یابی به این امر، حس گرهای فروسرخ و دیگر حس گرهای الکترواپتیکی ثابت کنند که حس گرهای ضد پنهان کاری کوتاه برد از توانایی چشم گیری به ویژه بر ضد تهدیدهای موشکی برخوردارند. با توجه به اینکه هواپیماهای گران بهای پنهان کار اغلب بالاتر از برد رزمی نهایی سامانه‌های پدافند محلی پرواز می کنند و با بهره گیری از جنگ افزارهای هدایت شونده، همانند بمب‌های هدایت لیزری، یا موشک‌های دور ایستا و کروز، اهداف مورد نظر خود را از بین می برند، ممکن است کام یابی این گونه سامانه در برابر هواپیماهای سرنشین دار محدود گردد. افزون بر علایم فروسرخ، اتکا به طیف مرئی نیز یکی از روش‌های خوب در ردگیری اهدافی چون موشک‌های کروز به شمار می آید. (همان، ص ۱۲۲)

لایدها

توانایی یک رادار لیزری (لایدار) در کشف هیدروکربن‌های موجود در جو می تواند تدبیری در راستای کشف اهدافی چون موشک کروز شود از آنجا که غلظت هیدروکربن‌ها در اطراف دهانه خروجی یک موتور جت بیش از ۱۰۰ برابر غلظت هیدرو کربن‌ها در جو معمولی است و از آنجایی که موشک کروز در پرواز سینه مال نیروی رانش بالایی به کار می گیرد و مقادیر زیادی گاز خروجی تولید می کنند یک لایدار مأمور نظارت و مراقبت از صحنه نبرد می تواند موشک کروز را کشف نماید.

شناسایی بصری

یکی دیگر از اقدامات شناسایی موشک‌های کروز ایجاد شبکه یک پارچه دیدبانی و ارتباطی بین خطوط مقدم و مراکز فرماندهی و کنترل پدافند هوایی می باشد. به منظور دست یابی به این توانمندی، ابتدا کلیه مسیرهای نفوذ احتمالی موشک‌های کروز بایستی شناسایی شده و به وسیله نیروهای آموزش دیده و مجهز به امکانات ارتباطی صوت و

دیتا پوشش داده شود. دیدبان‌ها بایستی علاوه بر شبکه مطمئن ارتباطی، به تجهیزات مدرن اپتیکی و الکترواپتیکی مجهز باشند. تا اطلاعات کسب شده قابل استفاده توسط ایستگاه‌های فرماندهی و کنترل بوده و هدایت آتش مناسبی علیه اهداف نفوذی صورت گیرد. (هم‌پوشانی کامل بین دیدبان‌های بصری به موفقیت طرح کمک شایانی خواهد کرد.)

بخش سوم: روش‌های مقابله با موشک‌کروز

بررسی انواع روش‌های مقابله با موشک

مقابله با موشک‌کروز و بررسی روش‌های که بتوان با استفاده از آن موشک‌کروز مهاجم را نابود کرده و یا از کار انداخت برای ایجاد یک سامانه پدافندی حیاتی است. به‌طور کلی روش‌های که با استفاده از آن بتوان با موشک‌کروز مقابله کرد به دو روش: سخت (موشک تحت‌عنوان پرنده مهاجم مورد حمله قرار می‌گیرد. و روش نرم (موشک تحت‌عنوان یک سامانه الکترونیکی، هدف اختلالات راداری قرار می‌گیرد).

روش‌های سخت

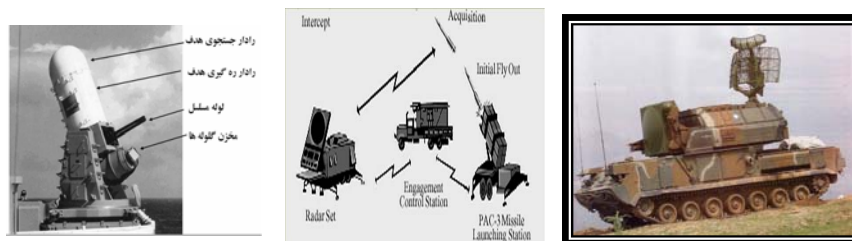
نخستین راهی که برای مقابله با موشک‌کروز به نظر می‌رسد نابودسازی آن با استفاده از تسلیحات معمولی چون توپخانه ضدهوایی و یا مسلسل‌های با کالیبر زیاد است. چنین تسلیحاتی باید بتواند به‌طور خودکار هدف را جستجو و شناسایی و تعقیب کنند و در موقعیت مناسب با گشودن آتش به سمت آن موشک را به صورت کامل منهدم کنند. درعین حال باید بتوانند پرنده مهاجم را از پرنده خودی تشخیص دهند. با شروع مرحله نابودسازی پرنده مهاجم مسلسل چرخان این اسلحه در هر دقیقه بین ۳۰۰۰ تا ۴۵۰۰ گلوله ۲۰ میلیمتری حاوی تنگستن و یا اورانیوم ضعیف شده به سمت پرنده شلیک کرده و تا نابودی کامل هدف شلیک را ادامه می‌دهد.

برای مقابله با موشک‌های کروز هم‌چنین می‌توان از موشک‌های پدافندی نیز استفاده کرد. تفنگ ۲۰ میلی‌متری ام کا ۱۵ فالاکس و اجزای آن در سال ۱۹۹۶ یک موشک‌کروز را با استفاده از سامانه موشکی زمین به هوای پاتریوت متصل به آن مورد اصابت قرار داد، که حاکی از امکان استفاده از موشک‌های زمین به هوای تاکتیکی بر

پرسی و شناخت روش‌های کشف و مقابله با موشک راهبردی کروز تام هاوک

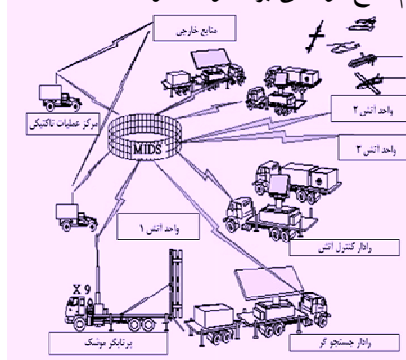
علیه موشک‌های کروز مهاجم بود. موشک پاتریوت یک موشک زمین به هوای قدرتمند ساخت امریکا است که تاکنون در سه نسخه مختلف ساخته شده است.

آخرین نسخه آن با سه مایخ سرعت دارای ۱۵ کیلومتر برد است و می‌تواند با استفاده از فیوزهای مجاورتی و یا ضربه‌ای هدف را نابود کند. در آخرین ویرایش این موشک با توانایی‌های پیشرفته از فناوری جدید همانند، سر راداری پیشرفته و بدنه کامپوزیتی استفاده شده است. افزون بر پاتریوت به‌طور مشخص می‌توان به سامانه موشکی تورام یک اشاره کرد که توانایی درگیری با این موشک را دارد. (شکل ۲-۷)



الف: سیستم ارتفاع متوسط تورام یک ب: سیستم ضد موشک پاتریوت ج: تمنگ ۲۰ میلیمتری ام-۱۵۳ فالاکس و اجزای آن

شکل ۱۱ - سیستم دفاع موشکی برد متوسط توسعه داده شده MEADS^۱



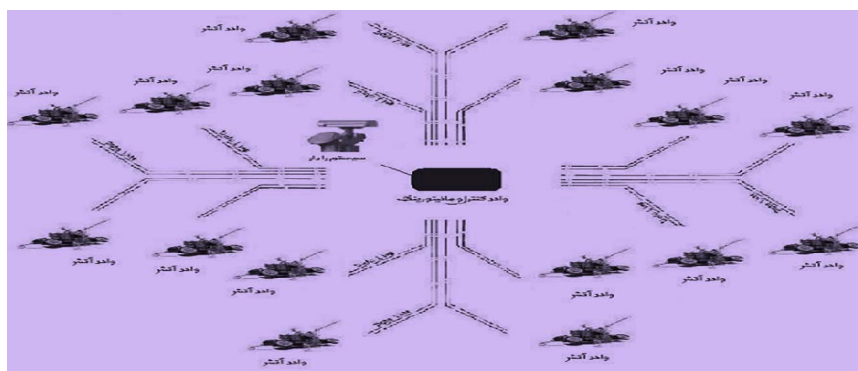
شکل ۱۲ - سیستم دفاع موشکی برد متوسط توسعه داده شده

1 - Medium extended Air Defense system



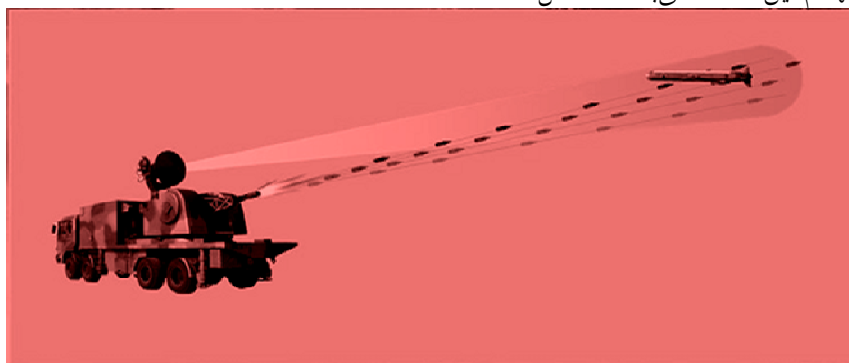
شکل ۱۳ - آتشبار چرخان ۳۵ میلی متری با نواخت تیر بالا

اورلیکن کانتر اوس در سامانه اسکای شیلد ترکیبی از آتشبار چرخان ۳۵ میلی متری با نواخت تیر بالا، یک ژرتابگر موشک اداتس و یک واحد حسگر را گنجانده است. واحد حسگر برای ردگیری دقیق هدف داده‌های به دست آمده از ردگیری راداری، دوربین دید در شب و تلویزیونی را با هم ترکیب می‌کند. (شکل ۱۱)



آرایش سیستم توپ‌های ضد هوایی ۲۳ میلیمتری علیه موشک کروز: (شکل ۱۴)

سامانه *CIWS* سیستم ارتفاع پایین درمقابله با کروز: این سامانه روی یک خودروی جنگی متحرک نصب و دارای سیستم راداری و الکترواپتیکی، لیزری شناسایی، ردگیری هدف و قسمت سلاح و کنترل آتش می‌باشد. این سامانه ساخت کشور چین می‌باشد، با ایجاد یک دیواره و خط آتش درمسیر هدف موجب انهدام آن می‌گردد. انواع پرنده‌های بدون سرنشین، بالگردها و موشک‌های کروز جزء اهداف قابل شناسایی و انهدام این سامانه می‌باشد. (شکل ۱۴)



شکل ۱۵ - سامانه *CIWS* سیستم ارتفاع پایین در مقابله با کروز

روش‌های نرم

روش دیگری که برای مقابله با موشک‌های کروز مورد استفاده قرار می‌گیرد بیشتر مبتنی بر عدم درگیری فیزیکی با موشک کروز و گمراه کردن و یا اختلال در نحوه کارکرد (سیستم هدایت) آن است.

جنگ الکترونیک

بیشتر موشک‌های کروز از سامانه موقعیت‌یابی جهانی برای ناوبری استفاده می‌کند. می‌توان از همین مشخصه برای گمراه کردن موشک کروز استفاده کرد و با ایجاد اختلال در امواجی که از طریق ماهواره‌ها صادر می‌شود موشک را گمراه کرد و یا به آن آدرس غلط داد. ماهواره‌های جی پی اس سیگنال‌های خود را در دو باند ماکروویو و یا

فرکانس‌های باندهای L ارسال می‌کنند. به دو طریق می‌توان در این سیگنال‌ها ایجاد اختلال کرد.

الف: از طریق اختلال‌گرهای باندهای پهن: که بدون توجه به محتوای اطلاعات بر روی اطلاعات ارسالی پارازیت ایجاد می‌کند و به آنها اختلال‌گرهای غیر هوشمند گویند.
ب: با توجه به سیگنالی که به گیرنده ارسال می‌شود موقعیت نادرستی را به گیرنده اعمال می‌نماید. در این روش گیرنده اطلاعات هیچ خطا و پارازیتی در سیستم مشاهده نمی‌کند. ولی موقعیتی که به آن داده شده غلط بوده و باعث عدم موفقیت در مأموریت آن می‌شود. (محرابیان، ۱۳۸۵، ص ۱۵)

ج: جمینگ سیستم موقعیت یابی جهانی GPS: بیشتر موشک‌های کروز از سیستم موقعیت یابی جهانی GPS برای ناوبری استفاده می‌کنند. می‌توان از همین مشخصه برای گمراه کردن موشک استفاده کرد، و با ایجاد اختلال در امواجی که از ماهواره‌ها صادر می‌شود موشک را گمراه کرد و یا به موشک موقعیت غلط داد. ماهواره‌های GPS سیگنال‌های خود را در دو کانال ماکروویو و یا فرکانس‌های باندهای L ارسال می‌کنند. این باندهای فرکانسی دو نوع کد ارسال می‌کنند که به دو طریق می‌توان در سیگنال‌های ارسالی از ماهواره GPS اختلال ایجاد کرد. یکی از طریق جمرهای باندهای عریض که بدون توجه به محتوای اطلاعات، بر روی اطلاعات ارسالی پارازیت ایجاد می‌کنند و به آنها جمرهای غیر هوشمند گفته می‌شود و دیگری با توجه به سیگنالی که به گیرنده ارسال می‌شود، موقعیت نادرستی را به گیرنده ارسال می‌کنند. در این حالت گیرنده اطلاعات، هیچ خطا و پارازیتی در سیستم مشاهده نمی‌کند. ولی موقعیتی که به آن داده شده غلط بوده و باعث عدم موفقیت در مأموریت آن می‌شود.

ابزارهایی که به عنوان منابع تولید سیگنال خطا برای جمینگ استفاده می‌شوند، می‌توانند به صورت ادوات پرنده بر روی بالن به صورت معلق در هوا و یا به صورت ایستگاه‌های زمینی و قابل برنامه‌ریزی استفاده شوند. به دلیل ضعف سیگنال‌های GPS یک جمر با توانی در حد ۱ وات به راحتی می‌تواند در محدوده‌ای به شعاع ۱ کیلومتر در سیگنال‌های ماهواره اختلال ایجاد کند. با افزایش توان این جمرها می‌توان فضای بیشتری را تحت پوشش قرار داد. (شکل ۱-۳-۷) نمونه یک جمر GPS با توان ۱ میلی آمپر را نشان می‌دهد. (با توجه به ابعاد ابزارهای ایجاد اختلال در امواج GPS و

هم‌چنین توان مصرفی کم آنها می‌تواند از این ابزارها به صورت متصل به بالن و شناور در هوا نیز استفاده کرد. (موحدی‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۹)

ایجاد اختلال بر روی رادارهای ارتفاع سنج سیستم TERCOM

موشک‌های دارای سیستم TERCOM از دو نوع آلتی‌متر راداری و بارومتري استفاده می‌کنند. ارتفاع‌سنج رادیویی ارتفاع موشک تا عوارض زمین را محاسبه کرده، و ارتفاع سنج بارومتري ارتفاع از سطح دریا را به دست می‌آورد. بدین ترتیب با کم کردن ارتفاع موشک تا عوارض زمین از ارتفاع موشک تا سطح دریا، ارتفاع عوارض زمین که در زیر موشک هستند به دست می‌آید. کامپیوتر ناوبری نقشه مرجع دیجیتال با مقادیر ارتفاع عوارض زمین به عنوان تابعی از طول و عرض جغرافیایی را در حافظه دارد. ارتفاع عوارض زمین اندازه‌گیری شده با نقشه مرجع مقایسه شده و تطبیق بین موقعیت‌ها در نقشه تعیین می‌شود و کیفیت نتیجه به مقدار تغییرات ارتفاع عوارض زمین بستگی دارد. ایجاد اختلال پارازیتی و اختلال فریبنده موجب از بین رفتن اطلاعات ارتفاع و زاویه موشک شده و باعث انحراف آن از سمت اصلی هدف می‌گردد. کارایی این امر مستلزم طراحی فرستنده‌های پارازیت پر قدرت بوده و شناسایی دقیق مسیرهای پرواز موشک‌های کروز و استقرار تعداد مناسب این اختلال‌گرها نیز ضروری است.

بمب‌های الکترومغناطیسی EMP

تئوری اصلی بمب الکترومغناطیسی در سال ۱۹۲۵ توسط فیزیکدان برجسته کامپتون^۱ مطرح شده بود البته در آن زمان هدف ساختن چنین جنگ‌افزاری نبود در اصل سازندگان بمب الکترومغناطیسی از تئوری کامپتون الهام گرفته بودند. از جمله سامانه‌های عملیات پدافند هوایی که از این تئوری در آنها استفاده شده و یا امکان بکارگیری آن وجود دارد می‌توان: موشک هدایت شونده AIM-120، موشک Mim-140،

1 - H.Compton

پاتریوت RIM-67, RIM-66E/M و SV55/48 را نام برد. به‌طور کلی به‌دلیل اینکه تجهیزات الکترونیکی و الکتریکی در معرض امواج و میداین الکترومغناطیسی تأثیرات و زمان‌های برگشت‌ناپذیری را متحمل خواهد شد. لذا ایجاد یک میدان مغناطیسی مناسب به‌صورت لحظه‌ای در حوزه پرواز یک موشک (دارای سیستم هدایت و کنترل پروازی) از جمله موشک کروز باعث انحراف، اختلال و یا انهدام کامل آن خواهد شد.

اقدامات پدافند غیر عامل

با توجه به انجام کلیه اقدامات آفندی و پدافندی عامل (سخت و نرم) که به‌منظور مقابله با این موشک بیان شد، به‌دلیل اختلاف سطح تکنولوژی نظامی امریکا با امکانات آفندی و پدافندی موجود، استفاده از تدابیر و اصول اولیه پدافند غیر عامل می‌تواند یکی از موثرترین راه‌ها برای حفظ توان و جلوگیری از نابودی زیر ساخت‌ها و مراکز حساس و حیاتی کشور باشد. بدین منظور پاره‌ای از اقدامات پدافند غیر عامل شامل الف: استتار و اختفاء ب: پوشش ج: پراکندگی د: تفرقه و جابه‌جایی ه: فریب و: مستحکم سازی اهداف ز: مکان‌یابی ح: جابه‌جایی اهداف فرضی که براساس نقاط ضعف و قوت موشک کروز قابل طراحی و اجرا می‌باشند می‌توانند هر یک عوامل موافقی در جهت حفظ تجهیزات و تأسیسات زیربنایی در برابر تهاجم این سلاح مخرب گردد.

تجزیه و تحلیل

سؤال ۱ صلی: مهمترین عوامل طرح‌ریزی، راه‌های مقابله و کشف موشک کروز نام

هاوک کدامند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت هر کشوری برای حفاظت از خود و جلوگیری از جنگ‌های ناخواسته، نیازمند پیشبرد و توسعه تأسیسات و تجهیزات نظامی خود می‌باشد. لذا با توجه به مطالعات صورت گرفته در این راستا کشورها از هم‌دیگر گوی سبقت ر بوده‌اند، جهت نیل به این هدف:

الف: ضرورت کشف موشک کروز تام هاوک با راه‌اندازی تجهیز شبکه راداری به سیستم‌های راداری فعال و غیرفعال با قابلیت کشف و ره‌گیری اهدافی با سطح مقطع کم

و ارتفاع پرواز پایین، ایجاد شبکه دیده بانی بصری در چند لایه، قابلیت کشف و ردگیری این موشک را امکان‌پذیر می‌نماید.

ب: با توجه به تنوع سامانه‌های پرتاب موشک‌های کروز که در زمین، هوا و دریا مستقر می‌باشند، اقدام برای مقابله با موشک‌کروز و نابودسازی آن با استفاده از تسلیحات پدافندی زمین به‌هوا همچون سامانه ضد موشک پاتریوت، توپخانه ضدهوایی ۳۵ و ۲۳ میلی‌متری اپتیکی و یا مسلسل‌های با کالیبر زیاد. چنین تسلیحاتی می‌توانند هدف را جستجو و شناسایی و تعقیب کنند و در موقعیت مناسب با گشودن آتش به سمت آن موشک را به صورت کامل منهدم نمایند.

سؤالات فرعی

به نظرمی‌رسد امکان کشف و ردگیری موشک کروز توسط سیستم‌های راداری و اعلام خبر وجود دارد.

ردگیری تهدیدهایی با سطح مقطع راداری کم، که این موشک نیز از این نوع سیستم‌ها می‌باشد، نیازمند تاباندن انرژی بیشتر روی هدف و داشتن گیرنده حساس تری برای کشف انرژی برگشتی از هدف می‌باشد. ولی هر دوی این تدابیر، دشواری‌های ویژه خود را دارند. توان بیش‌تری را می‌توان با به کارگیری آنتن راداری بزرگ‌تر و فرستنده‌ای نیرومندتر به دست آورد؛ اما این کار اندازه، وزن و بهای رادار را افزایش و تحرک‌پذیری آن را کاهش می‌دهد. بهترین روش برای آشکارسازی و کشف این‌گونه اهداف استفاده از: ۱- انواع رادارهایی با فرکانس پایین ۲- رادارهای مونواستاتیک و یا مالنی استاتیک ۳- رادارهای سه بعدی چند پرتویی چابک (AMB) ۴- رادارهای بسامدهای پایین‌تر ۵- رادارهای غیرفعال ۶- رادارهای بای‌استاتیک ۷- کشف الکترواپتیکی ۸- لایدارها ۹- شناسایی بصری که هر کدام می‌توانند در جهت کشف، شناسایی و ردگیری موشک‌کروز موثر واقع گردند.

به‌نظرمی‌رسد تجهیزات جنگ الکترونیک امکان منحرف نمودن و انهدام موشک کروز را دارند. موشک کروز به‌دلیل برد بسیار زیاد و حرکت در ارتفاع پایین، وابستگی بسیار زیادی به سیستم‌های هدایت و کنترل راداری و ماهواره‌ای دارد. این قابلیت‌ها اگرچه بسیار مفید هستند. ولی امکان طرح‌ریزی جنگ الکترونیک را نیز برای کشورهای

متخصص فراهم می‌کند. سیستم هدایت GPS، با توجه به استفاده از امواج ماهواره‌ای به راحتی در معرض جنگ الکترونیک واقع می‌گردد. و همان‌گونه که در بخش‌های قبلی ذکر شد یک دستگاه جمر GPS می‌تواند منطقه‌ای به وسعت چندین کیلومتر را پوشش دهد. لذا می‌توان با تعبیه تعدادی از این جمرها در اطراف مناطق حساس و حیاتی، امکان هدف‌گیری دقیق را از موشک‌های کروز سلب کرد. هم‌چنین سیستم هدایت TERCOM، به دلیل استفاده از رادار ارتفاع‌یاب برای اندازه‌گیری فاصله موشک از سطح زمین و مقایسه آن با خروجی ارتفاع‌سنج بارومتری و در نتیجه یافتن ارتفاع عوارض طبیعی مسیر پرواز، در معرض جنگ الکترونیک قرار دارد. با اختلال در امواج دریافتی این سیستم می‌توان موجب گمراهی موشک از مسیر پرواز اصلی گردید. به نظر می‌رسد پدافند غیرعامل امکان جلوگیری و یا تقلیل آثار سوء حملات موشکی کروز را دارد.

این موشک علی‌رغم قابلیت‌هایی فراوانی که دارد، دارای نقاط ضعف قابل ملاحظه‌ای نیز می‌باشد. این نقاط ضعف در سیستم‌های هدایت و کنترل فاز نهایی، که وابسته به شناسایی اپتیکی محیط بوده در صورت شرایط بد محیطی با مشکلات شناسایی هدف مواجه می‌گردند. و هم‌چنین سرجنگی‌های مورد استفاده در این موشک به دلیل لزوم کوچکی حجم جهت افزایش برد موشک، از توان کافی برای انهدام اهداف مستحکم برخوردار نمی‌باشد، فلذا با ایجاد شرایط بد محیطی از لحاظ توانایی رؤیت در نزدیکی اهداف حیاتی در مواقع لزوم، در شناسایی این اهداف توسط سیستم‌های هدف‌یاب موشک کروز ایجاد اختلال کرد. هم‌چنین در صورت مستحکم سازی اماکن حساس ایمنی لازم در برابر این سرجنگی‌ها ایجاد می‌گردد. هم‌چنین با پراکنده‌سازی اهداف حساس، امکان مورد اصابت قرار گرفتن آنها را توسط موشک کروز کاهش داده و یا هزینه انهدام این اهداف را برای دشمن به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که شرح داده شد موشک کروز تام‌هاوک دارای توانمندی فوق‌العاده بالایی در سیستم هدایت از انواع مختلف ناوبری می‌باشد. و این ویژگی منحصر به فرد، به موشک این امکان را داده است تا در جریان پرواز در ارتفاع پایین با سرعت بالا،

امکان شناسایی و رهگیری آن از طریق سیستم‌های راداری تا حدود زیادی کاهش یابد، لذا: **گام نخست** در جهت مقابله با این سلاح هوشمند بحث آشکارسازی و شناسایی آن می‌باشد که روش‌های مختلفی جهت شناسایی و کشف آن تاکنون مورد بررسی، آزمایش و تست قرار گرفته است که از جمله بهترین آنها به کارگیری:

۱ - رادارهای فرکانس پایین (VHF) که دارای گیرنده بسیار قوی به دلیل بروز پدیده رزنانس اکوهای برگشتی^۱ از هدف را خوب دریافت کرده و سبب افزایش (RES) سطح مقطع راداری می‌شود.

۲ - رادارهای پسیو یا غیرفعال بای استاتیک^۲ که از قابلیت بسیار برجسته‌ای به علت شکل خاص هندسی خود برخوردارند و در جهت آشکارسازی اهداف نامرئی با افزایش انرژی دریافتی چندین برابر از هدف، باعث افزایش سطح مقطع راداری شده و در نهایت در شناسایی هدف موثرند.

گام دوم: برای مقابله و انهدام موشک کروز تام هاوک استفاده از روش‌های پدافندی عامل سخت و نرم و همچنین به کارگیری اصول صحیح اقدامات پدافند غیر عامل می‌باشد. بنا براین در روش‌های پدافند عامل به شیوه سخت می‌توان از سیستم‌های آتشبار توپخانه‌ای ارتفاع پست با حجم آتش انبوه با استفاده از سیستم لینک شده راداری در مسیرهای احتمالی پرواز موشک قرار داد، هم‌چنین به کارگیری موشک-های دوش پرتاب از انواع مختلف با سیستم هدایت مادون قرمز و سایر تجهیزات پیشرفته پدافند موشکی ارتفاع متوسط همانند تورام یک بهره جست. و در روش‌های پدافند عامل به شیوه نرم و با استفاده از (ECCM) و ایجاد اختلال در سیستم (GPS) موشک سبب انحراف آن از مسیر اصلی می‌گردد.

گام سوم: به کارگیری اقدامات پدافند غیرعامل از قبیل استتار، اختفاء، فریب، پوشش، جابه‌جایی و پراکندگی استحکامات و ... در جهت حفظ و کاهش میزان خسارات وارده می‌تواند موثر واقع شوند.

1 - BACK SEATLER

2 - RADAR BUY STATIC PASSIVE

منابع و ماخذ

- ۱- احمدی جعفری، مهدی (۱۳۹۰). بررسی راه‌های مقابله با موشک‌های کروز آمریکایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم دفاعی
- ۲- اسماعیلی، عیسی (۱۳۸۴). سیستم‌های کنترل آتش توپ‌های ضد هوایی، تهران: پژوهشکده یزدانی
- ۳- برومند پناه، حمید (۱۳۸۵). موشک کروز و چگونگی مقابله با آن، تهران: پژوهشکده شهید یزدانی
- ۴- بهار لو، مهدی (۱۳۸۵). روش‌های کشف و مقابله با موشک کروز، تهران: پژوهشکده شهید یزدانی
- ۵- حاجی‌علی، محمدتقی (۱۳۸۵). موشک کروز و چگونگی مقابله با آن، تهران: پژوهشکده یزدانی
- ۶- خزائی، علیرضا (۱۳۸۶). شبیه‌سازی درگیری موشک دوش پرتاب با موشک کروز: تهران: پژوهشکده شهید یزدانی
- ۷- زینی زاده، جعفر (۱۳۸۸). بررسی کاربرد موشک‌های کروز در جنگ‌های اخیر، تهران: دانشکده علوم دفاعی
- ۸- سهرابی ملایوسف، امیر (۱۳۸۵). روش‌های شناسایی و مقابله با کروز تهران: دانشکده علوم دفاعی، همایش تخصصی کروز
- ۹- صفری نژادیان، بهروزیان (۱۳۸۵). موقعیت سنجی در موشک کروز براساس تصویربرداری سه بعدی
- ۱۰- عباسی آرند، بیژن (۱۳۸۵). بررسی سیستم‌های آفندی نیروهای مهاجم تهران: پژوهشکده شهید یزدانی همایش تخصصی کروز
- ۱۱- قنبر حیدری، محسن (۱۳۸۵). نقش رادارهای بای استاتیک در آشکارسازی موشک‌های کروز، تهران: پژوهشکده شهید یزدانی
- ۱۲- محرابیان، مجید (۱۳۸۵). روش‌های شناسایی و مقابله با موشک کروز تهران: پژوهشکده شهید یزدانی همایش تخصصی کروز
- ۱۳- موحدی نیا، جعفر (۱۳۸۳). دفاع غیر عامل، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی دانشکده دفاعی
- ۱۴- مهدی پور، مجید (۱۳۸۴). رادارهای بای استاتیک، ویژه نامه مرآت-اداره مخابرات-س م سپاه، ۱۱
- 15- Survey of Russian guided air-to-ground and anti-ship missiles bypiotr Butowski, NOWA-tEKHnika WOJSKOWA March 1995 No3, pp 15-19
- 16- Survey of Russian guided air-to-ground and anti-ship missiles bypiotr Butowski, NOWA-tEKHnika WOJSKOWA March 1995 No3, pp 15-19

بررسی ابعاد جنگ اطلاعات در عصر اطلاعات

اسماعیل خان احمدی^۱

احسان کبیریان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۷

چکیده

این تحقیق متأثر از نقش اطلاعات در عرصه‌های مختلف جنگ سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، پیچیدگی شرایط، فراوانی متغیرها، تنوع تهدیدات، وجود چالش‌های (فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و داخلی)، تعدد بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، و نقش اطلاعات به همراه عوامل فوق در تدوین راهبردهای دفاع همه جانبه می‌باشد. این نوشتار بر آن است ابعاد جنگ اطلاعات را با مطالعات اکتشافی مبتنی بر الگوی علمی ارائه شده در مکاتب دفاعی عصر حاضر از منابع احصاء نماید. این متن که نتیجه یک طرح پژوهشی است؛ از حیث هدف، تحقیقی کاربردی؛ از حیث سطح تحلیل، برخوردار از ماهیتی توصیفی-استنتاجی و از حیث رویکرد و طبقه‌بندی روش متکی به روش کتابخانه‌ای است. داده‌های مورد نیاز از راه مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش گردآوری شده است. در فرایند تحقیق در نظر است به سؤال اصلی تحقیق که عبارت است از: جنگ اطلاعات در عصر اطلاعات برخوردار از چه ابعادی است؟ پاسخی مستدل ارائه شود؛ در راستای جمع‌آوری اطلاعات پیرامون سؤال اصلی پنج سؤال فرعی زیر ۱- جنگ اطلاعات از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ ۲- جنگ اطلاعات برای تحقق چه اهدافی طرح ریزی و اجراء می‌گردد؟ ۳- جنگ اطلاعات در راستای تحقق اهداف در عصر اطلاعات از چه ابزاری استفاده می‌نماید؟ ۴- جنگ اطلاعات در چه سطوحی طرح‌ریزی و اجراء می‌گردد؟ ۵- صحنه جنگ اطلاعات شامل چه عملیات‌هایی می‌باشد؟ طرح گردید.

۱ - دانش‌جوی دوره دکتری دانشگاه دفاع ملی

۲ - دانش‌آموخته رشته کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک دانشکده و پژوهشکده دفاعی

کلید واژه‌ها: جنگ اطلاعات، عصر اطلاعات، تهدیدات، راهبرد دفاع

مقدمه

بهره‌گیری از قابلیت‌های جنگ اطلاعاتی در نبردها و منازعات به عنوان یک ابزار کارآمد امر جدیدی نیست، و به نظر می‌رسد حتی با تاریخ جنگ و منازعات تطبیق داشته باشد؛ اما همانند حوزه‌های دیگر علوم بشری، شیوه‌ها و ابزار اطلاعاتی نیز در طول زمان سیر تطور و تحول را طی نموده است به طوری که امروزه نه تنها در جنگ‌ها و منازعات نقش اساسی دارد، بلکه در همه‌ی شئون و سطوح زندگی فردی و اجتماعی انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند، به هر میزان که بشر در تکنولوژی و فناوری دست‌آوردهایی را کسب، و آن‌ها در این حوزه به‌کارگیری کرد، نقش این مهم را در منازعات آشکارتر نمود. به صورتی که امروز برتری اطلاعاتی عامل اساسی برتری دهنده به طرف‌های منازعات به شمار می‌رود. سرعت و دقت فرماندهان و رهبران سیاسی در حوزه جنگ اطلاعات عامل مؤثر در تحمیل اراده و کسب موفقیت می‌باشد که این امر در اشرافیت اطلاعاتی طرفین متخاصم بروز و ظهور پیدا می‌کند؛ سان تزو ۳۲۰الی ۵۰۰ قبل از میلاد درخصوص این جنگ چنین می‌گوید: «اگر دشمن خود را بشناسید، نیاز به ترس از نتیجه یک‌صد جنگ هم ندارید، اگر خودتان را بشناسید اما دشمن را شناسید باید در هر پیروزی حاصل شده منتظر یک شکست باشید. اگر نه دشمن را بشناسید و نه خود را شما در هر جنگی از پا در خواهید آورد.» (احدی، ۱۳۸۸، ص ۵۴) این سخن سان تزو تبیین کننده نقش جنگ اطلاعاتی و سرعت قدرت و دقت در این شیوه جنگ می‌باشد. دین مبین اسلام که به سعادت انسان توجه خاص دارد به منظور جلوگیری از غافلگیر شدن نظام سیاسی اسلام بیش از سایر مکاتب بر این راهبرد تأکید می‌نماید؛ مبانی ارزشی نمونه‌هایی را در حوزه سرعت، دقت و قدرت جنگ اطلاعاتی مؤثر در تحقق اهداف الهی را به عنوان الگوی برای رهبران و فرماندهان نظام اسلامی تبیین نموده است که به چند مورد به صورت مختصر اشاره می‌شود. در آیات سوره نمل خداوند متعال این شیوه جنگ را چنین تبیین می‌کند: «فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطَّتْ بِمَا لَمْ تَحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبِيٍّ يَقِينٍ - إِيَّايَ وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ؛ پس درنگ کرد سلیمان (یا هدهد) زمانی نه دور (که هدهد

آمد) و گفت احاطه کردم از دانش به چیزی احاطه نکردی به آن و آورده‌ام برای تو از شهر سبا داستان درست البته من یافتم زنی (به نام بلقیس) که پادشاهی می‌کند مردم سبا را و داده شده به آن زن هر چیزی (که پادشاهان را بکار آید) و او را تختی بزرگ است. (قرآن کریم، سوره نمل، آیه ۲۲-۲۳) آیات دیگر این مصحف شریف دقت و قدرت را به عنوان فرایندی از جنگ اطلاعات چنین تبیین می‌فرماید: «...قَالَ سَتَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ: سلیمان گفت: «به زودی (در این سخن) در نگرم آیا راست گفتی یا از دروغگویانی» (قرآن کریم، سوره نمل، آیه ۲۷) در آیتی از سوره قصص نقش این جنگ را در خصوص خشی کردن هدف دشمنان در راستای ترور رهبران نظام سیاسی الهی چنین تبیین می‌کند: « وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيُقْتَلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ؛ و آمد مردی از دورترین نقطه شهر در حالی که شتاب می‌کرد (تا به موسی رسید) گفت: «ای موسی البته بزرگان قوم فرعون مشورت می‌کنند درباره تو تا بکشندت پس بیرون شو که من از نیک خواهانم.» (همان، سوره قصص، آیه ۲۰)

علاوه بر قرآن کریم روایات معصومین هم بر این امر تأکید می‌نمایند که به چند مورد اشاره می‌شود. حضرت علی (ع) در سال ۳۶ هجری در سرزمین ذی قار در فرازی از خطبه ۲۲ این جنگ را چنین توصیف می‌کنند: «أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حِزْبَهُ، وَ اسْتَجَلَبَ حَلْبَهُ، لِيَعُودَ الْجَوْرُ إِلَى أَوْطَانِهِ، وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَى نِصَابِهِ؛ آگاه باشید، که شیطان حزب خود را برانگیخته و سپاه خویش بسیج کرده، تا بار دیگر، ستم در جای خود مستقر گردد و باطل به جایگاه خود بازگردد ...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲، فراز ۵)

. در خطبه دیگر حضرت جنگ اطلاعاتی و نقش آن را در جلوگیری از غافل‌گیری را چنین تبیین می‌نمایند: «... أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ وَ إِنَّ بَصِيرَتِي لَمَعَى مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي؛ آگاه باشید که شیطان حزب خود را گردآورده و سواران و پیادگانش را بسیج کرده است. همان بصیرت دیرین هنوز هم با من است...» (همان، خطبه ۱۰، فراز ۱) حضرت در هشدار به قثم ابن عباس فرماندار مکه نسبت به شورش هواداران معاویه در این شهر این شاخص را چنین ابلاغ می‌نمایند: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ عَيْنِي بِالْمَعْرَبِ كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي أَنَّهُ وَجَّهٌ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنَسُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، الْعُمَى الْقُطُوبِ، الصَّمِّ الْأَسْمَاعِ، الْكُمَهِ الْأَصَارِ، الَّذِينَ يَلْتَمِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ يُطِيعُونَ

الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَ يَحْتَلِبُونَ الدُّنْيَا دَرَهًا بِالْآلِئِينَ وَ يَشْتَرُونَ عَاجِلَهَا بِآجِلِ الْآبِرَارِ الْمُتَّقِينَ؛ اما بعد، جاسوس من که در مغرب است به من نوشته و خبر داده که جمعی از مردم شام را برای روزهای حج به مکه فرستاده‌اند. مردمی کوردل، گران‌گوش و کوردیده، که حق را از راه باطل می‌جویند و با فرمانبرداری از مخلوق، نافرمانی خالق می‌کنند و دین خویش می‌دهند و متاع ناچیز دنیا می‌ستانند و به بهای جهان نیکان و پرهیزگاران، دنیای دون را می‌خرند...» (همان، نامه ۳۳ فرازا ۱) امام سجاد^(ع) نقش این جنگ را در بیداری و هوشیاری فرماندهان و رزمندگان اسلام در مقابله به دشمنان چنین تبیین می‌فرماید: «... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَرَّفَهُمْ مَا يَجْهَلُونَ - خدایا بر محمد آل محمد درود فرست و رزمندگان ما را به آنچه اطلاع ندارند مطلع شان گردان ...» (همان، دعای ۲۷: ۵) امروز نقش جنگ اطلاعاتی با توجه به توسعه تکنولوژی و فناوری و بکارگیری آن در جنگ همه جانبه (سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ...) به مراتب نسبت به گذشته مهم‌تر و گسترده‌تر شده است در عصر اطلاعات، این شیوه جنگ علاوه بر نوساناتی سریع، گسترده و پیچیده‌ای که در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نظام‌های سیاسی کشورها ایجاد کرده است، دامنه فعالیت ارتش‌های جهان را نه فقط در صحنه نبرد، بلکه در همه زیر ساخت‌های پشتیبانی به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

بیان مسأله

جنگ یک پدیده اجتماعی که قدمت آن به قدمت حیات بشر می‌باشد؛ شکل‌گیری این پدیده متأثر از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان همچون عقل، تفکر، تدبیر، تصمیم‌گیری، تمایلات، ... می‌باشد. مبانی دینی جنگ را یک حرکت عظیم زندگی بشر تلقی نموده و شکل‌گیری آن را متأثر از اعتقادات و گرایش‌های دینی انسان می‌داند؛ گرایش‌های فوق در قرآن کریم در دو جبهه حق و باطل چنین ترسیم شده: الف) جبهه حق؛ «... اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ: خدا دوست کسانی است که ایمان آورده‌اند و بیرون می‌آورد ایشان را از تاریکی‌ها (کفر) به سوی روشنایی (ایمان) هدایت می‌کند.» ب) جبهه باطل؛ «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ... و آنان که کفر ورزیدند دوستانشان گردن‌کشاند

آن طاغوت بیرون می‌آورند کافران را از روشنائی بسوی تاریکی‌ها (گمراهی) ...» (همان، سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۵۷). مصحف شریف نهج البلاغه این صف‌بندی را چنین تبیین می‌کند: «... حَقُّ وَ بَاطِلٌ، وَ لِكُلِّ أَهْلٍ، حَقٌّ وَ بَاطِلٌ همیشه در پیکارند و برای هر کدام طرفدارانی است ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶: فرازی ۵). با توجه به دو سند بالا همه نظام‌های سیاسی با قرار گرفتن در هر کدام از این دو جبهه اقدام به تدوین راهبرد دفاعی می‌نمایند. نظر به نقشی که این پدیده در سرنوشت انسان دارد مبانی ارزشی دین مبین اسلام مسلمانان را به حداکثر آمادگی در این حوزه چنین توصیه نموده: «... وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا اللَّهَ وَعَدَّوْكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ... وَآماده کنید برای مشرکان هر چه توانید از نیرو و اسبان بر آخور بسته شد تا بترسانید بدان آمادگی دشمن خدا را و دشمن خود را (که کفار مکه‌اند) و نیز دشمنان دیگر را غیر از کفار مکه که نمی‌شناسید ایشان را (به نفاق) خدا می‌شناسدشان...» (قرآن کریم، سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۰) حضرت علی^(ع) مردم و کارگزاران حکومتی شهرکوفه چنین خطاب می‌نمایند: «... فَجُحِدُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَبْتَهَا وَأَعِدُّوا لَهَا غَدَّتْهَا فَكَلَّ شَسْبَ لَطَاهَا وَعَلَّ سَنَاهَا وَاسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَيَّ النَّصْرَ: برای جنگ آماده شوید و ساز و برگ نبرد مهیا دارید که آتش جنگ افروخته شده و شعله آن بالا گرفته است ...» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۶، فرازی ۵) آیه ذکر شده در بالا و توصیه حضرت علی^(ع) به مردم بصره به عنوان یک راهبرد دفاع همه جانبه تبیین کننده اصولی بنیادی همچون: آمادگی همه جانبه (مادی و معنوی)، بازدارندگی^۱ همه جانبه، تقویت بسیج ملی^۲ است. یکی از اصول اساسی که شرط کافی برای این آمادگی می‌باشد جنگ اطلاعاتی است؛ این جنگ قادر است علاوه بر حوزه نظامی و دفاعی در حوزه‌های جنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ... در تحقق اهداف دولت‌ها و جلوگیری از غافلگیر شدن شکست آنها نقش اساس ایفا کند، حضرت علی^(ع) در فرازی از خطبه ۶ در شهر مدینه این مهم را چنین تبیین می‌فرماید: «... وَاللَّهِ لَا أُكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَاوَمَ عَلَى طُولِ اللَّيْلِ حَتَّى

1 - Deterrence

2 - National mobilization

يَصِلَ إِلَيْهَا طَائِبًا وَ يَخْتَابَهَا رَاحِدًا: به خدا سوگند! از آگاهی لازم برخوردارم و هرگز غافل‌گیر نمی‌شوم که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند و با نیرنگ اسیرم کنند... «همان، خطبه‌ی ۶، فرازا ۱) بر این مبنا تحقیق حاضر بر آن است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-استنتاجی و مطالعه اکتشافی ابعاد جنگ اطلاعاتی در عصر جدید را تدوین نماید.

تاریخچه و پیشینه تحقیق

در این بخش موضوع از دو جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) تاریخچه: جنگ اطلاعات، پدیده جدیدی نیست، بلکه سابقه دیرینه دارد. در جنگ اطلاعاتی، دانسته‌های انسان است که تبدیل به توانمندی‌های عملی می‌شود. سابقه رویارویی اطلاعاتی به اندازه عمر و تمدن بشر است. فیلسوف و استراتژیست چینی، سان تزو ۲۵۰۰ سال قبل در کتاب معروف هنر جنگ چنین می‌گوید: «پیروزی صد درصد نبرد در یک منطقه جنگی، حد اعلای مهارت نظامی نیست؛ مهارت نظامی عبارت است از مهار کردن دشمن بدون رویارویی فیزیکی» که این مهم تنها در جنگ اطلاعاتی میسر است. در جنگ بین چنگیز خان مغول و خوارزمشاهیان، مغول‌ها به دلیل برتری اطلاعاتی، توانستند با ۱۲۵۰۰۰ نیروی نظامی، یک ارتش مجهز با قوایی نزدیک به یک میلیون نفر را شکست دهند. بنابراین جنگ اطلاعاتی یک پدیده است که توسط آن، انسان می‌تواند بفرآیند تصمیم‌گیری طرف مقابل تأثیر بگذارد. به همین جهت دامنه و محدوده این فعالیت محدود به تفکر انسانی و کرانه‌های آن به گردآوری، سازماندهی، نگهداری و نشر اطلاعات باز می‌گردد. (فهیمی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲) این اصطلاح برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ میلادی مورد استفاده قرار گرفت و کشورهای پیشرفته به نقش این شیوه نبرد در کسب موفقیت و تحقق اهداف پی‌برده و تلاش کردند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، ... آن را بکار ببرند. در اواخر دهه ۹۰ اصطلاح جنگ اطلاعاتی دامنه تخصصی‌تری یافت و به عملیات اطلاعاتی معروف گشت و منظور از آن هرگونه عملیات نظامی یا غیر نظامی با هدف سلطه بر تفکر دشمن بود به گونه‌ای که به دلخواه ما فکر کند و اجرای تصمیم‌هایش منافع ما را تأمین کند و از طرف دیگر ممانعت از اینکه دشمن همانند این عملیات را علیه ما بکار ببرد. تکوین جنگ اطلاعاتی به‌طور مستقیم با پیشرفت‌های سریع در تکنولوژی‌های اطلاعاتی جدید مثل شبکه‌های

- الکترونیک در طی دو دهه اخیر مرتبط است. (منیرحجاب، ۱۳۸۷، ۱۶۱)
- ب) پیشینه: طبق مطالعات اکتشافی که صورت گرفت تاکنون کار پژوهشی «با عنوان ابعاد جنگ اطلاعات در عصر اطلاعات» صورت نگرفته است؛ اما موضوعات که با موضوع فوق تا حدودی نزدیک می‌باشند به شرح زیر است:
- ۱- «بررسی جایگاه جنگ اطلاعات در جامعه اطلاعاتی» به قلم مصطفی محمدی در ماهنامه اطلاعات راهبردی شماره ۸۸ در شهریور سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است که پژوهشگر با طرح چند سؤال پیرامون موضوع فوق اقدام به تدوین آن نوشتار نموده است.
- ۲- «ویژگی‌های جنگ الکترونیکی» به قلم مصطفی محمدی که در ماهنامه اطلاعات راهبردی شماره ۸۷ در مرداد ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است در این نوشتار ماهیت جنگ الکترونیک و رویکردها و کاربردهای این جنگ تبیین شده است.
- ۳- «جنگ اطلاعات» به قلم جوزف موی‌نیهان مترجم احمدرضا تقاء در این نوشتار جنگ اطلاعات در دو سطح آفند و پدافند و جنگ کنترلی مورد بررسی قرار گرفته است.
- ۴- «جنگ اطلاعاتی و نقش آن در جنگ آینده» به قلم رضا کلهر که در مجله سیاست‌دفاعی شماره ۳۲-۳۳ در زمستان ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است که پژوهشگر جنگ اطلاعاتی را در حوزه‌های استراتژیک، دفاعی و تروریستی ترسیم می‌نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در اهمیت و ضرورت این موضوع می‌توان به فرازی از سخنان معصومین^(ع) و مقام معظم رهبری و سایر اسناد استناد نمود:

الف) حضرت رسول^(ص) در جریان جنگ بدر شخصی به نام «بسیسه» را به مأموریتی اعزام و او را موظف نمودند که کاروان و قافله ابوسفیان را زیر نظر داشته باشند و از قصد و هدف آن‌ها مطلع شوند، تا بر مبنای آن اطلاعات اخذ تصمیم نمایند. (میرمحمدی و همکار، ۱۳۸۷، ص ۲۸) هم‌چنین حضرت علی^(ع) در خصوص جنگ اطلاعات با رویکرد اطلاعات رزمی در خطبه ۱۱ محمدابن حنفیه را این گونه مورد خطاب قرار می‌دهند: «... اَرْمُ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ، و تا دورترین کرانه‌های میدان نبرد را

زیر نظرگیر...» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۱: فراز ۴) در فرازی از نامه‌ی ۵۳ حضرت در خصوص هوش‌یاری نسبت به تحرکات دشمن مالک اشتر را چنین توصیه می‌کنند. «... لکن زنها! زنها! از دشمن خود پس از آشتی کردن، زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند پس دوراندیش باش، و حسن ظن خود رامتھم کن.» (فاضل لنگرانی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۹)

ب) توصیه‌های مقام معظم رهبری: درخصوص اهمیت جنگ اطلاعاتی فرماندهی معظم کل قوا در جمع بسیجان استان قم در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۴ می‌فرمایند: «اگر قبول داریم که دشمن برای کشور ما و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلند مدت دارد. پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلند مدت داشته باشیم...» (واحدی، ۱۳۸۹، ص ۲۸) هم‌چنین در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲۷ در اجتماع مردم شهید پرور قم می‌فرمایند: «دشمن را باید شناخت، روش دشمن را باید شناخت» (همان، ص ۳۵)

ج) اهمیت اطلاعات در تصمیم‌گیری: نظر به نقشی که این عامل در تصمیمات راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی دارد ابتدا ارائه تعریفی از اطلاعات جهت تبیین این مهم امری ضروری اجتناب ناپذیر است کارشناسان این حوزه از اطلاعات تعاریفی ارائه نموده‌اند که اهم آن‌ها به شرح زیر است: «مجموعه دانستنی‌هایی است مربوط به وضعیت جغرافیایی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فناوری، ترابری، ارتباطات و وضعیت نظامی یک یا چند کشور، که بر پایه آن‌ها خط‌مشی و طرح‌های نظامی لازم برای تنظیم روابط خود با این کشورها تهیه می‌گردد.» (مرادیان، ۱۳۸۵، ص ۳) در تعریف دیگر آمده: «دانستنی‌هایی است در مورد مقدرات و آسیب‌پذیری‌های مناطق جغرافیایی کشورهای خارجی که مورد استفاده تعیین کنندگان خط‌مشی کلی یک مملکت و یا مسئولین طرح‌ریزی اقدامات تأمینی کشور در زمان صلح بوده و اساس طرح‌ریزی و هدایت عملیات نظامی در زمان جنگ می‌باشد.» (اطلاعات رزمی، ۱۳۷۸، ص ۵)

اهداف تحقیق

برای نوشتار حاضر اهداف گوناگون را می‌توان متصور بود که اهم این اهداف عبارتند از:

۱ - کمک به سیاست‌مداران برای ایجاد امنیت پایدار در جامعه بر مبنای اهداف

خلقت انسان؛

- ۲- کمک به زمینه سازی برای توسعه فعالیت های پژوهشی در این حوزه؛
- ۳- تکمیل نظرات ارائه شده در گذشته پیرامون موضوع فوق؛

سؤالات تحقیق

- جهت جمع آوری اطلاعات پیرامون موضوع سؤالات اصلی و فرعی به شرح زیر تدوین گردید:
- الف) سؤال اصلی: « در عصر اطلاعات جنگ اطلاعات برخوردار از چه ابعاد است؟
- ب) سؤالات فرعی: با توجه به ماهیت جنگ اطلاعات و عصراطلاعات، سؤالات فرعی زیر تدوین گردید:
- ۱- جنگ اطلاعات از چه ویژگی های برخوردار است؟
 - ۲- جنگ اطلاعات برای تحقق چه اهدافی طرحریزی و اجراء می گردد؟
 - ۳- جنگ اطلاعات در راستای تحقق اهداف در عصر اطلاعات از چه ابزاری استفاده می نماید؟
 - ۴- جنگ اطلاعات در چه سطوحی طرح ریزی و اجراء می گردد؟
 - ۵- صحنه جنگ اطلاعات شامل چه عملیات هایی می باشد؟

رویکردی نظری به موضوع

- در رویکرد نظری این نوشتار دو موضوع زیرمورد بررسی قرار می گیرد :
- ۱- عصر اطلاعات: عصر اطلاعات عصری است که:
 - الف) طرح ریزی برای نبرد در آن به شدت درگیر تغییرات است.
 - ب) در این عصر فرآیند طرح ریزی به طور فزاینده نیاز به هماهنگی همه عناصر قدرت و ایدئولوژی برای دستیابی به اثرات دقیق در اهداف در طیف گسترده ای از سامانه های سیاسی، اجتماعی، نظامی، اطلاعاتی و زیر ساختی می باشد.
 - ج) ایده های انقلابی به تناوب پدیدار می شوند و قواعد بازی تغییر یافته و به دنبال یک نمونه تازه و یا یک الگوی جدید است.

د) در این عصر کلید اصلی، ارتباط زیادی با پیروزی در رقابت با فن‌آوری ندارد، بلکه به فن‌آوری‌های جدید با طرز فکر جدید و یا نمونه‌هایی که طرز فکرهای مردم را در مورد موضوع مورد نظر تغییر می‌دهند مرتبط می‌باشد.

ه) در این عصر قواعد بازی تغییر کرده، برای تأثیرگذاری و نیاز است که ما خود را با آن وفق دهیم. و) در این عصر مرز سستی میان عملیات‌های اطلاعاتی نظامی و عملیات‌های اطلاعاتی به‌طور قابل ملاحظه محو شده است. ز) مرزهای میان کلیه ابزارهای سستی قدرت دیپلماتیک اطلاعاتی، نظامی، اقتصادی محو شده است.

ح) موفقیت در این عصر بیشتر نیازمند استفاده از توانمندی‌های هماهنگ شده نزدیک به هم است. و) میدان نبرد در این عصر یک جنگ میان ایده‌ها، افکار و اعتقادات است.

ط) تحول عمیقی در ارزش‌های فرهنگی و آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام و هویت‌ها به وجود آورده و بازیابی و تشخیص هویت آن‌ها در عین حال، با دشواری‌های تازه مواجه است. ی) مبارزه در طیف گسترده و وسیعی از فعالیت‌ها از جمله: نفوذ، خرابکاری رایانه‌ای، عملیات جاسوسی، عملیات اطلاعاتی، شنود مخبراتی، مدیریت هوشمند جنگ الکترونیک را شامل می‌شود.

ک) حجم عظیم اطلاعات در سطح وسیع و بی‌سابقه تبادل می‌شود.

ل) لحظه‌ای درنگ، عقب افتادگی و جاماندگی در این عصر خسارات و زیان‌های جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت.

۲- جنگ اطلاعات: جنگ اطلاعات یک مفهوم با قدمت خود جنگ می‌باشد؛ هرچند این مفهوم در ظاهر طی سال‌های گذشته به واژه نامه‌های اصطلاحات نظامی وارد شده است. اما این واژه با انقلاب ارتباطات در حوزه‌های مختلف جنگ دامنه و تأثیرش گسترده‌تر و نماد بیشتری پیدا نمود. با توجه به نقش این واژه در حوزه‌های مختلف جنگ و تأثیر آن بر فرایند تصمیم‌گیری رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی صاحب‌نظران از این واژه تعاریف متفاوتی ارائه نمودند که به چند تعریف از این واژه اشاره می‌شود: «جنگ اطلاعات شامل اقدامات لازم جهت حفظ یک‌پارچگی سامانه‌های اطلاعاتی خود و در مقابل بهره‌برداری، آلوده شدن و تخریب سامانه‌های اطلاعاتی دشمن انجام پردازش‌های لازم جهت به دست آوردن برتری اطلاعاتی در

واقع اعمال فشار می‌باشد. (قاضی‌زاده فرد، ۱۳۸۶، ص ۳۱)

دانشگاه دفاع ملی آمریکا این واژه را چنین تعریف نموده: «جنگ اطلاعات یعنی کاربرد اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی به عنوان یک سلاح در نبردهای که اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی، یک هدف مهم نظامی به شمار می‌رود.» (مردایان، ۱۳۸۷، ص ۹)

ستاد مشترک ارتش روسیه این واژه را چنین تعریف می‌کند: «مبارزه برای برتری در حجم و کیفیت اطلاعات، سرعت خبرگیری، تفسیر، تحلیل و استفاده از اطلاعات را جنگ اطلاعات گویند.» (دیوان سالار، ۱۳۸۶، ص ۴۹)

جوزف موی‌نیهان این واژه را چنین تعریف نموده: «تکنیک‌ها و شیوه‌های حمله به فرایند اطلاعاتی دشمن به منظور کاهش میزان اطمینان و دست‌رسی فرمانده جبهه مخالف به عملکردهای اطلاعاتی نظامی، این حمله‌ها معمولاً به وسیله ادوات جانبی (خارج از میدان) و غیر مرگبار انجام می‌پذیرد و نیازی به استفاده از سلاح‌های مرسوم نیست.» (سپاه، ۱۳۷۹، ص ۷۳)

ژنرال پیچ قائم‌مقام وزارت دفاع آمریکا این واژه را چنین تعریف کرده: «اقداماتی که جهت دستیابی به برتری اطلاعاتی از طریق تأثیرگذاری بر اطلاعات، فرآیندهای اطلاعات محور، سامانه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه محور دشمن و نیز دفاع و حفاظت از اطلاعات، فرایندهای اطلاعاتی محور سامانه، سامانه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه محور خودی انجام می‌شود.» (دیوان سالار، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴)

ستاد مشترک ارتش آمریکا از این واژه تعریف زیر را ارائه کرده است: «جنگ اطلاعات به اقداماتی گفته می‌شود که جهت تأثیرگذاری بر اطلاعات و سامانه‌های اطلاعاتی دشمن و در عین حال دفاع از اطلاعات و سامانه‌های اطلاعاتی خودی اتخاذ می‌شود.» (همان، ص ۱۰۶)

نیروی دریایی آمریکا به عنوان یک نیروی راهبردی که در نقاط مختلف جهان در راستای انجام وظایف و مأموریت‌های واگذاری از این جنگ به بهترین شکل استفاده می‌کند این جنگ را چنین تعریف کرده: «اقداماتی که در حمایت از استراتژی امنیت ملی آمریکا به منظور کسب و حفظ برتری قطعی به وسیله تهاجم به زیر ساخت‌های اطلاعاتی دشمن از طریق بهره‌برداری، جلوگیری، تأثیرگذاری و نیز حفاظت از زیر ساخت‌های اطلاعاتی خود انجام می‌شود.» (همان، ص ۱۰۵)

نیروی هوایی آمریکا که کاربردی مشابه نیروی دریایی برای این جنگ متصور است این جنگ را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه اقداماتی که جهت دستیابی به برتری اطلاعاتی از طریق تأثیرگذاری بر اطلاعات، فرایندهای مبتنی بر اطلاعات، سامانه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های مبتنی بر رایانه و نیز دفاع از اطلاعات، فرایندهای مبتنی بر اطلاعات، سامانه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های مبتنی بر رایانه خودی اتخاذ می‌گردد.» (همان)

با توجه به تمرکز بر کاربردهای این جنگ در عصر اطلاعات توماس رونا^۱ این جنگ را چنین تعریف کرده است: «جنگ اطلاعات به کلیه رقابت‌های استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی در زمان صلح بر ایجاد بحران، افزایش بحران، درگیری، راه‌اندازی جنگ، اختتام جنگ بین طرفین مخاصمه، دشمنان و رقبا با استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی برای به دست گرفتن اطلاعات می‌باشد.» (صابرکیوج، ۱۳۸۹، ص...)

وزارت دفاع آمریکا^۲ جنگ اطلاعاتی را چنین تعریف کرده است: «جنگ اطلاعاتی به عملیاتی گفته می‌شود که برای به دست آوردن غلبه اطلاعاتی در راستای استراتژی دفاع ملی انجام می‌گیرد و در آن اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی دشمن تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در عین حال اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی خودی محفوظ نگه داشته می‌شوند.»

با عنایت به تعاریف ارائه شده نگارندگان براین باورند که جنگ اطلاعاتی: «به کلیه عملیات‌های آفندی و پدافندی گفته می‌شود که در آن جلوگیری از دست‌رسی دشمن به اطلاعات خودی و به دست آوردن اطلاعات دشمن و یا نابود کردن منابع اطلاعاتی او و هم‌چنین حفاظت از اطلاعات خودی به منظور پیش‌گیری از انجام چنین اقداماتی توسط نیروهای دشمن است. در جنگ اطلاعات ابزار، مهم نیست یعنی فرقی نمی‌کند که شما توسط بمباران منابع اطلاعاتی دشمن را تخریب کرده‌اید یا توسط ویروس‌ها، بلکه هدف اصلی آن است که شما توان اطلاعاتی دشمن را تضعیف کرده و

1 - Thomas Rona

2 - Department Of Defense

در مقابل توان اطلاعاتی خود را افزایش می‌دهید یعنی همان جنگ و دفاع».

چارچوب نظری تحقیق

تاکنون حجم گسترده‌ای از ادبیات مربوط به پیرامون جنگ منتشر گردیده است اما در این منابع کمتر مباحثی تحت عنوان جنگ اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفته است؛ با توجه به انقلاب عظیمی که در ارتباطات و اطلاعات صورت گرفته و نقشی که این تحول در عرصه مختلف داشته است امروزه جنگ اطلاعات نقش غیر قابل انکاری در امنیت ملی کشورها به ویژه در جنگ آینده پیدا کرده است.

سؤال یکم- جنگ اطلاعات از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ و ویژگی‌های فوق برای این جنگ چه پیامدهایی ایجاد می‌کند؟ که در عصر نوین نسبت به گذشته کاربرد مؤثرتری پیدا کرده است؟ نظر به این که در عصر اطلاعات، جنگ اطلاعات به عنوان یک نبرد و جنگ مستقل تلقی می‌شود و قادر است فعالیت‌های نظامی و غیرنظامی را در فضا، خشکی، دریا و زیرسطح تحت تأثیر قرار دهد، این مدل جنگ با ویژگی‌هایی از سایر جنگ‌ها متمایز می‌شود. کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه برای این جنگ ویژگی‌هایی را مطرح کرده اند که به بعضی از آنها به صورت خلاصه اشاره می‌شود:

۱- **گسترده‌گی:** جنگ اطلاعات بیشترین شعاع اثر را در میان انواع جنگ‌ها به خود اختصاص داده است، جنگ افزارها و تسلیحات این جنگ شعاع اثرگذاری بسیار گسترده تری را از سایر جنگ‌ها دارا می‌باشد. در بین جنگ‌های موجود در عصر حاضر سلاح اتمی بیشتر تخریب را انجام می‌دهد اما حوزه عمل آنها محدود می‌باشد؛ اما تبلیغات به عنوان یکی از جنگ‌های جنگ اطلاعات حوزه تأثیرگذاری و ماندگاری آن میلیون‌ها انسان و میلیون‌ها کیلومتر است. گسترده بودن شعاع تأثیرگذاری در مقیاس و طیف وسیع حاکی از خطرناکی جنگ‌های این نوع جنگ است؛ لذا همه حکومت‌ها به نوعی تهدید می‌شوند.

۲- **جامعیت:** ویژگی گسترده‌گی سبب شکل‌گیری ویژگی جامعیت برای این شیوه جنگ گردید؛ جامعیت یعنی این جنگ قادر است طیف متنوع و وسیعی از اهداف را مورد اصابت قرار دهد، این ویژگی را می‌توان به عنوان واحد پراکنش اثر جنگ

افزارهای این جنگ در واحد عمق قلمداد نمود. ویژگی موفق متضمن آن است که در یک عملیات اطلاعاتی بیشترین تعداد ممکن از اهداف به‌طور هم‌زمان و یا در فاصله زمانی اندک درگیر می‌شوند؛ بر این مبنا هر کس می‌تواند حمله‌کننده تلقی شود. برای مثال ابزار تبلیغات در جنگ اطلاعات در کمترین زمان سیاست‌مداران، رهبران، فرماندهان نظامی و مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بهترین نمونه این واقعیت را تاریخ در صلح امام‌حسن^(ع) به ثبت رسانده است.

۳- کیفیت: تسلیحات جنگ اطلاعات از ماهیت کیفی برخوردار است یعنی امکان محدود نمودن آن میسر نمی‌باشد، این ویژگی ماهیت آسیب‌شناسانه خاصی به این مدل جنگ بخشیده است؛ زیرا سنجش آسیب‌های کیفی وارده به یک سیستم همواره از دشواری خاصی برخوردار است؛ برای مثال کشف میزان اثرات مخرب تبلیغات منفی دشمن به‌عنوان اثر کیفی بر توان رزم یک کشور، از پیچیدگی فراوان برخوردار است.

۴- نامتقارنی: این ویژگی متأثر از حضور طیف متنوع اهداف است، زیرا در این جنگ علاوه بر قوای نظامی، مردم، سازمان‌های غیر دولتی، فرهنگ‌ها، بخش تجاری، مسئولین سیاسی، ... جزء اهداف محسوب می‌شوند؛ ازسوی دیگر هرکدام از این اهداف در هنگام اصابت قرار گرفتن پاسخ‌ها و عکس‌العمل‌های متفاوت از خود نشان می‌دهند لذا امکان غافل‌گیر شدن وجود دارد. به عبارت دیگر عدم تناسب در جنگ اطلاعات منجر به نامتقارنی این شیوه جنگ گردیده است، نماد این اخلاک‌گری در دشواری درک آسیب‌شناسی، و کاهش تلفات ظهور و بروز پیدا می‌کند.

۵- اخلاک‌گری: اصلی‌ترین اثر جنگ اطلاعات که از ویژگی‌های آن هم محسوب می‌شود اخلاک‌گری آن است؛ این ویژگی متأثر از گستردگی، جامعیت، کیفی بودن و نامتقارنی این شیوه جنگ است.

۶- عدم محدودیت زمانی: این شیوه جنگ بر خلاف جنگ نظامی در همه زمان‌ها قابل اجرا است، این جنگ هر چند با یک تنش سیاسی آغاز می‌شود اما وادار کردن حریف به قبول خواسته ادامه می‌یابد.

۷- سرعت محوری: این ویژگی از خصایص ذاتی جنگ اطلاعات است، طراحان این جنگ با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های عصر ارتباطات در حداقل زمان جامعه هدف را در دورترین نقاط مورد اصابت قرار می‌دهند. جنگ اطلاعاتی از این

ویژگی به دو صورت متأثر می‌شود: اول از طریق افزایش سرعت خبرگیری و پردازش اطلاعات و کاهش زمان تصمیم‌گیری خودی. دوم لخت کردن سیستم تصمیم‌گیری دشمن از طریق کاهش سرعت خبرگیری و پردازش تصمیم‌گیری او.

۸- هزینه اندک: هزینه ورود به جنگ اطلاعاتی بسیار پایین است. برخلاف سلاح‌هایی با فناوری سنتی، توسعه جنگ افزارهای جنگ اطلاعاتی احتیاج به منابع مالی گسترده ندارد، هم‌چنین به علت نقش مؤثر قدرت پردازش در آن طبق قانون [مور] این هزینه‌ها رو به کاهش است. (Frono:1999,p25) با هزینه کم این شیوه نبرد هر فرد با تخصص در هر طیفی از این جنگ قادر است یک مهاجم باشد.

۹- تخصص‌گرایی: داشتن تخصص در سیستم‌های اطلاعاتی و شبکه‌های الکترونیکی شرط لازم و مهم برای ورود به جنگ اطلاعاتی است.

۱۰- خدشه در مرزهای سنتی: مخدوش شدن مرزهای سنتی از ویژگی‌های جنگ اطلاعاتی است. متعدد بودن مخالفان و دشمنان احتمالی، تنوع در جنگ‌افزارها و گوناگونی راهبردها، موجب می‌شود که شناسایی منابع تهدید در این جنگ به صورت فزاینده‌ای با مشکلات فراوان روبه‌رو شود. به گونه‌ای که بیشتر اوقات با دشواری می‌توان منابع داخلی و خارجی تهدیدهای جنگ اطلاعاتی تفاوت قائل شد. (صدوقی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵) در جنگی با چنین ویژگی مشخص نیست چه کسی مورد حمله قرار گرفته یا چه کسی حمله کرده است.

۱۱- افزایش اهمیت نقش فریب و دست‌کاری: در جنگ اطلاعاتی این امکان وجود دارد تا با تکیه بر تکنیک‌های اطلاعاتی، توانایی فریب و دست‌کاری را افزایش داد؛ به گونه‌ای که می‌توان اطلاعات و تصاویری بر جای گذاشت که تفاوت بسیاری با واقعیت‌های موجود دارد. عناصر جنگ اطلاعاتی با کمک گرفتن از اطلاعات کلیدی، افکار عمومی را دست‌کاری و آنها را در مسیر دلخواه خود بسیج کنند. (همان، ص ۲۳) برای مثال با تبلیغاتی که زاپاتسیت‌های مکزیکی در شبکه اینترنت به راه انداختند، توانستند برای خود حمایت سیاسی کسب کنند و از انتقام دولت جلوگیری نمایند. (Centnetr,1997,p34)

۱۲- عدم توانایی شناخت و ارزیابی حمله: در عصر حاضر هیچ گونه سیستم

هشدار دهنده با کفایتی که قادر باشد بین حملات راهبردی جنگ اطلاعاتی و دیگر انواع فعالیت‌های ارتباطات رایانه‌ای مانند گردآوری اطلاعات یا حوادث اتفاقی تمایز ایجاد کند وجود ندارد. (Cohen, 1996, p42) نتیجه نمی‌توان تشخیص داد چه زمانی از کجا و چه کسی حمله خواهد کرد و چگونه این عملیات را هدایت می‌کند شاید بتوان بهتر نماد این واقعیت را کنترل نمودن و فرود هواپیمای فوق مدرن جاسوسی آمریکا در ایران معرفی کرد، که جنگ اطلاعاتی آمریکا را در جهان به چالش کشاند.

۱۳- خلاقیت جاسوسی: در فضایی مجازی، جایی برای پنهان شدن وجود ندارد افزایش ماهواره‌های متصل به شبکه الکترونیکی، توان مراقبت‌های الکترونیکی بی‌نهایت افزایش یافته است.

۱۴- اختلال در ایجاد و حفظ ائتلاف: در عصر اطلاعات قدرت‌ها و بازیگران بین‌المللی در ایجاد و استمرار ائتلاف با کشورهای خارجی جهت پشتیبانی از اقداماتشان در صحنه‌های بین‌المللی با مشکلات عدیده مواجه خواهند شد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶، ص ۷) در چنین شرایطی ممکن است به کسانی اتکا کنیم که خود آسیب‌پذیر هستند.

۱۵- کاهش تلفات انسانی به ویژه شهروندان: با توجه به فناوری، تکنیک‌های و تاکتیک‌های جنگ اطلاعاتی ارزش کاربردی قوانین جاری جنگ را هم در مرحله اخذ تصمیم‌گیری و هم در مرحله شروع جنگ کاهش خواهد یافت. (موی‌نیهان، ۱۳۷۹: ۳۵)

سؤال دوم- جنگ اطلاعات جهت تحقق اهداف در عصر اطلاعات از چه جنگ افزایش استفاده می‌نماید؟ جنگ اطلاعات در هر عصر از سویی با توجه به اهداف، حوزه عمل و وظایف واگذاری و از سوی دیگر نظر به شاخص‌هایی چون: سرعت عمل، اثربخشی و هزینه اندک جنگ‌افزار؛ همواره از کارآمدترین پیشرفته‌ترین ابزار و تکنیک‌های هر عصر بهره می‌گیرد. لذا طراحان جنگ اطلاعاتی پس از انطباق مکانیزم هدف‌گیری، اهداف و نوع اثر وارده به‌عنوان مهم‌ترین و حساس‌ترین وظیفه اقدام به تعیین و انتخاب سلاح می‌نمایند. نظر به اهمیت این موضوع ارائه تعاریفی از

سلاح در حوزه جنگ اطلاعات امری اجتناب ناپذیر است. راستورگیف^۱ از صاحب‌نظران این حوزه سلاح اطلاعاتی را چنین تعریف نموده است: «قصدی هدایت شده (سلاح) جهت فعال‌سازی (یا متوقف‌کردن) فرایندهای خاص در سامانه اطلاعاتی به منظور استحصال منافع آغازگر. سلاح اطلاعاتی می‌تواند فناورانه، بیولوژیک، یا اجتماعی باشد و برای تولید، تجزیه، تحلیل، انتقال، ارائه، یا متوقف کردن داده‌ها یا فرایندهای در تعامل با آن داده‌ها به کار گرفته شود.» (دیوان سالار، ۱۳۸۶: ۱۲۴). در جای دیگر این سلاح چنین تعریف شده: «ابزاری برای حذف، واپاشیدن یا سرقت اطلاعات جهت کسب اطلاعات ضروری پس از نفوذ در سامانه ایمنی دشمن؛ مسدود کردن دسترسی به اطلاعات برای کاربران اصلی سامانه؛ و در حله آخر در هم پاشیدن و بی‌نظم کردن تمامی ابزارهای حیات جامعه دشمن منجمله زیر ساخت‌های نظامی» (همان، ص ۲۵) در عصر انقلاب ارتباطات و اطلاعات این جنگ تحت تأثیر این انقلاب از جنگ‌افزارهای^۲ زیر در راستای تحقق اهداف مورد نظر استفاده می‌نماید:

۱- ویروس‌های رایانه‌ای^۳: ویروس‌ها برنامه‌هایی هستند که قادر به تکثیر خود به برنامه‌های بزرگ‌تر می‌باشند برنامه‌های ویروسی زمانی فعال می‌شوند که برنامه میزبان شروع به فعالیت می‌کند و به دنبال خود ویروس خود را تکثیر می‌کند. ویروس‌ها در هر محیط رایانه‌ای ساخته می‌شوند. پس تعجب‌آور نیست به مثابه جنگ‌افزار اطلاعاتی مورد استفاده قرار گیرد. وقتی یک عامل، ویروس‌های رایانه‌ای را به داخل شبکه رایانه رخنه دهد، در آن حالت شبکه هدف از کار خواهد افتاد و یا حداقل نارسایی‌هایی در آنها ایجاد خواهد شد. (Haeni, 1997, p12)

۲- کرم‌ها^۴: کرم‌ها یک برنامه مستقل هستند که خودشان را تکثیر می‌کنند و از یک رایانه به رایانه دیگر و بیشتر بر روی شبکه‌ها می‌روند و بر خلاف ویروس‌ها،

1 - P. Raastorgoiev

2 - Weapons

3 - Computer Viruses

4 - Worms

برنامه‌های دیگر تغییر نمی‌دهند. پیامدهای مخرب این جنگ‌افزار در دو زمینه قابل بررسی است؛ یکی نابودی منابع موجود اطلاعاتی در شبکه و دیگری تغییر شکل و انتشار در شبکه. (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۱۰)

۳- اسب‌تروا^۱: اسب‌تروا برنامه‌هایی هستند که در داخل سایر برنامه‌ها پنهان می‌گردند و برنامه خود را به اجراء در می‌آورد. اسب تروا می‌تواند خود را استتار کند و حتی در برنامه ایمنی شبکه SATAN^۲ قرار گیرد. (صدوقی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱)

۴- بمب منطقی^۳: این جنگ‌افزار از نوع اسب‌تروا است و برای آزاد کردن ویروس‌ها سیستم‌های تهاجمی دیگر استفاده می‌شود و می‌تواند به صورت یک برنامه مستقل که توسط برنامه‌نویس و طراح در سیستم جاسازی شود، عمل نماید. کشورهای که در امر صادرات نرم افزار فعال هستند می‌توانند با نصب این بمب در نرم افزارهای صادراتی خود در شرایطی که با یک کشور درگیر جنگ می‌شوند با فعال کردن این بمب، آثار بسیار مخربی همانند فرمت کردن دیسک‌ها و یا ارسال برنامه‌های کاربر نرم‌افزار به سازمانهای جاسوسی خود را فراهم بیاورند. (دی آنجلیز، ۱۳۸۳، ص ۶۵)

۵- درهای پستی: این جنگ‌افزار شامل سازوکارهایی است که طراحان نرم‌افزار آن را در زمان ساخت نرم افزار تعبیه می‌کنند تا در زمانی که سیستم‌های حفاظت رایانه به صورت طبیعی فعالیت می‌کنند، به طراح امکان می‌دهد تا به صورت مخفیانه وارد سیستم شود. این سازو کار در زمان جنگ اطلاعات قادر است سیستم‌ها و اطلاعات ذخیره شده در کشور هدف را مورد کاوش و جستجو قرار دهد. این مهم‌ترین مسأله و برنامه در راهبرد نظامی و منبعی برای فراهم آوردن اطلاعات حیاتی برای بخش جاسوسی است. (جنگ اطلاعات، ۱۳۸۲)

۶- تخریب چپس‌ها: همان‌طور که نرم‌افزار می‌تواند کارهای غیر منتظره انجام دهد، می‌توان همان کارکرد را درون سخت افزار تعبیه کرد. چپس‌های امروزی شامل

1 - Trojan Horse

2 - Security Administration Tool for Analyzing

3 - Logic Bomb

میلیون‌ها مدار مجتمع می‌باشند که سازنده آن به راحتی می‌تواند در آنها تغییر شکل دهد، و هم‌چنین قادر است کارهای غیرمنتظره انجام دهند. چیپس‌ها می‌توانند بعد از زمان خاصی از کار بیفتند یا بعد از رسیدن غلایمی منفجر شوند و یا امواج رادیویی از خود صادرکنند که باعث تعیین محل دقیق آنها شود.

۷- میکروب‌ها: این‌ها می‌توانند باعث تخریب‌های شدید در سیستم‌ها بشوند، و بر خلاف ویروس‌ها می‌توانند بر روی سخت‌افزار و نه نرم‌افزار مؤثر واقع شوند. با توجه به اینکه میکروب‌هایی وجود دارند که نفت می‌خورند این پرسش‌ها وجود دارد که آیا می‌توان آنها را برای خوردن ماده سلسیم پرورش داد؟ در صورت عملی بودن، می‌توان پیش‌بینی کرد که بتوان کلیه مدارهای مجتمع را تخریب کرد. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸)

۸- اختلالات الکترونیکی: استفاده از اختلالات کامپیوتری برای سد کردن ارتباطات و در مرحله پیشرفته دادن اطلاعات غلط و بیش از حد. (صابرکیوج، ۱۳۸۹)

۹- بمب‌های EMP و تفنگ‌های امواج رادیویی^۱ با قدرت زیاد است که می‌تواند امواج رادیویی پر قدرت را به اهداف الکترونیکی شلیک کند و آنها را از بین ببرد. تخریب این وسیله می‌تواند کم شدت باشد و فقط موجب خاموش شدن و روشن شدن مجدد آن گردد و باعث صدمه به سیستم سخت‌افزاری (به طور فیزیکی) شود. اهداف آن می‌تواند یک مین فریم در داخل یک ساختمان و یا کل یک شبکه در داخل ساختمان باشد. حتی هدف می‌تواند یک وسیله متحرک باشد که به تجهیزات الکترونیک مجهز است. (همان)

۱۰- پالس‌های الکترومگنتیک: که منبع آن می‌تواند انفجارات هسته‌ای و یا غیرهسته‌ای باشد و می‌تواند توسط نیروهای ویژه‌ای که داخل منطقه دشمن نفوذ کرده‌اند در نزدیک مراکز الکترونیک منفجر شود و باعث تخریب قسمت‌های الکترونیک تمام کامپیوترها و سیستم‌های مخابراتی در منطقه به‌طور کامل وسیع شود. این پدیده که در آغاز به عنوان اثر جنبی آزمایش‌های هسته‌ای کشف شد. اکنون به

مولدهای غیرهسته‌ای گسترش یافته است این مولدها می‌توانند یک EMP ایجاد نمایند که سیستم‌های الکترونیکی حافظ را ناتوان سازد این بمب‌ها خساراتی را به وجود می‌آورند که دائمی است. (همان)

سؤال سوم: جنگ اطلاعات برای تحقق چه اهدافی طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد؟ هدف نهایی این رویارویی، روند تصمیم‌گیری رقیب و دشمن است، در تعریف گسترده مشترک از جنگ اطلاعاتی، اهداف واقعی جنگ اطلاعاتی صرفاً بر روی سیستم‌های تهاجمی دشمن متمرکز نمی‌باشند بلکه بر روی روندهای تصمیم‌گیری دشمن طراحی می‌شود. به همین دلیل باید گفت که طراحی حملات جنگ اطلاعاتی بر اساس مشخصات سیستم‌های تهاجم نیست بلکه، بر پایه تأثیرگذاری در سطوح بالای فرماندهی است. مثلاً در یک عملیات جنگ الکترونیک، حملات اختلالی علیه حسگرها بر اساس دانستن مشخصات تکنیکی و عملیاتی حسگرها می‌باشد، در حالی که در جریان حمله جنگ اطلاعات، طراحی و هدایت آن علیه اطلاعاتی که حسگرها از وضعیت منطقه برای نیروهای تهاجم به دست می‌آورند، مدنظر می‌باشد. اهداف جنگ اطلاعاتی را می‌توان در سه سطح یا لایه از هم متمایز کرد که در هر سطحی یک پیامد خاص ایجاد می‌شود:

-**لایه سیستم اطلاعاتی:** این سطح شامل عناصر مادی، تولید، انتقال و ذخیره می‌باشد و حملات علیه سیستم‌های اطلاعاتی باعث ایجاد پیامدهای تکنیکی می‌شود.

-**لایه مدیریت اطلاعاتی:** این سطح روندهای پردازش اطلاعات و مدیریت آن مورد حمله قرار می‌گیرد و باعث ایجاد پیامدهای کارکردی می‌شود.

-**لایه تصمیم‌گیری:** این سطح مربوط به تصمیم‌گیری و استفاده از اطلاعات در امر تدوین و تنظیم سیاست و تصمیمات است. حملات در این سطح، می‌تواند پیامدهای عملیاتی ایجاد کند. (صدوقی، ۱۳۸۰، صص ۱۳۴-۱۳۶)

سؤال چهارم: جنگ اطلاعات در چه سطوحی طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد؟ جنگ اطلاعاتی در دو سطح تاکتیکی و استراتژیکی قابل طرح‌ریزی و اجرا است؛ که هر کدام به صورت مختصر تشریح گردد.

الف) سطح تاکتیکی: شکل‌های سنتی حملات اطلاعاتی مانند اقدامات ضد رادار در حوزه فرماندهی، نظارت، ارتباطات، نیز رخنه کامپیوتری و عملیات روانی می‌باشد

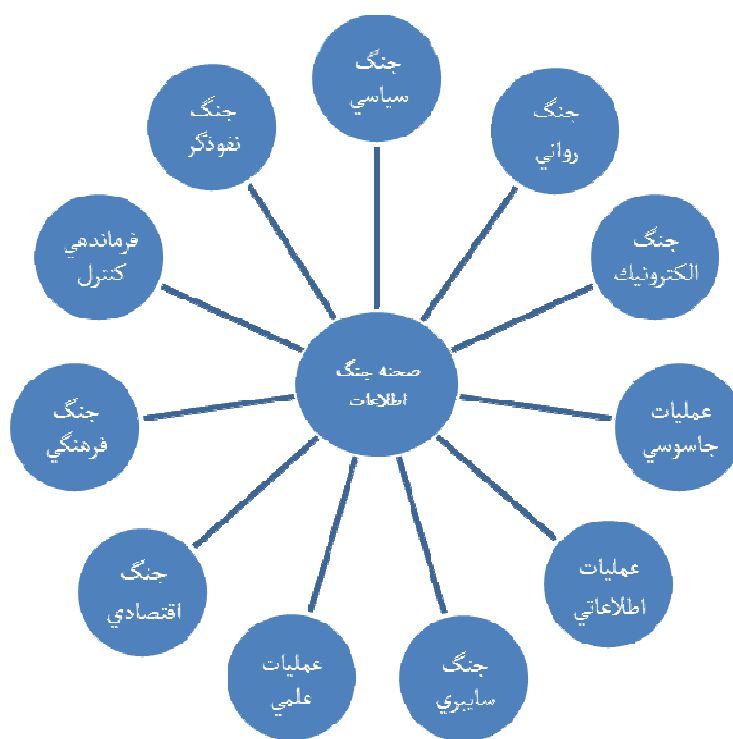
که از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

- روش‌های اقدام و ضد اقدام؛
 - اهداف، منطقه‌ای هستند و دورنمای محدودی دارند و صرفاً در یک عملیات رزمی خاص قابلیت هماهنگی وجود دارد.
 - از فعالیت‌های نظامی پشتیبانی می‌کند.
- این شکل از حملات در سطح تاکتیکی انجام می‌شود و نیاز به اطلاع از مشخصات تکنیکی و روش‌های عملیاتی داشته و می‌تواند در قالب چند عملیات هم‌زمان و پی در پی انجام شود. در این سطح، صحنه نبرد از محدوده مرزهای جغرافیایی و زمانی در زمان صلح، بحران و یا صحنه نبرد گسترده‌تر می‌شود.
- ب) سطح استراتژیکی: جنگ‌افزارهای استراتژیکی جنگ اطلاعاتی به طور گسترده‌ای باعث کاهش اهمیت فاصله و مسافت می‌شوند، به طوری که آسیب‌پذیری‌های C3I در میدان جنگ اهمیت کمتری از آسیب‌پذیری‌های زیر ساخت-های غیرنظامی ملی پیدا می‌کند. (صابرکیوج، ۱۳۸۹، ص..)

سؤال پنجم: صحنه جنگ اطلاعات^۱ چه عملیات‌هایی را شامل می‌شود؟ جنگ اطلاعات به عنوان پدیده ذاتی جنگ مدرن یکی از اثرگذارترین جنگ‌های عصر حاضر محسوب می‌گردد؛ که حوزه تأثیرگذاری آن سامانه‌ها و انسان است. نظر به ظرافت و حساسیت حوزه تأثیرگذاری و هم‌چنین ویژگی‌های چون: گستردگی، جامعیت، سرعت‌محوری، اختلال‌گیری، نامتقارنی، هزینه اندک، ... و جنگ افزارهای مورد استفاده در این شیوه جنگ ماهیت این نبرد در صحنه جنگ قابل تجزیه تحلیل می‌باشد. در این بخش از نوشتار با ارائه تعریفی از صحنه جنگ عملیات‌های قابل طرح‌ریزی در این صحنه به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. دکتر باقری استاد دانشگاه دفاع ملی صحنه جنگ را چنین تعریف نموده است: «قسمتی از خشکی، دریا و هوا که

1 - Scene of Information Warfare

به‌طورمستقیم عملیات جنگی در آن انجام می‌گیرد یا ممکن است انجام گیرد» در جای دیگر این صحنه را چنین تعریف کرده اند: «مجموعه سرزمینی است که در طرح‌ریزی و هدایت یک جنگ به کار گرفته می‌شود.» طراحان جنگ اطلاعات در هر دوره در این صحنه جنگ عملیات‌هایی را طرح‌ریزی و اجراء می‌نمایند اهم عملیات‌های صحنه جنگ در عصر انقلاب ارتباطات و اطلاعات به شرح زیر می‌باشد:



شکل ۱ - عملیات‌های صحنه جنگ اطلاعات

در ادامه به نحو مختصر به بررسی هر کدام از عملیات‌های صحنه جنگ اطلاعات می‌پردازیم:

۱- **عملیات اطلاعاتی**^۱: از این عملیات تعاریفی ارائه شده است که به دو تعریف اکتفا می شود « اقدامات انجام شده برای نفوذ، اثرگذاری یا دفاع از سامانه های اطلاعاتی و تصمیم گیری» (Joint Publication, 1998) در جای دیگر این عملیات چنین تعریف شده «به کارگیری یک پارچه جنگ الکترونیک، عملیات شبکه رایانه ای، عملیات روانی، فریب نظامی و امنیت عملیات، همراه با پشتیبانی ویژه و قابلیت های وابسته برای نفوذ، شکستن، تخریب اسیر کردن نیروی انسانی دشمن و تصمیم گیری های مستقل در عین حال که از خودمان حفاظت کنیم» (Joint Publication, 2006) عملیات مذکور در طول تاریخ همواره مورد استفاده قرار گرفته است؛ این عملیات به دلیل تعامل زیاد با دانش، تخصص و کارشناسی در دامنه وسیعی از قلمروها برخوردار از عمق و پیچیدگی کامل است؛ این عملیات بر حسب انواع اثرات مطلوب که می تواند کسب کند و همچنین بر حسب تعداد قابلیت های قابل دسترسی بالقوه برای دستیابی به آن اثرات دامنه و فضای آن خیلی وسیع و گسترده است. نظریه نقش و جایگاه آن در فرایند تصمیم گیری های این عملیات هر روز به وسیله سازمان های اطلاعاتی در اقصی نقاط عالم به روش ها و شیوه های متفاوتی طرح ریزی و اجرا می گردد. این عملیات با ویژگی هایی از سایر عملیات ها متمایز می شود که به دلیل محدودیت از ذکر آنها خودداری می شود.

۲- **جنگ الکترونیکی**^۲: جنگ الکترونیک امروز به عنوان بُعد چهارم صحنه های نبرد شهرت یافته است، و تسلط بر این امواج در نبردهای امروزی به عنوان یک اصل نظامی پذیرفته شده؛ لذا می توان با قاطعیت عنوان کرد که پیروزی از آن کسی است که به تواند از این ابزار به بهترین شکل استفاده نماید. کارشناسان و صاحب نظران این حوزه به جهت چنین کارکردی از این جنگ تعاریفی ارائه نموده اند که به تعریف اشاره می شود. «از کار انداختن سلاح های دشمن با بهره گیری از ارسال و دریافت امواج (صوتی، الکترونیکی، ...)» (سپهری، ۱۳۸۰، ص ۳) جنگ الکترونیکی برای کاهش دادن

1- Information operation

2 - Electronic Warfare

ارتباطات، چه در سطح فیزیکی (از طریق پارازیت در رادارها یا مخابرات) و چه در سطح ترکیبی (به وسیله ره‌گیری یا حقه‌زدن) انجام می‌شود. (آبرتس و پاپ، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰).

هرچند اقدامات این جنگ در تهاجم و دفاع بسیار پیچیده است؛ اما در سال‌های اخیر، جنگ الکترونیکی جایگاه جدیدی یافته و تلاش‌هایی برای اختراعات جدید صورت گرفته است. حدس زده می‌شود که در عرصه بیت‌ها شاهد رشد بوده و توسعه این فناوری‌ها، مانند بمب‌افکن‌های پیشین مورد علاقه باشد. این جنگ با سه عملیات طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد: ۱) عملیات ضد رادار^۱، از طریق ایجاد پارازیت‌ها، کارایی رادار را مختل می‌کند. ۲) عملیات ضد مخابرات^۲: یا هدف قراردادن ارتباطات. ۳) عملیات رمزنگاری^۳: مخابره پیام‌ها به صورت رمز در بین نیروهای خودی (عبداله خانی: ۱۳۸۹، ص ۱۳۱).

هرجنگ دارای اجزایی است که با هم‌دیگر جنگ را شکل می‌دهند؛ جنگ الکترونیک از این امر مستثنی نیست؛ بنابراین اجزای جنگ الکترونیک عبارتند از: اقدامات نظارت الکترونیکی، اقدامات تقابل الکترونیکی، ضد اقدامات تقابل الکترونیکی، این شیوه نبرد با دو رویکرد تهاجمی و تدافعی در حوزه‌های: رادار، ارتباطات، و رمزنگاری کاربرد دارد.

۳- جنگ اقتصادی^۴: هدف از جنگ اطلاعات اقتصادی به دست آوردن اطلاعاتی از سیستم‌های اقتصادی دشمن می‌باشد که از طریق آن اطلاعات می‌توان به توان اقتصادی دشمن پی برده و به آن ضربه وارد کرد، و دشمن را در بُعد اقتصادی و به دنبال آن در تمامی ارکانش منکوب و منفعّل کرد. به منظور انجام این عمل ابتدا می‌بایستی سیستم اقتصادی دشمن را به خوبی شناخت و از ارکان آن به طور کامل مطلع شد، و از نظام اقتصادی دشمن اطلاعات کامل را کسب نمود، این اطلاعات می‌تواند ما

1 - Antiradar

2 - Anti communications

3 - cryptography

4 - Economic Warfare

را به اهداف زیر به‌رساند:

- اطلاعات لازم به‌منظور میسرسازی محاصره اقتصادی دشمن؛
 - اطلاعات لازم به‌منظور تولید کالاهای رقابتی با کالاهای استراتژیک دشمن جهت ضربه اقتصادی به او؛
 - اطلاعات لازم به‌منظور ایجاد شایعات اقتصادی و جنگ روانی که بتواند تأثیر منفی بر روی اقتصاد دشمن بگذارد، به‌عنوان مثال شایعاتی مبنی بر برگردانده شدن جنس خاصی و یا کمیاب شدن جنسی، که سبب ایجاد عرضه و تقاضای غیرمنطقی در بازار می‌شود.
 - اطلاعات لازم جهت انجام فعالیت‌هایی در بی ارزش کردن ارزش پول ملی کشور مقابل؛
 - اطلاعات لازم جهت تهیه پول تقلبی و عرضه آن در کشور مورد نظر؛
 - انجام عمل جاسوسی صنعتی و سرقت اطلاعات صنعتی جهت ساخت محصولات مشابه و سریع‌تر در صنعت و حذف مراحل تحقیق و توسعه از محصولات خود؛
 - تولید کالاهایی با کیفیت نامرغوب و عرضه آن در بازار به نام محصولات ساخت کشور دشمن. و موارد بیشماری که می‌توان از آنها در این زمینه نام برد که سبب به هم زدن اوضاع اقتصادی یک کشور می‌شود. (بی نا، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۶)
- ۴- جنگ فرهنگی^۱:** جنگ فرهنگی می‌تواند به فعالیت روزانه فریب دادن دستگاه‌های اداری دشمن در زمینه نیات و توانمندی‌ها معطوف شود. می‌توان سلاح‌ها را کمابیش کارآمدتر از آنچه واقعاً هستند جلوه داد. آمادگی‌های یک کشور برای جنگ را می‌توان به دلیل اهمیت دادن به اثر آن برجسته کرد یا برای فریب دادن، کمتر از واقع نشان داد. این نوع فعالیت به حدی رواج داشته، در تاریخ سابقه ندارد که جنگ نامیدن آن همواره مشکل بودن خود را ثابت کرده است. (همان، ص ۱۳۲)

۵- جنگ سایبر یا اینترنتی^۱: جنگ اینترنتی (جنگ سایبر) مقوله گسترده‌ای است که تروریسم اطلاعاتی، حمله‌های معنایی، جنگ شبیه‌سازی شده و جنگ گیسون را در برمی‌گیرد. جنگ اینترنتی به مقداری بسیار کم قابل کنترل است و از آنجا که خیلی تخیلی به نظر می‌رسد، فقط به مقداری اندک با جنگ اطلاعاتی به عنوان یک کل، متفاوت است. زیرا ساخت جهانی اطلاعات هنوز باید تکامل پیدا کند، تا مشخص شود که کدام یک از این اشکال نبرد امکان پذیر است. (آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹) این جنگ در اشکال زیر طرح‌ریزی و اجراء می‌گردد: الف) خرابکاری‌های اینترنتی^۲: حملاتی جهت تغییر محتوا و مشکل صفحات وب یا خلال در سرویس دهی. ب) گردآوری داده‌ها: دسترسی به اطلاعات طبقه بندی شده برای جاسوسی. ج) حملات گسترده اختلالی در سرویس دهی. د) اختلال در تجهیزات^۳ مهاجمان می‌توانند فرمان‌ها و ارتباطات را در فعالیت‌های نظامی که در آنها از رایانه و ماهواره برای هماهنگی استفاده می‌شود. رهگیری کرده یا تغییر دهند. ه) حمله به زیرساخت‌های حیاتی: نیروگاه‌های برق، تاسیسات آبرسانی و سوخت‌رسانی، ارتباطات، (صابرکیوج: ۱۳۸۹)

۶- جنگ روانی^۴: جنگ روانی شیوه مؤثری است جهت بهره‌برداری از نقاط ضعف روانی نیروهای دشمن با هدف ایجاد ترس، سردرگمی، و ناتوانی در آنها که در نهایت تضعیف روحیه طرف مقابل را در بر خواهد داشت. لذا جنگ روانی منطقه نبرد (بالقوه و بالفعل) را جهت اجرائی موفقیت آمیز جنگ نظامی آماده می‌سازد این جنگ با تاکتیک‌های چون: ارباب، تهدید، تشجیع، تطمیع، شستشوی مغزی، فریب، ضد فریب، ... در صحنه جنگ اطلاعاتی ایفای نقش می‌کند. هم‌چنین کارشناسان این حوزه براین باورند که: جنگ روانی به فعالیت روزانه فریب دادن دستگاه‌های اداری دشمن در زمینه نیات و توانمندی‌ها معطوف شود. با این جنگ می‌تواند سلاح‌ها را کمابیش

1 - cyber warfare

2 - Web Vandalism

3 - Disruption equipment

4 - Psychological Warfare

کارآمدتر از آنچه واقعاً هستند جلوه داد. آمادگی‌های یک کشور برای جنگ را می‌توان به دلیل اهمیت دادن به اثر آن برجسته کرد یا برای فریب دادن، کمتر از واقع نشان داد. این نوع فعالیت به حدی که امروز رواج داشته، در تاریخ سابقه ندارد. لذا جنگ نامیدن آن همواره مشکل بودن خود را ثابت کرده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۳۲) استفاده از اطلاعات بر علیه ذهن و فکر افراد که پاره از اشکال آن عبارتند از: الف) عملیات علیه اراده ملی. ب) عملیات علیه فرماندهی دشمن. ج) عملیات علیه نیروهای نظامی. د) جنگ فرهنگی.

۷- عملیات فرماندهی و کنترل^۱: علت آن که عملکردهای فرماندهی و کنترل را به‌طور معمول عملکردی واحد قلمداد می‌کنند آن است که انقلاب در حوزه علوم ارتباطات و الکترونیک هرگونه تمایز موجود میان این دو مقوله را از بین برده است. فرماندهی در واقع مرتبه‌ای است از اختیار و کنترل، روش شناسی اطلاعاتی اعمال آن اختیار می‌باشد. اصطلاح فرماندهی و کنترل بیش از آن که به امکانات رسمی و شخصی فرماندهی و رهبری نظامی اشاره داشته باشد، به عملکردهای هماهنگی و سازگاری بر می‌گردد. بدین ترتیب فرماندهی و کنترل در عرصه جنگ اطلاعات ناظر بر آن دسته فرآورده‌های اطلاعاتی است که امکان مدیریت بر اقدامات نظامی، به ویژه اقدامات رزمی را به رده‌های ما فوق نظامی می‌دهد. فرماندهی و کنترل بنابه تعریف خاصی که در نیمه دوم قرن بیستم از آن ارائه می‌شد، بدون ارتباط، نظارت و تحلیل داده‌ها به شکلی قابل اطمینان امکان‌پذیر نیست. (همان: ۲۷-۲۸)

ستاد مشترک جنگ فرماندهی و کنترل استدلال می‌کند که هدفش قطع ارتباط بین ساختار فرماندهی دشمن از بدنه زیر فرمانش است. نیروهای آمریکایی در جنگ خلیج فارس با نابود کردن بسیاری از نشانه‌های فیزیکی ساختار فرماندهی و کنترل عراق، مهارت خویش را در جنگ اطلاعاتی به اثبات رساندند. این عملیات بیشتر به عنوان دلایلی در اثبات ناکارآمدی نیروهای فراوان عراق طرح می‌شود و این در حالی است که از راه بمباران هوایی به نیروی زمینی آمریکا کمک می‌شد. (آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۹:

1 - Command and control warfare

۹۲). هدف عمده این جنگ قطع ارتباط بین فرماندهی و بدنه نیروها، که می‌تواند با متلاشی کردن سر یا بریدن گردن انجام شود؛ هر یک از این عملیات‌ها در خدمت اهداف تاکتیکی یا راهبردی است.

الف) هدف قراردادن سرفرمانده^۱: در گذشته همواره این نوع عملیات برحذف فیزیکی فرماندهی عالی جنگ متمرکز بوده و به طور کلی حذف آنها تأثیرات قابل توجهی بر نتایج جنگ داشته است امروزه علاوه بر اهمیت نقش فرماندهان مراکز فرماندهی به عنوان مؤلفه‌ای بسیار مهم این نوع عملیات ایفای نقش می‌کند حمله به یک مرکز فرماندهی به ویژه اگر به موقع انجام گیرد، میتواند حتی بدون زدن یک فرمانده عالی رتبه دشمن، عملیات را مختل کند. (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

ب) هدف قراردادن گردن فرمانده^۲: این عملیات علیه خطوط ارتباطی و اطلاعاتی فرماندهی و بخش‌های مختلف صحنه عملیات صورت می‌گیرد. قطع این ارتباط الکترونیکی منجر به ضعف و شکست می‌شود. (همان: ۱۲۷)

۸ - جنگ نفوذگر (مزاحم رایانه‌ای)^۳: جنگ اطلاعاتی فقط برای اشاره به حمله‌هایی به کار رفته است که علیه شبکه‌های رایانه صورت می‌گیرد. این حمله‌ها بر خلاف جنگ فیزیکی، دارایی‌های سیستم ویژه‌ای را هدف قرار می‌دهد، زیرا نفوذگران از منافذ موجود در ساختار امنیت سیستم (مانند تمایل کاربران به استفاده از کلمه‌های عبور آسان) سوءاستفاده می‌کنند. این بدین معنی است که سیستم نیز در آفت و تنزل خویش بی‌تقصیر نیست. جنگ نفوذگر به گونه‌ای قابل ملاحظه متفاوت است. حمله کنندگان ممکن است در سایت‌ها باشند، اگر چه تخیلات عامه پسند ممکن است آنها را در هر جایی قرار دهد. قصد حمله می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: از کار انداختن کلی سیستم، خاموشی (تعطیلی) ادواری، خطاهای تصادفی داده‌ها، دزدی گسترده اطلاعات، دزدی خدمات (مانند برقراری تماس تلفنی بدون پرداخت هزینه آن)، نمایش

1 - Ant head

2 - Antiknock

3 - Hacked warfare

سیستم‌های غیر مجاز (جمع آوری اطلاعات، فرستادن پیام‌های دروغی و دست‌رسی به داده‌ها به منظور فرستادن نامه‌های تهدید آمیز). از جمله طرح‌ها و نقشه‌های خرابکارانه عمومی عبارتند از: ویروس‌ها، بمب منطقی (برنامه‌ای که برای نابود کردن نرم‌افزار یک سیستم در زمان تعیین شده، طراحی شده است)، اسب تروا (برنامه‌ای که برای ضعیف کردن امور دفاعی داخل سیستم طراحی شده است) و اسنیفرز (برنامه‌ای که در رایانه میزبان قرار گرفته و کلمه‌های رمز را جمع‌آوری کرده و اطلاعات آن را نیز افشاء فاش می‌کند). (آبرتس و پاپ، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰)

نتیجه‌گیری

اهمیت اطلاعات در طول تاریخ برای هیچ سیاست‌مدار پوشیده نبوده است و سیاست‌مداران کشورهای مختلف، همواره سعی در حفظ اطلاعات کشور خود و به دست آوردن اطلاعات کشور دشمن بوده اند تا بر مبنای آن اقدام به سیاست‌گذاری، اخذ تصمیم و انجام وظایف نمایند. (تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا) حضرت علی^(ع) این مهم را در فرازی از نامه ۵۰ نهج البلاغه چنین تبیین می‌فرمایند: «... أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَا أَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ، وَ لَا أُطَوِّي دُونَكُمْ. بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید، این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۰: فراز ۲). هم‌چنین حضرت نقش این مهم را در پیروزی بر دشمنان در حکمت ۴۸ چنین تبیین می‌نمایند: «... الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَ الرَّأْيُ بِتَخْصِينِ الْأَسْرَارِ- ترجمه: پیروزی به دوراندیشی است و دوراندیشی به جولان اندیشه و جولان اندیشه به نگاه داشتن اسرار است...» (همان، حکمت ۴۸) دو توصیه حضرت در بالا و ماهیت جنگ اطلاعاتی با ویژگی‌هایی چون: گستردگی، جامعیت، کیفیت، نامتقارنی، اخلاص‌گری، عدم محدودیت، سرعت‌محوری، تخصص‌گرایی، ... و ابزاری از قبیل: ویروس‌ها، کرم‌ها، اسب تروا، بمب منطقی، درهای پستی، اختلال الکترونیکی، ... و عملیات‌هایی نظیر: جنگ (روانی، سایبری، فرهنگی، سیاسی، الکترونیک، اقتصادی، نفوذگر، ...) به مسئولین و طراحان نظام جمهوری اسلامی فرصت برای ظرفیت‌هایی از قبیل: ۱- ظرفیت‌سازی جهت مقابله با تهدیدات سخت. ۲- ظرفیت‌سازی جهت مقابله با تهدیدات نیمه‌سخت. ۳- ظرفیت‌سازی جهت مقابله با تهدیدات جنگ نرم. ۴- ظرفیت‌سازی جهت عمق بخشی داخلی. ۵- ظرفیت‌سازی جهت عمق بخشی خارجی ایجاد

می‌نماید.

پیشنهادات

مطلب مهم در هر پژوهش علمی این است که کار تحقیقی باید همیشه با اجتهاد و اظهار نظر توأم باشد و محقق در پایان کار براساس مطالعات انجام شده به طور قاطع نظر خود را در باره موضوع اعلام دارد تا به گسترش دامنه معرفتی علم و یافته‌های موجود کمک نماید. در غیر این صورت، تحقیق از ارزش علمی بالایی برخوردار نبوده و اعتبار علمی زیادی نخواهد داشت. این فرایند تازه آفرینی از طریق تحقیقات علمی است که باعث غنی شدن و تقویت ادبیات یک حوزه علمی شده، در یک حرکت جمعی هماهنگی و قلمرو معرفتی انسان را توسعه می‌دهد. نظر به اهمیت جنگ اطلاعاتی و نقشی که این شیوه نبرد در ایجاد ظرفیت‌ها برای نظام جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف دارد در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این جنگ پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ۱- هوش‌یاری: فرهنگ‌سازی در سطوح مختلف نظام مبنی بر اینکه در جنگ اطلاعات و عصر ارتباطات هیچ آتش بس موقت و وقت استراحتی وجود ندارد؛ زیرا منازعه میدان نبرد ایده‌ها؛ با بهره‌گیری از جنگ اطلاعات به صورت شبانه روزی و تا آخرین نفر، آخرین نسل و دورترین مناطق به پیش می‌رود.
- ۲- تفکر موشکافانه: در عصر اطلاعات راه حفاظت از شهروندان (پرسنل) سانسور کردن دروغ‌ها و اتهامات غلط نیست، بلکه واکنش‌ها به آموزش‌هایی که چگونه موشکافانه فکر کنند و چگونه با این جنگ روانی دشمن مقابله کنند.
- ۳- ایجاد قدرت چند بُعدی برای موفقیت در نبرد طولانی: نظر با اینکه در صحنه چنین جنگی همانگونه که اشاره شد طرفین درگیر از شیوه‌های مختلف عملیات و جنگ افزارهای متنوع و خاصی بهره می‌گیرند؛ شرط بقاء و عقل سلیم حکم می‌کند که نظام قدرت لازم را در ابعاد مختلف ایجاد نماید. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «...وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» - آماده کنید برای مشرکان هر چه توانید از نیرو و اسبان بر

آخور بسته شد تا بترسانید بدان آمادگی دشمن خدا را و دشمن خود را (که کفار مکه اند) و نیز دشمنان دیگر را غیر از کفار مکه که نمی شناسید ایشان را (به نفاق) خدا می شناسدشان و آنچه انفاق می کنید از هر چیزی در راه خدا تمام پرداخت خواهد شد به شما و شما ستمدیده نخواهید شد.» (قرآن کریم، انفال، آیه ۶۰) هم چنین حضرت علی (ع) مردم و کارگزاران حکومتی خود در این خصوص چنین خطاب می کنند: «... فَخُذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا وَاعِدُوا لَهَا غَدَتَهَا فَقَدْ شَبَّ لَطَاهَا وَعَلَا سَنَاهَا وَاسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ»: برای جنگ آماده شوید و ساز و برگ نبرد مهیا دارید که آتش جنگ افروخته شده و شعله آن بالا گرفته است. «(نهج البلاغه، خطبه ۲۶: فراز ۵) با چنین اقدامی موفق خواهیم بود علاوه بر خشتی نمودن ترندهای دشمن در نبرد آفندی او را شکست دهیم.

۴- حضور مستمر (ثابت) و پایدار: در عصر اطلاعات طراحان صحنه باید چنان برنامه ریزی کنند که با بهره گیری از قابلیت ها و ظرفیت های بالقوه و بالفعل زمینه یک حضور مستمر و پایدار را فراهم نمایند زیرا شرط لازم برای موفقیت در چنین جنگی چنین حضوری است.

۵- ایجاد وحدت و هماهنگی بین ابعاد مختلف قدرت: از یک سو با توجه به گستردگی دامنه جنگ اطلاعاتی و اهدافی که در عملیات های این نبرد مد نظر می باشد و از سوی دیگر نظر به اهداف نظام در عملیات آفندی جنگ اطلاعات وحدت و یک پارچگی بین ابعاد مختلف قدرت امری ضروری است.

منابع و ماخذ

- ۱- آریانپور، منوچهر و عباس، (۱۳۸۱). فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر
- ۲- آلبرتس، دیوید.س.و.پاپ، دانیل. (۱۳۸۹). گزیده‌های از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات، ترجمه: علی‌علی آبادی، رضا نخجوانی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- بی‌نا، (۱۳۸۹). راهبرد جنگ اطلاعات، تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتر شهید کلاهدوز.
- ۴- حسن پور، جعفر (۱۳۸۹)، اشراف اطلاعاتی در افق ۱۴۰۴، اشراف اطلاعاتی، تهران: دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت.
- ۵- حسنی، سید جمال، (۱۳۷۹)، جنگ افزارهای اطلاعاتی، ماهنامه نگاه، ۳
- ۶- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، قم: لاهیجی
- ۷- دیوان سالار، عبدالرسول (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر محیط شناسی نظامی و جنگ اطلاعاتی، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر
- ۸- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۸۳) اطلاعات رزمی، تهران: معاونت آموزش نرسا
- ۹- سپهری، امیر احمد، (۱۳۸۰)، جنگ الکترونیک نیازها و ضرورت‌ها، مجله الکترونیک، ۹
- ۱۰- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۰)، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۱- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، جنگ نرم ۳، چاپ سوم، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۲- غرویان محسن و همکاران (۱۳۸۱) صحیفه سجادیه، قم: الهادی
- ۱۳- فهیمی، مهدی (۱۳۸۱)، جنگ‌های اطلاعات مدار، تهران: موسسه طرح توسعه تکنولوژی نو در حوزه الکترونیک.
- ۱۴- فیض الاسلام سید علی نقی، ۱۳۶۵ ه.ش، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات فقیه
- ۱۵- قاضی زاده، سید ضیاءالدین (۱۳۸۶)، چالش‌های کاربردی و توسعه جنگ اطلاعاتی در کشور، ماهنامه نگرش راهبردی شماره ۸۵-۸۶
- ۱۶- قرآن کریم، (۱۳۷۶) ترجمه الهی قمشه ای، قم: انتشارات لقاء
- ۱۷- قنبری، علی اصغر (۱۳۸۹)، نقش اطلاعات نظامی در جنگ‌های آینده، اشراف اطلاعاتی،

- تهران: دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت.
- ۱۸- گروه پژوهشی جنگ های آینده (۱۳۸۸)، عملیات ثبات؛ مفهوم عملیاتی مشترک، ترجمه کیوان منزوی، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۱۹- مرادیان محسن (۱۳۸۵)، راهنمایی جمع آوری اطلاعات راهبردی، تهران: انتشارات مرکز آموزش شهید صیاد شیرازی
- ۲۰- مرادیان، محسن (۱۳۸۷) جنگ های رایانه ای و اطلاعاتی، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ۶۵، سال ششم
- ۲۱- منیرحجاب، محمد (۱۳۸۷)، جنگ روانی (الحراب للنفسیه)، ترجمه سعید یارمند، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- ۲۲- میر محمدی، مهدی، محمدی لر، (۱۳۸۷)، سیاست و اطلاعات: مطالعات موردی ایالات متحده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابزار معاصر تهران.
- ۲۳- نیهان، جوزف موی (۱۳۸۸)، جنگ اطلاعات، ترجمه احمدرضا تقاء، دوره عالی جنگ، تهران: انتشارات شکیب.
- ۲۴- واحدی، سید محمد رضا (۱۳۸۹)، فصلنامه راهبرد ولایت، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- ۲۵- والتز، ادوارد (۱۳۸۷)، عملیات و اصول جنگ اطلاعات، ترجمه غلامعلی جانگذار، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- ۲۶- دی آنجلیز، جینا، (۱۳۸۳)، جرایم سایبر، ترجمه سعید حافظی و عبدالصمد خرم آبادی، شورای عالی توسعه قضائی
- ۲۷- دی پاتریک، آلن، (۱۳۸۸)، طرح ریزی عملیات اطلاعاتی، ترجمه محمد احدی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- ۲۸- سلماسی زاده، مسعود (۱۳۸۹)، جنگ اطلاعات و امنیت، www.pccip.gov، (خرداد ۱۳۹۰).
- ۲۹- صابریکیوج، اسماعیل (۱۳۸۹)، جنگ اطلاعاتی اهداف ها و ابزارها، www.qiu.ir/index.php (۱۳۹۰)
- 30- Centner, Christopher, (1997), the Precision Guided Propaganda, strategic Review.
- 31- Cohen, Eliot, (1996) A Revolution in Warfare, Foreign Affairs, March and April.

- 32- Frono, Richard,(1999), the Art of Information Warfare, universal, Publishers.
- 33- Haeni, E. Reto, (1997), Information Warfare an Introduction Washington DC, George Washington, university, Cyberspace policy Institute.
- 34- Joint Publication 3-13), Information operations, February 13, 2006
- 35- Joint Publication 3-13), Joint Doctrine for Information operations, october 9, 1998

بررسی اندیشه دفاعی دوران صدر اسلام با تأکید بر اندیشه دفاعی پیامبر اعظم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع)

محمد رضا بشارتی^۱
مهدی چهارباشلو^۲

چکیده

تاریخ صدر اسلام از دوران رسول خدا (ص) تا وقوع حادثه عاشورا، مملو از حوادث نظامی و جنگ‌های مسلحانه متعدد می‌باشد. نوع اندیشه نظامی حاکم بر فرماندهی عالی این جنگ‌ها در هر مقطع مبتنی بر اصول و مبانی خاصی بود که اگر به دقت و ظرافت مورد کنکاش قرار گیرد راه‌گشای اندیشه‌ای پیروان این دین الهی در سایر قرون خواهد بود. بررسی این قسمت از تاریخ، کاردانی و حسن تدبیر و سیاست خردمندانه پیامبر (ص) را ثابت می‌نماید. گویی این مرد آسمانی، پاسی از عمر خود را در یکی از دانشگاه‌های بزرگ نظامی گذرانده بود که بسان یک فرمانده توانا نقشه فتح را، آن چنان طرح و ترسیم نمود که بدون رنج و مشقت، بزرگ‌ترین پیروزی نصیب مسلمانان گردید. این مقاله بر آن است که با استناد به قول و فعل و نحوه برخورد رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) با نیروهای تحت امرشان به برخی اصول و مبانی اندیشه آن بزرگواران در امور نظامی بپردازد. بنابراین برای سهولت مطالعه موضوع، اصول و مبانی اندیشه دفاعی هر یک به طور جداگانه مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است.

^۱- کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛

^۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک.

کلید واژه ها

اندیشه دفاعی، تاریخ اسلام، اصول جنگ

مقدمه

اندیشه‌شناسی موضوعی اساسی و تعیین کننده در رفتار و کارکردهای دفاعی یک کشور محسوب می‌شود و درک صحیح اندیشه‌ها و به تعبیر دیگر تبیین نظریه‌های بنیادین و اندیشه‌هایی که فعلیت یافته، با هدف فهم، جهت‌گیری صحیح، دریافت معیار سنجش و تصویری منطقی و شفاف از موضوعات مورد مطالعه، بسیار حایز اهمیت می‌باشد. اندیشه دفاعی، تفکر دفاعی در بررسی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی است. بنابراین اندیشه دفاعی اسلام مجموعه رویکردهای اسلام در حوزه دفاع، مبتنی بر جهان بینی توحیدی و ایدئولوژی اسلامی است که مأخوذ از قرآن و سیره اهل البیت^(ع) بوده و در آرا و تأملات فکری مفسران، عالمان، فقها و اندیشمندان اسلامی و به ویژه شیعیان مشهود است. این تأملات فکری نشأت گرفته از آموزه‌های وحیانی و جهان بینی توحیدی، جزو اصول و مبانی اندیشه دفاعی اسلام قلمداد می‌شود.

بیان مسأله و ضرورت تحقیق

تاریخ دوران صدر اسلام [دوران رسول خدا^(ص)، حضرت علی^(ع) و امام حسین^(ع)] مملو از حوادث نظامی و جنگ‌های مسلحانه متعدد می‌باشد. نوع اندیشه نظامی حاکم بر فرماندهی عالی این جنگ‌ها در هر مقطع مبتنی بر اصول و مبانی خاصی بود که اگر به دقت و ظرافت مورد کنکاش قرار گیرد، راه‌گشای اندیشه‌ای پیروان این دین الهی در سایر قرون خواهد بود. بررسی این قسمت از تاریخ، کاردانی، حسن‌تدبیر و سیاست خردمندانه پیامبر^(ص) را ثابت می‌نماید. گویی این مرد آسمانی، پاسی از عمر خود را در یکی از دانشگاه‌های بزرگ نظامی گذرانده بود، که بسان یک فرمانده توانا نقشه فتح را، آن‌چنان طرح و ترسیم نمود که بدون رنج و مشقت، بزرگ‌ترین پیروزی

نصیب مسلمانان گردید. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۶)

خط مشی امیرالمؤمنین (ع) هم مرکب از دو بخش بود: ۱- نسبت به عامه مردم ۲- در برابر نیروی دشمن
این دو خط مشی به نحو کامل آمیخته بود و در نتایج یکدیگر هم اثر گذاشت.
حضرت علی (ع) با افراد فتنه گر و متجاوزان داخلی مواجه بود که مصداق «بغی» در جامعه اسلامی را داشتند.

«بغی» یک اصطلاح فقهی اسلامی است که از نص قرآن و سنت گرفته شده و به معنای تجاوز مسلحانه به مسلمانان به منظور غصب یک حق است، تجاوز مسلحانه‌ای که با نقض اصول اسلامی همراه بوده و نظم اسلامی را می‌شکند. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۶۶۰)
در این مجموعه تلاش شده است با استناد به قول و فعل و نحوه برخورد رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) با نیروهای نظامی تحت امرشان به برخی اصول و مبانی اندیشه آن بزرگواران در امور نظامی پرداخته شود. بنابراین برای سهولت مطالعه موضوع، اصول و مبانی اندیشه نظامی هر یک از آن‌ها به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدیهی است آشنایی با این مبانی و اصول برای نظامیان مسلمان سرمشق و الگوی راستینی خواهد بود که در مواجهه با دشمنان می‌توانند با استناد به آنها در جهت تحقق وعده پیروزی حق بر باطل بهره جویند. لذا ضرورت تحقیق در این موارد را دو چندان می‌نماید.

اهداف تحقیق

در این نوشتار سعی بر آن است که متناسب با موضوع، به اهداف زیر دست یابیم:
الف: بررسی مبانی و اصول اندیشه دفاعی رسول اکرم (ص)؛
ب: بررسی مبانی و اصول اندیشه دفاعی حضرت علی (ع)؛
ج: بررسی مبانی و اصول اندیشه دفاعی امام حسین (ع).

تعاریف متغیرها و مفاهیم

اندیشه نظامی: بیانگر هرگونه تفکر منسجم، منطقی، مهم، مستدل و بنیادی (دارای مبنا) در مورد امر نظامی می‌باشد. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ۴۹)

اصول: عبارت است از خط مشی‌ها و افکار و عقاید قابل اجرا برای اقدامات نظامی که از تجربه یا نظریه سرچشمه گرفته و پس از اجماع به عنوان یک راهنما شناخته می‌شود. (فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۲۰، ۱۳۸۰)

مبانی: جمع مبنا به معنای اصل و بنیان هر چیز می‌باشد و منظور از مبانی اندیشه، بنیان‌ها و اصول فکری و نظری فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اندیشه می‌باشد که اندیشه از آن‌ها نشأت می‌گیرد. اصول و مبانی یک اندیشه، زیر بنا و شالوده آن اندیشه را تشکیل می‌دهند. (همان، ص ۸۱)

سؤال تحقیق

اصول و مبانی حاکم بر اندیشه دفاعی رسول اکرم (ص)، حضرت امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) چه بوده است؟

فرضیه تحقیق

اصول و مبانی حاکم بر اندیشه دفاعی رسول اکرم (ص) و اهل البیت (علیهم السلام) مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و الهی بوده است.

نوع و روش تحقیق و ابزار جمع آوری اطلاعات

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و به روش توصیفی انجام شده است. در انجام مراحل مطالعاتی هم‌چون سایر تحقیقات حوزه تاریخ، بیشترین تمرکز بر مطالعات کتابخانه‌ای معطوف شد و از ابزار متعددی هم‌چون کتب، مقالات، روزنامه‌ها و ... که می‌توانست اطلاعاتی پیرامون موضوع در اختیار محقق قرار دهد، بهره گرفته شد.

ادبیات تحقیق

اصول اندیشه نظامی پیامبر (ص)

۱- عمل به دستورات صریح وحی؛ شامل:

- الف) توصیه به صبر: نمونه آیات مکی که به صبر توصیه می‌نماید.
- ب) توصیه به پیکار مسلحانه: نمونه آیات مدنی که به قتال و کارزار اشاره دارد.

۲- تربیت و تدارک نیروی مبارز (تحریض)

پس از اطمینان از نیروی کافی مجاهد و مبارزه به پیکار مسلحانه دست می‌زدند. (تفاوت در مکه با مدینه)، نه نیرویی مرکب از هر که به هر علت به پشتیبانی آنها برخیزد. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۵۹۹) پیامبر (ص) از هنگام ورود به مدینه، برای مقابله با دشمنان به بسیج و گردآوری نیروهای مسلح پرداخت و چندین سریه ترتیب داد. (به اختلاف بین ۶۶، ۴۸، ۳۸، ۳۵ سریه). (ضاهروتز؛ ۱۳۸۵، ص ۲۳) شمار غزوات پیامبر (ص) را ۲۷ و یا ۲۶ غزوه نوشته‌اند. جهت اختلاف این است که برخی غزوه «خیبر» را با غزوه «وادی القری» که به دنبال هم رخ داده‌اند، دو غزوه شمرده‌اند. علت اختلاف در تعداد «سرایا» این است که برخی از سریه‌ها به سبب کمی افراد به شمارش نیامده است. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۷۳) افراد اعزامی به (سرایا) عموماً از مهاجران انتخاب می‌شدند. علت این بود، که انصار در پیمان عقبه مکه با پیامبر (ص) پیمان دفاعی بسته و متعهد شده بودند که هنگام هجوم دشمن از جان و دل دفاع کنند. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸۰) اما بعدها که خود شخصاً از مدینه بیرون می‌رفت، همراه نمودن عده‌ای از انصار به منظور تحکیم وحدت مهاجر و انصار بود. پیامبر اکرم (ص) برای فتح مکه و ... بسیج عمومی اعلام کرد. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۵) تا پیش از بدر، انصار در حملات شرکت نداشته‌اند. از آن روی که آنان فقط تعهد دفاع از رسول خدا (ص) را داشتند. و اگرچه، اگر رسول خدا (ص) امر می‌فرمود حاضر می‌شدند. اما آن حضرت نمی‌خواست آنان را به کاری که در قبالش تعهدی ندارند، جز به خواسته خودشان، فرمان دهد. (جعفریان؛ ۱۳۸۶، ص ۴۶۲)

۳- بیداری و هوشیاری در جنگ؛

۴- اصل پذیرش صلح؛

۵- آموزش نظامی و آمادگی دائم؛

۶- اصل وفای به عهد و پیمان نظامی؛

۷- اصل انضباط نظامی؛

۸- در راه خدا بودن؛

۹- دعوت به توحید قبل از جنگ؛

مسأله دعوت به اسلام در همان آغاز جنگ به عنوان یک اصل مسلم در فقه جهاد آمده است. مسلمانان جز پس از دعوت به توحید و نبوت، حق جهاد با مشرکان را

نداشتند. (جعفریان: ۱۳۸۶، ص ۴۴۸) زمانی که گروهی اسیر نزد آن حضرت آوردند، از مسلمانان سؤال شد که: آیا اسلام را بر آنان عرضه کرده‌اند، گفتند: نه، آن حضرت فرمود پس آنان را به محل امنشان فرستید. (جعفریان: ۱۳۸۶، ص ۴۴۹) در دیدگاه پیامبر (ص) هر کسی با اظهار شعار یکتاپرستی به اسلام تسلیم باشد خون و مالش جز به قصاص و به دلیل اجرای مقررات کیفری، در امان خواهد بود. (فارسی: ۱۳۴۶، ص ۶۶۴)

۱۰- شایسته سалاری

قرار دادن افراد شایسته در مکان‌های مناسب. پیامبر (ص) در بعضی از جنگ‌ها بیش از یک فرمانده تعیین می‌کرد. «غزوة موته»، ضوابطی برای فرماندهی شایسته لشکر و تقویت آن تعیین کرد. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۱۴۰) کسی را برای امور اطلاعات مأموریت می‌داد که امر حفاظت و کتمان راز را در حد اعلائی داشته باشد. برای فرماندهی یک سریه جنگی کسی را می‌گماشت که به جنگ و زمین که در آن می‌جنگید و دشمن که با او روبه‌رو می‌شد آگاه باشد. پرچمدار، مردی استوار و شجاع همچون علی بن ابی طالب (ع)، ابن عباس می‌گوید: «در تمام نبردها علی (ع) پرچمدار مسلمانان بود و پیوسته پرچمدار را از افراد ورزیده و با استقامت انتخاب می‌کرد.» (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۸) تیرانداز فرد ماهری چون سعد بن ابی وقاص بود. این افراد بدون توجه به خویشاوندی با پیامبر (ص) به این مسئولیت‌ها گمارده می‌شدند. رتبه و موقعیت شخصی در انتصاب فرماندهی دخیل نبود.

۱۱- ممنوعیت کشتار افراد بی دفاع

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمود: «در جنگ‌ها مشرکین را بکشید و پیران و بچه‌ها را زنده بگذارید.» (کاشانی: ۱۳۸۶، ص ۱۵۴) از حدیث یاد شده می‌توان ممنوعیت کشتار افراد بی دفاع را به طور تلویحی برداشت نمود، زیرا حدیث یاد شده اشاره به تفاوت قائل شدن بین نظامیان مشرکین با افراد پیر سالخورده و کودکان دارد. رسول خدا (ص) از قتل پیرمرد، زن، کودک، اسیر و کسانی که جنگ نکرده و به دشمن یاری نرسانده‌اند، جلوگیری و به منع آن تأکید می‌کرد و نیز از شکنجه و منله کردن مقتول نهی می‌فرمود: و به خوبی، نیکی، احسان به مردم و دوستی و مدارا با آنان فرمان می‌داد. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۴۰) یکی از قواعد جنگی اسلام حرمت ریختن خون پیر فرتوت و زن و کودک و هر کسی است که

خاصیت جنگی نداشته باشد. پیامبر به هنگام اعزام سپاه به قلمرو کفار به ویژه این قاعده را به سرداران و سربازان گوشزد می کرد و می فرمود: «دست به خون پیر زمینگیر و زن و کودک نیلایید». (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۸۲۶)

۱۲- اصل تبعیت از مقررات دینی

رسول خدا (ص) برای همه رحمت بود. (قرآن کریم، سوره ی انبیا، آیه ۱۰۷)، هیچ کس را به سبب رنگ و جنس از شمول آن مستثنی نمی کرد. پیامبر (ص) در فتح مکه «سعد بن عباد» رئیس خزرج را که شعار می داد: «امروز روز نبرد است، امروز جان و مال شما حلال شمرده می شود» از مقام فرماندهی معزول داشت و فرمود بگویید: «الیوم، یوم المرحمه» (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۳۷) همه مردم در نزد او روزی خور خداوند بودند. در نبرد خیبر که گرسنگی شدید، بر مسلمانان مستولی شده بود و آنان با خوردن گوشت حیواناتی که خورن آنها مکروه است، گرسنگی را برطرف می کردند. چوپان سیاه چهره ای که برای یهودیان گله داری می کرد، حضور پیامبر (ص) شرف یاب شد و در خواست نمود که حقیقت اسلام را بر او عرضه بدارد. او در همان جلسه بر اثر سخنان نافذ پیامبر (ص) ایمان آورد و گفت: «این گوسفندان همگی در دست من امانت است و اکنون که رابطه من با صاحبان گوسفند بریده شد، تکلیف من چیست؟» پیامبر در برابر دیدگان صدها سرباز گرسنه با کمال صراحت فرمود: «در آیین ما خیانت به امانت یکی از بزرگ ترین جرم هاست. بر تو لازم است که همه گوسفندان را تا در قلعه ببری و همه را به دست صاحبانشان برسانی». (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۴۷) پیامبر حرمت ماه های حرام را نگه می داشت. در سریه «عبدا... بن جحش» از این که فرمانده جمعیت از حدود فرمان خارج شده و به جای کسب تکلیف، در ماه حرام نبرد کرده است سخت ناراحت شد و فرمود: «من هرگز دستور نداده بودم در ماه حرام جنگ کنید». (سبحانی ج ۱، ص ۴۷۶) جنگ های او همگی برای اهداف والای انسانی بوده و به منظور تحقق انسانیت انجام می شده است. لذا با کسی قبل از آنکه گناهکار باشد. برخورد نمی کرد. آن چنان که در عصر ما این گونه می کنند. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ص ۳۹) در گشودن یکی از قلعه های خیبر، خصی یهودی برای نجات جان خود به خدمت پیامبر (ص) رسید و عرضه داشت که من مجرای آب این قلعه را نشان می دهم و شما می توانید آب را به روی آنها ببندید. پیامبر (ص) با بستن آب به روی دشمن موافقت نکرد و گفت من هرگز آب را به روی کسی نمی بندم تا از تشنگی

بمیرد. اما دستور داد برای تضعیف روحیه دشمن به طور موقت آب را ببندند. بستن آب آن چنان آنان را مرعوب ساخت، که بلافاصله پس از جنگ کوتاهی تسلیم شدند. (سبحانی؛ ۱۳۶۳: ج ۲ ص ۲۵۹) در آستانه نبرد بدر شماری از مشرکان به سراغ حوضچه آب آمدند. عده‌ای از مسلمانان قصد طرد آنان را داشتند اما رسول خدا^(ص) اجازه داد تا آب بنوشند. (جعفریان؛ ۱۳۸۶: ص ۴۸۱) مثله کردن اجساد دشمن یا اسب تاختن بر آنها و هر چه که مایه بی‌احترامی نسبت به اجساد دشمن باشد در اسلام تحریم شده است. (فارسی؛ ۱۳۴۶: ص ۸۳۱)

غار تگری: در جنگ با کفار، هر گاه پیروزی به دست آید و کشور گشوده شود و آتش‌بس برقرار گردد. غارت اموال آنان ممنوع خواهد بود.

۱۳- اصل پشتیبانی

در این زمینه نخستین چیزی که پیامبر^(ص) به آن اعتماد و تکیه داشت، فراوانی و وفور امکانات محلی و بومی قابل دسترسی بود. خواه بالنسبه در مورد خوراک و طعام باشد که مهم‌ترین آن خرما بود و در مورد آشامیدنی‌ها مثل آب، که به اندازه کافی و دائم وجود داشت. اما وسایل حمل و نقل را، حیوانات و عمدتاً شتر تشکیل می‌داد و لشکریان برای رفع نیازها و انتقال غنایمی که در میادین نبرد به دست می‌آوردند از آن استفاده می‌کردند. (ضاهروتز؛ ۱۳۸۵: ۳۷) مسلمانان در جنگ خندق از نظر خواروبار در مضیقه عجیبی قرار داشتند. با این حال از طرف خانواده‌های متمکن به سربازان اسلام کمک می‌شد. (سبحانی؛ ۱۳۶۳: ج ۲ ص ۱۲۶)

۱۴- اصل به کارگیری ابتکار جنگی

مهم‌ترین ابزاری که آن حضرت مورد استفاده قرار می‌داد، اعزام جاسوسان برای به دست آوردن اخبار دشمن در هنگام آماده باش جنگی بود که بدین وسیله از تعداد نیروهای دشمن و سازوبرگ آنان بدون هیاهو خبر می‌یافت. (ضاهروتز؛ ۱۳۸۵: ص ۲۷) پیامبر اکرم^(ص) با جنگ روانی دشمن را مرعوب می‌نمود. استفاده از جنگ روانی در غزوات و سرایا موجب برتری سپاه اسلام می‌گشت. «در روز فتح مکه دستور داد تا لشکریان ده

هزار آتش روشن سازند تا بدین وسیله در قلوب دشمنان ترس و ناآرامی پدید آورد.» (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۲۷) رسول خدا (ص) «جنگ باز دارنده» را به کار گرفت. قبل از آن که دشمن نیروهای خود را برای جنگ با او کامل و آماده سازد، بر آنان سرعت و پیشی می گرفت. در این شیوه با ضربت ناگهانی دشمنان را با بهت و سرگردانی روبه رو می ساخت. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۲۹) پیامبر اکرم (ص) به همین گونه بر «جنگ برق آسا» تکیه داشت و نبردهایش بر سرعت، زمان کوتاه، یورش ناگهانی و سریع استوار بود. این اقدام در مقابل برتری کمی که در نیروهای دشمن وجود داشت انجام می شد. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۲۹)

پیامبر از جنگ «انقلابی و همگانی» نیز استفاده می کرد و بدین وسیله ساکنان شهر، چه از مردان و چه از زنان و کودکان را بسیج کرده و آنان را در مقابل جبهه دشمن و نیروهای متجاوز می قرار می داد. این شیوه به زیباترین شکل در جنگ خندق و احزاب به صاف ظهور رسید. آن حضرت هم چنین در جنگها بر محاصره کامل دشمن، تکیه داشت تا بدین وسیله ارسال کمک و پشتیبانی به او را قطع کند. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۳۰) «نمونه در جنگهای خیبر، بنی قریظه، بنی نظیر». تجارت اساس اقتصاد زندگی میکان را تشکیل می داد. (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۷۷) تحدید این خطوط تجاری بنای زندگی آن ها را فرو می ریخت. لذا تحدید خطوط اقتصادی آنان، یگانه راه برای برانداختن مانع پیشرفت اسلام به شمار می رفت. پیامبر (ص) از «جنگ موانع» (خندق) که عرب تا آن هنگام آن را ندیده و هیچ شناختی نسبت به آن نداشت، بهره برد. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۳۱) پیامبر (ص) هم چنین زمانی که مقاومت و محاصره و جنگ تن به تن را از طرف مدافعان شهر پیش بینی می کرد، به «جنگ شهری و خیابانی» که دارای روشهای دقیق و سختی است روی می آورد. فتح مکه، به تحقیق یکی از نمونههای حقیقی و جنگی چنین شیوه ای است. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۳۲) پیامبر (ص) هر عامل را که می توانست در سلطه و برتری کامل و گرفتن زمام امور در میدان جنگ و تفوق بر دشمن به او یاری برساند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می داد. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۳۴) آن حضرت برای اشباع خواهشها یا برای ارضای تمایلات خود، پس از پیروزی در جنگ، فراریان را از پشت مورد حمله قرار نمی داد. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۳۴)

انواع جنگ‌های پیامبر (ص)

الف) جنگ دفاعی و جنگ هجومی:

پیامبر (ص) از جنگ دفاعی هنگام اضطرار (هنگامی که از نیرو و امکانات کم و ضعیف برخوردار بود). استفاده می‌کرد و به همین گونه نیز «هجوم» را هنگام ضرورت (هنگامی که نیرو و امکانات کامل داشت). به کار می‌گرفت. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۱۰۸)

در ابتدای دعوت موضع دفاعی او آشکار بود و ناچار به مهاجرت شد. روش‌هایی که جنگ هجومی به وسیله آنها انجام می‌شد عبارت بود از: کشتن کسانی که متعرض به مسیر انقلاب اسلامی می‌شدند؛ مقابله سریع با همه کسانی که همواره آماده ظلم و تعدی بودند؛ انعقاد پیمان اتحاد با قبیله‌های مجاور؛ تمرکز قوا در بعضی از درگیری‌های مهم با دشمن. در أحد موضع دفاعی (موقتاً) گرفت. پس از خندق به جنگ هجومی روی آورد. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۱۱۰)

ب) جنگ ممانعتی (باز دارنده):

این جنگ به سبب نیاز به نیرو و وسایل کم و اندک مورد توجه بود. از مهم‌ترین اصول این جنگ که رسول خدا بر آن متکی بود می‌توان به سرعت، حرکت مخفی، ضربت ناگهانی، انتقال جنگ به میدان دشمن در زمان و مکان مناسب، دستیابی به اطلاعات دقیق، افزایش روحیه معنوی سپاه مهاجم، صرفه جویی در نیروها و کاهش خسارات اشاره داشت. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۱۱۰) مانند غزه «بنی سلیم» و غزوه «ذی امر». غزوه حمرالاسد، اقدام پیشگیرانه مهمی برای حمله سپاه قریش به مدینه بود، به علاوه نوعی روحیه دادن به مردمی بود که روز قبل به سختی متحمل شکست شده بودند. (جعفریان: ۱۳۸۶، ص ۵۲۴)

ج) جنگ برق آسا:

پیامبر (ص) در انجام آن به این مسائل متکی بود:

۱- تأثیر روانی بر دشمن ۲- سرعت و پیشروی و مانور ۳- آموزش پیشرفته جنگ در تیر اندازی ۴- مسابقه ۵- مقاومت ۶- تحقق یورش ناگهانی ۷- ریشه دار کردن تفکر هجوم در لشکر خود ۸- مخفی داشتن اقدامات جنگی ناگهانی ۹- کاستن بار عقبه

نیروها به طوری که ساز و برگ و تدارکات، آن را زمینگیر (سنگین) نکند. (ضاهروت: ۱۳۸۵، ص ۱۱۳) در بدر و احد به دفاع پرداخت، در هجوم به «فتح مکه» و حنین و تبوک می توان اشاره نمود.

د) شکار و تعقیب فراریان دشمن:

که هدف آنان نابودی و از بین بردن نیروهای شکست خورده دشمن است. پیامبر اکرم (ص) از این نوع جنگ در همه نبردهایی که وارد شده و در آن به پیروزی دست یافته بود بهره نگرفت. آن حضرت (پس از پیروزی) دشمن را رها ساخته و اجازه می داد به هر کجا که می خواهد بگریزد. مثال غزوه (ذات السویق) (ضاهروت: ۱۳۸۵، ص ۱۱۵) پیامبر (ص) در جنگ حنین برای تکمیل پیروزی دستور داد که فراریان نبرد «حنین» تعقیب شوند. (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۵۹)

ه) یورش و هجوم: یورش و هجومی که پیامبر (ص) به کار می گرفت به این امتیاز موصوف بود:

- استتار و اختفا: غزوه بحران، در مقابله با قبیله بنی سلیم که حضرت علی (ع) فرماندهی سپاه را به عهده داشت او کاملاً به یک اصل مهم نظامی، یعنی اصل (استتار) عمل نمود. شبها راه می رفت و روزها در نقطه ای پنهان می شد و به استراحت می پرداخت. (جعفریان: ۱۳۸۶، ص ۳۰۵)

- سکوت و خاموشی: بنی سلیم، بنی المصطلق، بدر.

- غافلگیری: در تمامی غزوات به ویژه بدر، در حرکت برای فتح مکه برای رعایت اصل «غافل گیری» تا لحظه فرمان حرکت، وقت حرکت و مسیر و مقصد برای کسی روشن نبود. (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۹)

- سرعت: بنا بر شرایط جنگی تعیین می شد.

- فریب در زمان و مکان: خندق و خیبر. رسول خدا (ص) نیروهای رزمنده را از ایجاد «سروصدا و هیاهو» منع می کرد و در غزوه «بدر» فرمان داد تا «زنگوله شترها» را از گردن آنها باز کنند. (ضاهروت: ۱۳۸۵، ص ۱۱۸)

و) خدعه و فریب:

پیامبر خدعه را جزیی از جنگ دانسته و می فرمودند: «الحرب خدعه» (جنگ؛ یعنی خدعه و فریب). در نخستین نبردی که علیه دشمنان در «بدر» انجام داد، در پاسخ به

پرسش «حباب بن منذر» در مورد این تاکتیک تأیید کرد که آری در جنگ؛ خدعه اندیشه و حيله است. (ضاهروتري: ۱۳۸۵، ص ۱۱۹)

ز) برتری از طریق بسیج امکانات در جنگ:

پیامبر^(ص) تمامی نیروها و وسایل لازم را در نبردهای مهم و اصلی با دشمن بسیج و متمرکز می کرد. از جمله در «مناطق ساحلی» و سریه‌هایی که برای مقابله با قریش می فرستاد. و نیز در سمت «مناطق شرقی» (حجاز)

بعد از جنگ بدر پیامبر^(ص) این برتری را با روش های زیر تحقق می بخشید:

- ابتکار شیوه جدید در جنگ. غزوه بدر، جنگ قلعه هاو هجوم برق آسا؛

- تمرکز نیروها در زمان و مکان مناسب (أحد و حنین)؛

- سرعتی که شرایط جنگی اقتضا می کرد؛

- انهدام و از بین بردن بیشترین نیروهای دشمن، بدر حنین، بنی قریظه؛

- ممانعت از آزادی عمل دشمن، بدر، خیبر؛

- قرار دادن دشمن در مقابل سختی‌ها و مشکلات جنگی و سازمانی. قطع

امداد رسانی به «بنی قریظه»؛

- «آتش زدن» نخل‌های بنی نضیر و باغ‌های طائف؛

- دست‌یابی به «عقبه سپاه دشمن» تصرف یا انهدام آنها. (ضاهروتري: ۱۳۸۵، ص ۱۲۲)

پیامبر^(ص) قبیله یا مجموعه‌ای از قبایل را مورد هجوم قرار نمی داد. بلکه نیروهای دشمن را برای دست‌یابی به برتری و پیروزی کامل «تجزیه» می کرد. مثلاً در حنین دشمن را تجزیه کرد و بین نیروهای «پیشگام» و «پیشقراول» با نیروهای «عقبه» جدایی انداخته و سپس ایشان را مورد حمله قرار داد.

ح) سرعت در جنگ :

- سرعت در دفاع و هجوم؛ مثل: «أحد و خندق» دفاع، هجوم بر بنی سلیم؛

- سرعت در محاصره: خیبر بنی قریظه، بنی قینقاع؛

- سرعت در مسیر حرکت: مثلاً در سریه بنی سلمه روز و شب برای رسیدن به

دشمن راه می پیمود؛

- سرعت در اطلاعات و کسب اخبار: فتح مکه؛

- سرعت در ضد حمله (پاتک): جنگ احد، حنین؛

- سرعت در مأموریت های ویژه؛
 - سرعت در یورش؛
 - سرعت در جنگ ممانعتی؛
 - سرعت در جنگ برق آسا مثل بنی قریظه؛
 - سرعت در تاخت و تاز: ذات الرقاع.
 - ط) جنگ انقلابی و همگانی:
- رسول اکرم (ص) در «جنگ انقلابی» نیروها و ساکنان شهر را از لحاظ معنوی و روحی آماده می ساخت. آنان نیز با فداکاری تمام، جان و مال خود را تقدیم می داشتند. (ضاهروتتر: ۱۳۸۵، ص ۱۲۷)
- ی) جنگ روانی:
- از مهم ترین ابزارهای جنگ روانی مورد استفاده رسول خدا «عوامل استخباراتی» و جاسوسانی بودند که به سوی دشمن می فرستاد. این جاسوسان شایعاتی می گفتند که روحیه دشمن را سست می کرد و آنان را به فرار و می داشت. مثلاً: در غزوه خندق «نعیم بن مسعود» را فرستاد تا احزاب را پراکنده و نیروی لشکر دشمن را تضعیف کند. (ضاهروتتر: ۱۳۸۵، ۱۳۲)
- در فتح مکه پیامبر (ص) برای ایجاد رعب و هراس در دل سپاه قریش، دستور داد که سربازان اسلام در نقاط مرتفع آتش افروخته، تا نواری از شعله های آتش، تمامی کوه ها و نقاط مرتفع را فرا گیرد. (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۴). اما ابزار دیگر نمایش نیرویی بود که در خدمت رسول خدا (ص) قرار داشت. ویژگی این نیروها:
- مخفی بودند: نبرد ملائکه در جنگ بدر؛ وزش توفان در خندق؛
 - شکست ناپذیر بودند؛
 - روح هجومی داشتند؛
 - روش های جدید در جنگ ابتکار می کردند،
 - بن بست شکنی؛
 - صفات جسمی و روحی؛
- از آشکارترین صفات روحی رسول خدا (ص) موارد زیر قابل ذکر است:
- غرور پیروزی او را فرا نمی گرفت؛ از شکست «ناامید» نمی شد؛ «احتیاط و پرهیز»

حتی هنگام نماز نیز مراقب و هوشیار بود؛ نرمی همراه با صلابت؛ سرعت در فرماندهی برای مقابله با مسائل جدید؛ «تمرکز فرماندهی» به طوری که شهرت رهبری و فرماندهی او برای فرار دشمن قبل از آنکه به سوی او حرکت کند کافی بود. (ضاهروتی ۱۳۸۵، ص ۱۳۵) از دیگر ویژگی‌های رسول خدا^(ص) موارد زیر قابل ذکر است:

به کوچک رحم می‌کرد و بزرگ را گرامی می‌داشت. بعضی از تکالیف و سختی‌ها را از دوش آنان بر می‌داشت و از کشتن ایشان در جنگ نهی می‌کرد. (ضاهروتی؛ ۱۳۸۵، ص ۱۳۷) یتیم را خوشنود کرده و پناه می‌داد، به فقرا و مساکین نیکی و به احسان نسبت به بندگان امر می‌فرمود. حتی به حیوانات ترحم نموده و از اذیت آنها نهی می‌کرد. در حفر خندق پیامبر^(ص) اولین کلنگ را خود به زمین زد، و مشغول کردن زمین شد و علی^(ع) خاک‌ها را بیرون می‌ریخت. با این کار به جامعه اسلام تفهیم کرد که فرمانده لشکر و پیشوای جمعیت باید به سان افراد دیگر شریک غم بوده و پیوسته باری از دوش آنها بردارد. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ۱۲) توجه رسول خدا^(ص) حتی شامل اشیا نیز می‌شد. به گونه‌ای که بر سپر خویش (ذات الفضول = بسیار بخشنده) و بر نیزه‌اش «مئوی = جایگاه»، بر کمانش «الکتوم = رازدار» و بر جعبه تیر خود (کافور = درخت کافور یا شاخه نخل) نام نهاده بود. و حضرت علی^(ع) بر شمشیر خود (ذوالفقار = دارای تیغه‌ها) نام نهاده بود. آن حضرت نیروهایی را که برای سرایا و جنگ با دشمن اعزام می‌کرد به دوستی و مدارا با مردم و عدم یورش و شیبخون علیه ایشان وصیت و سفارش می‌فرمود. او بیشتر دوست داشت دشمن را به سوی صلح منقاد کند، نه اینکه مردان ایشان را بکشد و زنان و فرزندان آنان را (بدون سرپرست) باقی گذارد. آن حضرت سفارش می‌کرد تا پیرمردان، کودکان و زنان و بدن مقتول را شکنجه و مثله نکنند. (ضاهروتی؛ ۱۳۸۵، ص ۱۳۸) از برترین صفات انسانی پیامبر در جنگ‌ها این است که وقتی قریش به او پناه آورده بودند، محاصره اقتصادی آنان را لغو و با تقاضای ایشان برای «تهیه گندم» از یمن موافقت فرمود. به رغم آنچه با او کرده بودند، اسرای زنان و فرزندان «بنی تمیم» را به آنان باز گرداند. پیامبر اکرم^(ص) به صلح کامل در جهان دعوت می‌کرد و از جنگ، جز به هنگام ضرورت و ناچاری پرهیز داشت. نامه‌هایی که به سوی پادشاهان می‌فرستاد، به «سلام و صلح» آراسته و مزین بود که آن برای آغاز کلام در دیدار بین فرزندان آدم قرار داده بود. پیامبر^(ص) به فرماندهی مفهوم مشخصی

داد. (ضاهروتتر: ۱۳۸۵، ۱۳۹)

و بین اصول سیاسی و نظامی ارتباط برقرار ساخت. (ضاهروتتر: ۱۳۸۵، ص ۱۴۰) اطاعت را رمزی برای انضباط، انقیاد و فرمانبرداری قرار داد. برنامه‌ریزی جدید، سازمان دهی نمونه و فرماندهی برتری را بنیاد گذاشت، سرباز را براساس اخلاق و علم، پایداری و دوستی، مرگ (شهادت) و دل نبستن به زندگی را در قلب وی کاشت. فرماندهان لشکر را براساس شایستگی و شناخت برگزید. لشکر و شعب را به طور یک‌سان در فرماندهی خود جمع کرد و از آنچه که در وسع و توانایی رزمندگان بود، بیشتر به آنان می‌بخشید. در این مسائل، کوچک و بزرگ، قوی و ضعیف و زن و مرد را وارد می‌کرد. آنان را به رهبری و عقیده‌ای یگانه دعوت نمود و آن دو را با هم همراه و ملازم ساخت و در روشن ساختن این مفاهیم و دگرگونی‌های آن همواره کوشید تا به سرمنزل مقصود رسید. (ضاهروتتر: ۱۳۸۰، ۱۴۸)

۱۵- اصل اخلاق فرماندهی

«وانک لعلی خلق عظیم» (قرآن مجید، سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۴). خلق بسیار نیکوی پیامبر (ص) از او فرماندهی موفق در میدان نبرد ساخته بود. برخی از مبانی اخلاق فرماندهی پیامبر عبارتند از: «آن حضرت نسبت به تمامی مردم مهربان بود، در همه شرایط با لشکریان و مردم خود مدارا می‌کرد. راست‌گویی امین و وفادار به عهد و پیمان خود بود. هنگام غضب خشم خود را فرو می‌برد و هنگام قدرت از مجازات چشم پوشیده می‌گذشت. (ضاهروتتر: ۱۳۸۵، ص ۹۲) یک نکته نزد فقهای شیعه مسلم است و آن این که اسیر گرفتن عمدتاً در دو مرحله صورت می‌گیرد: یکی اسیری که در هنگامه برپایی جنگ به اسارت در می‌آید، دیگر اسیری که پس از پایان جنگ گرفتار می‌شود. در قسم اول رسول خدا (ص) و حاکم مخیر در کشتن اوست و در قسم دوم، تخییر بین آزاد کردن، فدیة کردن و بنده کردن اسیر است. در همین مورد نیز اگر حاکم عنصری را خطرناک تشخیص می‌دهد می‌تواند او را به قتل برساند. (جعفریان: ۱۳۸۶، ص ۴۸۷) این اصولاً یک اصل عقلانی است که در حین کارزار نباید به گرفتن اسیر اندیشید و تنها باید به از بین بردن توان دشمن فکر کرد. (جعفریان: ۱۳۸۶، ۴۸۸) ابو عزیز، پرچمدار قریش از جنگ بدر می‌گوید: «از روزی که پیامبر، سفارش اسیران را کرد، ما در میان آنها خیلی محترم بودیم. آنها تا ما را

سیر نمی‌کردند، خود دست به غذا نمی‌بردند.» (سبحانی ج ۱، ۵۱۸) حسان بن ثابت در شعری گفت که بسیاری از اسرا بدون پرداخت هیچ گونه پولی آزاد شدند «کم من اسیر فککنه بلائمن». (جعفریان؛ ۱۳۸۶، ۴۹۲) «صبر» پایه اخلاق فرماندهی او گردید. «رفق و مدارا» زینت فرماندهی اش گردید. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ۹۲)

۱۶- اصل تدبیر، تفکر و دوراندیشی

این موارد از جمله برجسته ترین «صفات عقلی» پیامبر^(ص) محسوب می‌شد. (محمد ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ص ۹۴) رسول خدا^(ص) با عقل خود، روش های جدیدی را در «علم جنگ»، حکومت، مدیریت، سیاست، اقتصاد، اجتماع و غیر آن به وجود آورد. بر این اساس در جنگ بدر مبتکر سازماندهی صفوف شد. در جنگ احزاب به کندن خندق پرداخت. در غزوه حدیبیه با قریش مذاکره کرد و با انعقاد پیمانی به نتایج عالی آن دست یافت. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ص ۹۴) مبانی برتری عقلی و تفکر پیامبر^(ص) در این مسائل متبلور می‌گشت:

الف- طرح و برنامه و سازماندهی:

پیامبر^(ص) لشکری از مهاجران و انصار را سازماندهی کرد. انصار از اوس و خزرج تشکیل می‌شدند و مهاجران نیز از تمامی قبایل بوده و از پیشتازان و طلایه داران جنگ در سپاه محسوب می‌شدند.

پیامبر^(ص) برای هر قبیله یک فرمانده و برای تمامی لشکر نیز یک فرماندهی کل قرار داد. و در هر جنگی سپاه را سازماندهی می‌کرد. سپاهیان او به طلیعه «جلو داران»، ساقه «عقبه»، میمنه «جناح راست»، مسیر «جناح چپ»، قلب سپاه تقسیم می‌شدند. آن حضرت به استطلاع «خبرگیری» و اطلاعات اهتمام زیادی می‌ورزید. برای انجام مأموریت‌های شهادت طلبانه نیز، سریه‌هایی اعزام می‌کرد. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ۹۸)

ب- تصمیم و دستور قاطع؛ شامل:

- بررسی (جوانب) تصمیم و فرمان قبل از صدور آن؛
- عدم بازگشت و انصراف پس از ابلاغ حکم؛
- تغییر حکم و فرمان با تغییر شرایط جنگی؛
- حفظ توانمندی‌های عقلانی و قدرت تداوم،
- هدایت و رهبری میدان نبرد در اوضاع و احوال سخت جنگ؛

- تصمیم به تحقق پیروزی

مهارت و برتری عقلی در سطوح اجرایی فرماندهی: آن حضرت مردان را می‌آزمود و فرماندهانی با نفوذ و قوی بر می‌گزید. از جمله حمزه بن عبدالمطلب و... (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۱۰۱)

آن حضرت در آغاز نبرد بر نقاطی که دست‌یابی به هدف را تأمین کند، متمرکز می‌شد. رسول خدا (ص) برای حفاظت از نیروهای لشکر، مقرر فرماندهی خود را متناسب با شرایط جنگی جابجا می‌ساخت. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۱۰۴) در غزوة «خیبر» چهار مقرر فرماندهی تشکیل داد. در نبرد احد نیز نقطه‌ای را برای الحاق و راهی را برای انتقال به مقرر فرماندهی جدید تعیین فرمود. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۱۰۴) قبل از نبرد بدر پیامبر (ص) دستور داد که پناه‌گاهی روی تپه‌ای که مشرف به میدان باشد بسازند و مقرر فرماندهی را به آنجا منتقل کنند. (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۰۲)

از جمله موارد فراست و زیرکی پیامبر (ص):

برقراری صلح حدیبیه، خبر از شهادت سه تن از فرماندهان در جنگ «موته»، در هم شکستن مرزهای بیزانس در «جنگ تبوک» موضع‌گیری هجومی پس از جنگ خندق و ...

اصول جنگ:

«هدف» در دعوت وی روشن و جنگ او بر این مبانی قرار داشت:

- تحریض نیروها؛
- صرفه جویی در به‌کارگیری آنان؛
- استفاده از یورش ناگهانی در زمان و مکان مناسب؛
- تکیه بر سرعت که جنگ ضربتی را محقق می‌ساخت؛
- استمرار فشار، هنگام اجرای غزوات پی‌درپی؛
- اجرای مانور با استفاده از امکانات و نیروهایی که فراهم آورده بود؛
- اهتمام به ایجاد امنیت برای نیروها؛
- تکیه بر استطلاع و استخبارات؛
- سازماندهی نیروهای خودی؛
- اجرای هم‌کاری بین جنگجویان و بین صفوف نیروهای عمل‌کننده در عمق با

سواران، پیاده‌ها و سایر صفوف و نیز بین جناح راست و چپ و قلب سپاه؛
- پراکنده نکردن نیروها، چون با اسلحه و ساز و برگ جنگی موجود در آن دوران
متناسب نبود؛

- تقویت روحیه سربازان خودی به گونه‌ای که آنان از مرگ نمی‌ترسیدند. هر
موقع جنگ شدت پیدا می‌کرد، ما به پیامبر^(ص) پناه می‌بردیم، هیچ کس از ما به دشمن
نزدیک‌تر از او نبود. (دشتی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۳)

۱۷- اصل سازماندهی ستادهای نظامی

که بر مبانی اداری زیر استوار بود، عبارتند از:

۱-۱۷- ستاد پرسنلی شامل:

۱-۱-۱۷- اداره طرح و برنامه ریزی:

الف: برنامه ریزی سیاسی برای مشارکت انصار در جنگ؛

ب: روش‌های مذاکره، مثل صلح در حدیبیه؛

ج: طرح و برنامه ریزی برای شناسایی دشمن؛

د: برنامه ریزی برای تمرکز و تسلط بر راه‌ها و محورهای مهم؛

ه: تعیین جانشین در مدینه؛

و: سان دیدن فرماندهی کل سپاه (ضاهروت: ۱۳۸۵، ص ۱۵۲)؛ ایشان از لشکر بازدید، آن
را برای حرکت می‌آراست. روزی که پیامبر برای فتح مکه از مدینه خارج شد، در
نزدیکی مدینه از سپاه خود سان دید؛ (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۰)
ز: حفظ اتحاد و یک‌پارچگی لشکر. مادام که افکار شما پراکنده است فراوانی تعداد
شما سودی ندارد. (دشتی: ۱۳۸۶، ۲۲۱) خطبه ۱۲۵ نهج البلاغه مملو از آموزش نظامی و
معنوی به سربازان است. (دشتی: ۱۳۸۶، ص ۲۲۷)

ط: انضباط. با شروع حمله عمومی در جنگ بدر پیامبر^(ص) از برج فرماندهی پایین
آمد و با چوب دستی صفوف سربازان خود را منظم کرد، در این لحظه «سواد بن عزیزه»
از صف جلوتر ایستاده بود. پیامبر^(ص) با چوب تعلیمی، روی شکم او زد و فرمود: «از
صف سربازان جلوتر نایست.» (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۰۹) او از درد گله کرد و رسول
خدا^(ص) از او خواست که قصاص کند. حضرت پیراهن بالا زد و سواد به جای قصاص،
شکم رسول خدا^(ص) را بوسه زد. (جعفریان: ۱۳۸۶، ص ۴۸۰) دستور مؤکد پیامبر به تیراندازان

در جنگ اُحد که مطلقاً از جای خود حرکت نکنند، حاکی از اطلاع کامل او از اصول نظامی بود. ولی نبوغ نظامی فرمانده، ضامن پیروزی قطعی نیست در صورتی که سربازان بی انضباطی به خرج دهند. (سیحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۵) روز دهم ماه رمضان سال هشتم هجرت، فرمان حرکت به سمت مکه صادر شد. وقتی پیامبر (ص) کمی از مدینه فاصله گرفت، در نقطه ای به نام «کدید» آبی خواست و روزه خود را افطار نمود و به همه دستور داد که همه افطار کنند. گروه زیادی افطار کردند. اما عده کمی افطار نکردند. پیامبر (ص) از امتناع این دسته ناراحت شد و فرمود: «آنان گروه گناهکاران و سرکش می باشند». (سیحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۰)

ط: تعیین تعداد نیروهای لشکر. اولین سریه را با سی جنگجو آغاز کرد. در بدر به ۳۱۳ نفر و در آخرین غزوه از سی هزار جنگجو گذشت. قبل از نبرد بدر، رسول خدا (ص) در محله سقییا یک یک سپاهیان خود را مورد بررسی قرار داد کرد و هر کس که سنش متناسب با جنگ نبود به مدینه بازگرداند. (جعفریان؛ ۱۳۸۶، ص ۴۷۵) زمانی که رسول خدا (ص) در حال رفتن به سوی بدر بود، دو نفر از مدنی‌های مشرک [که بعداً مسلمان شدند] را دید که وی را همراهی می‌کنند، رسول خدا (ص) فرمود: «کسی که بر دین ما نیست، نباید ما را همراهی کند.» (جعفریان؛ ۱۳۸۶، ص ۴۷۶) پیامبر (ص) از جنگجویان محافظت می‌کرد و آنان را به سوی مرگ یا هلاکت (تهلکه) نمی‌فرستاد، به گونه‌ای که تعداد شهدا در همه جنگ‌هایی که در طول ۹ سال فرماندهی ایشان صورت گرفت، به بیش از ۳۱۷ تن نرسید. (ضاهروتی؛ ۱۳۸۵، ص ۱۶۴)

ی: نظام و سازمان دهی نیروها:

سازمان دهی و تقسیم نیروها به یگان‌ها (دسته‌ها و واحدها) تابع مأموریت، نوع نبرد، زمین، قدرت جنگی نیروها، قدرت دشمن و اسلحه به کار گرفته شده به وسیله هر دو طرف بود. (ضاهروتی؛ ۱۳۸۵، ص ۱۶۵) پیامبر (ص) در غزوه «فتح» مهاجران را در سه ستون دویست نفری، اوس را در شش ستون ۳۵۰ نفری و قبیله اسلم را در یک ستون دویست نفری سازماندهی نمود. آن حضرت گاهی لشکر را براساس «امکانات جدید جنگی» سازماندهی می‌کرد. لذا این سازماندهی در غزوه فتح با سازماندهی لشکر در حنین به کلی متفاوت بود. (ضاهروتی؛ ۱۳۸۵، ص ۱۶۶)

۲-۱-۱۷- اداره شورا: این شورا از تعدادی فرماندهان نظامی مهاجر و انصار و

سایر قبایل تشکیل می‌شد و پیامبر^(ص) نظر اعضا در مسائل زیر را جویا می‌شد: «اعلان جنگ با دشمن، استفاده از هم کاری انصار (در جنگ)، تمرکز نیروها همانند جنگ بدر، اقامت یا خروج از مدینه برای رویارویی با قریش در جنگ احد، کندن خندق در جنگ احزاب و...». پیامبر^(ص) در این شورا همانند دیگران تنها یک رأی داشت و آرا و نظرات دیگران را می‌شنید. واقدی: «رسول خدا در امر جنگ فراوان مشورت می‌کرد.» (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۵۲۲) پیامبر «در شورای نظامی قبل از جنگ احد» با ندای رسا فرمود: «اشیروالی» یعنی افسران و سربازان نظرات خود را بیان کنید. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۴) تا انصار موافقت خود را برای جنگ بدر اعلام نکردند، پیامبر^(ص) تصمیم بر جنگ نگرفت. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸۱) در نبرد احد عقیده شخصی رسول خدا^(ص) بر ماندن در شهر بود. اما وقتی رأی اکثریت مردم را در خروج از شهر دید نخواست با آنان مخالفت کند. پیامبر در مسأله جنگ، خواست مردم را در نظر می‌گرفت، زیرا تحمل صدمات جنگ چندان آسان نبود. (جعفریان؛ ۱۳۸۶، ص ۵۰۹)

۳-۱-۱۷- اداره توجیه عقیدتی: پیامبر^(ص) روح معنویت را نزد لشکر خود به طور دائم و با وسایل گوناگون تقویت می‌کرد، مانند: آموزش و توجیه پیوسته نیروها، برابری فرمانده در حمل خاک از خندق با لشکریان، مشارکت در غم و شادی آنان، دفاع از نیروها، استواری در نبردها، توزیع غنایم، نگهداری از خانواده جنگجویان و شهدا، انجام آموزش‌های مختلف جنگی برای فرو ریختن دیوار ترس از میان نیروها (قرآن، سوره‌ی انعام، آیه ۱۹) و روبه‌رو ساختن آنان با صحنه‌های حقیقی جنگ. رسول خدا^(ص) هم‌چنین این روحیه را با شگردهایی محافظت می‌کرد که عبارت بودند از: خارج ساختن نیروهای ضعیف و شکست خورده از لحاظ روحی از میان لشکریان، از بین بردن شایعات، پنهان ساختن اطلاعات که موجب ضعف در اراده و توان مردم می‌شد، عادت دادن نیروهای مسلح به حفظ انضباط همیشگی و ایجاد اعتماد و دوستی متقابل بین فرمانده و لشکریان. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ص ۱۷۲) پیامبر در نبردها از تقویت روانی سربازان غفلت نمی‌کرد. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۵) پیش از آنکه جنگ احد آغاز شود، پیامبر^(ص) شمشیری به دست گرفت و برای تحریک روان سربازان دلیر و شجاع رو به آنها کرد و گفت «کیست این شمشیر را به دست گیرد و حق آن را ادا کند؟» ابودجانه پرسید: «حق این شمشیر چیست؟» پیامبر فرمود: «آن قدر با آن بجنگی که خم شود.» (سبحانی؛ ۱۳۶۳،

ج ۲، ص ۴۷)

از نمونه‌های قدرت روحی و معنوی موارد زیر قابل ذکرند:

الف: عشق شهادت و جانبازی در جامعه آن روز اسلام آن چنان شدید بود که برخی از افراد نابالغ نیز در آن شرکت کرده بودند و رسول گرامی آنان را به مدینه باز گردانید. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸۹)

ب: حضور بدون زره برخی رزمندگان در مقابل دشمن، سن کم برخی رزمندگان، مقابله گروه اندک در مقابل سپاه بسیار دشمن. در جنگ احد به رغم شایعه مرگ رسول خدا (ص) شجاعانه می‌جنگیدند. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ص ۱۷۳)

۴-۱-۱۷- اداره اطلاعات و امنیت: از روش‌های ستوده پیامبر اسلام (ص)، در تمام نبردها، کسب اطلاعات از پایه آمادگی دشمن و محل او بود. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸۸) پیامبر (ص) برای دستیابی به اطلاعات، بیش از سایر امور جنگی در تلاش بودند. آن حضرت برای کسب اطلاعات از قریش، سرایای زیادی به نواحی مختلف اعزام داشت. مأموریت این سربازها کسب اخبار از تعداد قبایل دشمن و نیز نیروهای روم بود. نیروهای مأمور محورهای ورودی و خروجی مکه را زیر نظر داشتند. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ص ۱۷۹) عباس بن عبدالمطلب، از مسلمانان مقیم مکه بود که به دستور پیامبر در مکه اقامت گزیده و پیامبر را از تصمیمات قریش آگاه می‌ساخت. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۰) بازجویی از اسرا، سکونت دادن نیروهای اطلاعاتی در سرزمین دشمن و بررسی تحرکات و جابه‌جایی‌های آنان در وقت مناسب از روش‌های دیگر کسب اطلاعات بود. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ص ۱۸۰)

۵-۱-۱۷- پنهان داشتن نقشه‌ها: آن حضرت تمامی نقشه‌ها و تدابیر موجود را پنهان می‌داشت و از تمامی مسائل مربوط به «سازمان دهی و روش‌های جنگی دشمن، هدف، سلاح، فرماندهان و نقشه‌های آنان» آگاه بود. (ضاهروت؛ ۱۳۸۵، ص ۱۸۱) در ماه رجب سال دوم هجرت، ۸۰ نفر از مهاجران را به فرماندهی «عبدالله بن جحش» برای تعقیب کاروان اعزام نمود. هنگام حرکت نامه‌ای به دست فرمانده داد و گفت: «پس از دو روز راه‌پیمایی نامه را باز نما و به مضمون آن عمل کن.» فرمانده چنین کرد. «در سرزمین نخله که میان مکه و طائف است فرود آی و در آنجا در انتظار قریش بنشین و از اوضاع آنها ما را مطلع ساز.» (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸) آن حضرت تلاش زیادی

داشت تا اطلاعات به صورت بسیار فعال و پویا بوده و با عمل فرمانده و گروه‌های مأمور همراه و هماهنگ باشد. به عنوان مثال در جنگ «بدر» و «فتح مکه» از کوچک‌ترین مسأله از جمله (تعداد) ذبائح برای دست‌یابی به اطلاعات استفاده کرد. (ضاهروتی: ۱۳۸۵، ۱۸۳) از آن هنگام که پیامبر^(ص) در مدینه سکنا گزید، پیوسته مأموران زبردست را روانه اطراف می‌کرد تا او را از اوضاع و جنب و جوش‌های خارج از محوطه اسلام، آگاه سازند. (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۲۵) پیامبر^(ص) تأکید داشت تا کسب اطلاعات از «نزدیک و بدون فاصله از دشمن» صورت پذیرد. فعالیت و تحریک در امر اطلاعات، نه تنها برای دست‌یابی به اخبار دشمن، بلکه حتی برای ابطال اطلاعات او نیز مورد توجه پیامبر^(ص) قرار داشته است. مثال:

- عملیات استتار؛ در هنگام حرکت که با عبور از راه «پرگیاه و درخت» مدینه در غزوه «ذی امر» (غطفان) انجام شد.
- استفاده از تاریکی شب؛ غزوه «ذی العشیره»؛
- شتاب و سرعت در پیمودن راه غزوه دومه الجندل؛
- استفاده از راه‌های کوتاه؛
- دستور باز کردن زنگوله از گردن شترها: فتح مکه «غزوه موته»؛
- محقق نگه داشتن آمادگی و بسیج اولیه - غزوات بنی سلیم، ذی امر؛
- استفاده از حرف رمز و شناسایی، در جنگ بدر و سریه «اسامه بن زید» از سوی فرماندهی گروه به کار گرفته شد؛
- سفارش به عدم ایجاد هر گونه سرو صدایی که موجب هشیاری یا آگاهی دشمن از نزدیک شدن لشکر به سوی آنان شود. در غزوه خیبر یکی از افراد را از جلو افتادن از لشکر و تکروری منع؛
- جلوگیری از درخشندگی اسلحه، هنگام حرکت و عدم عبور از مقابل ساکنان (مناطق میان راه)، غزوه بدر؛
- عبور لشکر از راه‌های خالی از سکنه، مانند راه‌های صحرائی، «غزوه بنی سلیم و بحران»؛
- دستور «به حفظ اسرار و مخفی کردن اطلاعات جنگی»؛
- گمراه ساختن دشمن از مقاصد هجومی: مثلاً ساکنان مکه و روستاییان آنان را

در غزوه فتح سرگردان ساخت به طوری که نمی دانستند آیا مقصود پیامبر (ص) نجد، هوازن یا منطقه دیگری است، لذا در گمراهی کاملی قرار گرفته و امر بر آنان مشتبه شد؛ - دستگیری جاسوسان و نیروهای اطلاعاتی دشمن و ممانعت از رسانیدن

اطلاعات. (محمد ضاهروتی؛ ۱۳۸۵، صص ۱۸۵، ۱۸۶)

- اهدافی که پیامبر (ص) تلاش خود را نسبت به شناسایی آن متمرکز می ساخت عبارت بود از:

اول: نیت و هدف (دشمن)؛

دوم: تجمع دشمن؛

سوم: زمین و محورهای تحرک - از طریق پیشقراولان لشکر، راهنمایان، ساکنان محلی و گشتی های شناسایی؛

چهارم: شناسایی منطقه عملیاتی از طریق دیده بانی، شنود و... وجود شعب در کوه (احد) تأثیر زیادی در حفظ جان پیامبر و نجات عده ای از صحابه داشت. (جعفریان؛ ۱۳۸۶،

۵۱۴)

۲-۱۷- ستادهای عملیاتی:

ستادهای عملیاتی مجموع واحدهایی بودند که طرح و برنامه، فرماندهی، آموزش، تغییر سلاح و ساز و برگ، روش های جنگی و آنچه را که با این امور ارتباط دارد برعهده داشتند. (ضاهروتی؛ ۱۳۸۵، ص ۱۹۶)

الف: فرامین عملیاتی به صورت کتبی و شفاهی بود و شامل:

- هدف: در تمام غزوات و سرایا هدف معین بود؛
- اجرای اقدامات ضروری در هنگام جنگ: مثل حفرخندق قبل از جنگ احزاب؛
- انتخاب مکان مورد نظر؛
- راه های رسیدن به هدف: ضروری بود لشکر از محورهای شناخته شده ای بگذرد؛
- جهت: لشکر اسلام به سوی اماکنی که فرماندهی کل آن را معین می کرد عازم می شد؛
- بررسی امکان استقرار: محل استقرار یا الحاق نیروها معین می شد؛

- حراست و نگهداری: تعداد نیروهای نگهبان، فرمانده؛ مأموریت، مکان و... معین می‌شد؛
 - حرف رمز و شناسایی: برای شناسایی نیروهای لشکر مورد استفاده بود. از جنگی به جنگ دیگر فرق می‌کرد. بدر و خندق، در آن روز، رمز گرد آمدن مردم برای نماز و یا شنیدن مطلب لازم جمله «الصلاة جامعة» بود. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۳)
 - تعیین پرچمدار: حمل پرچم برعهده نیروی مورد اعتماد بود؛
 - فرماندهی عقبه: امور اداری تدارکاتی را متعهد می‌شد؛
 - فرماندهی سریه: برای مأموریت مستقل اطلاعاتی یا جنگی در رأس نیروها تعیین می‌شد؛
 - موقعیت‌های خاص: مثل عکس‌العمل فوری در مقابل دشمن، یورش و تهاجم در غزوات، عملیات شهادت طلبانه، (ومی فرمود) تا لحظه‌ای که فرمان نبرد صادر نشده است کسی دست به حمله نزنند. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۶) وقتی (عبدالله بن خدافه) گفت: «مگر من فرمانده شما نیستم و مگر نه این که باید از من اطاعت کنید؟ من دستور می‌دهم در این آتش بروید.» رسول خدا^(ص) خبر این ماجرا شنید، فرمود: «کسی که شما را به معصیتی فرمان دهد او را اطاعت نکنید.» (جعفریان؛ ۱۳۸۶، ص ۶۶۲)
 - تأمینات مختلف میدان جنگ: مثل تأمین اطلاعاتی و اداری در بدر و خندق؛
 - افزایش روحیه‌ها: در صدور دستورالعمل‌ها تلاش می‌شد تا آنها در روحیه لشکر مؤثر باشد. رسول خدا^(ص) در روز چهارشنبه در ۲۲ رمضان دارد به مدینه برگشت، در بازگشت از بدر، در حالیکه کودکان با شعر «طلع البدر علینا» از وی استقبال کردند؛ (جعفریان؛ ۱۳۸۶، ص ۴۹۰)
 - اصرار و پافشاری بر ثبات نیروها؛
 - توسل به صبر؛
 - ایثار مال و جان در تمام دستورات به این دو عامل مهم اشاره می‌شد؛ (ضاهروتی؛ ۱۳۸۵، ص ۱۹۷)
- گزارش‌های روزانه: این گزارش‌ها، وضعیت جنگی، تدارکاتی، معنوی و روحی

نیروها، خواست‌ها و هدف‌ها را تشریح می‌کرد و معمولاً روزانه بود. این امر، به صورت شفاهی نبود و در پایان جنگ یا پس از پایان مأموریت به وسیله پیک سوار یا پیاده ارسال می‌شد. مهم‌ترین مسائل این گزارش‌ها شامل: مأموریت یگان، قطعه دیدبانی، اطلاعات، چگونگی هجوم بر دشمن و نتایجی که از آن جنگ به دست می‌آمد بویژه خسارات، غنایم و کارهایی که برای تقویت نیروها و امداد رسانی لوازم مورد نظر صورت می‌گرفت.

۱-۲-۱۷- اداره آموزش: آموزش در لشکر اسلام عمومیت داشت و شامل افراد، جماعات، گروه‌ها، سازمان‌های بزرگ و تمامی نیروهای مسلح می‌شد و در تمامی شرایط جنگی که در هنگام نبردها آشکار می‌شد. به اجرا در می‌آمد. از جمله: شناسایی، تیراندازی، مبارزه، مسابقه، حرکت شبانه، دیده بانی و... (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ۲۷۲) پس از جنگ بدر اعلام شد که اسیران باسواد می‌توانند با تعلیم خواندن و نوشتن به ده نفر از اطفال آزاد شوند. دیگران با پرداخت مبلغی از چهار هزار درهم، آزاد می‌گردند و افراد فقیر و نیازمند بدون پرداخت «فدیه» آزاد می‌شوند. (سبحانی: ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۱۸)

۷- اداره تسلیحات: تأمین و ذخیره «ساز و برگ» جنگی از طریق ساخت، خرید، غنیمت و توزیع آن و در حقیقت امر تسلیح را با هم‌کاری «اداره تدارکات» و نیز آموزش سلاح‌ها با هم‌کاری اداره آموزش و سرانجام تخلیه، بازسازی و انبار کردن تسلیحات را به عهده داشت. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ۲۷۶)

مهم‌ترین این سلاح‌ها عبارت بودند از:

- اسلحه هجومی: شامل شمشیر، نیزه و کمان
- سلاح‌های دفاعی: زره، سپر، کلاهخود، مغفر (زره ای که زیر کلاهخود می‌گذاشتند). در غزوه «طائف» از منجنیق و دبابه (وسایلی که با آن آتش بر سر دشمن می‌ریختند) استفاده گردید.

فرماندهی کل پیامبر (ص) از مجازات شکست خوردگان با انعقاد پیمان دوستی و یا تصرف بخشی از اموال آنان می‌گذشت اما مطلقاً از سلاح آنان چشم‌پوشی نمی‌کرد. (ضاهروتیر: ۱۳۸۵، ص ۲۷۹) فرماندهی کل نسبت به همراه داشتن دائمی اسلحه و حمل کردن آن در همه مواقع، حتی در جایی که دشمن نباشد نیز فرمان می‌داد و نیروهای لشکر را، که پس از پایان جنگ خسته و سست شده و قصد فروختن اسلحه

خود را داشتند، نهی کرده و فکر آمادگی دائم برای نبرد هنگام صلح و جنگ، حال و آینده، به رغم وجود یا نبود دشمن را در اذهان آنان همواره تقویت می‌فرمود. (ضاهروتی؛ ۱۳۸۵ ص ۲۸۲)

۳-۲-۱۷- اداره تدارکات و پشتیبانی: امور امداد رسانی، تدارکات و سایل حمل و نقل، تغذیه جنگجویان، تهیه لباس و پوشش نیروها، تصرف و توزیع غنایم، امور طبی و درمانی و مسائل مرتبط با آن بر عهده این اداره بود. تأمین امکانات مادی، کمک رسانی به نیروهای مسلح از جمله لوازم فردی و نیازهای مادی. گاهی برخی از بانوان تجربه دیده، برای کمک به جنگاوران اسلام، همراه آنان از مدینه بیرون می‌آمدند، و با سیراب کردن تشنگان، و شستن لباس‌های سربازان و پانسمان کردن زخم‌های مجروحان به پیروزی مسلمانان کمک می‌کردند. (سبحانی؛ ۱۳۶۳، ج ۲۶۶) (در احد) چند تن از زنان مسلمان به سراغ تشنگان و مجروحان شتافتند و به معالجه آنان پرداختند. برخی چون نسیبه که از صبح در میدان حاضر شده بود با دشمن درگیر و مجروح شده بود. (جعفریان؛ ۱۳۸۶، ص ۵۱۷)

مبانی اندیشه نظامی پیامبر (ص)

- ۱- تبلیغات و عملیات روانی؛
- ۲- مناجات و دعا در جنگ‌ها؛
- ۳- روحیه بخشی به رزمندگان؛
- ۴- صبر و استقامت؛
- ۵- سرعت در فرماندهی برای مقابله با مسائل جدید؛
- ۷- اخلاق فرماندهی، نرمی همراه با صلابت، از شکست «ناامید» نمی‌شد و غرور پیروزی او را فرا نمی‌گرفت؛
- ۷- تمرکز فرماندهی، به طوری که شهرت رهبری و فرماندهی او برای فرار دشمن قبل از آنکه به سوی او حرکت کند کافی بود.

اصول اندیشه نظامی امیرالمؤمنین (ع)

۱- تقویت عوامل وحدت بخش و عدم تمایل به اختلاف بین نیروهای مبارز:
امام علی (ع) خطاب به خوارج فرمودند: «امروز با پیدایش زنگارها در دین، کثری
ها و نفوذ شبهه‌ها در افکار، تفسیر و تأویل دروغین در دین، با برادران مسلمان خود به
جنگ خونین کشانده شدیم. پس هرگاه احساس کنیم چیزی باعث وحدت ماست و به
وسیله آن به یک‌دیگر نزدیک می‌شویم و شکاف‌ها را پر و باقیمانده پیوندها را محکم
می‌کنیم، به آن تمایل نشان می‌دهیم، آن را گرفته و دیگر راه‌ها را ترک
می‌گوییم.» (دشتی؛ ۱۳۸۶، ص ۲۲۵)

۲- بیداری و هوشیاری در جنگ:

همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است، هر آن کس که به خواب رود، دشمن
او نخواهد خوابید. (دشتی؛ ۱۳۸۶، ص ۵۸۳)

۳- صلح و سازش مسلمین:

در آستانه جنگ صفین، برخی مدارا کردن امام علی (ع) را دیده و علت را پرسیدند.
در پاسخ آنان فرمود: «به خدا سوگند! هر روزی که جنگ را به تأخیر می‌اندازم برای آن
است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند.» (دشتی؛ ۱۳۸۶،
ص ۱۰۱)

۴- خود داری از آغاز جنگ:

پیش از رفتن به میدان جمل گفت با آنان مدارا خواهیم کرد و فاصله خواهیم
گرفت تا آنکه ستم و تجاوز به ما را آغاز کنند. «به سپاه خود دستور اکید داد که در
برابر خصم، صفوفشان را بیاریند اما دست به جنگ نزنند، نه تیر پرتاب کنند و نه
شمشیر و نیزه به کار برند، بلکه بگذارند دشمن دست به جنگ تجاوز کارانه بزند و از
او دلیلی رسا و زنده علیه خودش به دست آید.» (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۱۷، به نقل از تاریخ
یعقوبی ۸۰۱)

پیش از نبردهای صفین به معاویه اعلام کرد که «رویه ما این است که جنگ را
شروع نکنیم»، شیوه وی در مقابله با خوارج هم چنین بود. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۱۷، نقل از تاریخ
الفخری ۶۶) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، تا طرف مبارزه اش به تجاوز دست نزده و
چند تن را نکشته بود به جهاد مسلحانه نمی‌پرداخت، حتی اگر دشمن قبلاً عده بسیاری

را کشته بود باز تا در میدان رزم دست به تجاوز و کشتار مسلمانان نمی‌زد هرگز به دفاع مسلحانه مبادرت نمی‌جست.

۵- اتمام حجت قبل از شروع به جنگ:

پیش از درگیری مسلحانه صفین، سفیری به اردوی معاویه فرستاد حامل این پیام: «رویه ما این است که جنگ را شروع نکنیم تا ابتدا دلایلی علیه شما اقامه و ارائه نماییم و حجت را بر شما تمام گردانیم و بگذاریم طرفین درباره دلایلی که آنها را به جنگ کشانده بیندیشند...» (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۰۹. به نقل از تاریخ الفخری ۶۶) امام علی^(ع) برای سرکوبی تجاوزمسلحانه «نهروان» مانند سرکوبی سایر تجاوزات، نخست به جهاد مسلحانه نپرداخت بلکه به جهاد اعتقادی سیاسی مبادرت جست ... تا حجت را بر متجاوزان تمام گرداند. به این منظور پیغام داد نماینده اعزام دارند تا در چگونگی علت قیامشان مناقشه و مذاکره نماید و دلایلیشان را در این خصوص ارائه دهد.» (فارسی؛ ۱۳۴۶، ۷۱۰) در جنگ جمل پس از صدور دستور حمله یادآور شد که «زخمی را نکشند و به دنبال فراری نروند و خون اسیر را نریزند.» (فارسی؛ ۱۳۴۶، ۷۱۲. به نقل از اغانی ۱۶/۱۲۷)

۶- آموزش نظامی:

دندان‌ها را برهم بفشارید تا مقاومت شما برابر ضربات شمشیر دشمن بیشتر گردد. زره نبرد را کامل کنید، پیش از آنکه شمشیر را از غلاف بیرون کشید چند بار تکان دهید، با گوشه چشم به دشمن بنگرید و ضربت را از چپ و راست فرو آورید و با تیزی شمشیر بزنند و با گام برداشتن به پیش، شمشیر را به دشمن برسانید. (نهج البلاغه، خطبه ۶۶)

روحیه بخشی و آموزش نظامی: اگر کوه‌ها از جا کنده شوند تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را برهم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین میخ کوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم بیوش. (نهج البلاغه، فراز ۴۹)

۷- اصل عبادت و قداست جهاد:

جهاد، قلّه بلند اسلام و یکتا دانستن خدا براساس فطرت انسان‌هاست. (نهج البلاغه، ص ۲۰۳)

همانا جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی

دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، و زره محکم، و سپر مطمئن خداوند است.

کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می پوشاند...

به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است. (نهج البلاغه، فراز ۶۹)

۸- تربیت و تدارک نیروی مبارز:

حتی خطابات ائمه و به ویژه مولا علی (ع) به شیعه خودشان و گله‌گزاری از آنان بیشتر خاصیت تنبیه به منظور تدارک نیروی مبارز مطلوب را داشته است. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۵۹۹) امام علی (ع) در وصف خود می گوید: «اما دریغ، با کدام نیرو بجنگم؟ و به چه کسی اطمینان کنم؟ شگفتا! می‌خواهم به وسیله شما بیماری‌ها را درمان کنم، اما شما درد بی درمان من شده‌اید، کسی را می‌مانم که خار در پایش رفته و با خار دیگری می‌خواهد آن را بیرون بکشد.» (نهج البلاغه، ص ۲۲۳) وقتی به امیرالمؤمنین (ع) اعتراض کردند که با اتخاذ سیاست اقتصادی عادلانه به پراکندن نیروهایش دست زده و به تضعیف نیروی خویش پرداخته فرمود: «به من توصیه می‌کنید که پیروزی را با اتخاذ روش ستم‌کارانه نسبت به کسانی که عهده دار اداره و رهبریشان شده‌ام به دست آورم؟» (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۶۰۰)

۱۰- اصل شایسته سالاری:

برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین، که خیر خواهی او برای خدا و پیامبر (ص) و امام تو بیشتر و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد... و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۱۱- اصل انتظار و امید به آینده :

او حضرت مهدی (عج) خواسته‌ها را تابع هدایت و وحی می‌کند، نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد... زمین، میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را بر شما می‌نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را که تا آن روز متروک ماندند زنده می‌کند. (دشتی؛ ۱۳۸۶، خطبه ۱۳۸) بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را

پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع کند. (دشتی؛ ۱۳۸۶، ص ۲۶۹)
امام علی^(ع) از نحوه رفتار مردم کوفه و بصره با امام در صلح و جنگ، نسبت به آینده پر فتنه‌ای در انتظار اینگونه افراد است آینده نگری نموده است.

۱۲- تبعیت از مقررات دینی:

امیرالمؤمنین^(ع) در تمام حرکات نظامی از مقررات و اصول مرامی تبعیت می کرد. مثلاً به هنگام نزدیک شدن به سپاه معاویه، ملاحظه کرد که هنگی از آن راه آب را بر او بسته است به معاویه پیغام داد: «آنچه به منظورش اینجا آمده ایم آب نیست و اگر پیش از تو به آب دست یافته بودیم به رؤیت نمی بستیم» و سپس که بر آب مسلط شد آنرا به روی سپاه معاویه باز گذاشت. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۰۷) پیش از آن که سپاه کوفه به صحرای صفین برسد، سربازان معاویه رودخانه فرات را در اختیار گرفتند. امام علی^(ع) صعصعه بن صوحان، را بسوی معاویه فرستاد که چرا شریعه فرات را بستند؟... معاویه همچنان دستور داد که آب را بسته نگه دارند. به فرمان امام^(ع) خط شکنان سپاه به فرماندهی امام حسن^(ع) حمله کردند آب را در اختیار گرفته، سپاه معاویه را کنار زدند، اما امام علی^(ع) دستور داد که آب برای هر دو لشکر آزاد باشد، این عمل جوانمردانه امام^(ع)، باعث بیداری بسیاری از شامیان شد که برخی از آنان به سپاه امام پیوستند. (دشتی؛ ۱۳۸۶، ص ۹۷) امام علی^(ع) پیش از آغاز جنگ صفین به سپاهانش درباره طرز رفتار با دشمن پس از هزیمت و تبدیلیش به غیرنظامی چنین دستور داد: «هر گاه به اذن خدا هزیمت گرفتند، رو بر تافته را نکشید و اما نخواه را به تیغ زنید و نه زخمی را بکشید. زنان را به آزار مرنجانید و خشم میارید گر چه مقدساتان را بد گویند و رهبران و فرماندهانتان را دشنام دهند؛ زیرا آنان کم بنیه و کم روحیه و کم خردند. خاصه آن که دستور داریم دست از آزار زنان مشرک بداریم، و می دانیم که در جاهلیت اگر مردی با مثنی سنگ یا چوب دستی زنی را می زد او را نکوهش می کردند و این ننگ بر جبین او و بازماندگانش برجا می ماند. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۸۲۷) اسیر کردن زن مسلمان گر چه به تجاوز مسلحانه دست زده باشد روانیست، چنان که امیرالمؤمنین^(ع) در جهاد جمل اسیر کردن تجاوز کاران را روا نشمرد و وقتی دلیل خواستند که چطور جنگیدن با آنان رواست؛ اما اسیر کردنشان ناروا؟ استدلال فرمود که در صورت تقسیم اسیران، عایشه ام‌المؤمنین سهم چه کسی باشد؟ همه سر شرم فرو افکندند. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۸۲۱)

حضرت علی (ع) در جنگ صفین، شنید که یاران او شامیان را دشنام می دهند، حضرت فرمود: «من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را توصیف و حالات آنان را باز گو می کردید، به سخن راست نزدیک تر و عذر پذیرتر بود.» (نهج البلاغه، ص ۴۱۷)

۱۳- اصل ارتباط امور نظامی با سایر امور:

امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی شود که با آنان برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی های خود را بر طرف سازد. (نهج البلاغه، ص ۵۵۵)

مبانی اندیشه نظامی امیر المؤمنین (ع)

۱- شماتت افراد به دلیل عمل و رویه کافرانه شان:

امیر المؤمنین (ع) فقط از آن جهت که پدر معاویه کافر بود او را سرزنش نمی کرد، بلکه به این دلیل بر او عیب می گرفت که دنباله رو ابوسفیان بود. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۶۳۲)

۲- تبلیغات و عملیات روانی:

در میدان جمل، بر اثر آن زبیر صحابی معروف از میدان جنگ بیرون رفت. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۲۰)

۳- مناجات و دعا در جنگ ها:

نیایش در آستانه جنگ صفین؛ پروردگارا اگر بر دشمن پیروزمان ساختی، ما را از تجاوز برکنار دار، و بر راه حق استوار فرما، و چنانچه آن ها را بر ما پیروز گرداندی شهادت نصیب ما فرموده و از شرک و فساد و فتنه ها، ما را نگهدار. (دشتی؛ ۱۳۸۶، ص ۳۱۷)

۴- صبر و استقامت

۵- دقت در متن معاهدات صلح

۶- حفاظت از رهبری نظامی :

پس از جنگ صفین و نهروان، در سال ۳۸ هجری مردم را برای سرکوبی معاویه فراخواند سکوت کردند. فرمود: «شما را چه شده، آیا لال هستیید؟» گروهی گفتند: «ای امیر المؤمنین! اگر تو حرکت کنی با تو حرکت می کنیم.» امام (ع) فرمودند: «من چنان محور سنگ آسیاب، باید بر جای خود استوار بمانم تا همه ی امور کشور، پیرامون من و

به‌وسیله من به گردش در آید ... به حق خدا سوگند که این پیشنهاد بدی است.» (دشتی ۱۳۸۶، ۲۲۱)

جناب عمر برای شرکت در جنگ با رومیان در سال ۱۵ هجری با امام مشورت کرد. آن حضرت فرمود:

«هرگاه خود به جنگ دشمن روی و با آنان روبه‌رو گردی و آسیب بینی، مسلمانان تا دورترین شهرهای خود، دیگر پناهگاهی ندارند و پس از تو کسی تا بدان رو آورند. مرد دلیری را به سوی آنان روانه کن و جنگ آزمودگان و خیرخواهان را همراه او کوچ ده.» (دشتی؛ ۱۳۸۶، ۲۴۵)

۷- مبانی صلح و سازش مسلمین در نهج البلاغه:

در عهدنامه‌ای که امیرالمؤمنین^(ع) برای صلح میان قبیله «ربیع» و یمن تنظیم فرموده آمده است «آنان پیرو قرآنند و به کتاب خدا دعوت می‌کنند و به انجام دستورات آن فرمان می‌دهند.» (دشتی؛ ۱۳۸۶، ص ۵۹۷)

اصول اندیشه نظامی امام حسین^(ع)

۱- تقدّم کیفیت نیرو بر کمّیت آن:

انسان‌هایی می‌توانستند عناصر متشکله این نیرو باشند که به هدف واقف بوده و مسیر تحقق آن را دانسته و آماده فداکاری و تحمل رنج و تلاش برای آن باشند. این یکی از دلایلی بود که ائمه را به اخذ بیعت آزادانه و مشتاقانه از طرفدارانشان وا می‌داشت. یکی از علل منطقی کار سیدالشهداء در طریق طف (کربلا) که مکرر بیعت خود را می‌گسست و پیروانش را در تجدید آن عهد مخیر می‌ساخت همین بود. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۶۰۱) چون امام حسین^(ع) نقشه جهادش را طوری تنظیم کرده که به شهادت منتهی می‌شد و همه تاثیرات از آن برمی‌خاست نفرات نیروی او را کسانی می‌توانستند تشکیل دهند که شهادت را آگاهانه استقبال کنند. لذا در طول راه چندین بار نیروی خود را تصفیه کرد و آزمود و جز به هم‌راهی مجاهدان آماده شهادت و آگاه از شهادت رضایت نداد. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۹۵) پس از این تصفیه، هم‌چنان به سربازگیری ادامه داد، زیرا معنی اجازه دادن به افراد در ادامه پیوستگی به او یا گسستن از این نبود که از جهادش منصرف گشته یا به هم‌رزم و یاور نیاز ندارد، بلکه این بود که به

مجاهدانی نیازمند است که از عهده شهادت فاجعه آمیز و تکان دهنده و مردانه برآیند.

(فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۹۶)

۲- تربیت و تدارک نیروی مبارز:

امام حسین (ع) پس از برخورد با طلیعه سپاه دشمن هم‌چنان با جدیتی بی نظیر در پی سربازگیری بود و حتی اگر هم‌راهی کسی را مفید تشخیص می‌داد نماینده‌ای بدنبالش می فرستاد و او را به مذاکره می‌خواند و اگر دعوتش رد می‌شد با کمال فروتنی برخاسته پیش او می رفت مگر برای هم‌راهی و هم‌رزمی در جهاد منتهی به شهادت یاریش کند. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۹۶)

در شب عاشورا، وقتی که حضرت زینب (ع) از او پرسید: «آیا به نیت و باطن یارانت خوب پی برده‌ای. زیرا من نگرانم که مبادا به‌هنگام سختی و خطر تو را رها کنند.» فرمود: «به خدا قسم آنان را جدا آزموده و دریافته‌ام که همگی بدون استثنا جانباز و دلیر و رزمنده اند و جویای شهادت اند.» (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۹۷)

۳- اتمام حجت قبل از شروع به جنگ

۴- خود داری از آغاز جنگ و حرمت مسلمان کشی:

امام حسین (ع) همواره از شروع جنگ پرهیز می‌کرد و در این پرهیز و احتراز چنان پا برجا و مصر بود که گاه پیروزی نظامی را به خاطر آن از دست می‌داد و شکست نظامی را می‌پذیرفت، چنان‌که در راه طف (کر بلا) در محلی به نام «عذیب الیهجانات» نیروی خصم بر کاروان او فشار می‌آورد تا در بیابان خشکی فرود آید به این تدبیر که قوای امدادی از نقاط مختلف عراق فرا رسد و کار این سپاه کوچک به آسانی ساخته شود. در این احوال «زهیر بن قین» به امام پیشنهاد کرد که هر چه زودتر علیه هنگ کوچک دشمن دست به کار شود و مهلت ندهد تا نیروهای امدادی هضم فرا رسد، ... پیشنهاد وی از نظر ملاحظات نظامی کاملاً عاقلانه و صحیح بود ... اما امام قاعده‌ی مسلم نظامی را به خاطر اصل حقوقی «حرمت مسلمان کشی و منع تجاوز مسلحانه» ندیده گرفت و فرمود: «جنگ را من آغاز نخواهم کرد». (فارسی، ۱۳۴۶، ص ۶۷۷ به نقل از ارشاد شیخ مفید)

صبح عاشورا «مسلم بن عوسجه» وقتی شمر را در تیررس خویش دید از امام اجازه خواست او را به تیر بزند و اظهار یقین کرد که تیرش به خطا نخواهد رفت. اما

امام به همین ملاحظه به او اجازه تیراندازی نداد و دگر بار متذکر شد که «نمی‌خواهم جنگ را من آغاز کرده باشم». (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۶۷۷ به نقل از تاریخ طبری ۴/ ۳۲۲) این بود که امام حسین^(ع) در آستانه رزم کربلا در اولین نطقش از جنگجویان که به پیکارش کمر بسته بودند پرسید: «به چه دلیل ریختن خونم را روا می‌پندارید؟ وای بر شما! آیا کسی از شما را کشته‌ام؟» (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۶۷۷ به نقل از لهوف: ۷۶)

۵- اصل مبارزه با بدعت‌ها و بدعتگزاران جامعه اسلامی

مبانی اندیشه نظامی امام حسین^(ع)

- ۱- مبارزه با بدعت در جامعه اسلامی
- ۲- تبلیغات و عملیات روانی
- ۳- خودداری از بیعت با حاکم ظالم و ناحق:
امام حسین^(ع) در جواب محمد بن حنیفه: «برادر جان اگر در دنیا پناهگاه و سنگر و ماوایی هم نمی‌بود باز از بیعت با یزید پسر معاویه سر بر می‌تافتیم.» (فارسی؛ ۱۳۴۶، ص ۷۸۹ به نقل از مقتل محمدبن ابی طالب)
- ۴- مناجات و دعا در جنگ:
آن شب امام حسین^(ع) و یارانش به شب زنده داری پرداختند: «درحالی که برخی در رکوع و سجود و برخی ایستاده و برخی نیز نشسته سرگرم عبادت بودند، صدای مناجات و راز و نیازشان همانند صدای بال زنبوران عسل به گوش می‌رسید به همین دلیل در آن شب ۳۲ نفر از سپاه عمر بن سعد به یاران امام حسین^(ع) پیوستند. و مرام و منش حسین^(ع) این چنین بود، او بسیار نمازگزار و دارای صفات کمالیه بود. (سیدبن طاووس؛ ۱۳۸۸، ص ۱۲۵، لهوف)
- ۵- ترک مناصمه موقت
- ۶- تبلیغات برضد نقض قوانین جنگی
- ۸- روحیه بخشی به رزمندگان
- ۸- تبعیت از مقررات دینی
- ۹- تبلیغات برضد نقض قوانین جنگی :
نخستین کسی که به نقض قانون جنگی داخلی اعتراض کرد زینب^(ع) بود که

هنگام عبور از کنار نعش کشتگان پس از تذکر ناروایی قتل حسین (ع) فرزند پیامبر، به ناروایی اسارت زنان خانواده او اشارت فرمود. (فارسی؛ ۱۳۴۶، ۸۳۲)؛ وجدش را ندا داد «یا محمدا! دخترانت اسیر شده و فرزندان کشته بر زمین افتاده‌اند در حالی که باد صبا بر پیکر مطهرشان خاک می‌پاشد؛ این حسین توست که سرش از قفا ذبح شده و عمامه و ردایش به غارت رفته است...» (سیدابن طاووس؛ ۱۳۸۸، ص ۱۸۳)

نتیجه گیری

در این مقاله مبانی و اصول اندیشه دفاعی رسول اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. آنچه مشهود است این مبانی و اصول مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است که رسول اعظم (ص) و به تبع ایشان ائمه (ع) از این آموزه‌ها در مباحث مختلف فردی و اجتماعی به ویژه در حوزه مسائل دفاعی بهره می‌بردند. اصول و مبانی مطرح شده در این مقاله نظر نویسندگان می‌باشد. لذا مطالعه و تحقیق بیشتر در زمینه اصول و مبانی اندیشه دفاعی در صدر اسلام می‌تواند راه‌گشای دستیابی به نکات برجسته‌ای از اندیشه پربهای رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) در حوزه علوم دفاعی باشد. اگرچه مقاله‌ای با این سیاق، نوعی نوآوری در تدوین مقاله تاریخی با موضوع صدر اسلام می‌باشد، لیکن ادامه تحقیق در این زمینه به لحاظ دارا بودن ارزش علمی در حوزه دفاعی، می‌تواند موجب توسعه دانش راهبردی مبتنی بر اندیشه ناب اسلامی شده و با افزودن بر مطالب گذشته در این زمینه، موجب غنای علمی این حوزه از دانش مورد بررسی از صدر اسلام گردد.

منابع و مأخذ

- ۱- اشراق، محمدکریم (۱۳۶۰). تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۲- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۴۶). انقلاب تکاملی اسلام، تهران: موسسه انتشارات آسیا
- ۳- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ
- ۴- جعفریان؛ رسول (۱۳۸۶). سیره رسول خدا (ص)، (تاریخ سیاسی اسلام)، قم: انتشارات دلیل ما
- ۵- خاتمی، احمد (۱۳۷۲). ابعاد جنگ در اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر،
- ۶- نهج البلاغه (۱۳۸۶). مترجم محمد دشتی، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول
- ۷- رحمت کاشانی؛ حامد (۱۳۸۶). فرهنگ سخنان رسول خدا (ص)، نگارشی نو از کتاب نهج الفصاحه، تهران: انتشارات پیام عدالت
- ۸- سبحانی؛ جعفر (۱۳۶۳). فروغ ابدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر (ص)، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، قم: انتشارات نشر دانش اسلامی
- ۹- سیدبن طاووس (۱۳۸۸). لهوف، ترجمه محمد اسکندری، چاپ دوم، تهران: انتشارات پیام عدالت،
- ۱۰- ضاهروتی، محمد (۱۳۸۵). مدیریت نظامی در نبرد های پیامبر اکرم (ص)، ترجمه دکتر اصغر قائدان، تهران: انتشارات صریر، چاپ دوم
- ۱۱- عاملی، علی دهموش (۱۳۷۹). دائره المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ترجمه غلامحسین باقری مهبیاری، تهران: انتشارات

بررسی اندیشه دفاعی دوران صدر اسلام با تأکید بر اندیشه دفاعی پیامبر اعظم (ص)، امیر المؤمنین (ع) و امام حسین (ع)

دانشگاه امام حسین (ع)، جلد اول

۱۲- محقق حلی (۱۳۴۶). شرایع اسلام، ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی، به

تصحیح احمد دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه

Reviewing the Defense Thought of the Early Years of Islam Emphatically on Hazrat Mohammad (s), Imam Ali (a) and Imam Hussein (a) s

**M.Reza Besharati
Mahdi Chaharpashloo**

Abstract

The early years of Islam's history –from hazrat Mohammad's era till Ashura- are full of military incidents. The military thought of these wars had especial principals, studied precisely, can lead the real believers through the centuries. Reviewing this part of the history prove the right concepts and policies, employed by hazrat Mohammad(s). It seems that the holly man had spent his life years in military universities that could plan like an understanding commander and give impressive victories. We are trying to study the principals the three noble men, mentioned above, according to their behaviors and words. So, to better understand the topics, their military thought principals are studied separately.

Keywords: Defense thought, Islam history, Commanding.

Reviewing the Information Warfare Dimensions in Information Age

Ismael Khan ahmadi

Ehsan Kabirian

Abstract

The role of information in different fields is reviewed in this research: Political, military, economic and cultural wars, complex situation, different variables and threats, and challenges (domestically, regionally and globally). We try to survey the dimensions of information warfare according to scientific paradigm of contemporary defense schools. This text is the consequence of a research which is an applied research according to its aim; it's descriptive-inductive according to analysis level; it's library research method according to its approach and taxonomy. The required data is gathered through library studies and indexing the cards. The main question is replied in the research is, what are the dimensions of the information warfare in information age? There're some secondary questions as these: what are the characteristics of information warfare? What are the aims in information warfare? Which instruments are used in information warfare? In which levels of warfare is the information warfare developed and implemented? In which theater is Information warfare implemented?.

Keywords: Information warfare, Information age, threats, Strategy of defense.

Studying and Understanding the Methods of Discovering and countering the Strategic Cruise Missiles

Mohsen Goodarzi

Abstract

The role of cruise and other stand-off weaponry with lethal capability and accuracy in destroying the critical goals, yet not to be discovered by active defenses is very important. These armaments have valuable role in destroying the enemy center of gravities. Flying in low altitude and low level of visibility, the missile has high secrecy capability. Available reconnaissance systems aren't design to counter the missile. Thus, new concepts should be designed to do the responsibility. In this research, we try to assess and understand the ways to reconnaissance as well as countering the missile. Then, we answer the question, is it possible to reconnaissance and destroy the missile, and how? The research is applied research and its method is descriptive-analytical.

At the end, we conclude, to discover and destroy the threat, we can employ the followings: defense systems of fire controlling, anti-air artillery with radar and passive defense in low and mid altitude, and divert the missile from its original rout. Having optimum electronic warfare, jamming and commanding the missile in wrong way and also using mass ground to air defense systems can result in destroying the sophisticated missile.

Keywords: earthquake, crisis management, Western Azarbaijan, Basij.

**Studying the role of Sunnite Muslims of Taibad in securing
the city and presenting the Ideal course of action
(Respective manager's points of view)**

Alireza Noori

Ali Molavi Haghghi

Abstract

Security is critical which in its classical form, contains social, political, cultural and economic aspects. On the other hand, nation participation is one of the main discussions in national security. Nation participation in different social trends should be developed from passive to active and from instrumental way to deliberate participation, dependent and innovative.

Geographical location of Taibad city (79 kilometers joint border with Afghanistan and 60% of Sunnite) required us to assess the relation of ideas characteristics of Sunnite of the city and aspects of security in its manager's points of view. In the research, the vulnerabilities of security are recognized. The results of the analysis show that there is meaningful relation between the idea characteristics of Sunnite and the aspects of security. Suggestions are presented to improve the security of the city according to the results.

Keywords: Sunnite, Taibad, security, social vulnerabilities.

The Role of Nomadic Tribes in Holly Defense and Border Security of Provinces

M.Reza Nilechi

Mohsen Karimi

Abstract

On nomadic tribes and their role in irregular wars and defense of Iran's borders, especially in Eight-year holly defense in Elam province, it's not been researched seriously. So, Elam's nomadic tribes and their roles in holly defense and security of the borders of the province've been studied in this article. The main goal of the article is to answer this question; did these tribes have any roles?

Descriptive, analysis and measuring methods are applied in the research. Data is collected in field and library ways as well, index of cards, studying documents, reviewing maps and pictures, field interviewing, gathering questionnaire and observations have been used.

Commanders, tribes' patriarchs and influential people in organizing groups took part in the research. Questionnaires distributed in the sample societies and the results were analyzed which show nomadic tribes took part in the war from very early days of war. They organized stations, supported the worriers and organized battle groups (battalions, brigades and divisions). Finally, the article concludes the role of the tribes were positive, important, on time and useful in holly defense and security of the borders of the provinces.

Keywords: Elam's tribes, Iran-Iraq war, border security.

**Studying the Effectiveness of Basij Forces of North of
Tehran in countering the Cultural Aggression
(people and Basij Forces points of view)**

Abolfazl Amiri

Abstract

Given the important role of Basij in maintaining Islamic values and culture and active participant of their forces in countering the west cultural aggression, the effectiveness of employing the Basij is assessed in this research. To do this, we referred to the sources and documents, studied theoretical researches and interviewed managers. So, characteristics of employing Basij forces was extracted and effectiveness their activities were assessed. In this regard, cluster sampling in different phases of 620 (basij forces and people) was used.

38-maternal measurement of hypothesis and assessment of effectiveness of Basij forces activities were used in the research, which had high perpetuity ($r=94$). Next, effectiveness of every independent variable in countering cultural aggression was tested. Then, data gathered through measurement was coded and analyzed through SPSS software. Finally, the average scores of the two groups were compared through T test: the levels of effectiveness of 5 variables, representing Basij forces as symbols, cultural activities, enjoying the good and forbidding the evil, combat-cultural camping, taking part in recreational places. The result showed there's a meaningful difference between standard T and tested T ($p<0/01$), i.e. there's meaningful difference in employing Basij in countering cultural aggression. Basij forces believe, their activities can counter the cultural aggression. Thus, the research assumptions are supported.

Keywords: Basij Forces, Tehran

Analyzing the Origin of Command Style in Alavi Culture

Dr. M. Bagher Babaie

Abstract

Command style results from mental and value culture of the commanders. By reversed engineering of these two factors and their influential parameters, we can grasp the commanders' style. Mental and thinking origin of imam's (a) is affected by two social factors: 1- Social and cultural situations of that time. 2- Soft and hard arena. The arena has some characteristics which require special behaviors. Normally, understanding the differences of them helpfully affect the understanding of Imam (a) command styles in soft and hard threats. The two origins are studied to demonstrate the ideal command style in Alavi culture, which will be presented in future issue of the magazine.

Keywords: Alavi culture, command, soft threats, soft power, hard threats.

ABSTRACTS

Contents

Title	Author	Page
Analyzing the Origin of Command Style in Alavi Culture	Dr. M. Bagher Babaie	1
Studying the Effectiveness of Basij Forces of North of Tehran in countering the Cultural Aggression	Abolfazl Amiri	2
The Role of Nomadic Tribes in Holly Defense and Border Security of Provinces	M.Reza Nilechi -Mohsen Karimi	3
Studying the role of Sunnite Muslims of Taibad in securing the city and presenting the Ideal course of action	Alireza Noori - Ali Molavi Haghghi	4
Studying and Understanding the Methods of Discovering and countering the Strategic Cruise Missiles	Mohsen Goodarzi	5
Reviewing the Information WarfareDimensions in Information Age	Ismael Khan ahmadi - Ehsan Kabirian	6
Reviewing the Defense Thought of the Early Years of Islam Emphatically on Hazrat Mohammad (s), Imam Ali (a) and Imam Hussein (a) s	M.Reza Besharati - Mahdi Chaharpashloo	7